

فصلنامه پژوهش های جغرافیای سیاسی

(نشریه علمی)

ISSN: ۲۴۷۶-۳۱۲۶



- ۱ تحلیل تنگناهای هیدروپلیتیک ترکمنستان در رابطه با همسایگان
سید هادی زرقانی، ملیحه اخباری، ندا چاره‌ئی، نجمه محمودی
- ۳۳ فراتحلیل پژوهش های انجام شده در حوزه شهرهای مرزی، نظم و امنیت در استان سیستان و بلوچستان
مصطفی ایستگلدی، محمد قنبری، رضا پویا، مجتبی روستا
- ۶۳ تأثیر هویت مکانی بر توزیع فضایی رأی در حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین دژ و تکاب
مراد کاویانی راد، آرش سلطانی
- ۸۳ آسیب شناسی مدیریت سیاسی فضا در نظام های بسیط متمرکز مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران
محمدباقر قالیباف، عباس احمدی کرچ، یاشار ذکی، احسان لشگری تفرشی، مرتضی رضوی نژاد
- ۱۲۱ آینده پژوهی پیشران های مؤثر بر توزیع فضایی زیرساخت های استان خراسان رضوی با تأکید بر پدافند غیرعامل
هادی اعظمی، اکبر حیدری تاشه کبود، حسین رستمی
- ۱۵۵ تبیین نظری هستی شناسی دولت های ناحیه ای
محمود مبارکشاهی، محمد رضا حافظ نیا، ریباز قربانی نژاد، ابراهیم رومینا
- ۱۷۷ تحلیل پیشران های کلیدی مؤثر بر شکل گیری جریان سیاسی - مذهبی روشنی در شبه قاره هند با رویکرد آینده پژوهی
حسام الدین حجت زاده، محمد باغستانی کوزه گر، شهربانو دلبری



انجمن ژئوپلیتیک ایران
Iranian Association of
Geopolitics

سال چهارم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۸، پیاپی ۱۴





دانشگاه فردوسی مشهد
دانشکده ادبیات و علوم انسانی

مجله علمی پژوهش‌های جغرافیای سیاسی (نشریه علمی)

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر هادی اعظمی

سرمدیر: دکتر محمدباقر قالیباف

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر زهرا احمدی پور (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر جواد اطاعت (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر هادی اعظمی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محسن جان‌پرور (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محسن خلیلی (استاد علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر هادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد)
دکتر محمد باقر قالیباف (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران)
دکتر سید موسی پور موسوی (استادیار جغرافیای شهری، دانشگاه جامع امام حسین (ع))

مقالات به ترتیب تاریخ دریافت درج می شود.

مدیر داخلی: دکتر محسن جان‌پرور دستیار سردبیر: منصوره اسکندران

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: الهه تجویدی

نشانی: مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی، کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۸۳

پها: داخل کشور: ۲۰۰۰۰ ریال (تک‌شماره) خارج کشور: ۲۵ دلار (آمریکا-سالانه)، ۲۰ دلار (سایر کشورها-سالانه)

نشانی اینترنتی: <http://pg.um.ac.ir/index.php/pg/index> E-mail: pg@ferdowsi.um.ac.ir

این مجله در پایگاه‌های زیر نمایه می شود:

- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)
- پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)
- پایگاه بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

داوران این شماره به ترتیب حروف الفبا

مصطفی امیرفخریان (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
محسن جانپور (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)
امیدعلی خوارزمی (استادیار مدیریت شهری دانشگاه فردوسی مشهد)
ابراهیم رومینا (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران)
سید هادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)
علی صادقی (استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فرهنگیان)
وحید صادقی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد)
حسن صدرانیا (استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران)
محمدحسن صنعتی (دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران)
یونس غلامی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه کاشان)
ریباز قربانی‌نژاد (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران)
مراد کاویانی راد (دانشیار جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی تهران)

شرایط تدوین مقاله

۱. فصلنامه جغرافیای سیاسی تنها مقالاتی را ارزیابی می‌کند که در حوزه جغرافیای سیاسی باشد. همچنین مقالات مربوط به حوزه روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، علوم استراتژیک و سایر رشته‌ها و گرایش‌های وابسته نیز در صورتی که با رویکرد ژئوپلیتیک باشد، در تحریریه مجله قابل بررسی می‌باشد.
۲. مقاله باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد و لزوماً به تولید علم و معرفت جدید منجر شده باشد. فصلنامه از مقاله‌های استخراج‌شده از رساله دکترا، پایان‌نامه‌های برجسته و همچنین طرح‌های تحقیقاتی مستقل در صورتی که مشتمل بر اصول و روش تحقیق در حوزه مربوط به آن باشد، استقبال می‌کند.
۳. مقالات برگرفته‌شده از پایان‌نامه‌های دانشجویی با نام استاد راهنما، دانشجو و مشاوران به صورت مشترک و با مسئولیت استاد راهنما منتشر خواهد شد.
۴. مقاله علمی - پژوهشی لزوماً دارای اجزای ساختاری زیر است که به ترتیب عبارتند از: چکیده ۲۵۰ تا ۳۰۰ کلمه به زبان فارسی و چکیده مبسوط انگلیسی و ترجمه صحیح، کلیدواژه‌ها، مقدمه نظری و توجیهی، روش تحقیق، یافته‌های تحقیق، تجزیه و تحلیل، نتیجه‌گیری، قدردانی و فهرست منابع رعایت این ساختار از سوی ارائه‌کنندگان مقاله ضروری است.
۵. مقالات ارسالی باید دارای چکیده مبسوط (Extended abstract) ویرایش شده به زبان انگلیسی و مشتمل بر موارد زیر باشد:
Introduction, Methodology, Result and discussion, Conclusion, key word.
۶. مجله از مقاله‌های نظری که به ابداع یا ارائه نظریه‌های علمی و نیز نقد و بررسی عالمانه نظریه‌های موجود به وسیله اساتید و صاحب‌نظران برجسته می‌پردازند، استقبال می‌نماید.
۷. مقاله ارسال‌شده در نشریه دیگری چاپ نشده و یا همزمان برای سایر مجلات ارسال نشده باشد. ارسال تعهدنامه کتبی از سوی نویسنده در این رابطه به همراه مقاله ضروری می‌باشد. مقالات همایش‌های علمی مشروط به اینکه با تغییرات قابل توجه و افزودن مطالب جدید همراه باشد، قابل بررسی است.
۸. مقالات به دو زبان فارسی و انگلیسی قابل پذیرش است.
۹. در مقالاتی که بیش از یک نویسنده دارند، نویسندگان باید یک نفر را به عنوان نویسنده عهده‌دار مکاتبات مشخص کنند. در غیر این صورت نفر اول، نویسنده عهده‌دار مکاتبات شناخته خواهد شد.
۱۰. مقالات ارسالی با قلم B Lotus و حداکثر در ۲۰ صفحه و ۶ هزار کلمه باشد و از طریق سایت اینترنتی مجله به نشانی <http://jm.um.ac.ir/index.php/pg/index> ارسال شود.

۱۱. شیوه ارجاع در مقاله باید به سبک APA و تماماً به لاتین و منابع مورد استناد در داخل متن با ذکر نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار و شماره صفحه داخل پرانتز آورده شود. مانند: (میرحیدر، ۱۳۸۶: ۲۲) ترجمه صحیح (Mirhaydar, 2007: 22) همچنین شیوه نگارش مشخصات منابع و مراجع در انتهای مقاله براساس حروف الفبا بایستی به صورت نمونه‌های زیر با ترجمه دقیق و در انتها در داخل کروشه ذکر [Persian] باشد.

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان) یا مترجم، (سال انتشار)، عنوان کتاب، محل انتشار، ناشر و DOI مربوطه.

- Hafeznia, Mohammad Reza. (2006). Principles and Concepts of Geopolitics, [In Persian], Mashhad: Papoli Publications.

مجله: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان)، (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام مجله، شماره مجله و DOI مربوطه.

اینترنت: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان)، (سال انتشار یا دسترسی)، عنوان اثر، شناسه (آدرس) سایت/ پایگاه و DOI مربوطه.

۱۲. در تنظیم جداول، نمودارها و شکل‌ها رعایت نکات زیر الزامی است:

الف) اطلاعات جداول نباید به صورت شکل و یا نمودار در مقاله تکرار شوند. شماره و عنوان جداول در بالا و شماره و عنوان نقشه‌ها، اشکال و نمودارها در پایین آنها ذکر گردد و در صورت اخذ آنها از منابع دیگر، ذکر منبع در زیر آنها الزامی است. همچنین ابعاد آنها باید متناسب با ابعاد فصلنامه ژئوپلیتیک باشد.

ب) هر ستون جدول باید دارای عنوان و واحد مربوط به خود باشد، چنانچه تمام ارقام جدول دارای واحد یکسان باشند، می‌توان واحد را در عنوان جدول ذکر نمود.

ج) تصاویر و نقشه‌ها باید واضح، خوانا، دارای مقیاس و با کیفیت مناسب تهیه شده باشند. (در صورت نیاز به چاپ رنگی نقشه‌ها و نمودارها هزینه آن جداگانه محاسبه و دریافت می‌شود).

۱۳. حتی المقدور DOI منابع الکترونیکی مورد استفاده، در پایان مشخصات آن ذکر شود، مانند: (doi:10.1000/182):

۱۴. مقالات دریافت شده پس از بررسی اولیه در مسیر فرآیند داوری علمی قرار گرفته و رأی نهایی درخصوص پذیرش یا رد آن توسط هیأت تحریریه صادر می‌شود.

۱۵. فصلنامه حق رد یا قبول و ویرایش مقالات را برای خود محفوظ می‌دارد و از بازگرداندن مقالات دریافتی معذور است. مسئولیت صحت و سقم مطالب مقاله به لحاظ حقوقی بر عهده صاحب و یا صاحبان مقاله می‌باشد.



- ۱ تحلیل تنگناهای هیدروپلیتیک ترکمنستان در رابطه با همسایگان ۱
سید هادی زرقانی، ملیحه اخباری، ندا چاره‌ئی، نجمه محمودی
- ۳۳ فراتحلیل پژوهش های انجام شده در حوزه شهرهای مرزی، نظم و امنیت در استان سیستان و بلوچستان ۳۳
مصطفی ایستگلدی، محمد قنبری، رضا پویا، مجتبی روستا
- ۶۳ تأثیر هویت مکانی بر توزیع فضایی رأی در حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین دژ و تکاب ۶۳
مراد کاویانی راد، آرش سلطانی
- ۸۳ آسیب شناسی مدیریت سیاسی فضا در نظام های بسیط متمرکز مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران ۸۳
محمدباقر قالیباف، عباس احمدی کرچ، یاشار ذکی، احسان لشگری نفرشی، مرتضی رضوی نژاد
- ۱۲۱ آینده پژوهی پیشران های موثر بر توزیع فضایی زیرساخت های استان خراسان رضوی با تأکید بر پدافند غیرعامل ۱۲۱
هادی اعظمی، اکبر حیدری تاشه کبود، حسین رستمی
- ۱۵۵ تبیین نظری هستی شناسی دولت های ناحیه ای ۱۵۵
محمود مبارکشاهی، محمد رضا حافظ نیا، رباب زقربانی نژاد، ابراهیم رومینا
- ۱۷۷ تحلیل پیشران های کلیدی مؤثر بر شکل گیری جریان سیاسی - مذهبی روشنی در شبه قاره هند با رویکرد آینده پژوهی ۱۷۷
حسام الدین حجت زاده، محمد باغستانی کوزه گر، شهربانو دلبری

تحلیل تنگناهای هیدروپلیتیک ترکمنستان در رابطه با همسایگان

سید هادی زرقانی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

h-zarghani@um.ac.ir

ملیحه اخباری (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

m.akhbari@mail.um.ac.ir

ندا چاره‌ئی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

neda.charehei@yahoo.com

نجمه محمودی (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

n.mahmoudi1995@gmail.com

چکیده

کشورهایی که از حیث منابع تأمین آب در رابطه با همسایگان (بالادست) خود از موقعیت فرودستی برخوردارند، اغلب منفعلانه عمل می‌کنند؛ به‌ویژه چنانچه نتوانند نظر مساعد همسایگان (در حوضه آبریز مشترک) را با خواست خود جلب و همراه سازند، با این همسایه‌ها دچار چالش و نزاع خواهند شد. عکس این موضوع هم صادق است؛ آنجایی که گاه، کشورهای بالادست از این موقعیت به‌عنوان ابزاری سیاسی جهت فشار بر رقیب و امتیازگیری بیشتر بهره‌برداری می‌نمایند. این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی و با استناد به منابع معتبر، به دنبال بررسی و تحلیل تنگناهای هیدروپلیتیک ترکمنستان در رابطه با همسایگان است. مفروض مقاله این است که موقعیت جغرافیایی و وضعیت هیدروپلیتیک ترکمنستان از حیث تأمین منابع آب به‌گونه‌ای است که این کشور با همسایگان خود در این زمینه، چالش‌های اساسی خواهد داشت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ترکمنستان نسبت به اغلب همسایگان در موقعیت فرودستی قرار دارد. این مسئله به‌صورت بالقوه (از ناحیه ایران) و بالفعل (از ناحیه افغانستان و چهار جمهوری آسیای مرکزی) برای ترکمنستان ایجادکننده زمینه‌های بروز چالش هیدروپلیتیک برای این کشور در رابطه با همسایگان خواهد بود. ضمن اینکه تأثیرگذاری برخی متغیرها همچون تغییر اقلیم و تداوم خشکسالی‌ها، افزایش نسبت شهرنشینی و تغییر سبک زندگی و به تبع آن افزایش شدید مصرف آب و ضرورت تولید برخی محصولات کشاورزی استراتژیک، به‌طورقطع در آینده‌ای نزدیک، موجب تشدید بحران هیدروپلیتیک بین ترکمنستان و همسایگان خواهد بود.

واژگان کلیدی: ترکمنستان، هیدروپلیتیک، آسیای مرکزی، ایران، رودهای مرزی

مقدمه

آب به‌عنوان ارزشمندترین عامل حیات و مهمترین رکن توسعه و آبادانی به‌شمار می‌رود. از این‌رو، کمبود منابع آبی، نقش مهمی در تشدید تنش‌های موجود و ایجاد چالش‌ها و بحران‌های جدید بین ملت‌ها و حکومت‌ها دارد. رقابت برای منابع آب مشکلاتی را موجب خواهد شد؛ به این صورت که دولت‌های دارای ذخایر آبی اهرم‌های فشار بیشتری برای تحت فشار گذاشتن همسایگان نیازمند خود خواهند داشت و این مسئله به‌شدت بر توازن منطقه‌ای تأثیرگذار بوده و مناطق دارای کمبود آب را به بی‌ثباتی می‌کشاند (Camp & Harkawy, 2004:167). در این بین، مناقشه بر سر حق آب (حق‌آبه) در حوضه رودخانه‌ها و دریاچه‌هایی که بین دو یا چند کشور مشترک است یا آب آبخوان‌هایی که فراتر از مرزهای بین‌المللی‌اند، مشکل دسترسی و مدیریت منابع آب را پیچیده‌تر می‌کند. حوضه‌رود نیل، رودخانه اردن، دجله و فرات، سند، گنگ و براهما پوترا، اروند رود، سیحون (سیردریا)، جیحون (آمودریا) و... از جمله مناطقی هستند که مناقشه بر سر آب در آنها امری بالقوه بوده یا اینکه به فعلیت رسیده است.

میزان وابستگی به رودها یکی از شاخص‌های مهم آسیب‌پذیری یک کشور در قبال چالش کمبود آب است. در واقع، اتکای کشورها به جریان‌های ورودی آب از فراسوی مرزها، آنها را در برابر نیروهایی که خارج از کنترل شان قرار دارد، آسیب‌پذیر می‌سازد و با افزایش تقاضا برای آب، این آسیب‌پذیری جدی‌تر می‌شود. در سرتاسر دنیا نیز عمدتاً این چنین است به‌طوری‌که کشورهای واقع در قسمت علیای رودخانه می‌توانند بر سرنوشت و روند توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای سفلی تأثیر بگذارند و با تغییر مسیر آب و یا تهدید به انجام تغییر آن، کشورهای پایین دست را به سمت و سوی مورد نظر خود بکشانند. نکته حائز اهمیت در آن، مزیتی است که کشورهای فرادست رودخانه دارند و به‌واسطهٔ در اختیار داشتن این مزیت، از فرصت چانه‌زنی بالاتری در مناسبات منطقه‌ای برخوردارند و در مقابل، کشور فرودست در ضعف ژئوپلیتیک قرار گرفته و توانایی تأثیرگذاری مناسبات در مبادلات منطقه‌ای را در اختیار ندارند. ضمن اینکه متغیرهای مهم دیگری چون پدیده تغییر اقلیم و تداوم خشکسالی‌ها، افزایش جمعیت و شهری‌شدن آن، تغییر سبک زندگی و... زمینه را برای افزایش تنش‌های منطقه‌ای بر سر نحوه استفاده از آب‌های مشترک به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک فراهم می‌کند (Barghi & Ghanbari, 2010:4-5, Zarghani et al., 2017:24, Salehabadi, 2014:348-349). پنج جمهوری آسیای مرکزی و ائتلاف‌های آنها در حوضه آبریز مشترک، موقعیت فرادستی و فرودستی آنها نسبت به یکدیگر و موضوع بسیار مهم حبابه‌ها، مصادیق

روشنی در این زمینه هستند. درحقیقت، معضلات آسیای مرکزی از این ناحیه، بازتاب تقسیمات عصر شوروی و استقلال آن کشورها پس از فروپاشی شوروی است که بر همه ارکان (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و...) جمهوری‌های مذکور تأثیر گذاشته است. بدین ترتیب، به دنبال تعیین مرزها در آسیای مرکزی در عصر استالین، آن کشورها به دو دسته دارندگان منابع آب و کشورهای مصرف‌کننده منابع آب تقسیم شدند. از این حیث، کشورهایی مانند قرقیزستان و تاجیکستان در موقعیتی قرار گرفتند که جزو دارندگان آب (کشورهای فرادست) و کشورهای ازبکستان و ترکمنستان و بخشی از قزاقستان (کشورهای فرودست) کشورهای مصرف‌کننده آب قلمداد شدند. حدود ۹۰ درصد آب در آسیای مرکزی از دو منبع رودخانه‌ای آمودریا و سیردریا است (Nouri Kalaghabad, 2012:145) و البته این دو رودخانه کانون بحران آب در آسیای مرکزی هستند؛ زیرا کشورهای حاشیه این دو رودخانه بزرگ نقش نابرابری در استفاده از آب دارند. در این بین ترکمنستان به علت موقعیت فرودستی که نسبت به اغلب کشورهای هم‌جوار دارد، با وجود بیشترین مصرف، دارای کمترین سهم از منابع آبی موجود است. ترکمنستان کشوری است که با مشکلات و تنگنای مختلف جغرافیایی، اقتصادی، اجتماعی روبرو است و برخی از این چالش‌ها، بار سیاسی پیدا کرده و منجر به بروز بحران‌های ژئوپلیتیک برای ترکمنستان می‌شود. محصوربودن در خشکی و عدم دسترسی ترکمنستان به آبهای آزاد، غلبه اقلیم خشک و نیمه‌خشک و گسترش صحرای قره‌قوم در ۸۰ درصد مساحت کشور، فقدان عمق استراتژیک در مقابل برخی کشورها از جمله ایران، وابستگی شدید به منابع آب شیرین کشورهای پیرامونی از جمله ایران، افغانستان و دیگر کشورهای آسیای مرکزی، وابستگی به شبکه‌های ارتباطی دریایی، لوله‌ای، ریلی و شوسه‌ای دیگر کشورهای آسیای مرکزی، نظام سیاسی غیردموکراتیک، بسته و پلیسی که بی‌شبهت به سیستم حکومت‌های کره شمالی، اریتره، کوبا و بلاروس نیست، بخشی از تنگناها و چالش‌های پیش‌رو ترکمنستان است (Karimipour, 2015:128). به‌طورطبیعی، کشوری با چنین مشکلات، دارای سطح آسیب‌پذیری بالایی است و از این‌رو، هرکدام از مشکلات فوق مانند بحران آب می‌تواند امنیت ملی کشور ترکمنستان را با تهدید روبرو سازد.

روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ به این سوال است که مناسبات هیدروپلیتیک ترکمنستان با همسایگانش در آسیای مرکزی، افغانستان و ایران چگونه است؟ مفروض پژوهش آن است که موقعیت جغرافیایی ترکمنستان به دلیل اقلیم خشک و قرار گرفتن در

وضعیت فرودست نسبت به منابع آبی مشترک با همسایگان و عدم مدیریت بهینه مصرف آب، این کشور را با چالش‌های هیدروپلیتیکی با همسایگانش مواجه خواهد ساخت.

مبانی نظری

هیدروپولیتیک

هیدروپولیتیک یا ژئوپلیتیک آب به مطالعه نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی، ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد؛ اعم از این که در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد (Hafiz Nia, 2017:102). ظهور هیدروپلیتیک به عنوان یک دانش علمی مشخص، به‌طور عمده حاصل افزایش آگاهی نسبت به اهمیت آب و موضوعات مرتبط با آن و همچنین رشد خودآگاهی در خصوص اهمیت محیط‌زیست در کشورهای پیشرفته شمال بوده است (Araqchi, 2014:95). از هنگامی که صاحب‌نظران و پژوهشگران مسائل مربوط به آب را آغاز کردند به سرعت دریافتند که آب پدیده‌ای چندوجهی است. آب یک عامل اجتماعی بسیار مهم در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است. درضمن، سرمنشا بسیاری از رفتارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی «ساختارهای مربوط به استفاده از آب» است (Papoli Yazdi and Vosoughi, 2011:11). این امر یکی از مهمترین دلایل پیدایش دانش هیدروپلیتیک می‌باشد، زیرا گروه‌های انسانی همواره بر سر منابع ارزشمند و کمیاب آب به رقابت پرداخته و با یکدیگر منازعه می‌کنند (Araqchi, 2014:96).

هیدروپلیتیک را می‌توان دانش مطالعات وجوه سیاسی، اقتصادی و زیست‌محیطی آب تعریف کرد که هدف آن ارتقاء ثبات سیاسی جامعه، امنیت منطقه‌ای، کامیابی و توسعه اقتصادی و توسعه پایدار زیست‌محیطی است (khel, 2011:1). با نگاهی به ادبیات و متون هیدروپلیتیک، چهار گرایش قابل تشخیص است: ۱- آب، منازعه و همکاری ۲- آب و محیط‌زیست ۳- آب و امنیت ۴- آب، جامعه و فرهنگ. در این بین، آب و امنیت سومین گرایش مطالعاتی در هیدروپلیتیک است که توجه بسیاری را به سوی خود جلب کرده است. چالش‌های امنیتی رقابت بر سر منابع در حال کاهش آب که در یک زمینه وسیع‌تر امنیت‌زیست محیطی را نیز شامل می‌گردد، به شدت با سیاست گره خورده و مسائل مدیریتی آب را به موضوعی امنیتی بدل کرده است (Turton, 2001:6). این امر به این جهت است که آب جایگزین ندارد و تنها ماده‌ای است که وجود آن برای تولید مواد غذایی، توسعه اقتصادی و بقای موجودات ضروری است.

هر سه ویژگی فوق با زندگی انسان و جوامع گره خورده است؛ از این رو، به سادگی می توان نتیجه گرفت که دسترسی به آب شیرین با امنیت و ثبات جوامع انسانی گره خورده و رابطه ای تنگاتنگ دارد (Hafiz Nia, 2017:102). براین اساس، بسیاری از صاحب نظران معتقدند منشاء بروز جنگ ها و منازعات سیاسی به تدریج از منابع انرژی و معدنی به سوی منابع آب کشیده خواهد شد (Araqchi, 2014:99). این چنین است که برخی از ژئوپلیتیسین ها، سده ی کنونی را سده هیدروپلیتیک می دانند و معتقدند که بیشتر درگیری ها و جنگ های منطقه ای در جهان به دلیل بحران برآمده از کمبود آب خواهد بود (Kaviani Rad, 2005:339). چنانکه پتر هاگت در مدل فرضی خود (های پوتیکا) به هنگام برشمردن عوامل دوازده گانه جغرافیایی تنش زا، میان کشورها، شش تنش را در ارتباط با موضوع آب و از میان آنها چهار موضوع را به آب های مشترک نسبت می دهد (Hogget, 1997:372).

در رویکرد امنیتی به آب؛ آب به مثابه یک منبع قدرت است و کم آبی یک موضوع جدی و استراتژیک تلقی شده که بر توسعه اقتصادی و اجتماعی ملت ها اثرگذار است و در نتیجه، عامل تعیین کننده قدرت سیاسی است. این گروه از صاحب نظران براساس دیدگاه گفتمان های امنیت دولت - محور به موضوع نگاه می کنند و معتقدند که دولت های گرفتار معضل کم آبی، ممکن است بر سر آب با یکدیگر به جنگ بپردازند (Askari, 2002:497). لازم به ذکر است، پراکندگی میزان بارش در جهان بسیار ناهمگن بوده و به توزیع نامنظم آب های شیرین در جهان کمک می کند، به گونه ای که ۴۰ درصد از خشکی های کره زمین که به سرزمین های خشک و نیمه خشک در شمال آفریقا، استرالیا و خاورمیانه مربوط می شود و تنها ۲ درصد آب های شیرین جهان را در اختیار دارند (Shootar, 2007:60). در کنار کمبود شدید منابع آب شیرین در جهان، توزیع نامناسب و ناهمگون منابع آب شیرین در بین مناطق کشورهای جهان، بروز مسائلی نظیر: رشد جمعیت، ارتقاء سطح زندگی و بهداشت، گسترش شهرنشینی، رواج فرهنگ مصرف گرایی، گسترش صنایع، کشاورزی و غیره، موجب افزایش شدید و روزافزون مصرف آب در جهان شده است، به گونه ای که مصرف آب نسبت به اوایل قرن بیستم، ۱۷ برابر و نسبت به سه قرن قبل ۴۵ برابر شده است (Mokhtari, 2013:50). بنابراین، سهم بسیار ناچیز منابع آب شیرین جهان از مجموعه ی آب ها (کمتر از یک درصد)، توزیع ناهمگون منابع آب شیرین در مناطق مختلف، به ویژه، فقر شدید منابع آب شیرین در مناطقی از آسیا، آفریقا، استرالیا؛ سرانجام افزایش بیست برابری مصرف آب در سطح جهان، سه چالش

جدی است که، منابع آبی کشورها، اعم از رودها و دریاچه‌ها را به دارایی‌های امنیت ملی آنها تبدیل کرده است.

آب‌های مشترک مرزی و اختلافات روزافزون کشورها

عدم تطبیق مرزهای سیاسی با مرزهای طبیعی و حوضه‌های آبریز رودخانه‌ها موجب شده که امروزه بیش از ۴۰ درصد از جمعیت جهان در مناطقی زندگی کنند که حوضه‌های آبریز آنها بین دو یا چند کشور مشترک است و ۵۰ تا ۶۵ درصد از وسعت هریک از قاره‌ها را حوضه‌های آبریز مشترک تشکیل داده است. نوع تعامل میان ملت‌ها و جوامع محلی در بهره‌برداری از منابع مشترک آبی، طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را دربرمی‌گیرد (Hafiz Nia, 2017:396). با توجه به روند افزایشی مصرف آب در بخش‌های فرادست رودخانه‌ها و منابع آبی، مشاجرات هیدروپلیتیک میان جوامع و ملت‌های ساکن در فرادست و فرودست منابع آب نیز درحال افزایش است (Faraji & Heidari, 2017:314). در ادامه مطلب به برخی از اختلافات و منازعات بین کشورها بر سر مسئله آب در حوضه‌های آبریز مشترک اشاره می‌شود.

دجله و فرات

این دو رود از جنوب شرقی ترکیه نشأت می‌گیرند. فرات از ترکیه به سمت سوریه و سپس به عراق جریان دارد. دجله نیز از ترکیه نشأت می‌گیرد و مرز بین ترکیه و سوریه در حدود ۳۲ کیلومتر را تشکیل می‌دهد و به سمت عراق جریان دارد و بعضی از شاخه‌های آن به سمت ایران می‌آید. سرانجام دو رود در کشور عراق شط‌العرب را تشکیل می‌دهند که انتهای آنها به خلیج فارس می‌رسد. ترکیه مناقشه بزرگی با سوریه و عراق بر سر دو رود دجله و فرات دارد. ترکیه، پروژه بزرگ آبی که معروف به پروژه جنوب شرقی آناتولی (GAP) است را اجرا کرده است. در این پروژه، ترکیه ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه بر روی دو رود می‌سازد. تا کنون بخش اعظم این طرح‌ها احداث شده‌اند و باعث کاهش چشمگیر میزان منابع آب در سوریه و عراق شده است. از آنجایی که این دو رود، ۹۸ درصد منابع آب عراق و ۹۰ درصد منابع آب سوریه را تشکیل می‌دهند، بنابراین، دو کشور، این طرح را تهدیدی بسیار جدی برای منابع آب خود می‌دانند.

رود نیل

حوضه رودخانه نیل بین ۱۱ کشور مصر، سودان، اتیوپی، تانزانیا، جمهوری آفریقای مرکزی، جمهوری دموکراتیک کنگو، اوگاندا، کنیا، رواندا، بروندي و اریتره مشترک است. این رودخانه با ۶۶۹۵ کیلومتر، طولانی‌ترین رودخانه جهان بوده و میزان دبی سالانه آن در شهر آسوان در جنوب مصر حدود ۸۴ میلیارد متر مکعب می‌باشد (Swain, 1997:675). رود نیل از کشورهای مرکزی آفریقا و اتیوپی سرچشمه می‌گیرد و بعد از عبور از سودان به دریای مدیترانه در مصر می‌ریزد. اکثر آب رود نیل از اتیوپی سرچشمه می‌گیرد و از یک سو، مناقشه‌ای بین مصر و سودان و از سوی دیگر با اتیوپی وجود دارد. اتیوپی به دنبال احداث سد هایی بر روی شاخه‌های رود نیل (به‌ویژه رودخانه نیل آبی است که در حدود ۶۰ درصد از آب نیل را تامین می‌کند) در درون خاک خود است که اجرای آن برای مصر بسیار خطرناک است، چرا که مصر برای توسعه بسیار به آب نیل وابسته است. در حال حاضر نیز مناقشاتی بین مصر و اتیوپی در موضوع ساخت سد النهضة بر روی رود نیل وجود دارد. روشن است که با پیدایش این تنش، روابط سودان و مصر از یک سو و سودان و اتیوپی از سوی دیگر، متأثر از استراتژی رقابت منافع و نفوذ این کشورها به‌عنوان برگ برنده هریک از آنها در تعیین سطح ارتباطات فی مابین خواهد شد (Faraji & Heidari, 1396:314).

رود اردن

حوضه رود اردن بین کشورهای اردن، رژیم صهیونیستی، کرانه باختری، سوریه، لبنان و مصر مشترک است. رود اردن، به طول حدود ۳۶۰ کیلومتر و دبی سالانه ۱/۳ میلیارد متر مکعب از کوه‌های جبل الشریقی (آنتی لبنان)، واقع در جنوب غربی سوریه و شرق لبنان، سرچشمه گرفته و به سمت جنوب جریان پیدا می‌کند و به دریاچه جلیله در شمال شرقی رژیم صهیونیستی می‌ریزد (MokhtariHeshi & Ghaderi, 2008:56). رود اردن به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود: اردن بالا: بین کوه هرمان و دریاچه جلیله واقع شده است و اردن پایین: بین دریاچه جلیله و دریای مرده قرار دارد. رژیم صهیونیستی آب اردن بالا را توسط حامل‌های آب منحرف و به مرکز و جنوب کشور خود می‌برد. تعارض و مناقشه اصلی در رود اردن بین رژیم صهیونیستی و دیگر کشورهای عربی حوضه رود یعنی فلسطین، سوریه، لبنان و اردن است. وضعیت فعلی استفاده از منابع آب رود اثرات مضر و جبران ناپذیری بر محیط‌زیست منطقه دارد. استفاده بیش از حد آب رود در بخش بالایی، بخش پایینی را تبدیل به یک رود کوچک با ۲۰۰ تا ۳۰۰ متر مکعب آب سالیانه کرده است که این خود منجر به شوری و کاهش کیفیت آب در دریای مرده می‌شود.

به‌طور کلی، نحوه استفاده از منابع آب در این رود نیز همانند سه رود قبلی با توجه به بحث حاکمیت مطلق و منافع ملی است و سهم کشورهای پایین‌دست نادیده گرفته می‌شود که خود منجر به تعارض و درگیری بین کشورهای ساحلی از یک طرف و ضربات جبران ناپذیری به محیط‌زیست منطقه می‌شود (Potter, 2011- Hoff et.al, 2010). در جدول زیر به برخی از حوضه‌های رودهای بین‌المللی مورد اختلاف در جهان اشاره شده است.

جدول ۱. مهمترین منازعات بین‌المللی محیطی بر سر منابع آبی رودخانه‌ای

نام رود یا رودها	کشورهای ساحلی طرف منازعه با اهداف متضاد	علت اصلی منازعه و اختلاف
نیل	مصر، اتیوپی، سودان	جریان آب
دجله و فرات	عراق، سوریه، ترکیه	سد سازی، جریان آب
اردن، لیبانی	فلسطین اشغالی (اسرائیل)، لبنان	جریان آب
یرموک	اردن، سوریه	جریان آب
ایندوس-ساتلی	هند، پاکستان	استفاده از آب جهت آبیاری
گنگ	هند، بنگلادش	سیلاب، رسوبگذاری
مکونگ	لائوس، ویتنام، کامبوج، تایلند	جریان آب
پارانا	آرژانتین، برزیل	سد سازی، سیلاب
لوکا	بولیوی، شیلی	سد سازی، شور شدن آب
ریوگرانده، کلرادو	مکزیک، ایالات متحده آمریکا	شوری، آلودگی و تغییر مسیر
دریاچه‌های بزرگ	کانادا، ایالات متحده آمریکا	تغییر مسیر آب
راین	فرانسه، آلمان، هلند، سوئیس	آلودگی صنعتی
الب	چک، اسلواکی، آلمان	آلودگی صنعتی
سزاموس	مجارستان، رومانی	آلودگی صنعتی
دانوب	چک، اسلواکی، مجارستان، آلمان	جریان آب، سد سازی

منبع: Zarghani, 2007: 158

بحث و تحلیل

آشنایی با جغرافیای طبیعی و سیاسی کشور ترکمنستان

از نظر موقعیت جغرافیایی، ترکمنستان از جنوب با افغانستان و ایران، از شمال با ازبکستان و قزاقستان و از باختر با دریای خزر همسایه و از طریق این دریا با کشورهای جمهوری آذربایجان و روسیه نیز همسایه است. این کشور در سال ۱۹۹۱ میلادی به واسطه فروپاشی شوروی به استقلال رسید و پس از آن در اکتبر

مناطق بسیار محدودی در شمال و جنوب ترکمنستان، سایر زمین‌های این کشور را اراضی بایر و غیر قابل مصرف به حیث کشاورزی دربر گرفته است.

ترکمنستان پس از کشورهای آمریکا، کانادا و روسیه، چهارمین تولیدکننده گاز دنیا محسوب می‌شود. دارا بودن منابع گاز طبیعی فراوان و اهمیت روزافزون آن، وضعیت آینده ترکمنستان را در معادلات جهانی انرژی روشن می‌سازد. علاوه بر ذخایر گاز طبیعی، برابر گزارش منتشره در سایت بین‌المللی انرژی، ذخایر نفت این کشور ۶۰۰ میلیون بشکه برآورد شده است. شغل بیشتر مردم ترکمنستان کشاورزی و دامپروری است و با وجود کمبود منابع آب، کشاورزی از محورهای مهم توسعه اقتصادی در ترکمنستان محسوب می‌شود به طوری که تولیدات کشاورزی در چند سال اخیر ۴۶ درصد کل تولید ملی و ۴۲ درصد اشتغال کشور را به خود اختصاص داده است. مهمترین محصول کشاورزی در کشور ترکمنستان پنبه است که از دوران حکومت اتحاد جماهیر شوروی سابق که در پی رسیدن به اهداف برنامه‌های خود، نظام تک محصولی را در کشورهای آسیای مرکزی رواج داد، ترکمنستان را با توجه به موقعیت و شرایط مساعد آن در زمینه تولید پنبه یاری نمود. طبق نظر کارشناسان کشاورزی، از نظر کیفیت و تنوع پنبه ترکمنستان پس از مصر و از لحاظ میزان تولید بعد از آمریکا و کانادا قرار دارد. این کشور اولین ناحیه در جهان است که در آن پنبه رنگین کشت و تولید شده است. پنبه خوراک اصلی صنایع نساجی و کشفافی ترکمنستان است که در کنار صنایع نفت و گاز در اقتصاد ملی این کشور از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. این صنعت امروزه علاوه بر اینکه باعث فعالیت ده‌ها هزار نفر از اتباع ترکمنستان در کارخانجات و واحدهای تولیدی صنایع نساجی این کشور شده است، به عنوان یکی از صنایع اصلی در این کشور مطرح است که تولیدات آن بیشتر بر صادرات متمرکز شده و در واقع دومین صنعت ارزآور در این کشور می‌باشد. گندم دیگر محصول استراتژیک کشور ترکمنستان است که در سال‌های اخیر تلاش دولت ترکمنستان علاوه بر رسیدن به خودکفایی و خوداتکایی این محصول در پی صادرات آن نیز بوده است. در حال حاضر نیمی از اراضی مزروعی این کشور به کشت پنبه، ۲۸ درصد به کشت غلات و حبوبات و ۱۷ درصد به کشت علوفه اختصاص دارد. به این ترتیب بزرگترین مصرف کنندگان آب در ترکمنستان کشت آبی و کشاورزی هستند به طوریکه کشت پنبه، غلات و سبزیجات ۷۰ درصد مصرف آب را تشکیل می‌دهند (Zonn et al, 2018).

وضعیت آب در آسیای مرکزی و چالش‌های موجود

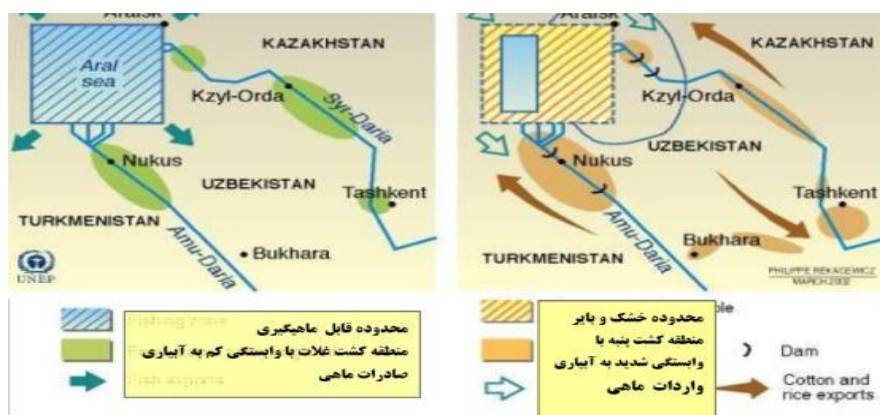
منطقه آسیای مرکزی از جمله مناطقی است که به‌صورت جدی با بحران منابع آبی مواجه است. در منطقه خشک و بیابانی آسیای مرکزی دو رودخانه اصلی به نام‌های سیردریا و آمودریا جریان دارند که پس از گذشتن از خاک چند کشور به دریاچه آرال می‌ریزند. درحقیقت، زندگی مردم منطقه وابسته به آبی است که از این دو دریاچه (سیردریا و آمودریا) سرچشمه می‌گیرد (AmirAhmadian, 2013:2). عواملی مانند کاهش ۳۵ درصدی یخچال‌های طبیعی آسیای مرکزی، تقسیم غیرمنصفانه ذخایر آبی، سدسازی و احداث نیروگاه‌های عظیم مولد برق، استفاده نادرست از چراگاه و قطع جنگل، افزایش بی‌سابقه جمعیت آسیای مرکزی، آبیاری شدن میلیون‌ها هکتار زمین‌های بکر، اتلاف ۵۰ درصدی آب در کانال‌های قدیمی و استفاده غیرمؤثر از منابع آب، گسترش صحرای قره‌قوم و قزل‌قوم موجب شده؛ حجم آب دریاچه آرال در مقایسه با سال ۱۹۷۵ بیش از ۷۵ درصد کاهش یابد. البته، بنابر اطلاعات جدیدتری که در سال ۲۰۱۶ به‌دست آمده است، بیش از ۹۰ درصد سطح آب این دریاچه ازبین رفته است (شکل ۲). (Hosseinpour, 2017).



شکل ۲. دریاچه آرال در سال ۱۹۶۰ و ۲۰۱۶ (خشک شدن حدود ۹۰ درصد آرال)

بی‌شک خشک شدن دریاچه آرال نتایج بسیار مخربی را بر محیط‌زیست آسیای مرکزی و از جمله ترکمنستان به دنبال داشته است. ازبین رفتن هزاران فرصت شغلی در بخش کشاورزی و ماهیگیری، باقی ماندن هزاران تن املاح آلوده به کود و سموم شیمیایی، طوفان‌های شن و ریزگردهای آلوده به نمک و سموم تا شعاع ۳۰۰ کیلومتر، نمکی شدن هزاران هکتار از زمین‌های کشاورزی پیرامون دریاچه به واسطه

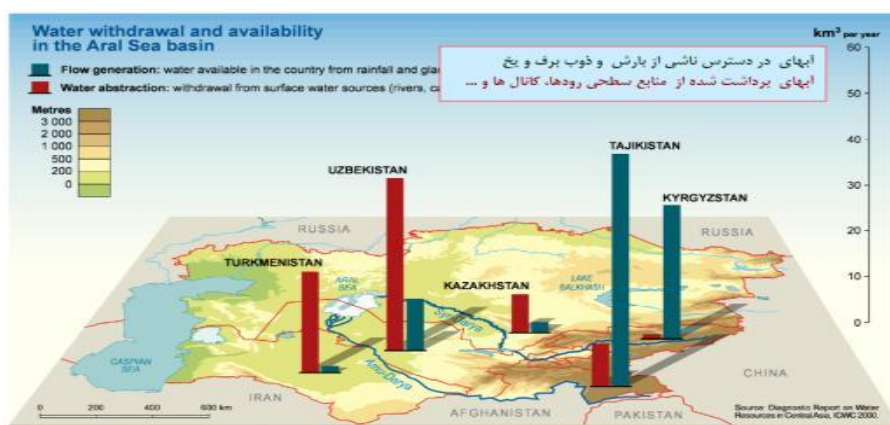
طوفان ریزگرد، کاهش ۳۰ تا ۳۵ درصدی منابع آبی تاجیکستان (به‌عنوان پرآب‌ترین کشور منطقه)، نابودی حدود ۶۰۰۰۰ هکتار مزارع پنبه و سایر کشتزارها در این کشور و مشکلات متعدد در زمینه تأمین آب شرب و کشاورزی برای کشورهای قرقیزستان، قزاقستان، ترکمنستان، و ازبکستان و... بخشی از چالش‌های زیست محیطی و اقتصادی-اجتماعی خشک شدن دریاچه آرال است (Zarqani, 2009: 3).



شکل ۳. پیامدهای اقتصادی-اجتماعی خشک شدن دریاچه آرال. منبع: (Zarghani, 2009: 6)

در سال ۲۰۱۶ سازمان منابع جهانی، طی گزارش نسبت به بروز بحران آب در برخی کشورها هشدار داد. این گزارش به روشنی نشان می‌دهد کمربند غربی-عربی شامل کشورهای آسیای مرکزی مغولستان، افغانستان، ایران، پاکستان و شبه جزیره عربستان، با بحران شدید آب روبرو خواهند شد (Hosseinpour, 2017). این در حالی است که اقتصاد اغلب کشورهای آسیای مرکزی وابسته به آب است؛ اقتصاد سه کشور قرقیزستان با ۵۰ درصد، تاجیکستان ۲۴ درصد و ازبکستان ۲۸ درصد وابستگی مستقیم به آب و فعالیت‌های کشاورزی دارد (Dowling, 2006:22). علاوه بر این، کشوری مانند ترکمنستان که صادرکننده نفت و گاز در منطقه است، برای تأمین ۹۷ درصد از آب مصرفی خود به حوضه آبی دریاچه آرال وابسته است. ازبکستان نیز وضعیتی مشابه با ترکمنستان دارد. آنچه موجب تبدیل بحران کم‌آبی به موضوع مناقشه‌برانگیز میان کشورهای منطقه شده است، شرایط خاص و متفاوت این کشورها در بهره‌برداری از منابع آبی موجود است. دو رودخانه اصلی آمودریا و سیردریا در مسیر حرکت خود به سمت دریاچه آرال، نخست از

قرقیزستان و تاجیکستان عبور می‌کنند و از این رو اصطلاحاً به «کشورهای بالادست»^۱ مشهورند و در ادامه وارد کشورهای ترکمنستان، قزاقستان، و ازبکستان می‌شوند که از آنها تحت عنوان «کشورهای پایین‌دست»^۲ یاد می‌شود. نکته شایان توجه اینکه کشورهای بالادست علیرغم برخورداری از منابع آبی، از ذخایر نفت و گاز محرومند و به‌منظور جبران آن و تأمین انرژی مورد نیاز خود، اقدام به احداث نیروگاه‌های متعدد برق آبی نموده‌اند که از جمله مهمترین آنها می‌توان به طرح بزرگ احداث نیروگاه «قمبراته» از سوی قرقیزستان و تکمیل طرح عظیم نیروگاه «راغون» از سوی تاجیکستان اشاره نمود. از آنجا که این نیروگاه‌ها از نیروهای آبی مولد برق استفاده می‌کنند، کشورهای پایین‌دست از کاهش آب رودخانه‌های آمودریا و سیردریا متضرر می‌شوند. برای مثال، ازبکستان به‌عنوان کشوری که یکی از محصولات اصلی آن پنبه است، بیشترین زیان را می‌بیند؛ زیرا پنبه‌کاری به آب فراوان نیاز دارد و کاهش آب به منزله کاهش محصولات پنبه به‌عنوان یکی از محصولات اصلی صادراتی ازبکستان است. همین مسئله موجب شده تا شکند مخالفت شدید خود را نسبت به دو طرح یادشده ابراز نماید؛ به‌گونه‌ای که در یک مقطع زمانی توانست با استفاده از لابی‌های سیاسی، شرکت روسی «روسال» را که قرارداد تکمیل نیروگاه راغون با تاجیکستان را امضا نموده بود، از ادامه همکاری با تاجیکستان منصرف کند و نیز دولت چین را به کناره‌گیری از احداث نیروگاه برق آبی در رودخانه «زرافشان» متقاعد کند (koozegarKalechi, 2012).



شکل ۴. وضعیت آبهای ورودی و برداشت شده کشورهای حوضه آبریز دریاچه آرال (Glantz, 2007)

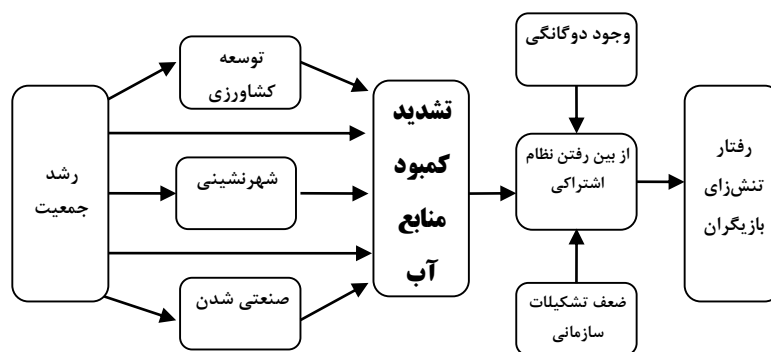
1. Upstream Countries
2. Downstream Countries

کشورهای آسیای مرکزی برای تقسیم منصفانه ذخایر آبی، تا کنون بیش از هشت لایحه را پیشنهاد و بررسی کرده‌اند، ولی این لوایح مورد موافقت همه کشورها قرار نگرفته است. از این‌رو، این نگرانی به وجود آمده است که «اگر مشکل آب با مذاکره حل نگردد، جنگ بر سر آب آغاز خواهد شد». به ویژه، حمایت روسیه از کشورهایی مانند قرقیزستان و تاجیکستان، می‌تواند شروع این بحران را سرعت ببخشد. پیشینه تهدیدات و اقدامات کشورهای منطقه علیه یکدیگر نیز این مسئله را چندان دور از ذهن و واقعیت نمی‌سازد. برای مثال، هنگامی که ازبکستان انتقال گاز به قرقیزستان را در زمستان سال ۲۰۰۰ قطع نمود، قرقیزستان در واکنش به این عمل، اقدام به تخلیه مقدار زیادی از آب سد «توخته‌گل» (که برای تولید برق استفاده می‌شد) کرد؛ سدی که بخش قابل ملاحظه‌ای از آب مور نیاز کشاورزی ازبکستان را تأمین می‌کند. در پی این اقدام، ازبکستان با تأسیس پادگان نظامی در مرز با قرقیزستان، با استفاده از تانک، ماشین‌های زرهی و چرخ‌بال‌ها، شروع به تمرینات نظامی برای تصرف سد «توخته‌گل» کرد. قرقیزستان نیز در مقابل، تهدید به منفجر نمودن این سد کرد، که باعث از بین رفتن کلیه زمین‌های کشاورزی ازبکستان در دره‌های «فرغانه» و «زرافشان» می‌شد. هرچند دامنه این بحران مدتی بعد فروکش کرد، اما نمونه بارزی از پتانسیل تبدیل مسئله بحران آب به مناقشه سیاسی و رویارویی نظامی بین کشورهای منطقه آسیای مرکزی را به نمایش گذاشت (koozegarKalechi, 2012).

نمونه دیگر از این مناقشات در منطقه، در سال ۲۰۰۷، هنگامی که ازبکستان انتقال برق ترکمنستان به تاجیکستان را قطع کرد ماهیت خود را به‌خوبی نشان داد. اختلاف بر سر هزینه ترانزیت برق از ترکمنستان به تاجیکستان بود. ناکامی در توافق بر هزینه انتقال برق ترکمنستان از طریق ازبکستان، دوشنبه را مجبور کرد از حداکثر ظرفیت نیروگاه‌ها برای تولید برق استفاده کند. این مساله موجب شد تا تأمین آب ازبکستان کاهش یابد و عشق‌آباد را مجبور کرد به‌طورمستمر جریان برق خود را طی مذاکرات انتقال، متوقف نماید. در نتیجه، بسیاری از مردم تاجیکستان از سرما آسیب دیدند و کشاورزان از یک خشکسالی را تجربه کردند و دولت ترکمنستان درآمدهای خود را از دست داد (Zakhirova, 2013: 2009). این وابستگی به منابع آب و اهمیت بالای آن برای توسعه اجتماعی و اقتصادی در منطقه به‌گونه‌ای است که برخی محققان معتقد هستند، تعریف فیزیکی - جغرافیایی آسیای مرکزی براساس تعریف و توصیف با مرزهای حوضه

رودخانه‌ها نسبت به مرزهای بین دولتی رویکرد معنادارتری است (Karthe, chalov and Borchardt, 2015: 487)

در شکل (۵)، فاکتورهای اصلی تنش‌زای هیدروپلیتیک در منطقه آسیای مرکزی نشان داده شده است. در کشورهای آسیای مرکزی با توجه به اینکه منابع آب محدود هستند، اما تقاضا برای آب به دلیل افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی، توسعه کشاورزی، صنعتی شدن و رشد اقتصادی در حال افزایش است، به همین دلیل، رقابت و درگیری‌های بالقوه بر سر آب در بین استفاده‌کنندگان افزایش می‌یابد. از طرفی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و اعلام استقلال کشورهای آسیای مرکزی، سازوکار استفاده مشترک مسالمت‌آمیز دوره اتحاد از بین رفت و پس از آن هریک از کشورها تلاش کردند در مبارزه برای استفاده از آب، منافع خود را تامین کنند (Zonn et al, 2018). درواقع، گذار از سیستم اقتصادی برنامه‌ریزی شده و متمرکز به نظام بازارمحور به‌نحو چشمگیری نظام نهادی، سیاسی و فنی مدیریت آب در آسیای مرکزی را تغییر داده است (Zhupankhan, Tussupova and Berndtsson, 2018: 754-755). برای مثال، تمرکززدایی مدیریت منابع آب دولت‌های جدید را که هنوز فاقد تجربه در مدیریت و سازماندهی فضاها و کشاورزی، صنعتی، شهری و... بودند را مجبور به ارائه خدمات کرد. این امر باعث شد دولت‌های منطقه هر کدام سیاست‌های خود را بدون توجه به همسایگان دنبال کنند که این خود سبب ایجاد تعارضات و اختلافات شدید در حوزه‌های گوناگون از جمله مدیریت منابع آبی مشترک گردید و روابط بین دولت‌های آسیای مرکزی به‌طور عمده، محدود به روابط مناقشه‌آمیز میان کشورهای بالادست و پایین دست حوضه دو رودخانه تبدیل شد (Zakhirova, 2013: 2009).



شکل ۵. فاکتورهای اصلی تنش‌زای هیدروپلیتیک موجود در آسیای مرکزی

(منبع: Salehabadi, 2014:361)

تنگناهای هیدروپلیتیک ترکمنستان

وابستگی ترکمنستان به منابع آب همسایگان

خشکی همیشگی آب و هوا و قرارگرفتن ترکمنستان در کمربند خشک جهانی، یکی از ویژگی‌های پایدار جغرافیای این ملت و سرزمین است. ترکمن‌ها از این منظر وابسته به آب‌های وارده از سرزمین کشورهای همسایه‌اند. این درحالی است که ترکمنستان در زمینه مدیریت مصرف منابع آب تاکنون ناموفق عمل کرده است به‌طوری‌که به‌گفتهٔ پروفیسور اولی واریس، ترکمنستان به‌ازای هر نفر، ۵/۵ هزار متر مکعب آب مصرف می‌کند که جزء بالاترین نرخ‌ها در جهان است. این رقم چهار برابر بیشتر از سرانه مصرف آب در آمریکا و ۱۳ برابر بیشتر از چین است (Hosseinpour, 2017). ترکمنستان دارای اقلیم خشک و بری است و حدود ۴/۵ درصد از مساحت یا حدود ۳۵۰۰۰۰ کیلومترمربع آن را صحرای قره‌قوم تشکیل می‌دهد. به جز در نوار بسیار کوتاه و کم وسعت کوه‌های کُپه داغ و پاراپامیز، هیچ رودخانه‌ای در تمام وسعت ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربعی ترکمنستان شکل نمی‌گیرد. کمی بارش‌های جوی با میانگین سالیانه‌ای که حدوداً به ۲۷۰ میلی‌متر می‌رسد و تفاوت بسیار بارز میانگین‌ها، درجات مطلق حرارت سالیانه و حتی روزانه، حاکی از تسلط شرایط صحرایی بر ترکمنستان است. در این حال، اقتصاد کشاورزی و متکی به تولید پنبه که به آبیاری منظمی نیازمند است، باعث ایجاد تنگناهای پایداری در برنامه‌های توسعه‌ای این کشور شده است. درچنین شرایطی، وابستگی ترکمنستان به رودهای وارده از کشورهای همسایه از جمله ازبکستان و ایران متغیر مهمی در روابط این کشور و همسایگانش است. کانال قره‌قوم که از شاهکارهای مهندسی دهه چهل و پنجاه قرن گذشته محسوب می‌شده است که با نیروی کار گروه‌های زندانی و تبعیدی احداث شده است، در طولی برابر ۱۱۰۰ کیلومتر، آب آمودریا را به سوی ترکمنستان هدایت می‌کند. این کانال بخش اعظم آب‌های مورد نیاز بخش کشاورزی، صنعتی و شرب جمهوری ترکمنستان را فراهم می‌کند. آمودریا رودخانه‌ای بین‌المللی است که سرچشمه‌های اصلی آن در کوه‌های هندوکوش، از جمله کانال واخان و کوه‌های بدخشان، ختلان و قبادیان قرار دارد و پس از عبور از افغانستان، تاجیکستان و سپس ازبکستان از راه کانال قره‌قوم وارد ترکمنستان می‌شود. تنگناها و نیازهای آبی سه کشوری که بخش علیا و وسطای این رودخانه را در اختیار دارند، طرح‌های توسعه‌ای آنها در زمینه تولیدات کشاورزی که لازمه آن گسترش سطح زیر کشت زمین‌هاست و به‌ویژه منابع متعدد رقابتی، از جمله تداخل منابع قومی آنها، امنیت آبی ترکمنستان را با پرسش‌های جدی مواجه ساخته است (Karimipour, 2001:83).

چالش موقعیت فرودستی ترکمنستان نسبت به همسایگان

در زمان شوروی، مسکو بر تناسب توزیع منابع آب و انرژی در منطقه آسیای مرکزی نظارت می کرد. از یک سو برای هر کشوری سهمی از آب در نظر گرفته شده بود و مسکو تضمین می کرد که این سهم بندی رعایت شود. از سوی دیگر، ترکمنستان برای کشورهای که در بالادست قرار داشتند، گاز تهیه می کرد که نیاز این دو کشور به برق را در زمستان رفع می کرد تا نیازی به جاری شدن حجم زیادی از منابع آب در زمستان برای تأمین برق کشورهای بالادست نباشد. با فروپاشی شوروی و شکل گیری کشورهای مستقل هر یک از این کشورها منافع خودشان را در پیش گرفتند و در نتیجه، تعادل پیشین به هم خورد. ترکمنستان نسبت به سایر کشورهای آسیای میانه در موقعیت فرودستی است. در نتیجه، می توان گفت منابع آب این منطقه بین دو دسته از کشورها تقسیم شده است. دسته اول کشورهایی هستند که در بالادست رودهای اصلی منطقه قرار دارند و به همین دلیل، کمبود آب را تجربه نمی کنند و دسته دوم کشورهایی که در پایین دست این رودها قرار دارند. گروه اول کشورهای قرقیزستان و تاجیکستان هستند که بخش زیادی از قلمروشان در سرزمین های مرتفع قرار دارد. گروه دوم که شامل قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان می شود که اقلیمی خشک و دشت ها و بیابان های فراوان دارند (Dorkhor et al., 2013:46).

به طور کلی، آمودریا و سیردریا تقریباً ۹۰ درصد آب قابل استفاده در حوضه دریاچه آرال را تأمین می کنند که به طور میانگین سالانه به ۱۲۵ کیلومتر مکعب می رسد. ۱۰ درصد باقی مانده از رودخانه ها و چشمه های کوچک دیگر تأمین می شود. تاجیکستان منطقه اصلی سرچشمه و جریان رودهایی است که به دریاچه آرال می ریزد. سرچشمه بیش از ۵۵/۴ درصد از کل جریان های شکل گرفته، در خاک این کشور می باشد. بیش از ۲۵/۳ درصد نیز در خاک قرقیزستان شکل می گیرد (Ohara, 2000:165-181). با این وضع، قرقیزستان و تاجیکستان با هم ۸۵ درصد گردش سالانه آب رودخانه ها و مخارن آب حوضه آبریز دریاچه آرال را شامل می شوند و تنها ۱۵ درصد آن برای سه کشور دیگر باقی می ماند. در این حال، این دو کشور بیشترین مصرف را در شرایط کنونی از حوضه آبی دریاچه آرال دارند و هرگونه تغییر به کاهش سهم آنها منجر خواهد شد (Ohara, 2000:165-181). اگر اعداد را به صورت منابع آب سالانه برای هر نفر تعریف کنیم، گروه کشورهای اول ۶۰۰۰ متر مکعب از آب رودخانه استفاده می کنند در حالی که گروه دوم تنها ۳۰۴ متر مکعب، یعنی ۲۳ برابر کم تر (Hosseinpour, 2017) مشاهده می شود که سهم آب ترکمنستان از آمودریا نیز بسیار ناچیز و اندک است (تاجیکستان ۸۰٪، افغانستان ۸٪، ازبکستان ۶٪، قرقیزستان،

قزاقستان و ترکمنستان هر کدام ۳ درصد) از آب این رودخانه را در اختیار دارند (Ghiasabadi, 2005:27). به‌نظر می‌رسد که با توجه به توزیع نامتناسب منابع آب میان این دو گروه از کشورها، حل مسئله آب در این منطقه به مشارکت نزدیک‌تری نیاز دارد. در طول ۲۵ سال گذشته، سطح همکاری‌های منطقه‌ای به‌شدت پایین بوده است؛ به‌تبع، تعارض‌های منطقه‌ای، مسئله را پیچیده‌تر کرده است، به‌طوری‌که کشورها، گهگاه درگیر تعارض‌های گسترده‌تری شده‌اند. برای مثال، مسدود کردن منابع گاز در مرزها و درگیری بر سر پروژه‌های نیروگاه‌های برق‌آبی از جمله این مسائلند. حتی افغانستان و ایران هم به واسطه رودهای اترک و هریرود در موقعیت فرادستی نسبت به ترکمنستان قرار دارند و از این لحاظ می‌توانند حلقه محاصره ترکمنستان را به‌تبع، از تنگناهای ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک این کشور، بیش از این تنگ‌تر نمایند.

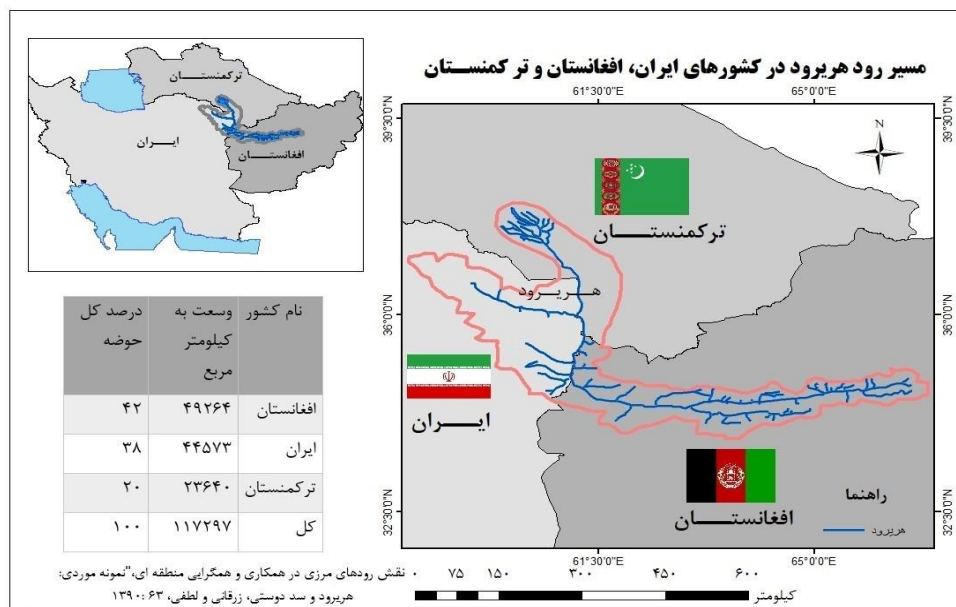
تنش‌های هیدروپلیتیک ترکمنستان و ازبکستان

آمودریا رودخانه مشترک بین دو کشور ترکمنستان و ازبکستان است که از رشته کوه‌های هندوکش واقع در کشور تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد و پس از خارج شدن از تاجیکستان مرز مشترک کشورهای افغانستان و ازبکستان را تشکیل داده و ضمن شکل دادن قسمتی از مرز ترکمنستان و افغانستان، وارد کشور ترکمنستان می‌شود. در ترکمنستان کانال‌های متعددی برای امور کشاورزی و غیره از آمودریا جدا می‌شود که معروفترین آن کانال قره‌قوم است. آمودریا در مسیر خود پس از تشکیل قسمتی از مرز ترکمنستان با ازبکستان وارد ازبکستان می‌شود و در نهایت به دریاچه آرال می‌ریزد (Mokhtari Heshi & Abdi, 2019:98). دو کشور مزبور در سال ۱۹۹۶ توافقی در زمینه تقسیم مساوی آب آمودریا بین خود امضا کردند. کارشناسان ازبک خاطر نشان می‌سازند که تقسیم مساوی آب آمودریا بین ترکمنستان و ازبکستان غیرمنصفانه است، زیرا ۱۴ میلیون نفر در ازبکستان به آب رودخانه آمودریا متکی هستند درحالی که در ترکمنستان فقط ۴ میلیون نفر به آب این رودخانه وابسته‌اند (Baizakova, 2010:7). علاوه بر این ازبکستان زمین بیشتری را می‌بایست آبیاری کند و آب می‌بایست مسافت‌های طولانی‌تری را طی کند. در نظر آنان، از نقطه نظر جمعیتی، کل زمین نیازمند به آبیاری و نیز ضایعات آب به هنگام تعیین سهمیه آب می‌بایست در نظر گرفته شود. ازبکستان همچنین ادعا می‌کند که ترکمن‌ها از سهمیه خود تجاوز می‌کنند، ترکمنستان و ازبکستان هریک حق دارند حدود ۲۰ کیلومتر مکعب آب از آمودریا بردارند. در واقع، گفته می‌شود ترکمنستان بالغ بر ۳۰ کیلومتر مکعب آب برداشت می‌کند. سرانه مصرف آب ترکمنستان به سبب مدیریت بسیار ضعیف آب حدود دو برابر ازبکستان است (Zarghani et al., 2017:114).

از جمله موارد چالش برانگیز دیگر می‌توان به کانال قره‌قوم اشاره نمود. بزرگترین شبکه آبیاری در منطقه بیابانی رودخانه معروف قره‌قوم است که از محدوده بیابانی جنوب شرق و جنوب ترکمنستان عبور می‌کند (QoliBaghde, 2001:235). به علاوه در اکتبر سال ۲۰۰۰ میلادی ترکمنستان کار احداث عظیم‌ترین دریاچه مصنوعی را در صحرای قره‌قوم به نام دریاچه قرن طلایی آغاز کرد. این دریاچه، سبب نابودی بخش شمال غربی صحرای قره‌قوم شد و پوشش گیاهی آن به طول ۳۵۰۰-۴۰۰۰ کیلومتر از بین رفت. تکمیل این دریاچه که قادر به ذخیره‌کردن ۱۵۰-۱۳۲ کیلومتر مکعب آب خواهد بود، نگرانی و اعتراض فوری کشور ازبکستان را ایجاد کرد؛ زیرا این کشور نمی‌توانست از آب باقیمانده و رسیده به کشورش برای آبیاری زمین‌های کشاورزی استفاده کند. ازبکستان استدلال می‌کند که آب باقیمانده دارای محتوای بالایی از نمک است که به تدریج با بالا رفتن گرما در صحرای قره‌قوم تبخیر شده و نابودی زمین‌های کشاورزی ازبکستان را به دنبال خواهد داشت. درواقع، چنانچه ترکمنستان بخواهد با انجام طرح‌های آبی مصرف آب خود را از آمودریا افزایش دهد، عواقب این امر برای ازبکستان فاجعه‌آمیز خواهد بود. استان‌های اورگنج و قره‌قاپاقستان با کمبود آب بیشتری مواجه خواهد شد و این عامل زمینه‌ساز تنش‌های قومی در منطقه می‌شود (Kolaei & Soltani, 2013: 22).

هریرود و تنش‌های آبی افغانستان با ایران و ترکمنستان

هریرود رودخانه مشترک سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان است. هریرود از ارتفاعات هندوکش در افغانستان سرچشمه و پس از طی ۶۵۰ کیلومتر در نزدیکی شهرستان تایباد به مرزهای افغانستان و ایران می‌رسد. در ایران پس از پیوستن چند رودخانه فصلی به آن تا تنگه ذوالفقار که محل تلاقی مرزهای ایران، افغانستان و ترکمنستان است، خط مرزی ایران و افغانستان به طول ۱۰۷ کیلومتر را تشکیل می‌دهد. هریرود در پل خاتون با کشف‌رود تلاقی و از آن به بعد تجن نامیده می‌شود (Zarghani & Lotfi, 2011: 71). تجن که ۱۱۷ کیلومتر مرز مشترک ایران و ترکمنستان را تشکیل می‌دهد، پس از خروج از مرز در دشت قره‌قوم پخش و در حوالی شهر تجن محو می‌شود.



شکل ۶. ویژگی‌های حوضه آبریز هریرود در سه کشور افغانستان، ایران و ترکمنستان

(Zarghani & Lotfi, 2011:71)

نظام بهره‌برداری از آب هریرود که از گذشته‌های دور تا اواخر قرن نوزدهم میلادی بر اساس حقایق و رویه‌های معمول و مرسوم استوار و توسط مردم و مقامات محلی اجرا می‌شد که به دنبال پیشروی نیروهای نظامی روسیه تزاری به سوی سرزمین‌های آسیای مرکزی و ترکستان، دستخوش تغییر شد. پیشروی روس‌ها در آسیای مرکزی مقارن ضعف دولت مرکزی ایران و با ترک دعاوی آن نسبت به سرزمین‌های شمالی رود اترک و امیدواری برای حفظ اراضی جنوب آن همراه بود (Sinaee, 2011:202). درحالی‌که، بین ایران و افغانستان توافق‌نامه‌ای درباره تقسیم آب هریرود وجود ندارد، بین دو کشور ایران و ترکمنستان معاهداتی موجود است و براساس آنها سد دوستی نیز احداث شده است. براساس توافق‌های به‌عمل آمده بین ایران و ترکمنستان، چگونگی و میزان بهره‌برداری از آب هریرود مشخص شده است، ولی هیچ‌گونه توافقی با دولت افغانستان که در وضعیت فرادست قرار دارد، در این باره وجود ندارد. افغانستان به دلیل کوهستانی بودن، منشأ رودهای مهمی از جمله هیرمند، هریرود، پنجاب و سند است که به کشورهای همسایه وارد می‌شوند. درواقع، هرچند در گذشته با توجه به مشکلات سیاسی بسیار زیاد افغانستان برنامه‌های جدی برای کنترل آب‌های فرامرزی خود نداشته، اما در سال‌های اخیر مسئله بهره‌برداری از

رودخانه‌های مرزی اهمیت زیادی پیدا کرده است. بنابراین، دولت افغانستان اقدام به مطالعه و اجرای پروژه‌هایی برای ذخیره آب‌هایی از مرزها کرده و توجه جدی به ساخت بندها و سدها بر روی رودخانه‌های داخلی و منطقه‌ای خود چون هریرود داشته است. در همین راستا، اکنون نیز بسیاری هنوز در کابل بر این نظرند که هریرود رودی داخلی و افغانستانی است (Ramezani Bunesh, 2017:1). گذشته از این، اهمیت رودخانه هریرود به لحاظ تأمین آب آشامیدنی مشهد و بخشی از نیازهای دشت سرخس مورد توجه است. با این حال، تاریخچه توافقات ایران ترکمنستان بر سر هریرود به دوران شوروی باز می‌گردد و تعیین حقابه ایران و روسیه در رودخانه‌های مرزی از جمله هریرود، در قرارداد ۱۹۲۱ (اسفند ۱۲۹۹) سهم دو کشور از آب‌های سرحدی، مساوی اعلام شد و سپس در مهرماه ۱۳۷۰، بر سر چگونگی استفاده از آب رودخانه و نیز احداث سد دوستی سهم هر یک از استفاده از آب و انرژی سد به صورت مساوی تعیین شد. در مقابل، عملاً بین ایران و افغانستان توافق‌نامه‌ای درباره تقسیم آب هریرود وجود ندارد. همین امر بر پیچیدگی و حل چالش رژیم آبی رودخانه هریرود می‌افزاید.

علاوه بر این دولت افغانستان علاوه بر سدهای سلما و پاشدان، برنامه ساخت دو سد دیگر بر روی هریرود را دارد تا بتواند بخش‌های دیگر آب‌های هریرود را مدیریت کند. سد یا بندهای دیگری قرار است طی کم‌تر از یک دهه آینده بر روی هریرود ساخته شوند. در این شرایط، هرچند از نگاه کابل سد سلما تحول شگرفی در کشاورزی و تولید فرآورده‌های آن در این منطقه به وجود خواهد آورد؛ اما نمی‌تواند به صورت جدی در تأمین آب سد دوستی مشکل ایجاد کند. به عبارتی، سد سلما توان مدیریت سیستماتیک آب را دارد و فاصله زیادی در حدود ۴۰۰ کیلومتر با سد دوستی دارد و تنها نزدیک به ۳۰ درصد از حقابه جغرافیایی از این رودخانه، توسط افغانستان مدیریت شده و افغانستان هنوز از ۷۰ درصد دیگر سهم بهره نمی‌برد. اما بی‌گمان ساخت و تکمیل سدهایی دیگر بر روی هریرود یا سدهای پاشدان، کفگان و تیرپل توسط افغانستان، ممکن است باعث شود ۳۰ درصد دیگر از آب‌های حوضه هریرود نیز مدیریت شود و به کاهش سهم ایران و ترکمنستان بیانجامد (Ramezani Bunesh, 2017:2). پیشنهاد روابط ایران و افغانستان نیز نشان می‌دهد که افغان‌ها از جایگاه فرادستی خود در زمینه آب به‌خوبی بهره گرفته و همواره ایران را تحت فشار قرار داده‌اند و مشکلات بسیاری را در سیستم ایران به وجود آورده‌اند. به هر حال، اقدامات و ادامه سیاست‌های سدسازی افغانستان در سرشاخه‌های هریرود می‌تواند چالش‌هایی را برای روابط این کشور با ایران و ترکمنستان به همراه داشته باشد (Ahmadi et al., 2014:14).

چالش مرزی رودخانه هریرود بر اثر تغییرات مورفولوژیک

رودخانه‌ها در مسیر طبیعی خود، بی‌اعتنا به مرزهای سیاسی مصنوعی، به سرزمین‌ها و مردمان سر راه خود با گشاده‌دستی، آبادانی و سرزندگی می‌بخشند؛ اما دست‌اندازی انسان به سامانه‌ی رودها و برداشت بی‌ملاحظه آب از آن‌ها موجب برهم‌خوردن چرخه حیات و اقتصاد در یک یا چند کشور مسیر می‌شود. همکاری نداشتن کشورهای که میزبان یک رودخانه‌ی فرامرزی هستند، ممکن است به خشک یا کم‌آب‌شدن بخشی از بستر رود یا مصب آن و تالاب‌هایی که وابسته به رود هستند، بیانجامد (Mohammadi, 2016:1). در بین مرزهای بین‌المللی، رودخانه‌ها، به دلیل تغییر مسیر، ناپایدارترین مرزهای طبیعی هستند. تغییر بستر رودخانه‌های مرزی به وسیله عوامل طبیعی و انسانی (آنتروپوژن) می‌تواند منجر به آثار ژئوپلیتیک و سیاسی در مرزها شود و امنیت سازه‌های عمرانی در مرز و حتی سکونتگاه‌های انسانی را در معرض تهدید قرار دهند. از طرف دیگر، با تغییر بستر رودخانه، خطوط مرزی نیز تغییر می‌یابد و طبق پروتکل‌های مرزی در هر موقعیتی که رودخانه با تغییر مسیر روبرو باشد، همان نقطه خط مرزی تلقی می‌شود (Behniafar & Ghanbarzadeh, 2010:205). این امر در نهایت می‌تواند موجبات تنش و درگیری را بین کشورهای همجوار فراهم کند. بسیاری از طول مرزهای ایران را رودها تشکیل می‌دهند که برخی به دلایل توپوگرافیک و فیزیوگرافی رودخانه و بستر آن در حال تغییر مسیر بوده و یا برخی نیز در معرض احتمالی این پدیده می‌باشند. در این بین، مسئله رودهای هریرود بسیار حائز اهمیت می‌باشد. هریرود (تجن) به عنوان یک مرز طبیعی بین ایران و ترکمنستان از محل پل خاتون شروع شده و تا انتهای شمال شرق شهرستان سرخس امتداد می‌یابد. از لحاظ سیکل فرسایش هریرود در نقطه مرزی به مرحله پیری رسیده و شروع به ماندن‌های زیاد از نوع محاط و دشتی می‌کند. از آنجا که رودخانه‌ها حالت دینامیکی دارند، قلمدادکردن آنها به عنوان خط مرزی با مشکلات زیادی روبرو می‌شود. زیرا رودخانه‌ها در طی زمان با تغییر بستر و تحولات مورفولوژیک در حواشی مواجه‌اند. مهمترین عوامل تغییر بستر هریرود شامل (گسل هریرود، ژنتیک رودخانه، توپوگرافی و فیزیوگرافی منطقه، شرایط هیدرولوژیک، جنس و بافت خاک، سازند زمین‌شناسی) و عوامل آنتروپوژنیک (سکونتگاه‌های مرزی، تشدید کاربری زمین به کشاورزی، دامداری، شخم اراضی تا حاشیه رودخانه، تخریب پوشش گیاهی حاشیه رودخانه، فقدان برنامه‌ریزی در استقرار سکونتگاه‌های مرزی و ...) می‌باشد (Shakeri Zare et al., 2014:65).

جدول ۲. عوامل محیطی و عوامل آنتروپوژن تأثیر گذار بر تغییر بستر هریرود

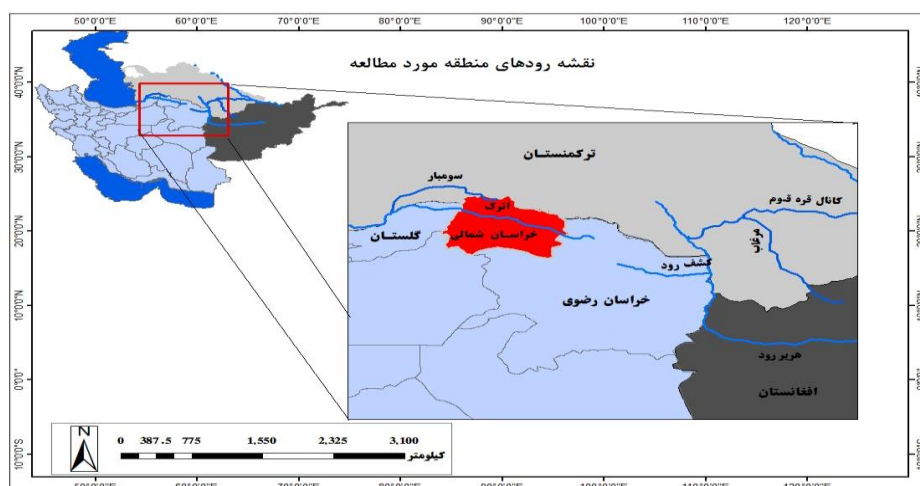
عوامل محیطی	عوامل آنتروپوژن
توپوگرافی	تخلیه روستاهای مرزی (حاشیه رودخانه)
شیب	ساخت سد دوستی
نوع سازند زمین‌شناسی و خاکشناسی	عدم اجرای طرح‌های مناسب آبخیزداری
میزان بارندگی و دبی رودخانه	از بین بردن گیاهان مؤثر

منبع: Shakeri Zare et al., 2014:65

اترک: رودخانه مشترک ایران- ترکمنستان

موقعیت مکانی و جغرافیایی اترک

رود اترک در شمال شرقی و شمال ایران جاری بوده و جزء رودهای دائمی و بین‌المللی محسوب می‌شود. طول رودخانه اترک از سرشاخه‌های آن در کوه‌های شاه جهان در خراسان شمالی تا دریای خزر جمعاً به طول ۵۳۵ کیلومتر است. سرشاخه‌های اصلی و داخلی رود اترک در روستای چات با رود سومبار به هم می‌آمیزند و از این نقطه مرز ایران و ترکمنستان به طول ۱۹۰ کیلومتر را تشکیل می‌دهد (Piltan & SeddiqBatahi Asl, 2016:103). رودخانه‌های کال ایمانی، اینچه، گرماب، خرتوت، سومبار، چندیر، نارلی آجی سو، قره یتیم، کال قره‌حجن (قره قچان)، کلوقرب (کوله قورپ)، نجیب (نجف)، آق‌بند و ماسن مهمترین رودخانه‌های تغذیه‌کننده اترک می‌باشند. اترک را می‌توان از لحاظ طبیعی و جغرافیای سیاسی به دو بخش زیر تقسیم‌بندی نمود.



شکل ۷. موقعیت مکانی رودخانه اترک در مرز مشترک ایران و ترکمنستان

الف: اترک داخلی

رود اترک داخلی به‌عنوان یکی از طولانی‌ترین رودهای ایران، از ارتفاعات نزدیک قوچان از کوه‌های سلسله جبال البرز سرچشمه گرفته که پس از مشروب نمودن دشت‌های قوچان، شیروان و بجنورد و ملحق شدن چند شاخه مهم به آن از منطقه رضاآباد می‌گذرد. اترک بالایی که مساحتی حدود ۶۲۱۳ کیلومترمربع را شامل می‌شود. از منطقه رضاآباد تا قازانقایه را اترک میانی می‌نامند که مساحت حوضه در این قسمت حدود ۱۶۴۱۶ کیلومترمربع می‌باشد. این رودخانه پس از گذشتن از قازانقایه تا دشت‌های ساحلی دریای خزر به نام اترک سفلی معروف است که مساحت حوضه این قسمت حدود ۸۵۹۷ کیلومترمربع می‌باشد، که در چات نیز رودخانه سومبار ترکمنستان به آن می‌پیوندد. این رودخانه پس از عبور از بخش اینچه‌برون به علت شیب کم زمین، در دشت پخش می‌شود که نتیجه آن تشکیل دریاچه‌هایی نظیر آلاگل، آماگل و تنگلی بوده که نهایتاً در خلیج حسقلی (در صورت طغیان) به دریای خزر ملحق می‌شود (Ministry of Interior, 1998:72).

ب: اترک خارجی (رودخانه سومبار ترکمنستان)

سومبار: رود شوری است که از ارتفاعات کوه داغ در ترکمنستان سرچشمه گرفته و از سه شاخه ترکان و چندر و سومبار تشکیل شده است. در نزدیکی چات به اترک می‌پیوندد. اترک مشترک: رودخانه اترک مشترک از ایستگاه هیدرومتری چات در مرز ایران و ترکمنستان شروع شده و به دریای خزر ختم می‌شود؛ آب این رودخانه بعد از عبور از بخش اینچه‌برون و تنگلی، در حوالی پاسگاه پل توسط سیستم تقسیم آب در دزبل، سهم آب دو کشور مجزا می‌شود که سهم آب ایران توسط کانال به دریاچه آلاگل و سپس به دریا می‌ریزد.

شیرین چای: از رباط و گیفان سرچشمه گرفته و در شرق باش‌قلعه به اترک می‌پیوندد.

حسن قلعه: از حسن قلعه سرچشمه گرفته و در شرق رضاآباد به اترک می‌پیوندد (Ministry of

Interior, 1998:72).

جدول ۳. زیرحوضه‌های اصلی اترک

کد	نام زیرحوضه‌ها	مساحت کیلومتر مربع	تعداد زیرحوضه‌ها
۱۷۱	رود اترک از مصب تا تلاقی شاخه سومبار (پایاب اترک)	۴/۹۰۲	۱۷۱
۱۷۲	رود سومبار	۱/۹۵۷	۱۷۲
۱۷۳	رود اترک از تلاقی شاخه سومبار تا تلاقی شاخه خروتوت (اترک میانی ۱)	۳/۲۵۸	۱۷۳
۱۷۴	رود اترک از تلاقی شاخه خروتوت تا تلاقی شاخه سملقان (اترک میانی ۲)	۴/۷۰۱	۱۷۴
۱۷۵	رود اترک بین پیش‌قلعه و رضاآباد (اترک میانی ۳)	۵/۹۸۲	۱۷۵
۱۷۶	رود اترک در بالادست رضاآباد (سرآب اترک)	۵/۶۳۰	۱۷۶

منبع: (Iran Water Resources Management Company, 2004)

تأثیر رودخانه اترک بر روابط ایران و ترکمنستان

سرزمین و در مقیاس گسترده‌تر فضای سرزمینی ایران، دومین تأمین‌کننده آب شیرین ترکمنستان است. در مرزهای ایران و ترکمنستان، هیدروپلیتیک رودخانه‌های مرزی بین دو کشور، همیشه منشاء نقد آفرینی روابط میان دو کشور بوده است. هنگامی که مرزهای سیاسی و جغرافیایی دو کشور در زمان حکومت تزارها در روسیه تثبیت نشده بود و ترکمن‌های دو سوی مرز زندگی کوچ‌نشین داشتند، اختلاف در بهره‌برداری از منابع آبی محدود بوده است (Paknejad & Ezzati, 2011:31). اترک و شاخه‌های اصلی و فرعی آن عمدتاً به صورت متوالی از ایران سرچشمه گرفته و با آورد سالیانه حدود ۱۲۰ میلیون مترمکعب از کشور ایران خارج می‌شوند (Pilten & SiddiqBatahi Asal, 2016:102). غیر از رودخانه‌های دائمی اترک، کلات نادری، درونگر، هریرود (تجن) و سومبار، که از خاک و فضای سرزمین ایران به سوی ترکمنستان جاری هستند؛ چندین رودخانه با دبی متغیر و فصلی مانند شورلق، چهل کمان، چهچه قره تکان و لاین نیز، از ارتفاعات مرزی هزار مسجد به دشت‌های پست ترکمنستان سرازیر می‌شوند (Karimipour, 2015:128-129). تنها حجم وارده از طریق اترک و هریرود به ترکمنستان به ترتیب سالیانه ۲۷۵ و ۸۳۰ میلیون متر مکعب است؛ این در حالی است که شمال شرقی ایران در شمار مناطقی با تنگناهای آبی است که می‌توان با ایجاد سدها و بندهای مخزنی و انحرافی بر روی رودخانه‌های یاد شده، بخشی از نیازهای آن را تأمین کرد (Karimipour, 2001:83). باید اضافه کرد که در کل شرق و شمال شرق ایران جمعیت و فعالیت اقتصادی

در ظرف چند دهه چندین برابر گذشته شده است. برداشت و کنترل آب‌های صنعتی به حداکثر رسیده است و کار چندانی نمی‌توان درباره آب‌های سطحی که به علت برداشت بی‌رویه چاه‌ها سفره‌های زیرزمینی با بحران روبرو است، انجام داد (Papoli Yazdi, 2012:139).

لازم به ذکر است، کشور ایران در حال حاضر، در شمار کشورهای بحرانی از منظر تنش‌های آبی است. در شاخص مدیریت منابع آب ایران با امتیاز ۲/۷۷ از ۱۰۰ در رتبه‌ی ۱۳۲ در بین ۱۳۳ کشور قرار دارد و به‌طورکلی تمام رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، تالاب‌ها، آبخوان‌ها و دشت‌های کشور با عدم تخصیص بهینه‌ی منابع آب و خشکی مواجه هستند (Jalili Kamjoo, 2015). گزارش‌ها نشان می‌دهد، کشور ایران در سال ۲۰۲۵ میلادی جزو کشورهای دچار بحران جدی آب خواهد بود. میانگین بارش در جهان، ۸۶۵ میلی‌متر و در ایران ۲۵۰ میلی‌متر است. براساس برآوردها، در سال آبی ۹۵-۹۶، سطح آبخوان‌ها، کاهش‌ی نزدیک به ۴۷ درصد داشت (KavianiRad, 2016:15). این وضعیت فقط شامل استان‌های شرقی، مرکزی و جنوبی نمی‌شود، بلکه استان‌های شمالی، نیز از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیستند. به‌طورمثال، متوسط بارندگی سالیانه در استان خراسان شمالی (در مرز مشترک با ترکمنستان) حدود ۲۹۰ میلی‌متر است که اندکی بیشتر از متوسط بارندگی سالیانه ایران و حدود یک سوم بارندگی جهانی می‌باشد، با این حال، میزان بارش در خراسان شمالی برابر با ۱۷۰۰ متر مکعب در سال می‌باشد که به مرز تنش آبی نزدیک است (Hoshmand, 2016). همچنین در حال حاضر، بخش زیادی از زمین‌های کشاورزی ایران در شمال کشور (استان‌های گلستان و اردبیل) به‌دلیل کمبود آب شیرین پایدار به زیر کشت نمی‌رود و این مسئله باعث از بین رفتن منافع ملی ایران در عرصه اقتصادی شده است. نمود عینی چنین مشکلاتی باعث تحرک و توجه مسئولین دولتی به حوضه‌های مشترک آبی گردیده است. پرویز فتاح وزیر وقت نیرو در این رابطه چنین می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران در رابطه با آب‌های مرزی مشترک با همسایگان خود مطابق با منافع ملی عمل می‌کند چرا که آب‌های مرزی جزء منافع ملی هر کشوری است و مرزنشینان ایران نیز از این آب‌ها بهره می‌گیرند، البته مهار آب‌های مرزی تابع شرایط بین‌المللی است» (Paknejad and Ezzati, 2011:21). علاوه بر آن در دولت یازدهم نیز دو میلیارد دلار بودجه برای مهار آب‌های مرزی اختصاص داده شده است (Sabouri & Banaee, 2015).

اترک و شاخه‌های اصلی و فرعی آن اغلب از داخل ایران سرچشمه می‌گیرند که از این لحاظ ایران در موقعیت فرادستی قرار دارد. هرچند به‌صورت کلی، روابط ایران و ترکمنستان روابطی دوستانه و همگرا

است، اما با توجه به موقعیت فرادستی ایران، این رودخانه‌ها می‌توانند در آینده منشاء اختلاف میان دو کشور باشند. مثال عینی آن استفاده از موقعیت فرادستی دو کشور ترکیه و افغانستان در رابطه با عراق و ایران است. منتها به نظر می‌رسد با توجه به مشکلاتی که ایران خود از ناحیه آب دارد، این مسئله چالشی حتمی برای آینده آب ترکمنستان در موقعیت فرودستی نسبت به ایران خواهد بود و در آینده، آب‌های وارده از ایران و کنترل‌های احتمالی بر روی آنها، می‌تواند یکی از منابع تنش و مشاجره بین دو کشور باشد (Karimipour, 2015: 83).

نتیجه‌گیری

در حیات و توسعه جوامع منابع آب نقش بی بدیلی دارد و از این رو، دسترسی پایدار و مطمئن به منابع آبی همواره از دغدغه‌های جوامع به‌خصوص در مناطقی با اقلیم گرم و خشک و بیابانی بوده است. از طرفی، بروز تحولات طبیعی و انسانی همانند پدیده تغییر اقلیم و تداوم خشکسالی در برخی منطقه، افزایش شدید میانگین دما و به تبع آن افزایش تبخیر منابع آبهای سطحی، شهری شدن جمعیت جهان و افزایش مصرف بی‌رویه آب، تهدید امنیت غذایی و رویکرد کشورها در کشت محصولات اصلی غذایی با وجود کم‌آبی، امنیتی شدن موضوع آب و ... در مجموع آینده نگران‌کننده‌ای را در زمینه بحران آب به ویژه در منطقه جنوب غرب آسیا و آسیای مرکزی ترسیم می‌کند.

آسیای مرکزی مدت طولانی است که به‌عنوان کانون داغی که در آن پتانسیل افزایش تنش بر سر رودخانه‌های مرزی و اختلافات بالقوه قومی و اقتصادی در آن بالاست شناخته می‌شود. آنچه رقابت بر سر آب‌های مشترک مرزی را جدی‌تر می‌کند، ماهیت روابط بین کشورهای بالادست و پایین‌دست رودخانه-هاست که بهره‌برداری از آب را به یک اهرم سیاسی تبدیل می‌کند. درواقع، در سرتاسر دنیا به طور معمول کشورهای واقع در قسمت علیای رودخانه می‌توانند بر سرنوشت و روند توسعه اقتصادی-اجتماعی کشورهای سفلی تأثیر بگذارند و با تغییر مسیر آب و یا تهدید به انجام تغییر آن، کشورهای پایین‌دست را به سمت و سوی مورد نظر خود بکشانند. نکته حائز اهمیت در آن مزیتی است که کشورهای فرادست رودخانه دارند و به واسطه در اختیار داشتن این مزیت از فرصت چانه‌زنی بالاتری در مناسبات منطقه‌ای برخوردارند. در مقابل، کشور فرودست در حالت ضعف و انفعال قرار گرفته و توانایی تغییر جدی در مناسبات و مبادلات منطقه‌ای را ندارد. در این بین، موقعیت جغرافیایی ترکمنستان و موقعیت فرودستی این کشور، نسبت به کشورهای آسیای مرکزی، ایران و افغانستان، به‌گونه‌ای است که برای این کشور تنگناهای

زیادی را به بار آورده است. این مسئله در باب تنگناهای آبی شدت بیشتری دارد؛ به گونه‌ای که این وضعیت، ترکمنستان را در رابطه با اغلب کشورهای آسیای مرکزی و همچنین ایران و افغانستان کاملاً وابسته و منفعل ساخته است و این کشور در وضعیت کم‌آبی و تنش‌های غیرقابل اجتناب آبی خواهد بود. بحران آب در آسیای مرکزی فقط مختص ترکمنستان نیست، حتی کشورها فرادست و پرآب که بیشترین سهم از منابع آب موجود (دو رودخانه آمودریا و سیر دریا) را دارند نیز مصون از این چالش‌ها نیستند. مسئله هنگامی حادث می‌شود که هر پنج جمهوری آسیای مرکزی و افغانستان کشورهای محصور در خشکی‌اند که دسترسی به آبهای آزاد ندارند. مضاف براین، همانند برخی مناطق در حال توسعه دنیا، تغییرات شدید اقلیمی و مسئله خشک‌سالی، کمی بارش، ناکارآمدی در مدیریت مصرف و اتکای این کشورها به کشاورزی نیز تا حدود زیادی شرایط را برای جمهوری‌های آسیای مرکزی دشوار ساخته است؛ به همین دلیل کشورهای آسیای مرکزی برای تقسیم منصفانه ذخایر آبی تا کنون بیش از هشت لایحه را پیشنهاد و بررسی کرده‌اند، ولی این لوایح مورد موافقت همه کشورها قرار نگرفته است. ازاین‌رو، این نگرانی به وجود آمده است که «اگر مشکل آب با مذاکره حل نگردد و کشورها تعامل مطلوب و لازم را برای تفاهمی با رعایت منافع مشترک نداشته باشند؛ تشدید منازعه بر سر آب دور از انتظار نخواهد بود». از طرفی، دسترسی ایران و ترکمنستان هم به هریرود به دلیل اجرای پروژه‌های متعدد سدسازی افغانستان با چالش مواجه شده است. بر این اساس، بر خلاف گذشته که بخش عمده آب هریرود به دلیل فقدان سد در مسیر آن در خاک افغانستان، غالباً به سمت مرزهای ایران و ترکمنستان جریان داشت، با اجرای پروژه‌های سدسازی افغانستان به شدت کم آب خواهد شد. علاوه بر اینکه به دلیل بحران کم آبی در ایران به‌ویژه نیازهای روزافزون آبی در استان‌های خراسان شمالی و خراسان رضوی، مدیریت و مهار رودهای مرزی در دستور کار وزرات نیرو قرار گرفته است. از این‌رو، به نظر می‌رسد ترکمنستان به دلیل موقعیت فرودست وارد چالش هیدروپلیتیکی جدی با همسایگان خواهد شد.

کتابنامه

1. Ahmadi, A., Sadat Mousavi, E. & RahimiHarabadi, S. (2014). Geopolitics of the east of the country and security challenges of future. *Quarterly Journal of South Khorasan Law Enforcement*, 3(10), 1-20. [In Persian].
2. Amirahmadian, B. & Naseri, M. (2013). Water crisis in Central Asia: emphasizing the conflict of regional countries on the water. *Central Eurasian Studies*, 6(12), 1-20. [In Persian].

3. Araghchi, A. (2014). Water diplomacy from conflict to cooperation. *World Politics Quarterly*, 3(4), 91-119. [In Persian].
4. Askari, M. (2002). The new ratio of water resources to national security. *Quarterly Journal of Strategic Studies*, 5(16), 202-489. [In Persian].
5. Barghi, H. & Ghanbari, Y. (2010). *Water resources crisis, the basic challenge of the Islamic world*. Proceedings of the Fourth International Geographical Congress of the Islamic World, Sistan and Baluchestan University, April 25-27. [In Persian].
6. Behniyafar, A. & Ghanbarzadeh, H. (2010). *Geopolitical-security Consequences of changing the boundary of Border Rivers (Case study of Harirod River in Sarakhs County)*. Proceedings of the Second Conference on Reviewing Iran-Central Asia Relations after The collapse of the Soviet Union, a vision for the future; Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran. [In Persian].
7. Biazakova, Zh. (2010). *Turkmenistan Golden Age Lake: a potential environmental disaster*, Fmso. Leavenwoeth. Army. Mail
8. Camp, J., Harkawy, R. (2004). *Strategic geography of the Middle East*. (M. Hosseini Matin Trans.). Iran, Tehran: Research Institute for Strategic Studies . [In Persian].
9. Dowling, Malcolm and Caneshan Wignargja (2006). *Central Asia's Economy: mapping future prospects to 2015*. Central Asia- Caucasus Institute Silk Road Studies Program, 1-104, Available at: // www. Silk Road, (Accessed on: 2/2/2010)
10. Faraji, M.R. & Ranjbar Heydari, V. (2017). Middle East hydropolitics: A case study of the Tigris and Euphrates basins, the Nile and Jordan. *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*, 6(25), 331-311. [In Persian].
11. Ghiasabadi, R. (2005). *Iran, the eternal land of the Aryans*. Iran, Shiraz: Navid Shiraz Publications. [In Persian].
12. Glantz, M.H. (2007). Aral Sea Basin: A sea dies, a sea also rises. *Ambio. Journal of the Human Environment*, 36(4), 323-327.
13. Hoff, H., (2011). *A water resources planning tool for the Jordan River basin*. www.mdpi.com/journal/water.
14. Hogget, P. (1997). *New combined geography*. (Sh. GoodarziNejad, Trans). Iran, Tehran: SAMT. [In Persian].
15. Hoshmand, B. (2016). Atrak River, a vital flow of North Khorasan. Shirvan News-Analytical Database, at: www.newssh.ir/new.aspx?Id=33976. [In Persian].
16. Hosseinpour, A. (1994). *Developments in Central Asia and the Caucasus*. Iran, Tehran: Publications of the Office of Political and International Studies.
17. Hosseinpour, H. (2017). *Harvard site report on Central Asia*. [https:// www. Ilna news](https://www.ilna.news). [In Persian].

18. Iran Resource Management Company, (2004). *Instructions and criteria for classification and coding of catchments and study areas in the country*. December 2004. [In Persian].
19. Jalili Kamjoo, P. (2015). *Sustainable allocation and implementation of water market design*. PhD thesis, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan., Isfahan Iran. [In Persian].
20. Karimipour, Y. (2001). *Introduction to Iran and its neighbors (sources of tension and threat)*. Iran, Tehran: Tarbiat Moallem University Jihad Publications. [In Persian].
21. Karimipour, Y. (2015). *Geography first in the service of peace (An Attitude Toward Iran-Neighbors Relations)*. Iran, Tehran: Entekhab Publication. [In Persian].
22. Karthe, D., Sergey Ch., & Dietrich, B. (2015). Water resources and their management in Central Asia in the early twenty first century: Status, Challenges and Future Prospects. *Environ Earth Sci*, 73, 487-499.
23. KavianiRad, M. (2016). Hydropolitical challenges; water security in Iran. *Shargh Newspaper*, 14(2760), December 27, 2016. [In Persian].
24. Khel, J.R. (2011). Hydropolitical complexes and asymmetrical power: conflict, cooperation and governance of international river systems, *Journal of World-Systems Research, American Sociological Association*, 3(17), 1-20.
25. Kolaei, E., & Soltani, M.J. (2013). The issue of water and relations between Central Asian countries. *Quarterly Journal of World Policy*, 2(3), 34-7. [In Persian].
26. Koozegarkalchi, V. (2012). *Water Crisis in Central Asia, Centers of Conflict and Possible Consequences for Iran*. Iran, Tehran: Abrar International Institute for Contemporary Studies and Research. [In Persian].
27. Mohammadi, A. (2016). The need to reform foreign policy in the field of water and land. *Public Policy Studies Network Monthly*, Serial Number: 1100232; Shapa number: 5385-2423. [In Persian].
28. Mokhtari Heshi, H. & Abdi, A. (2019). Attention to hydropolitics in regulating Iran-Central Asia relations. *Quarterly Journal of Southwest Asia Studies*, 2(6), 93-116. [In Persian].
29. Mokhtari, H. (2013). Hydropolitics of Iran; geography of water crisis on the horizon of 1404. *Geopolitical Quarterly*, 9(3), 83-49. [In Persian].
30. Nouri Kalaghabad, M., (2012). *Study of the current exploitation of Harirod water and future challenges*. Master Thesis in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhd, Mashhad, Iran. [In Persian].
31. Ohara, S. (2000). Water Situation in Central Asia. (A. Rasouli, Trans.). *Central Asia and Caucasus Studies*, No. 30, 181-165. [In Persian].
32. Papoli Yazdi, M.H. (2012). *Applied geopolitics*. Iran, Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian].
33. Papoli Yazdi, M.H. & Vosoughi, F. (2011). *A look at Iranian water diplomacy, hydrogeopolitics*. Iran, Mashhad: Papoli Publications. [In Persian].

34. Pilten, F. & Seddiq Batahi, M. (2016). Mechanism of environmental cooperation between Iran and neighbors in the common river basin. *Socio-Cultural Strategy Quarterly*, 5(21), 21, 122- 91. [In Persian].
35. Potter, R.B. Darmame, K., & Nortcliff, S. (2010). *Issues of water supply and contemporary urban society: the case of Greater Amman Jordan*. Philosophical Transactions of the Royal Society.
36. QoliBaghde, A. (2001). Impact of Karakorum chanal on Karakorum desert ecosystem. *Central Asia and Caucasus Studies*, No. 36, 236-246. [In Persian].
37. Ramezani Bonesh, F. (2017). *The need for an agreement with Afghanistan on the water regime of the Harirod River*. Public Policy Studies Network, No.3300396, 23 October. [In Persian].
38. Rashidi, A. (2014). *Geopolitics of Turkmenistan and its impact on national security of the Islamic Republic of Iran*. Iran, Tehran: Faculty and Research Institute of Defense Sciences. [In Persian].
39. Sabouri, N. & Banaee, N. (2015). Border water control and groundwater reclamation in the balance sheet. *Economists Portal*, No.27. www.eghtesadgardan.ir. [In Persian].
40. Salehabadi, R. (2014). Study of hydropolitical challenges of water resources in the geopolitical region of Central Asia. *Foreign Policy Quarterly*, 28(2), 381-347. [In Persian].
41. Shakeri Zare, H., Behniafar, A. & Ghorbani, A. (2014). Study of geomorphological developments of Harirod and its impact on international borders. *Geography and Environmental Sustainability*, 4(11), 53-64. [In Persian].
42. Shootar, Sofi (2011). *Cognition, recognizing and understanding the concepts of political geography*. (H.Rezaei, Trans.). Iran, Tehran: SAMT Publications. [In Persian].
43. Sinaei, V. (2011). Hydropolitics, security and development of water cooperation in Iran-Afghanistan-Turkmenistan relations. *Quarterly Journal of Foreign Relations*, 3(2), 211-185. [In Persian].
44. Ministry of Interior (1998). Study of economic and social development of Atrak Sofla catchment. Ministry of Interior, Golestan province. [In Persian].
45. Swain, A. (1997). Ethiopia, the Sudan, and Egypt: The Nile river dispute. *The Journal of Modern African Studies*, 35(4), 675-694.4
46. Turton, A. & Hen wood, R. (2002). *Hydropolitics in developing world: A southern African perspective*. Pretoria: University of Pretoria, African Water Issues Research Unit.
47. Zakhirova, L. (2013). The international politics of water security. *Central Asia Europ-Asia Studies*, 65(10), December, 1994-2013.
48. Zarghani, H. (2009). *Environmental disaster of the Aral Sea, causes and consequences*. Proceedings of the 17th International Conference on Central Asia and the Caucasus, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian].

49. Zarghani, H., & Lotfi, A. (2011). The role of border rivers in regional cooperation and convergence, Case Study: Harirod and Dosti Dam. *Journal of Regional Geography and Development*, spring and summer, No. 16, 82-57. [In Persian].
50. Zarghani, H., Azami, H. & Salehabadi, R. (2017). Explanation and analysis of hydropolitical disputes in Central Asia. *Quarterly Journal of International Political Research*, Shahreza Azad University, 9(32), 124-91. [In Persian].
51. Zarghani, H., Mashayekhi, M., & Nasimi, Z. (2017). *Climate change and its effects on the hydropolitical challenge of border rivers*. Proceedings of the Conference on Water Diplomacy and Hydropolitical Opportunities in West Asia, Tehran: Geopolitical Association of Iran. [In Persian].
52. Zhupankhan, A. Tussupova, K. & Berndtsson, R. (2018). Water in Kazakhstan, a Key in Central Asia water management. *Hydrological Sciences Journal*, 63(5).
53. Zonn, Igor. Et al (2018). *Turkmenistan water resources policy in Central Asia*. The handbook of environmental chemistry, Germany, Berlin and Heidelberg: Springer.

مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۸، پیاپی ۱۴

فرا تحلیل پژوهش‌های انجام شده در حوزه شهرهای مرزی، نظم و امنیت در استان سیستان و بلوچستان

مصطفی ایستگلدی (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زابل، زابل، ایران، نویسنده مسئول)

mistgaldi@uoz.ac.ir

محمد قنبری (دانش آموخته دکتری مدیریت راهبردی، دانشگاه دفاع ملی، تهران، ایران)

رضا پویا (کارشناس ارشد مهندسی علوم و صنایع غذایی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران)

rezapooya1980@gmail.com

مجتبی روستا (دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران)

rusta.m0791@gmail.com

چکیده

هدف نوشتار حاضر، فراتحلیلی بر پژوهش‌های انجام شده در حوزه شهرهای مرزی، نظم و امنیت در استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. در این پژوهش از روش فراتحلیل و نرم‌افزار CMA2 و SPSS بهره گرفته شده است. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه تحقیقات و مطالعات انجام شده (۱۸ طرح پژوهشی، ۸ پایان‌نامه، ۵ کتاب و ۴۲ مقالات همایشی)، (۷۳ نمونه) در دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان در بازه زمانی ۹۷-۱۳۸۹ می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه تحقیقات صورت گرفته در زمینه امنیت در شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان توانسته‌اند تا اندازه زیادی دستاوردهای پژوهشی مهم و راهگشایی عرضه کنند، اما، بیشتر تحقیقات، «امنیت» را به صورت عام مورد مطالعه قرار داده و بدون لحاظ کردن دقائق مفهومی و ظرائف نظری که در مورد انواع امنیت وجود دارد، سعی در مطالعه آن در کلی‌ترین معنایش کرده‌اند. نتیجه این وضعیت، چیزی جز غفلت از وجوه مختلف امنیت، ابعاد متنوع آن و نیازهای پژوهشی مختلفی که هر کدام از این وجوه متنوع جهت بررسی نیاز دارد، نیست. بعلاوه، تقریباً تمام پژوهش‌هایی که مورد فراتحلیل قرار گرفتند، مبتنی بر روش‌های پژوهش کمی (به‌ویژه پیمایش) بودند (عدم توجه جدی به روش‌های کیفی در پژوهش‌ها). همچنین، مشخص گردید که مهمترین پدیده‌هایی که در زمانه حاضر در مکان‌های مرزی (استان سیستان و بلوچستان)، شکل می‌گیرند و می‌توانند بر مقوله امنیت این مکان‌ها تاثیرگذار باشند، پدیده‌های درون‌مکانی (فضای مجازی و تغییرات شیوه زندگی) و پدیده‌های فرامکانی (تشکیل

گروهک‌ها در فضاهای مجاور، بی‌ثباتی داخلی و تغییر حکومت‌ها و حرکت‌های فرامنطقه‌ای جمعیتی) هستند که به این عوامل توجه کافی نشده و تعدد و شیوع تحقیقات در این زمینه، به اندازه کافی نیست. در پایان نوشتار، متناسب با یافته‌های تحقیق، الگوی نهایی پیشنهادی پژوهش در هفت محور ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: فراتحلیل، نظم، امنیت، شهرهای مرزی، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی، استان سیستان و بلوچستان.

مقدمه

فراتحلیل^۱ در حوزه مطالعاتی دنیای امروز جایگاه شایسته‌ای دارد. استفاده از برآیند یافته‌های پژوهش‌های مختلف برای برنامه‌ریزی و اداره بخشی از جامعه یا کل آن، از مهم‌ترین عواملی است که موجب اهمیت این نوع مطالعه شده است. جدای از این، از آنجا که ارزیابی و داوری کارهای پژوهشی با تکیه بر ادبیات موجود، نخستین قدم در توسعه و تکوین پژوهش‌هاست و با عنایت به اینکه، این موضوع در کشور ما بدان دلیل که به نوعی موجب بدنامی پژوهشگران و کارفرمایان می‌شود، مغفول می‌ماند، مطالعه پژوهش‌ها با استفاده از فراتحلیل می‌تواند بسیار راهگشا باشد (zahediasl and pilevari, 2017:2). موضوع امنیت از جمله حوزه‌هایی است که در جامعه ما و مخصوصاً در شهرهای مرزی، حجم درخوری از پژوهش‌های صورت گرفته را به خود اختصاص داده است. این موضوع به نوعی نشان‌دهنده ضرورت‌های جامعه برای مطالعه در این حیطه است. در همین راستا، بررسی اولیه پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه شهرهای مرزی، نظم و امنیت در دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان، نشان‌دهنده پراکندگی و ناهمسویی آن‌هاست. اهمیت موضوع مذکور و پژوهش‌های پراکنده فراوان در این حوزه، پژوهشگر را بر آن داشت که صورت‌بندی منظمی از این پژوهش‌ها ارائه دهد و به تحلیل کمی و کیفی پژوهش‌های این حوزه بپردازد. بنابراین، دغدغه اصلی این پژوهش، مطالعه تشخیصی وضعیت تولید علمی پژوهش‌ها در حوزه شهرهای مرزی، نظم و امنیت در دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان و جمع‌بندی و تحلیل ماهیت و کیفیت پژوهش‌های این حوزه در بازه زمانی ۹۷-۱۳۸۹ است. این کار با هدف نظم‌دهی به تحقیقات و شناسایی آخرین خلاءهای پژوهشی در حوزه موردنظر انجام شده است. در خصوص نظم و امنیت، شهرهای مرزی و

1. Meta-analysis

فرا تحلیل، هر یک جداگانه، پژوهش های فراوانی توسط؛ ژانگ و همکاران^۱ (۲۰۱۹)، گریش و واتکینز^۲ (۲۰۱۸)، سبری^۳ (۲۰۱۶)، لوئیس همل^۴ (۲۰۰۰)، اندرا کارلا^۵ (۲۰۰۵)، سیونگ جین کیم^۶ (۲۰۰۸)، اسکات واتسون^۶ (۲۰۰۹)، عشایری و نامیان^۷ (۱۳۹۸)، ابدالی و همکاران^۸ (۱۳۹۷)، سلیمی و مکنون^۹ (۱۳۹۷)، زمانزاده دربان^{۱۰} (۱۳۹۶)، نیازی و همکاران^{۱۱} (۱۳۹۶)، حاتمی نژاد و شهیدی^{۱۲} (۱۳۹۶)، شکر بیگی و مستمع^{۱۳} (۱۳۹۳)، شفیعا و همکاران^{۱۴} (۱۳۹۲)، محمدی و همکاران^{۱۵} (۱۳۹۱) و غیره صورت پذیرفته است؛ اما تاکنون، فرا تحلیل درباره شهرهای مرزی، نظم و امنیت در ایران و خصوصا در استان سیستان و بلوچستان (تا زمان تدوین این پژوهش) انجام نشده است.

مبانی نظری تحقیق

در این قسمت مواردی در مورد مقوله های امنیت و مرز در قالب مبانی نظری تحقیق ارائه می گردد:

امنیت: مفهوم و ابعاد

امنیت مفهومی ذهنی و نسبی است که بر پایه اصول متعدد، در یک جامعه پدیدار و استمرار می یابد. در نگرش های سنتی به مقوله امنیت، اغلب کاربرد نیروهای نظامی و تهدیدمحوری مورد توجه بوده، در حالی که در مطالعات امنیتی انتقادی و جامع نگر امروز، گروه های اجتماعی می توانند، نه تنها از ناحیه ابزار نظامی بلکه از راه عوامل محیطی یا اقتصادی مورد تهدید قرار گیرند و این عوامل می توانند به نوبه خود یکپارچگی و یا استقلال سیاسی یک کشور را مورد تهدید قرار دهند (Azami & Rousta, 2012:178). باید توجه داشت که «امنیت»، بنیادی ترین نیاز جوامع و مهم ترین عامل برای دوام زندگی اجتماعی به شمار می رود و از این رو، از گذشته های دور، مورد توجه صاحب نظران و نظریه پردازان بوده است (Janparvar et al, 2019:153). یکی از مهمترین وجوه امنیت، مقوله امنیت پایدار می باشد. اگر چه تعریفی واحد و مشخص از این مفهوم ارائه نشده است، می توان متناسب با دیدگاه های مختلف، تعاریفی متفاوت برای امنیت پایدار یافت. برخی امنیت پایدار را ترکیب امنیت ملی و امنیت انسانی و برخی آن را توسعه اقتصادی جهان دانسته اند و عده ای نیز امنیت پایدار را توجه به توسعه بین المللی، رفاه

1. Zhang et al
2. Gerrish and Watkins
3. Sebri
4. Hamel Louis
5. Carla Andrea
6. Scott D. Watson

بیشتر و حفاظت از غیرنظامیان فرض کرده‌اند. جرج کنان^۱ امنیت پایدار را امنیت ملی به علاوه امنیت انسانی می‌داند و معتقد است که برای استقرار امنیت پایدار نه تنها باید به امنیت دولت‌ها تمرکز کرد و حفظ تمامیت ارضی، استقلال و امنیت داخل آن را مد نظر قرار داد، بلکه باید به امنیت انسانی هم توجه کرد که امنیت افراد و اعضای جامعه است. بر این اساس، امنیت پایدار باید ترکیبی از این دو باشد تا ضمن حفظ امنیت دولت‌ها، امنیت افراد جامعه هم تامین شود (Shaigan, 2012: 69-70).

گروه پژوهشی آکسفورد (ORG) هم در برنامه‌های امنیتی پایدار خود به امنیت جهانی توجه دارد. این گروه معتقد است که امنیت پایدار به معنی توجه به امنیتی فراتر از امنیت ملی است. به جای تمرکز صرف بر امنیت سستی، باید به رفاه بیشتر مردم، تشویق توسعه بین‌المللی و اقداماتی در خصوص حفاظت بیشتر از غیرنظامیان بی‌گناه فکر کنیم. امنیتی پایدار است که تفکر آن امنیت بلندمدت جهانی باشد (Abbott & Marsden, 2008: 167).

از منظر امام خمینی (ره)، منابع تامین امنیت داخلی، وحدت، ایمان و معنیتند. در اندیشه امام خمینی، وحدت، نقشی کلیدی دارد و کارکرد آن اتحاد، انسجام و تفاهم اجتماعی و سیاسی است. از نظر ایشان، امنیت جامعه و کشور به بود و نبود یا میزان وحدت بستگی دارد. از طرفی، با توجه به ایمان و معنویت دینی منبع لایزالی از توانمندی‌هایی را تولید می‌کند که امنیت و بقای ملت و کشور با آن تضمین می‌شود (Shaigan, 2012: 73). شیوه‌های تامین امنیت از دیدگاه امام عبارتند از :

- پشتیبانی مردم در تامین امنیت (حمایت مردم از نهادهای رسمی که موجب تامین امنیت می‌شود).
- دخالت مستقیم مردم در تامین امنیت، بسیج عمومی از دیدگاه امام می‌تواند تضمین‌کننده امنیت باشد.
- تامین امنیت از طریق نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی
- تامین امنیت از طریق نهادهای رسمی غیرامنیتی (مانند مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و....) (Shaigan, 2012: 73).

از دیدگاه مقام معظم رهبری، امنیت باید همه‌جانبه باشد و تمام ابعاد امنیت ملی، اجتماعی، اقتصادی و سرمایه‌گذاری، نظامی و انتظامی، فرهنگی، فکری و عقیدتی، امنیت مدنی و شهروندی، قضایی، امنیت

1. George Conan

اخلاقی، حیثیتی و آبرویی را شامل شود و هیچکدام از حیطه های زندگی بشر نباید دچار ناامنی باشد. بنابراین، ایشان تاکید مضاعفی بر محیط های مختلف اجتماعی و فردی و حفظ امنیت آنها دارد و در بیانات متعدد به امنیت محیط کار، خانه، مدرسه، دانشگاه، شهر، روستا، خیابان و جاده و... اشاره می کنند. قطعا اگر تمام این حیطه ها امنیت داشته باشند و مردم احساس آرامش و سلامت و صلح کنند، می توان ادعا کرد که امنیت پایدار برقرار شده است که از نظر مقام معظم رهبری، اسلام پیام آور چنین امنیتی است. همچنین امنیتی از دیدگاه مقام معظم رهبری، پایدار و ماندنی است که همه آحاد مردم را دربرگیرد و همه افراد، اعم از هر گروه، نژاد، سلیقه، قوم، زبان و ادیان مختلف از امنیت برخوردار شوند. از نظر ایشان، حتی افراد مخالف نظام تا زمانی که به عامل دشمن تبدیل نشده اند، باید از امنیت در زندگی برخوردار باشند. با این دیدگاه، زمانی امنیت، پایدار است که تمام اعضای جامعه، جز معاندین نظام از امنیت برخوردار باشند. همچنین از نظر ایشان، متولیان امنیت پایدار علاوه بر نیروی انتظامی، سایر نهادهای رسمی و غیررسمی اعم از قوه قضاییه، نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات، وزارت ارشاد، صداوسیما، وزارت کشور، روحانیون، روزنامه نگاران، نخبگان سیاسی و در کل، آحاد مردم هستند. در نهایت، از جمله شیوه های حفظ و گسترش امنیت پایدار را هوشیاری نیروهای مسلح به ویژه ناجا و قاطعیت در سرعت عمل در برخورد با ناامن سازان در هر مکان و در هر کسوت و لباسی و در عین حال، رأفت و رحمت نسبت به مردم می دانند (Shaigan, 2012:77-82).

بر همین اساس، ایجاد و تامین امنیت پایدار از اصلی ترین دغدغه های کشورها و از جمله مهم ترین وظایف دولت ها در سیاست بین الملل و بستر ساز پیشرفت و توسعه همه جانبه می باشد. چرا که داشتن جامعه ای امن، باثبات، توسعه یافته و الهام بخش از تعالیم اسلام و قانون اساسی و اتحاد و انسجام ملی بدون تامین امنیت پایدار در برابر تهدیدهای متصور، امکان نیل به اهداف عالی و کلان را تقریبا غیر ممکن می سازد (Afshoon & Eydi sheikh robot, 2015:117-119). موارد فوق توجه به مقوله پایداری در ادبیات مربوط به امنیت را بسیار ضروری می گرداند.

دیدگاه های مطرح در امنیت

در این قسمت به برخی از مهم ترین مکتب های امنیتی پرداخته می شود:

۱- مکتب واقع‌گرایی (رئالیسم ۱). مرور اندیشه‌ها و روش تحقیق رئالیست‌هایی چون «راینهولد نیبور»^۲، «نیکولاس اسپایکمن»^۳، «هانس جی. مورگنتا»^۴، «جرج کنان»^۵، «آرنولد ولفرز»^۶، «هنری ا. کیسنجر»^۷، «روبرت اشتروس»^۸، «ریمون آرون»^۹ و حتی نئورئالیست‌هایی چون «کنت والتز»^{۱۰} و «رابرت گپلین»^{۱۱} نشان می‌دهد که جوهره اندیشه هابزی بدون تغییر ماهوی، حفظ شده است. آنها همچون هابز اصول زیر را به‌عنوان محور سیاست‌ورزی عنوان می‌کنند:

- ۱- تأکید بر جدایی خیر سیاسی از خیر اخلاقی
 - ۲- نفی نقش تعیین‌کننده اخلاق، حقوق و ایدئولوژی در علم سیاست
 - ۳- تأکید بر درس‌های تاریخ و تاریخی‌گری
 - ۴- تلقی سیاست (در داخل کشور و عرصه بین‌المللی) به‌مثابه مبارزه برای قدرت
 - ۵- امکان قانونمندی‌سازی قواعد بازی در عرصه سیاست و ارائه نظریه عقلانی
 - ۶- تعریف «انسان» به‌عنوان موجودی حریص و ترسو و اسیر شر و آرزو و نیاز
 - ۷- تعقیب منفعت شخصی (در وضع طبیعی) و منفعت ملی به‌عنوان سر فصل سیاست است.
- در نزد همه، آنها از هابز گرفته تا کیسنجر، نتیجه مقدم بر فرآیند است. حتی مشی دموکراتیک هم ابزار مناسبی برای تأمین منافع ملی است.

۲- مکتب ایده‌آلیسم^{۱۲}. با اعتماد به عقل آدمی و باورهای پیشین آن بر تجویز امر مطلوب تکیه می‌کند. بر این اساس، بدون آنکه دغدغه تحقق یک ایده در عالم واقع وجود داشته باشد، بر ضرورت تطبیق امر عینی با حدس ذهنی تأکید می‌ورزد. این تأکید ناشی از اعتبار عقل فردی است که می‌تواند با رهایی‌بخشی فهم از قید عالم واقع، کمال شایسته اجتماعی را پیشنهاد کند. در حوزه امنیت مکتب ایده‌آلیسم و به‌طور کلی

-
1. Realism School
 2. Nicbahr Rinhold
 3. N.Spikeman
 4. Morgentha V. Hans. J
 5. G. Kenen
 6. A. Wolfers
 7. H. Kesinger
 8. R. Stavs
 9. R. Aron
 10. K. Walltez
 11. R. Giplin
 12. Idealism School

روش فهم ایده آلیستی، نخست، به نقش بی بدیل عامل تأکید می نماید و توان خرد آدمی (سوژه) در شکل - بخشی به زندگی ملت ها را ارج بسیاری می نهند. بر همین اساس بود که ایده آلیست هایی چون کانت، گروسوس و ویلسون بر لغو مرزهای سرزمینی و افشای قراردادهای سرّی تأکید می کردند. دوم اینکه، ایده آلیست ها همواره اصل محاسبه و فایده را در تبیین ریشه و شیوه رفتار آدمی، عاجز می دانستند و به جای اصل محاسبه عینی نوعی امید عقلانی و اخلاقی را می نشانند که قادر است با احیای حوزه وجدان به مثابه ستاد فرماندهی و دادگاه رفتار عمومی عمل کند.

۳- ایده مکتب لیبرالیسم^۱. این مکتب در اشکال مختلف آن، براین امر تأکید دارد که انسان به دلیل انسان بودن، واجد برخی حقوق اساسی است که حقوق طبیعی انسان بوده و غیرقابل انتقال می باشد. بر بنای این اصل، وظیفه دولت در جامعه لیبرالی عبارت است از پاسداری از مرز بین حوزه عمومی و خصوصی، جلوگیری از ادغام دین و سیاست، ممانعت از دخالت نظامیان در سیاست که به دلیل دسترسی به ابزارهای زور و روان بودن سیستم فرماندهی - فرمانبری، دارای توانایی ویژه ای هستند. اندیشمندان لیبرال، مدعی اند که در مکتب لیبرالیسم افراد، محترم شمرده شده و تساهل و عدالت در بین شهروندان به بهترین وضعیت ممکن رعایت می شود. اصل بنیادین در لیبرالیسم متأخر، مسئله عدالت بوده است. دغدغه های این متفکران ثبات پایدار و برخورداری همگان از فرصت برابر است (Afshoon & Eydi sheikh robot, 2015:187-246).

مطالعات امنیتی فمینیستی با طرح این مسئله که مطالعات امنیتی تاکنون بر بنیان و شالوده مردسالارانه استوار بوده و نقش زنان در آن نادیده گرفته شده است، کل مطالعات و نظریه های امنیتی را زیر سوال می - برند. آنها به دنبال آن هستند تا با وارد کردن مقوله جنسیت در تعریف و شناخت تمامی روابط داخلی یا خارجی، چشم اندازی جدید از معادلات امنیتی ترسیم کنند که در آن مسئله جنسیت صرفاً یک بُعد یا یک محور از دیگر ابعاد امنیت نباشد، بلکه بنیان معادلات امنیتی به صورت ترکیبی از جنسیت مردان و زنان شکل گیرد. در این خصوص، مطالعات ج.ان تیکر، جیل استینز و کریستین سیلوستر، بیشتر بر این حوزه متمرکز بوده است (Abdollahkhani, 2004:266-269).

۴- مکتب کپنهاک^۱ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای آثار و نقطه‌نظرات باری بوزان، ال ویور، دو ویلد و برخی دیگر به کار برده است. بوزان و ال ویور دو تن از مهم‌ترین شخصیت‌های این مکتب در چارچوب رهیافت واقع‌گرایی قرار دارند. این مکتب، امنیت را از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار داده، اما در برخی جنبه‌ها بیشتر متمرکز شده و بعضاً مبتکر و طراح آن نیز بوده است. بوزان به شکل بسیار مبسوط، مستدل و قوی، امنیت مضیق را به زیر سؤال برد و امنیت تک‌بعدی را به پنج بخش نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی گسترش داد. این پنج بخش، جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند. هریک از آنها دارای کانون مهمی در درون مسأله امنیت، برای تنظیم اولویت‌ها بوده و از طریق ارتباطات قوی به یکدیگر متصل هستند (Boozan, 2008:34). مفهوم امنیتی ساختن یکی از مباحث بسیار مهم در مکتب کپنهاک است. امنیتی ساختن به فرآیندی گفته می‌شود که منجر به قراردادن برخی موضوعات در چارچوب «امنیت» می‌گردد، درحالی که قبلاً در این حوزه قرار نداشته است که از نظر او، فرآیندی منفی می‌باشد (Abdollahkhani, 2004:131-156).

۵- مکتب جامعه‌گرایی^۲ طی سه دهه آخر قرن بیستم، دیدگاه‌های نوینی در باب "سیاست‌گذاری" در جوامع پیچیده مطرح کرده است، به‌طوری‌که مفاهیم مستقلاً چون مشروعیت سیاسی، حقوق امنیت انسانی و تساهل و رواداری نسبت به اقلیت‌های قومی، دینی، نقش بسیار مهمی در استحکام امنیت ملی و بین‌المللی ایفا می‌کند. مکتب جامعه‌گرایی در مقام پاسخ به نظریه پردازان لیبرالیسم پدید آمد. شاید بتوان نسل اول جامعه‌گرایان را از زمان کارل مارکس در قرن نوزدهم شناسایی و مطالعه کرد که با نقد برداشت لیبرالیسم در خصوص مشارکت، شهروندی، سرمایه‌داری و دولت، پرسش‌هایی در محتوای مشارکت و سایر آموزه‌های لیبرالی مطرح ساخت. اما نسل اخیر جامعه‌گرایان کسانی چون السدیر مکت‌ایتایر، مایکل ولزر، چارلز تیلور و مایکل سندل را شامل می‌شود. این جامعه‌گرایان را از آن جهت که پاسخ مشترکی به پرسش‌های تقریباً متفاوت می‌دهند، می‌توان یک مکتب فکری نامید. با این توصیف، جامعه‌گرایان در قبال پرسش مدرنیته و به‌خصوص عملکرد نظریه سیاسی مدرنیته یعنی لیبرالیسم، نکاتی را یادآور شدند که در بررسی نظم اجتماعی حائز اهمیت روش‌شناختی هستند (Eftekhary & Nasri, 2009:217).

1. Copenhagen School

2. Communitarianism School

۶- مکتب اسلام^۱ به عنوان یک دین جهان شمول به تمام ابعاد زندگی بشری توجه ویژه دارد و برای همه جنبه های زندگی بشر برنامه ریزی دارد. از جمله این ابعاد، امنیت در همه ابعاد می باشد. از دیدگاه اسلام امنیت یکی از موهبت الهی است که در زندگی فردی و اجتماعی انسان ها می تواند وجود داشته باشد. قرآن، کعبه را به عنوان مقدس ترین مکان به صف امن تعبیر می کند: «و اذا جعلنا البیت مثابه للناس و امناء». علاوه بر این، قرآن امنیت را ارمغانی الهی معرفی می کند که به افراد وارد شده در حرم مقدس الهی اعطا می شود. اسلام خود، امنیت آور معرفی شده است. در کلام امام خمینی (ره) سخنانی می توان یافت که بر حفظ و امنیت حریم خصوصی انسان ها تأکید شده است. امام خمینی (ره) در فرمانی که در ۲۴ آذر ۱۳۶۱ خطاب به قوه قضاییه و دیگر ارگان های اجرایی در مورد اسلامی شدن قوانین و عملکردها صادر نمودند، درباره عدم دخالت در حوزه خصوصی و امنیت شهروندان و آزادی های شخصی و فردی آنها به ویژه امنیت قضایی به مواردی تصریح می کنند که گویای دیدگاه و اندیشه ایشان در مناسبات امنیت و آزادی است. مقام معظم رهبری، مقوله امنیت را در درجه اول از حقوق مردم دانسته و آن را مرتبط با احساس مردم می داند. اسلام با توجه به مبانی هستی شناسی خود، رویکر امنیتی ویژه ای در پیش گرفته است و به کلیه ابعاد امنیت از قبیل امنیت فردی و اجتماعی، امنیت داخلی و بین المللی تأکید داشته و با توجه به ماهیت هستی شناسی اسلام به انسان، تحلیل خویش را بر امت محوری دینی قرار داده است (Bigdelou et al, 2017:55).

مرز و امنیت

مرز سیاسی به پدیده ای فضایی اطلاق می شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار و ... مانع ایجاد می کند. به اعتقاد بیشتر صاحب نظران اولین و مهم ترین کارکرد مرز، کارکرد دفاعی - امنیتی آن است و دغدغه اصلی حکومت ها این است که مرزهای کشورها جز در برخی گذرگاه های مجاز غیرقابل نفوذ باشد تا امنیت کشور از ابعاد مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی تهدید واقع نشود (Zarghani et al, 2014:83). امروزه، مرزها، دیگر آن کارکرد صرف سیاسی و اقتصادی را ندارند و تبدیل به ابزارها و فضاهای تأثیرگذاری شده اند که خود سبب ایجاد عوامل و روندهای گوناگون و گسترده ای شده است که از مهم ترین و بارزترین این ویژگی ها، جابه جایی و انعطاف پذیری این مرزها است (Adey, 2004:18).

همچنین، برخی ناامنی‌های سیاسی و اجتماعی که بی‌جهت به ویژگی‌های انعطاف‌پذیری مرزها ربط داده می‌شود (Bigo, 2002:51). می‌توان گفت اغلب صاحب‌نظران بر توسعه مناطق مرزی تأکید می‌ورزند و این مهم که هرگونه سیاست‌گذاری توسعه‌ای و امنیتی در مناطق مرزی، مستلزم تأمین زیرساخت‌های لازم و تأکید بر بهره‌برداری بهینه از توانمندی‌های انسانی و طبیعی این مناطق بوده و عامل مهمی در راستای بسط اقتدار همه‌جانبه کشور می‌باشد (Rezazadeh et al, 2014:51). درواقع، مناطق مرزی برخلاف مرز، درون‌گرا هستند و بیشتر به توسعه‌های هسته‌ای وابسته‌اند. اگر چه، میزان کنترل مستقیم هسته بر مناطق مرزی ممکن است متغیر باشد. درواقع، مناطق مرزی با تغییر روابط اقتصادی-سیاسی تغییر می‌کنند (Vogel, 2004:4). به‌طورقطع، مهم‌ترین نقش و کارکرد مرز، مشخص‌شدن قلمرو کشور و محدوده حاکمیت حکومت می‌باشد. اما اگر با نگاهی کلی و برون‌سیستمی (در ارتباط با کشورهای همجوار) به مرزها نگریده شود، کارکردهای مختلف مرزها را می‌توان در قالب دو گروه از کارکردهای زیر طبقه‌بندی نمود: کارکرد دفاعی-امنیتی و کارکرد ارتباطی-تجاری (Zarghani, 2007:118). بسیاری از حکومت‌ها در سراسر جهان از یک سو در پی تأمین امنیت مرزهای خود، جلوگیری از مهاجرت‌های ناخواسته، جرائم و تحرکات منفی دیگر هستند و از سوی دیگر، حکومت‌ها در تلاش برای به‌حداکثر رساندن فرصت تعاملات مطلوب فرامرزی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در مناطق مرزی می‌باشند (Janparvar, 2017:93-94). مرزهای ایران به‌عنوان گلوگاه‌های ارتباطی، با دارا بودن ظرفیت‌های ژئوپلیتیک فوق‌العاده اقتصادی، امنیتی، دسترسی، ارتباطات منطقه‌ای و بین‌المللی، واجد کارکردهای تولیدکننده قدرت در کشور می‌باشند (Ibrahimzadeh et al, 2016:1). امروزه، نظریات مختلفی در مورد مرزها وجود دارد:

نیلز هانسن در سال ۱۹۷۸ میلادی، مطالعات زیادی در مورد مرزها انجام داد. هانسن در بررسی‌های خود با توجه به نظرات کریستالر و لوش به نکات مثبت و منفی مناطق مرزی می‌پردازد. محرومیت، توسعه نیافتگی و حاشیه‌بودن را از جمله نکات منفی مرزها محسوب کرده و خطر تهدیدات نظامی را به‌عنوان مهمترین نکته منفی در مرزها می‌داند. در همین راستا، جونز و وایلد مناطق مرزی را به‌عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته می‌شناسند. این حاشیه‌ای‌بودن، اگر چه معلول شرایط جغرافیایی می‌باشد اما برقراری مرز بین دو کشور این فضاها را از یکدیگر می‌گسلد و حاشیه‌ای می‌شوند که این خود عامل عقب‌ماندگی است (Hosseini, 2007: 26-44). جونز و وایلد برای توسعه مناطق مرزی و خروج از انزوا، شناخت متغیرهای تأثیرگذار، ایجاد زیرساخت‌ها، گسترش ارتباطات با داخل و خارج، پیوستگی مرز با مرکز، توجه

به تعاملات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرزنشینان با همسایگان مرزی و ارائه راه حل هایی برای توسعه این مناطق را پیشنهاد می کند. اولین حرکت تمامی دولت ها برای برقراری امنیت در مناطق مرزی، توجه به توسعه آن است. برای نمونه می توان به مرز طولانی و فقیر بین آمریکا و مکزیک اشاره کرد که محلی برای قانون گذاران شده بود، اما با ایجاد اشتغال، گسترش فرصت های شغلی، افزایش سطح درآمد و بالابردن سطح رفاه، بسیاری از نکات منفی و تهدیدات به نقاط مثبت و فرصت ها تبدیل شده است. به واسطه حوادث و رخداد های تاریخی و نیز رویکردهای قهرآمیز حکومت های مرکزی در طول زمان، مفهوم مرز و مناطق مرزی در اغلب موارد، یادآور نوعی خطر و ناامنی است که در ضمن پیوستگی، اقدامات نظامی را به ذهن متبادر می سازد که علاوه بر آن، بحث انواع امنیت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و حقوقی را مطرح می کند (Nasri, 2015:67). امروزه با توجه به سیر تکوینی مفهوم امنیت، مسئله حفظ امنیت مرزها و ایمن بودن مرزها نیز تغییری ماهوی پیدا کرده است، چرا که امنیت ملی در برداشت سنتی، مفهومی نظامی و سخت افزارانه داشت. بدین ترتیب، همین عامل مسبب درگیری ها و برخوردهای نظامی بین واحدهای سیاسی در نظام بین الملل بوده است. وسعت قلمرو، جمعیت، مرزهای طبیعی، موقعیت استراتژیک، قدرت نظامی، شاخصه های مفهوم امنیت ملی را تشکیل می دادند، در برداشت سنتی، شاخصه های امنیت ملی، ویژگی سخت افزاری داشتند. اما به تدریج این مفهوم تغییر کرد و باعث به وجود آمدن مفهوم پایدار در امنیت گردید. به گونه ای که دیگر تنها قدرت نظامی، تامین کننده امنیت نمی باشد، بلکه احساس امنیت در شهروندان از طریق احترام به حقوق بنیادین آنها که به آن امنیت انسانی نیز گفته شده است، مهم ترین شاکله اصلی امنیت ملی پایدار می باشد (Tabibi, 2015: 4037). این مسئله نشان می دهد که توجه به ساکنین مناطق مرزی و ذهنیت آنها، عامل بسیار مهمی در تامین امنیت مرزها به شمار می رود. به همین خاطر، توجه به بسترها و زمینه هایی که به تحقق امنیت یا بالعکس ناامنی دامن می زند، این چشم انداز را پیش روی صاحب نظران علوم دیگر گشود که امنیت می تواند از حوزه های گوناگونی مورد مطالعه قرار گیرد و نمی توان آن را منحصر به حیطه خاصی کرد (Godarzi, 2015:25). یکی از اهداف عمده پرداختن به کیفیت زندگی، دستیابی به امنیت انسانی در مفهوم عام آن است (Sheykhi & Ehsani, 2019:179). مناطق مرزی به عنوان مناطق حاشیه ای و توسعه نیافته، شناخته می شوند. این حاشیه ای بودن، گرچه می تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما پدیده مرزی بودن، خود، بسیاری از امکانات و قابلیت های آن منطقه را مضمحل می سازد. آنان معتقدند با برقراری مرز بین دو کشور، فضاهایی که به یکدیگر متصلند و

تداوم فضایی را تأمین می‌کنند، از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن علت عقب-ماندگی این نواحی است. بنابراین، توجه به مناطق مرزی و توسعه این مناطق، اولویت و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و عدم توجه به این مناطق و توسعه آن‌ها، حاکم شدن سیستم مرکز-پیرامون را در پی خواهد داشت که از جمله این پیامدها می‌توان به پیدایش حفره‌های امنیتی، تشدید روند مهاجرت مرزنشینان، تخلیه مناطق مرزی و سکونتگاه‌های مرزی اشاره کرد (Reza Zade et al, 2015:51). این حفره‌های امنیتی می‌تواند، محل‌های مناسبی برای مختل کردن امنیت مرزها و تمرکز دشمنان و سرمایه‌گذاری آنها بر روی این حفره‌ها، برای ایجاد ناامنی باشد. این موارد، عدم نگرش تک‌بعدی و سخت‌افزارانه و لزوم توجه به امنیت پایدار مناطق و مکان‌های مرزی را در جهت جلوگیری از تشکیل حفره‌های امنیتی، برجسته و لازم می‌سازد.

روش تحقیق

با توجه به اینکه، هدف پژوهش حاضر ترکیب مطالعات مربوط به نظم، امنیت، شهرهای مرزی و جمع‌بندی آن‌ها برای دست‌یافتن به دانشی منسجم و قابل‌کاربرد در این زمینه است؛ لذا، روش فراتحلیل که به همین منظور طراحی شده، برای این کار انتخاب شده است که در سطور زیر معرفی خواهد شد. فراتحلیل، روشی است که بر اساس آن سعی می‌شود، تفاوت‌های موجود در تحقیقات انجام‌شده قبلی را استنتاج کرد و در رسیدن به یک سری نتایج کلی و کاربردی از آن بهره برد. فراتحلیل با مرور نظام-مند منابع، برای پیدا کردن، ارزشیابی، ترکیب و در صورت نیاز، جمع‌بندی آماری، به تحقیقاتی می‌پردازد که قبلاً درباره موضوع خاصی به رشته تحریر درآمده‌اند. مهم‌ترین مزیت مطالعات فراتحلیل این است که با ادغام نتیجه مطالعات مختلف، قدرت مطالعه را برای یافتن نتایج معنادار افزایش می‌دهد. همین خصوصیت سبب شده است که در سال‌های اخیر، تعداد مقاله‌های مربوط به فراتحلیل افزایش چشمگیری داشته باشند (Salimi & Maknoon, 2018: 8). این روش در حوزه‌هایی از علم استفاده می‌شود که انباشت دانش زیادی اتفاق افتاده است تا تاثیر گروهی از عوامل را بر مورد خاص یا تاثیر عاملی بر عامل دیگر را در تعدادی از تحقیقات بسنجد (Littell et al, 2008). بر این اساس، فراتحلیل، روشی است برای تجزیه و تحلیل واحدهای تحلیل برای حصول شناخت از مجموعه منسجم یا غیرمنسجمی از مبانی علمی و سازه‌های پژوهشی (Doyle, 2003: 323). در این پژوهش، واحد مشاهده و تحلیل تحقیق، هر سند پژوهشی (طرح پژوهشی، پایان نامه، کتاب و مقالات همایش) که دارای متغیرهای موثر بر حوزه نظم،

امنیت و شهرهای مرزی که با معیارهای گزینش و ورود به فرا تحلیل همخوانی داشته باشند، است. جامعه آماری تحقیق ۷۳ مورد شامل ۱۸ طرح پژوهشی، ۸ پایان نامه ها، ۵ کتاب و ۴۲ مقالات همایش انجام گرفته در دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان سیستان و بلوچستان طی سال های ۹۷-۱۳۸۹ است. لازم به ذکر است که این پژوهش فاقد نمونه گیری بوده و تمام تحقیقات به دست آمده مورد فرا تحلیل قرار گرفته اند (حجم جامعه آماری با حجم نمونه برابر است). همچنین برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از نرم افزار CMA-2 و SPSS استفاده شده است.

یافته های پژوهش

در این قسمت به فرا تحلیل مطالعات و تحقیقات انجام شده در دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان پرداخته می شود.

یافته های توصیفی

مطالعه پیش رو، حاصل فرا تحلیل ۴۲ مقاله، ۱۸ طرح پژوهشی، ۸ پایان نامه و ۵ کتاب با محوریت امنیت در مناطق مرزی با تاکید بر استان سیستان و بلوچستان است. همان گونه که مطرح شد، یکی از اهداف اصلی در فرا تحلیل، جمع بندی یافته ها و گزارش های توصیفی در مورد موضوع مورد مطالعه (در اینجا امنیت) است تا بتوان به این واسطه تصویر نسبتاً جامعی از وضعیت مسئله مورد پژوهش ارائه کرد. با توجه به این واقعیت که مقاله ها، پژوهش ها، پایان نامه ها و کتاب های متعددی برای انجام فرا تحلیل مورد استفاده قرار گرفته اند و همچنین این قالب های پژوهشی مختلف به شیوه های متنوعی، به ارائه ی دستاوردهای توصیفی شان پرداخته اند (برخی به شیوه کمی و برخی به شیوه توصیفی بیانی مطلوب، نامطلوب و ...) لذا کوشش بر این است تا با یکپارچه کردن این مفاهیم مختلف و آوردن آنها زیر یک چتر مفهومی واحد، بتوان تصویر روشن و جامعی از این یافته ها ارائه کرد.

با نگاهی به تحقیقات و پژوهش های انجام شده می توان گفت ۱۷ نفر از محققان عضو هیئت علمی و ۳۸ نفر از دانش آموختگان یا دانشجویان دکتری یا کارشناسی ارشد هستند. در ۲۵ تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده، ۱۵ تحقیق، روش پیمایش را به کار برده اند، ۴ پژوهش با روش همبستگی به انجام رسیده و روش های توصیفی-تاریخی و تحلیل گفتمان انتقادی نیز هر کدام در یک تحقیق مورد استفاده قرار گرفته اند. در باب روش نمونه گیری نیز می توان چنین گفت: ۱۵ پژوهش از روش های نمونه-

گیری‌های تصادفی (مانند تصادفی ساده، تصادفی سیستماتیک، خوشه‌ای و غیره) و ۴ پژوهش نیز روش-های نمونه‌گیری غیرتصادفی (مانند در دسترس، گلوله برفی و غیره) را به کار گرفته‌اند. ۲۳ پژوهش از پرسشنامه، ۶ تحقیق از چک‌لیست و فیش‌برداری، ۶ پژوهش از مصاحبه و ۳ تحقیق نیز از ابزار مشاهده استفاده کرده‌اند. در مجموع ۱۵۹ فرضیه/سوال نیز در تحقیقات مورد ارزیابی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. البته واضح است که این آمارها تنها مربوط به پژوهش‌هایی است که موارد ذکر شده را در تحقیق‌شان مطرح کرده‌اند و سایر پژوهش‌هایی که حاوی این اطلاعات نبوده‌اند در این گزارش توصیفی جای نگرفته‌اند.

در مورد وضعیت متغیر امنیت نیز پژوهش‌ها، یافته‌های متنوعی را بدست آورده‌اند؛ در مجموع، تقریباً تمام پژوهش‌هایی که مورد مطالعه و واکاوی قرار گرفت، حاکی از این واقعیت بودند که امنیت (در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان وضعیت مطلوبی ندارد و حتی در بیشتر موارد در سطح پایینی است. برای نمونه می‌توان به پژوهش ربانی اصل (۱۳۹۶) اشاره کرد که میانگین امنیت را ۲/۷ در دامنه ۱-۵ گزارش کرده است. این مقدار به این معنی است که میزان امنیت اجتماعی از متوسط هم کمتر است و حتی در وضعیت نگران‌کننده‌ای قرار دارد. سرگلی شاهرودی (۱۳۹۶) نیز به این نتیجه دست‌یافته که امنیت عمومی استان در وضعیت پایینی است و این وضعیت، امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در استان سیستان و بلوچستان با چالش مواجه ساخته است. اگرچه پژوهش‌های اندکی نیز وجود دارند که معتقدند امنیت سیاسی و اقتصادی در وضعیت مطلوبی است (در اثر بازارچه‌های مرزی)، اما همچنان وضعیت امنیت اجتماعی-فرهنگی را در شرایط نامناسبی گزارش کرده‌اند (مانند پژوهش رجب‌پور، ۱۳۹۱). برخی هم مانند بارانی (۱۳۹۶) بر شاخص‌های عدم امنیت اشاره کرده‌اند و نتیجه این بوده که شاخص‌های عدم امنیت اجتماعی، میزان بالایی را نشان می‌دهند (۳/۳۶ در دامنه ۱-۵). به عبارت دیگر، وضعیت امنیت اجتماعی، وضعیت نامطلوبی را نشان می‌دهد و در سطح پایین و نگران‌کننده‌ای است (۲/۲۴ در دامنه ۱-۵). پژوهش رعیت‌پیشه (۱۳۹۵) نیز وضعیت پایین امنیت اجتماعی (۲/۹۳) در دامنه ۱-۵ در استان را نشان داده است. یافته‌های توصیفی صیاد (۱۳۹۴) هم نشان‌دهنده این مطلب است که حدود ۶۰ درصد از پاسخگویان در شهر سراوان از احساس امنیت پایینی برخوردارند. پژوهش‌هایی مانند غلامحسین طهرانی مقدم (۱۳۹۲)، فخارزاده (۱۳۹۴)، طاهری (۱۳۹۶) و

ملاکریمی خوزانی (۱۳۹۷) نیز یافته های توصیفی خود در باب امنیت در استان و مناطق مرزی را با اصطلاحاتی مانند «نامطلوب»، «عدم توسعه پایدار» و مواردی از این دست معرفی کرده اند.

یافته های تبیینی

بر اساس بررسی و مطالعه پژوهش های مختلف، متغیرهایی که این تحقیقات به عنوان عوامل اثرگذار بر امنیت در مناطق شرق و جنوب شرقی گزارش کرده اند، در قالب جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. متغیرهای مستقل و فراوانی هر کدام از آنها در پژوهش ها

متغیر	متغیر	متغیر	متغیر
سرمایه اجتماعی	تاهل	رسانه ها	اشتغال
مهاجرت معکوس	وضعیت اشتغال	مشارکت مامورین با مردم	مشارکت اجتماعی
اسکان عشایر	کیفیت منطقه مسکونی	افراط گرایی دینی	
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	رضایت از زندگی	دینداری	جنسیت
حضور نیروی انتظامی	اکوتوریسم	فرهنگ شیخوخت و ریش سفیدی	سن
رسانه ها	اشتغال	نهادهای آموزشی	اسکان عشایر
مشارکت مامورین با مردم	مشارکت اجتماعی	جنسیت	اطلاع رسانی
قاچاق	سرمایه اجتماعی	سن	حضور نیروی انتظامی
دینداری			کیفیت منطقه مسکونی
عوامل طبیعی	مهاجرت معکوس	وضعیت اشتغال	رضایت از زندگی
اکوتوریسم	توسعه اقتصادی و اجتماعی	موقعیت ژئوپلیتیک	بازارچه های مرزی
فناوری های نوین	آمایش سرزمین	بوم گردی	فقر و نابرابری اقتصادی

منبع: Authors, 2019

از میان متغیرهای اثرگذار بر وضعیت امنیت، اندازه اثر آن دسته از متغیرهایی که آماره های آنها به روشنی گزارش شده بود و امکان ارزیابی اندازه اثر برای آنها وجود داشت، محاسبه شد و آماره های به کار

گرفته شده، سطح معناداری آنها و اندازه اثر هر کدام از متغیرها در قالب اندازه اثر r و مقدار d کوهن در جدول ۲ قابل نمایش است. مقادیر اندازه اثر، با استفاده از نرم افزار CMA^1 انجام شده است.

جدول ۲. آزمون‌های آماری و اندازه اثر متغیرهای مستقل

متغیر	آزمون آماری	مقدار آماره	درجه آزادی	سطح معنی داری	اندازه اثر (r)	d کوهن
سرمایه اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۵۲		۰/۰۰۰	۰/۵۲	۱/۲۲
مهاجرت معکوس	تی مستقل	۱۳/۸۴	۱۹۱	۰/۰۰۰	۰/۷۱	۲
اسکان عشایر	تی مستقل	۴۹/۷۱	۴۷۸	۰/۰۰۰	۰/۹۱	۴/۵۵
پایگاه اقتصادی	همبستگی پیرسون	۰/۷۱۱		۰/۰۰۰	۰/۷۱	۲/۰۲
حضور نیروی انتظامی	همبستگی پیرسون	۰/۴۲		۰/۰۰۰	۰/۴۲	۰/۹۲
رسانه‌ها	همبستگی پیرسون	۰/۵۹		۰/۰۰۰	۰/۵۹	۱/۴۶
مشارکت مأمورین با مردم	تی مستقل	۱۲/۸۷	۹۹	۰/۰۰۰	۰/۷۹	۲/۵۸
افراط‌گرایی	همبستگی پیرسون	۰/۶۵		۰/۰۰۰	۰/۵۶	۱/۷۱
دینداری	تی مستقل	۲۸/۲۱	۳۸۳	۰/۰۰۰	۰/۸۲	۲/۸۸
فرهنگ شیخوخت و ریش سفیدی	تی مستقل	۴۶/۹۷	۳۸۳	۰/۰۰۰	۰/۹۲	۴/۸
نهادهای آموزشی	تی مستقل	۲۶/۷۱	۳۸۳	۰/۰۰۰	۰/۸	۲/۷
جنسیت	تی مستقل	۵/۲۷	۳۸۲	۰/۰۰۰	۰/۲۶	۰/۵۳
سن	همبستگی پیرسون	۰/۱۷		۰/۰۰۱	۰/۱۷	۰/۳۴
وضعیت اشتغال	تی مستقل	۲/۹۴	۳۸۲	۰/۰۰۳	۰/۱۵	۰/۳۰
کیفیت منطقه مسکونی	آزمون F	۳/۲۴		۰/۰۴	۰/۴۱	
رضایت از زندگی	همبستگی پیرسون	۰/۳۷		۰/۰۰۰	۰/۳۷	۰/۸
اکوتوریسم		-۲۱/۷۱		۰/۰۰۰		
اشتغال	همبستگی پیرسون	۰/۱۵	۳۸۳	۰/۰۰۵	۰/۱۵	۰/۳
مشارکت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰/۲۱		۰/۰۰۰	۰/۲۱	۰/۴۳

منبع: Authors, 2019

1. Comprehensive Meta-Analysis

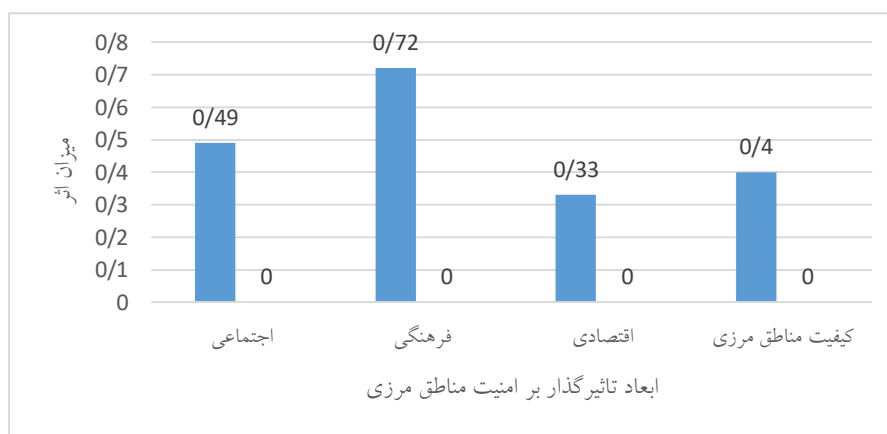
بر اساس داده های جدول ۳، مقادیر اندازه اثر برای هر کدام از متغیرهایی که تاثیر معناداری بر امنیت داشته اند، گزارش شده است. تفسیر این مقادیر بر طبق توزیع طبقات اندازه اثر کوهن (۱۹۷۷) به شرح زیر است.

جدول ۳. توزیع طبقات اندازه اثر بر مبنای برآورد آماره ها

مقدار r	مقدار d	معنی اندازه اثر
کمتر از ۰/۳	کمتر از ۰/۵	اندازه اثر کم
از ۰/۳ تا ۰/۵	از ۰/۵ تا ۰/۸	اندازه اثر متوسط
۰/۵ و بیشتر	۰/۸ و بیشتر	اندازه اثر زیاد

منبع: Tabar & Khorasani, 2017:155

محتویات جدول شماره (۲) جهت تفسیر بهتر به صورت گرافیک در قالب شکل (۱) ارائه می گردد.



شکل ۱. میزان اثرگذاری ابعاد مختلف بر امنیت مناطق مرکزی استان سیستان و بلوچستان

۱. برای ترسیم نمودار مذکور، متغیرها، به علت زیادبودن در چهار بُعد کلی تقسیم شده است. با این تفاسیر متغیرهای سرمایه اجتماعی، مشارکت مامورین با مردم، جنسیت، سن، مشارکت اجتماعی و نهادهای آموزشی در بُعد عوامل اجتماعی، متغیرهای رسانه ها، افراط گرایی، دینداری و فرهنگ شیخوخت و ریش سفیدی در بُعد عوامل فرهنگی، متغیرهای پایگاه اقتصادی، وضعیت اشتغال و اشتغال در بُعد عوامل اقتصادی و متغیرهای کیفیت منطقه مسکونی، رضایت از زندگی، اکوتورسیم و حضور نیروی انتظامی در بُعد عوامل کیفیت (زندگی ساکنین) مناطق مرزی، تقسیم شده است.

بر اساس نمودار فوق، می‌توانیم بگوییم که عوامل فرهنگی و اجتماعی، بیشترین اثرگذاری را بر امنیت مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان داشته‌اند. همچنین، کیفیت زندگی از منظر ساکنین این مناطق نیز مطلوب ارزیابی نشده و به نوعی محرومیت‌دیدگی را احساس می‌کنند. این نمودار، نشان می‌دهد که ساماندهی عوامل فرهنگی و اجتماعی باید در اولویت برنامه‌ریزی تامین امنیت پایدار در مناطق مرکزی این استان قرار گیرد. چرا که در صورت غفلت، می‌تواند سبب رسوخ فعالیت‌های تبلیغاتی دشمن و تشکیل گروهک‌های مختلف به سبب نامناسب بودن بُعد فرهنگی و اجتماعی گردد. چرا که این دو بُعد بیشتر از فضای ذهنی ساکنین این مناطق متأثر هستند و می‌توانند تحت تاثیر فعالیت‌های تبلیغاتی قرار بگیرند و سبب شکل‌گیری حفره‌های امنیتی در این مناطق گشته، تهدیدی بالقوه برای امنیت پایدار این مناطق باشند. علاوه بر موارد فوق، بر اساس واکاوی و جمع‌بندی یافته‌های تحلیلی و تبیینی پژوهش‌های مختلف در باب تحلیل زمینه‌ها و علل موثر بر امنیت، این نتایج بدست آمد که به شرح زیر است:

«توسعه اقتصادی و اجتماعی» استان سیستان و بلوچستان اثرگذاری قابل توجهی بر میزان امنیت این استان داشته است. و می‌تواند عامل مهمی در راستای رضایت از کیفیت زندگی ساکنین این مناطق و ساماندهی فضای ذهنی آنها باشد.

عامل دیگری که بسیار موردتاکید قرار گرفته و در بیشتر پژوهش‌ها به مثابه‌ی یک عامل تعیین‌کننده در وضعیت امنیت استان مطرح بوده «جریان‌های افراطی‌گری و بنیادگرایی اسلامی» است. این پدیده که به اشکال مختلف توانسته در استان نفوذ کند و امنیت روانی، سیاسی و اعتقادی را با چالش مواجه کند، ارتباط نزدیکی با تروریسم، تفرقه‌افکنی مذهبی و همچنین تعمیق شکاف‌های قومی و فرهنگی دارد. پدیده «اختلافات قومی و مذهبی» و گسترش این شکاف‌ها، خود نیز از دیگر عواملی است که در این تحقیقات موردتاکید بوده و سبب آسیب‌رسانی به همگرایی سیاسی میان این منطقه و سایر نقاط کشور شده است. در همین راستا، تعدادی از تحقیقات بر اهمیت اقوام محلی و نقش آن در تامین امنیت در استان تاکید دارند و اینکه اقوام محلی با اتحاد، توجه و تاکید بر اشتراکات دینی و مذهبی، دیپلماسی فرهنگی، همگرایی ملی و ... در کاهش بحران‌های امنیتی نقش کلیدی و مهمی دارند. اگرچه تکرر و تنوع قومی می‌تواند به‌طور بالقوه، امنیت را با مخاطره مواجه کند اما به‌کارگیری تمهیداتی در مدیریت این تکرر، توجه به خواسته‌های این اقوام، مشارکت آنها در قدرت و اجازه بروز عناصر هویتی آنان (مانند زبان محلی، آداب و

رسوم قومی و غیره) می تواند در ارتقای امنیت مناطق مرزی که با تنوع اقوام و فرهنگ ها مواجهند، مفید فایده باشد.

عامل بعدی مربوطه، متغیر «اعتماد اجتماعی» است. تمام پژوهش هایی که اعتماد اجتماعی را به مثابه یکی از عوامل اثرگذار بر امنیت مورد مطالعه قرار داده اند، به این نتیجه دست یافته اند که اعتماد اجتماعی، ارتباط مستقیم و معنادار قدرتمندی با امنیت و ابعاد مختلف آن دارد. متغیر اعتماد اجتماعی هم به صورت مستقل بر میزان امنیت اثرگذار بوده و هم به عنوان یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی، جزو تعیین کننده های اجتماعی مهم و موثر بوده است. به علاوه، اعتماد اجتماعی و اعتماد به پلیس (نیروی انتظامی) اثر قابل توجهی بر تقویت احساس امنیت شهروندان دارد.

«موقعیت ژئوپلیتیک» استان سیستان و بلوچستان نیز به عنوان یک عامل مهم جغرافیایی مورد تاکید تحقیقات متعددی قرار گرفته است. به طوری که همسایگی این استان با دو کشور افغانستان و پاکستان، یکی از زمینه های ناامنی معرفی شده است. این همسایگی از دو طریق توانسته سبب ناامنی شود؛ اول، به این سبب که این دو کشور محل امنی برای گروه های افراط گرای دینی و همچنین جریان های تروریستی بوده اند و دوم، ورود و خروج های غیرقانونی اتباع این دو کشور به استان، به طور مضاعف، سبب کاهش امنیت آن شده اند. به همین سبب، برخی یافته ها بر اهمیت «اشراف اطلاعاتی بر مرزها» برای نیل به امنیت تاکید دارند.

«فقر و نابرابری اقتصادی» در سیستان و بلوچستان، زمینه ساز انزوای اجتماعی و بروز گرایش های افراطی بوده و به عنوان یک عامل تهدید امنیت ملی شناخته شده است. بر اساس آمارها، این استان بالاترین میزان بی سواد را در کشور دارد و جمعیت بیکار و قاچاق موادمخدر و حضور مهاجران افغان، از مسائل جدی است که میزان فقر و نابرابری را افزایش می دهد.

نقش رسانه های گروهی ملی و محلی، نهادهای آموزشی رسمی و غیررسمی و «اطلاع رسانی»، از دیگر عوامل نقش آفرین در ارتقای امنیت بوده که در یافته های تحلیلی این پژوهش ها وجود دارد. از میان شیوه های اطلاع رسانی، تلویزیون و اینترنت، از میان مقام های مسئول انعکاس دهنده، مقام ارشد، از میان انواع حوادث اطلاع رسانی، اخبار سرقت، در باب زمان اطلاع رسانی، خبررسانی بلافاصله پس از حادثه و از نظر سطوح اطلاع رسانی، اطلاع دهی در سطح گسترده، تاثیر بیشتری بر ارتقای احساس امنیت اجتماعی دارد. همچنین حضور نیروی انتظامی در منطقه، حضور گسترده عوامل انتظامی در سطح شهرهای مرزی،

مشارکت و همکاری مردم با مأمورین، شناخت رفتار مردم شهرهای مرزی و هماهنگی و همکاری ناجا با دستگاه‌های ذیربط در امور شهرهای مرزی، از مهمترین عوامل در توسعه امنیت در شهرهای مرزی است.

ارزیابی انتقادی

همان‌گونه که در سطور پیشین مطرح شد، یکی از اهداف فراتحلیل، ارزیابی انتقادی مجموعه پژوهش‌هایی است که در باب یک موضوع یا حوزه مطالعاتی ویژه، انجام شده است. این بخش از نوشتار به همین مطلب خواهد پرداخت و این ارزیابی در دو حوزه محتوایی و روش‌شناسی صورت گرفته است.

ارزیابی محتوایی

اگرچه تحقیقات صورت گرفته در باب امنیت در استان سیستان و بلوچستان توانسته‌اند تا اندازه زیادی دستاوردهای پژوهشی مهم و راهگشایی عرضه کنند و در جهت شناخت و تبیین این مقوله فربه و مهم گام‌های فراخی بردارند اما این تلاش‌ها خالی از اشکال نبوده است. مهم‌ترین چالش در این حوزه ناظر به این مطلب است که بیشتر تحقیقات «امنیت» را به صورت عام مورد مطالعه قرار داده‌اند و بدون لحاظ کردن دقائق مفهومی و ظرائف نظری که در مورد انواع امنیت وجود دارد، سعی در مطالعه آن در کلی‌ترین معنایش کرده‌اند. این عدم تدقیق و تحدید امنیت به یکی از انواع آن مانند امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، احساس امنیت اجتماعی و غیره سبب شده تا لایه‌های متعدد این مفهوم فربه و چندوجهی تا حدی ساده‌سازی شود. نتیجه این وضعیت چیزی نسبت جز غفلت از وجوه مختلف امنیت، ابعاد متنوع آن و نیازهای پژوهشی مختلفی که هر کدام از این وجوه متنوع جهت بررسی نیاز دارد. به بیان دیگر، اگر یک پژوهش به بعد اجتماعی امنیت محدود شود باید نظریه‌ها و تمهیدات روش‌شناختی خاص آن را لحاظ کند که یقیناً با تمهیدات نظری و روش‌شناختی امنیت سیاسی یا امنیت اقتصادی متفاوت خواهد بود. این نکته می‌تواند در پژوهش‌های آتی با جدیت بیشتری مورد مذاقه قرار گیرد.

ارزیابی روش‌شناختی

تقریباً تمام پژوهش‌هایی که مورد فراتحلیل قرار گرفتند مبتنی بر روش‌های پژوهش کمی (به ویژه پیمایش) بودند. اگرچه روش پژوهشی پیمایش یک روش محکم، نیرومند و پهنانگر در مطالعه مسائل انسانی و اجتماعی است اما از عمق لازم برخوردار نیست. روش‌های پژوهش کیفی که بیشتر بر دلایل ذهنی، باورها، نگرش‌ها و انگیزه‌های افراد مورد مطالعه متمرکز می‌شوند، می‌توانند در این باره کمک

آشکاری به نعمیق فهم و ادراک ما از مقوله امنیت و زمینه های تقویت و تضعیف آن به جامعه علمی و سیاستگذاران عرضه کنند. به ویژه روش هایی مانند قوم نگاری، مطالعه موردی، پدیدارشناسی، نظریه مبنایی و تحلیل روایت جزو روش های پژوهشی هستند که با لحاظ کردن وجوه و ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جامعه و افراد مورد مطالعه این امکان را به محقق می دهد تا بیشتر به ژرفای اندیشه ها، باورها و کنش های افراد مورد مطالعه نزدیک شود بتواند فهم دقیق تر و عمیق تری از مسئله مورد مطالعه ارائه کند.

همچنین یک اشکال روش شناختی مهم در نحوه بهره گرفتن از روش پیمایش در برخی از این پژوهش ها وجود دارد که استفاده از همین روش را نیز دچار مخاطره معرفت شناختی کرده است؛ برای نمونه، یکی از تحقیقات با هدف بررسی اثر یک متغیر (اسکان عشایر) بر امنیت انجام شده که تحقق این هدف نیازمند استفاده از روش های پژوهشی تبیینی (علّی) است. در حالی که این تحقیق با نظرسنجی از افراد برای نیل به این هدف تلاش کرده که در عمل یک تحقیق توصیفی است نه تبیینی. این مشکل روش-شناختی در پژوهش دیگری نیز که درصدد بررسی اثر متغیر اطلاع رسانی بر احساس امنیت بوده رخ داده است؛ یا در نمونه ای دیگر، در انتخاب آزمون های آماری که برای ارزیابی فرضیه ها استفاده شده است نیز اشتباه های آشکاری رخ داده که اعتماد به نتایج و یافته ها را با چالش جدی مواجه می کند. به این معنی که برای بررسی اثر یک متغیر کمی بر متغیر کمی دیگر، به جای استفاده از رگرسیون خطی برای ارزیابی فرضیه علی از آزمون تی تک نمونه ای استفاده کرده است. این دست اشکالات آماری را پژوهش های دیگری نیز می توان دید. این ارزیابی انتقادی این نتیجه را در پی دارد که مطالعه این حوزه نیازمند دقت بیشتری است که می تواند در پژوهش های آتی مورد توجه قرار گیرد.

زمان، فضا و امنیت مناطق مرزی

در این قسمت، مهمترین پدیده هایی که با گذشت زمان و تغیر فضایی در مکان های مرزی، شکل گرفته می گیرند و می توانند بر مقوله امنیت این مکان ها تاثیرگذار باشند، عنوان می گردد.

پدیده های درون مکانی

در این قسمت دو پدیده بسیار مهم که امروزه در مکان ها و شهرهای مختلف (همچنین شهرهای مرزی) در حال شکل گیری است (با توجه به شرایط زمانه) و می بایستی مورد رصد قرار گیرد، عنوان می گردد.

شکل‌گیری پدیده‌ای به نام فضاهای مجازی

مکان‌ها در زمان‌های مختلف، دارای فضاهای مختلفی می‌شوند. همچنین، این فضاهای مختلف نیز در مرحله بعد، پدیده‌های مختلفی را شکل می‌دهند. امروزه با پیشرفت‌های فناوریانه صورت گرفته، به‌خصوص در زمینه ارتباطات، در زمانه و عصر اطلاعات، فضا و پدیده‌های مکانی نیز، منطبق با این شرایط جدید شکل گرفته، نمودهای خاصی از خود بروز می‌دهند. به‌طوری‌که امروزه، فضاهای خاصی در مکان‌ها و شهرها به نام **فضاهای مجازی** در حال شکل‌گیری است. این فضاها، محل مناسبی برای اظهار یک عقیده و تفکر خاص و برنامه‌ریزی شده می‌باشد. به‌طوری‌که می‌تواند سبب ساخته‌شدن تفکر خاصی در یک مکان گردد. مبرهن است که اگر هدایت به تفکر ساکنین یک مکان (به‌خصوص مکان‌های مرزی) به‌صورت مهندسی شده و با هدف خاصی شکل گیرد، می‌تواند تبعات منفی به‌خصوص در زمینه امنیت داشته باشد. همچنین، این فضاها، محل مناسبی برای تبلیغات، فرقه یا تفکر خاصی (مانند گروهک‌های تروریستی و تکفیری) نیز می‌توانند باشند. تحقیقات قبلی در زمینه امنیت در استان سیستان و بلوچستان، نشان داد که رواج تفکراتی در قالب افراطی‌گرایی‌های دینی، موضع‌گیری‌های مذهبی و قومیتی در صورت تشدید و یا رواج، می‌تواند چه تأثیرات مخربی را بر مقوله امنیت مکان‌های مرزی داشته باشد. این فضاهای مجازی، می‌توانند محل مناسبی بر هدایت و دامن‌زدن بر این تفکرات باشند. این موارد لزوم توجه (تحقیق و پژوهش) به این پدیده‌های نوین که تحت‌تأثیر فضاهای نوین شکل گرفته در بستر زمان، نمود پیدا می‌کنند، را نشان می‌دهد.

تغییرات سبک و شیوه زندگی

این تغییرات فضایی در بستر زمان، در مرحله بعد می‌تواند، تغییراتی در ماهیت و جنس شیوه‌های زندگی به‌وجود آورد و حتی در مواردی می‌تواند شیوه‌های جدید از زندگی را به‌وجود آورند. امروزه، کسب‌وکارهای جدید و وابسته به پیشرفت‌های فناوریانه و ارتباطی، در مکان‌ها و شهرها به‌وجود آمده است. سبک‌های زندگی که نیاز به برخورد چهره به چهره را کاهش داده است و بیشتر وابسته به تبلیغات، شبکه‌های مجازی (مانند اینستاگرام، تلگرام^۱، واتس‌آپ، گوشی‌های هوشمند، اینترنت و ...) می‌باشند. این تغییرات سبک و شیوه زندگی و شکل‌گیری سبک‌های جدید زندگی (به‌خصوص شیوه‌های جدید

۱. البته لازم به ذکر است که همین شبکه‌های مختلف مجازی نیز با گذشت زمان، جای خود را به شبکه‌های مجازی جدیدتر خواهند داد. بطور مثال جایگزینی اینستاگرام بجای فیس‌بوک یا تلگرام بجای وایبر.

کسب و کار و فعالیت)، می تواند بستری برای تبعات مختلفی برای امنیت مکان های مرزی قلمداد گردد. چرا که، کسب و کار و جذابیت های اقتصادی، می تواند سبب جذب ساکنین شهرهای مرزی به سمت فعالیت خاصی گردد. مبرهن است این جذب شدن در مرحله بعد می تواند تعهد و اجرای تعهدات مختلفی را به همراه داشته باشد. این مطالب نشان می دهد که این تغییرات در شیوه های زندگی و فعالیت های اقتصادی و کسب و کار، می بایستی از طریق پژوهش و مطالعه دقیق، مورد رصد قرار گیرد تا از بروز تبعات منفی آن در زمینه امنیت شهرهای مرزی، جلوگیری گردد.

پدیده های فرامکانی

در این قسمت پدیده های مهم فرامکانی که بر امنیت شهرهای مرزی یک جامعه تاثیر گذار هستند، مورد بررسی قرار می گیرند. چرا که شهرها و مکان های مرزی به خاطر موقعیت ژئوپلیتیک خویش و قرارگیری در مجاورت یک جامعه (کشور) یا جوامع دیگر، از تغییراتی که در این جوامع رخ می دهد، متاثر می گردند. به همین خاطر، در این قسمت چند مورد از مهم ترین این تغییرات که می تواند بر مقوله امنیت شهرهای مرزی تاثیر گذار باشند، عنوان می گردد.

تشکیل گروهک ها در فضا های مجاور

تشکیل گروهک های تندرو مختلف در فضاها و کشورهای مجاور، می تواند بر امنیت یک مکان مرزی تاثیر گذار باشد. شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان از این مسئله بسیار آسیب دیده اند. نمونه بارز آن، آسیب های که ساکنین این مکانها از گروه طالبان دیده اند. به همین خاطر توجه و رصد کردن این تغییرات در کشورها و جوامع مجاور در قالب پژوهش بسیار مهم می باشد. چرا که تشکیل این گروهک ها، بر امنیت شهرهای مرزی (از طریق روش های مختلف) بسیار تاثیر گذار است.

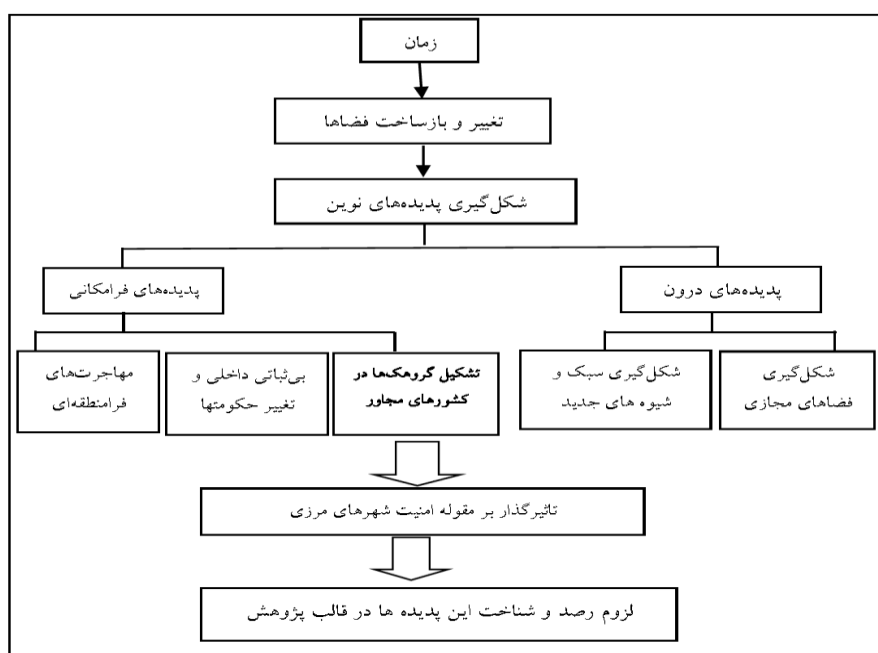
بی ثباتی داخلی و تغییر حکومت ها

یکی از مواردی که بر امنیت یک مکان مرزی موثر می باشد، کیفیت ثبات حکومتی در کشورهای مجاور خویش است. به گونه ای که به هر میزان، کشورها و فضا های مجاور از ثبات مناسبی برخوردار نباشند، به همان میزان بر امنیت مناطق و مکان های مجاور خویش اثر گذار هستند. این مسئله در مورد استان سیستان و بلوچستان بسیار تاثیر گذار است چرا که این استان در همسایگی کشورهای (افغانستان و پاکستان) قرار دارد که تنش و عدم ثبات، ویژگی اصلی آنها محسوب می شود. پایدار نبودن شرایط داخلی

این همسایگان در طول تاریخ همواره شکل‌دهنده اثرات نامناسبی برای امنیت شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان بوده‌اند. این موارد نشان می‌دهد که رصد نمودن این تغییرات در کشورهای مجاور در قالب پژوهش، از اهمیت و اولویت بسیار بالایی به‌خصوص در استان سیستان و بلوچستان برخوردار می‌باشد.

حرکت‌های فرامنطقه‌ای جمعیتی

یکی از پدیده‌هایی که در نتیجه تغییرات حکومتی و عدم ثبات داخلی کشورهای همسایه، برای کشور و جامعه مجاور رخ می‌دهد. مواجهه با جمعیت این کشورها می‌باشد که برای فرار از مصیبت‌های عدم ثبات و جنگ‌های داخلی به سمت کشور با ثبات‌تر حرکت (مهاجرت) می‌کنند. این پدیده در استان سیستان و بلوچستان بسیار ملموس بوده و تبدیل به یکی از مهم‌ترین معضلات این استان در راستای تامین امنیت شده است. به همین خاطر، لزوم مطالعه و پژوهش در این زمینه به‌خصوص در استان سیستان و بلوچستان از اولویت بالایی برخوردار می‌باشد. موارد فوق به‌صورت گرافیک در شکل شماره ۲ ارائه می‌گردد.



شکل ۲. محورهای با اولویت پژوهش در مقوله امنیت شهرهای مرزی

(منبع: Authors).

نتیجه گیری

در این پژوهش، به فراتحلیل مطالعات و تحقیقات انجام شده در دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان سیستان و بلوچستان پرداخته و تلاش گردید تا با یکپارچه کردن این مفاهیم مختلف و آوردن آنها زیر یک چتر مفهومی واحد بتوان تصویر روشن و جامعی از این یافته‌ها ارائه کرد. نتایج نشان داد که اگرچه تحقیقات صورت گرفته در باب امنیت در استان سیستان و بلوچستان توانسته‌اند تا اندازه زیادی دستاوردهای پژوهشی مهم و راهگشایی عرضه کنند و در جهت شناخت و تبیین این مقوله فربه و مهم، گام‌های فراخی بردارند، اما این تلاش‌ها خالی از اشکال نبوده است. مهم‌ترین چالش در این حوزه، ناظر به این مطلب است که بیشتر این تحقیقات، «امنیت» را به صورت عام مورد مطالعه قرار داده‌اند و بدون لحاظ کردن دقائق مفهومی و ظرائف نظری که در مورد انواع امنیت وجود دارد، سعی در مطالعه آن در کلی‌ترین معنایش کرده‌اند. بعلاوه، تقریباً تمام پژوهش‌هایی که مورد فراتحلیل قرار گرفتند، مبتنی بر روش‌های پژوهش کمی (به‌ویژه پیمایشی) بودند. اگرچه روش پژوهشی پیمایش یک روش محکم، نیرومند و پهنانگر در مطالعه مسائل انسانی و اجتماعی است اما از عمق لازم برخوردار نیست. همچنین، مشخص گردید که مهم‌ترین پدیده‌هایی که در زمانه حاضر در مکان‌های مرزی، شکل می‌گیرند و می‌توانند بر مقوله امنیت این مکان‌ها تأثیرگذار باشند، پدیده‌های درون مکانی (شکل‌گیری پدیده‌ای به نام فضاهای مجازی و تغییرات سبک و شیوه زندگی) و پدیده‌های فرامکانی (تشکیل گروهک‌ها در فضاهای مجاور، بی‌ثباتی داخلی و تغییر حکومت‌ها و حرکت‌های فرامنطقه‌ای جمعیتی) هستند. همچنین با توجه به یافته‌ها و مبانی نظری تحقیق می‌توان گفت که تامین امنیت پایدار مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان وضعیت نامطلوبی دارد. به طوری که محرومیت و فقر، مشخصه اصلی این مناطق محسوب می‌شوند. همچنین، میزان پایین سرمایه اجتماعی به خصوص اعتماد اجتماعی و نهادی و مشارکت می‌تواند در تحقق امنیت پایدار این مناطق تأثیرگذار و سبب تشکیل حفره‌های امنیتی بیشتر گردد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که اکثر تحقیقات انجام گرفته در این حوزه در زمینه روش‌شناسی مبتنی بر روش‌های پژوهش کمی (به‌ویژه پیمایشی) بودند. اگرچه روش پژوهشی پیمایشی یک روش محکم، نیرومند و پهنانگر در مطالعه مسائل انسانی و اجتماعی است، اما از عمق لازم برخوردار نیست. که این امر لزوم استفاده از روش‌های کیفی را در این تحقیقات نشان می‌دهد. همچنین ارزیابی محتوایی نشان می‌دهد که مفهوم امنیت در تحقیقات به صورت عام و عدم دقت کافی و به عبارتی ساده‌انگارانه بررسی شده است که لزوم دقیق‌تر شدن و بررسی

مفهوم امنیت به صورت تخصصی تر بر روی وجوه مختلف آن را می‌طلبد. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که تحقیقات آتی در زمینه امنیت مناطق مرزی، باید مقوله‌های مهم زمان و تغییرات متن فضایی در بستر زمان را نیز مورد توجه قرار دهند. چرا که با گذشت زمان و به دنبال آن تغییر فضا، مقوله‌های تاثیرگذار بر امنیت مناطق مرزی نیز دچار تغییر خواهد شد. این مسئله مهم می‌بایستی در تحقیقات آتی مورد توجه قرار گیرد. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی و اجتماعی، دارای بیشترین تاثیرگذاری بر امنیت مناطق مرزی این استان می‌باشند و می‌توانند بستر مناسبی را برای تشکیل حفره‌های امنیتی از طریق دشمنان فراهم آورند.

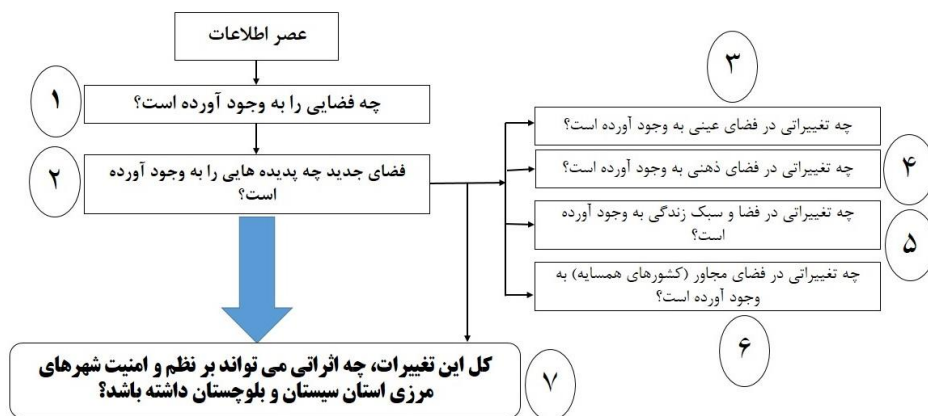
پیشنهادهای

- پیشنهادهای که می‌توان پس از جمع‌بندی پژوهش‌های مختلفی که در مورد مقوله امنیت در مناطق مرزی، به‌ویژه، محدوده مورد مطالعه ارائه کرد، در قالب دو محور اصلی قابل طرح است؛
 ۱. با توجه به ارزیابی انتقادی، تدقیق بیشتر در اجرای پژوهش چه از نظر محتوایی و توجه به ظرافت‌های مفهومی و نظری و چه از وجه روش‌شناختی، بسیار حائز اهمیت است.
 ۲. توجه جدی به فضای مجازی؛ با توجه به این واقعیت که فضای مجازی، اهمیت آن و نفوذش دارای رشدی فزاینده است؛ لذا توجه جدی به این فضای جدید اجتماعی در تحقیقات آتی می‌تواند مورد اشاره قرار گیرد. مطالعه این فضا از دو منظر قابل تصور است؛ اول، مطالعه امنیت در فضای مجازی و تاکید بر این نکته که فضای مجازی که به یکی از محبوب‌ترین و با نفوذترین فضاها تعاملات انسانی بدل شده است، از منظر امن بودن واجد اهمیت بالایی است. لذا، انجام پژوهش‌هایی در جهت واکاوی وضعیت امنیت (اجتماعی، روانی، ملی و غیره) در این فضا، می‌تواند ضروری باشد. دوم، نقش و اثری که فضای مجازی می‌تواند بر روی امنیت داشته باشد. یعنی واکاوی و بررسی این موضوع که فضای مجازی، به عنوان یک عرصه تعامل فراگیر، دارای چه قابلیت‌ها و تهدیدهایی برای امنیت است و چگونه می‌توان از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آن بهره برد و اثرات آسیب‌زای آن بر روی امنیت را کاهش داد.
 ۳. توجه به مقوله تغییرات فضایی و سبک زندگی در بستر زمان و رصد نمودن این تغییرات.
 ۴. توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی، و لزوم برنامه‌ریزی برای ساماندهی این دو بُعد، چرا که دارای بیشترین اثرگذاری (بر اساس یافته‌ها) بر مقوله امنیت مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان بوده‌اند.
 ۵. توجه به پایدار بودن مقوله امنیت در این مناطق.

الگوی نهایی پیشنهادی

طبق نتایج بدست آمده، مقوله امنیت در شهرهای مرزی (استان سیستان و بلوچستان)، می بایستی از منظر تمامی فضاهای تشکیل دهنده (ذهنی، عینی و اجتماعی) یک مکان صورت گیرد. همچنین، پژوهش های آتی باید سازگار با فضا و زمان انجام گیرد. با این تفاسیر، پرداختن به مقوله «فضای چهارم» تحت عنوان «فضای مجازی» و پدیده ها و پدیدارهای ناشی از آن که محصول عصر اطلاعات و ارتباطات می باشد، باید در پژوهش های آتی مورد توجه قرار گیرد.

در پایان، یادآور می شویم با توجه به اینکه، پژوهش های مزبور، تغییرات فضاها و پدیده هایی را که در اثر این تغییرات به وجود می آیند را رصد نموده و اثرات آن ها را بروی مقوله نظم و امنیت در شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان بررسی می نمایند؛ لذا، **الگوی پیشنهادی پژوهش در هفت محور (شکل ۳)** ارائه گردیده که لازم است راجع به این محورها، پژوهش هایی صورت پذیرد.



شکل ۳. الگوی نهایی پیشنهادی پژوهش درباره نظم و امنیت در شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان

منبع: Authors, 2019

کتابنامه

1. Abbot, C. & Marsden, S. (2008). *Tigersand Dragons: sustainable security in Asia and Australia*. London, Singapore: Oxford Research Group and the Singapore Institute of International Affairs.

2. Abdollahkhani, A. (2004). *Security theories*. Iran, Tehran: Publication of Tehran Institute of Contemporary Studies International Studies and Research.[In Persian]
3. Adey, P. (2004). Secured and sorted mobilities: examples from the airport, *Surveillance and Society*, 1 (4), 500-519.
4. Afshoon, M., & Eydi sheikh, R. (2015). Security threats(semi-hard) to Khuzestan province. *Journal of Political Research*, 5(13), 115-149.[In Persian].
5. Azami, H., & Rusta, M. (2012). Investigation and analysis of the effects of inequalities on societal, economic and political security of mashhad metropolitan. *Human Geography Research*, 44(81), 177-192. Doi: 10.22059/jhgr.2012.24987.[In Persian]
6. Bigdelou, R., Toulabi nejad, M., & payedar, A. (2017). Investigating the impact of police force in establishing security the villages of the border regions(Case study: villages in the province of Mir javeh). *Order & Security Research Journal*, 10(39), 49-76.[In Persian]
7. Bigo, D. (2002). Security and immigration: toward a critique of the governmentality of unease. *Alternatives*, 27(1), 63-92.
8. Boozan, B. (2008). *People, Governments and Panic*. (The Institute for Strategic Studies, Trans.). Iran, Tehran: Institute of Strategic Studies.
9. Doyle, I.H. (2003). Synthesis through met-ethnography: paradoxes, enhancements, and possibilities. *Qualities Research*, 3, 321-345.
10. Eftekhary, A., & Nasri, G. (2009). *Methodology and theory in security research*. Iran, Tehran: Institute for Applied Studies.[In Persian]
11. Gerrish, E. & Watkins, S.L. (2018). The relationship between urban forests and income: A meta-analysis. *Landscape and Urban Planning*, 170(1), 293-308.
12. Hosseini, H. (2007). *Analyzing the socio-economic impacts of border markets on the spatial preparation of border areas case study: Siranband Bane Bazaar*. master's Thesis, Urmia University, Urmia, Iran. [In Persian]
13. Ibrahimzadeh, I., Mousavi, M., & Bagheri Kashkouli, A. (2016). Planning the geo-economics and geopolitics of border areas at the south-east part of Iran and its development strategies, case study: sisthan and baluchestan province. *Geography and Development Iranian Journal*, 14(42), 1-26. Doi: 10.22111/gdij. 2016.2341[In Persian]
14. Janparvar, M., J., Ghorbanisepehr, A., & Mirshekari, M.R. (2019). An attitude of Investigative Security towards the Crisis of the 21st Century, *Political Geography Research*, 2(7), 167-127. Doi.org/10.22067/pg.v2i7.72368[In Persian]
15. Janparvar, M. (2017). Integrated border management strategy: a step towards effective management of borders of Islamic Republic of Iran, *Political Geography Research*, 1(4), 93-114. Doi.org/10.22067/pg.v1i4.58971[In Persian]
16. Littell, J. H., Corcoran, J. & Pillai, V. (2008). Systematic reviews & meta-analysis. England, Oxford: Oxford University Press.

17. Mohammadi, M.A., Vedadhir, A., Seyfi, A., & Moshtagh, R.(2012). Meta-analysis of poverty studies in Iran. *Social welfare*. 12(45),7-48. URL: <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1004-en.html>. [In Persian].
18. Nasri, L. (2015). *Studying the impact of social capital dimensions on security in the border regions of Kurdistan province case study: Baneh frontier city*. Ph.D. Thesis, Faculty of Sociology, Islamic Azad University of Central Tehran, Tehran, Iran. [In Persian]
19. Rezazadeh, Z., Shateri, M., & Rasti, O.(2014). Development measures and its role in providing sustainable border security case study: Khoshab plain green Belt / South Khorasan border with Afghanistan, *Journal of Khorasan Cultural-Social Studies*, 9(1), 72-49. [In Persian].
20. Salimi, J., & Maknoon, R. (2018). Qualitative meta-analysis of scientific researches concerning the issue of governance in Iran. *Journal of Public Administration*, 10(1), 1-30. Doi: 10.22059/jipa.2018.228757.1945. [In Persian].
21. Sebri, M. (2016). Forecasting urban water demand: A meta-regression analysis, *Journal of Environmental Management*, 183(3), 777-785. Doi. org/ 10. 1016/ j.jenvman.2016.09.032.
22. Shaigan, F. (2012). Sustainable security from the perspective of the Supreme Leader. *Journal of Security horizons*, 5(14), 63-84. [In Persian].
23. Vogel, M. (2004). *The role of frontiers and border zones in interpolate relations*. Paper Presented at the Annual Meeting for the Society for American Archaeology, Montreal.
24. Zahedi Asl, M., & Pilevari, A. (2017). A Meta -Analysis of addiction and family studies. *Social development & welfare planning*, 7(28), 8-46. Doi: 10.22054/qjsd.2017.7139. [In Persian].
25. Zarghani, H., Azami, H., & Lotfi, A. (2014). A survey of border management policies and methodologies, and their role in border security with an emphasis Iranian eastern borders(Khorasan Razavi province - Afghanistan). *Journal of Geography and Regional Development(Peer-Reviewed)*, 11(20),83-108. <https://doi.org/10.22067/geography.v11i20.30708>. [In Persian].
26. Zarghani, H. (2007). *An introduction to international borders*. Iran, Tehran: Publications of Naji. [In Persian]
27. Zhang, U., Yan, L., & Yuan, Y., (2019). Rural-urban migration and mental health of Chinese migrant children: Systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*, 257(1), 684-690. Doi. org/ 10. 1016/ j.jad. 2019.07.069

تأثیر هویت مکانی بر توزیع فضایی رأی در حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب

مراد کاویانی راد (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

kaviani@khu.ac.ir

آرش سلطانی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران)

soltani.arash1363@gmail.com

چکیده

انسان‌ها با نگرش به مجموعه باورها و کنش‌هایشان، منشأ معنادهی و هویت‌سازی برای مکان به‌شمار می‌روند و با توجه به وابستگی‌های مکانی‌شان برای زیستگاه خود تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی می‌کنند. رأی‌دهی به‌عنوان کنشی سیاسی-مکانی، نمودی از این تصمیم‌هاست که در پیوند با هویت و تعلق مکانی افراد است. تجربه انتخابات در مقیاس فروملی در کشورمان، گویای آن است که بین تعلق مکانی افراد و سوگیری آراء نامزدها در قالب مفهوم آراء زادگاهی در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه، همبستگی برقرار است. مقاله حاضر که دروندادهای (داده‌ها و اطلاعات) موردنیاز آن به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است؛ ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و بر این فرضیه استوار است که توزیع فضایی رأی در حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب تابعی از هویت و تعلق مکانی (آراء زادگاهی) رأی‌دهندگان است. نتیجه پژوهش نشان داد که توزیع فضایی رأی با دورشدن از شور انقلابی دهه نخست نظام ج.ا.ا، تابعی از هویت مکانی، هم‌آوردی مکانی و شمار دارندگان حق رأی شهرستان‌های تشکیل‌دهنده این حوزه انتخابیه است. بدین معنا که هویت مکانی در پراکنش فضایی آراء و جهت‌دهی به آراء زادگاهی نامزدهای انتخاباتی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب) مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، هویت مکانی، توزیع فضایی رأی و حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب.

مقدمه نظری و توجیهی

مکان^۱ مفهومی درآمیخته با فرایندهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که دو بُعد کالبدی و کارکردی دارد. بُعد کالبدی آن ناظر بر عناصر عینی انسان‌پایه و طبیعت‌پایه است و بُعد کارکردی آن در پیوند با کاربست این عناصر در الگوی معیشت و جهان زیست ساکنان است. هماهنگی این سازمان‌ها (عناصر)، زمینه پیدایش و ماندگاری زیست پایدار انسان‌ها و تعاملات اجتماعی آن‌ها را فراهم کرده است. عناصر یادشده در مکان‌های مختلف نموده‌های گوناگون و متنوعی داشته‌اند. یافته‌ها، گویای آن هستند که هویت‌های مکانی در جهت‌دهی به کش و منش انسان‌ها، نقشی بنیادی داشته‌اند. رأی‌دهی در قالب انتخابات به‌عنوان نماد مشارکت شهروندان در امور اجتماعی و زیستگاهی، برآیند برداشت و ادراک محیطی رأی‌دهندگان از وضعیت موجود و رخدادهایی است که در کوتاه یا بلندمدت منافع و مصالح آنها را متأثر می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند به هر میزان که رأی‌دهندگان با جریان‌های سیاسی یا نامزدهای انتخاباتی همانندی هویتی بیشتری داشته باشند به همان نسبت گرایش بیشتری به آنها خواهند داشت. بنا به اصل «تأثیر دوستان و همسایگان» میان بُعد مسافت و کاهش رأی و برعکس، پیوند سرراستی برقرار است. از این‌رو، در حوزه‌های انتخابیه کوچک مقیاس که شهروندان تماس و برخوردهای رودررو دارند، در آن دست مراکز و کانون‌های جمعیتی که شمار جمعیت در آن بیشتر است، امکان کامیابی نامزدهای برخاسته از آنها به‌عنوان نماینده مجلس بالاتر است. در کشور ما نیز در آن دسته از حوزه‌های انتخاباتی که فرهنگ سستی بر مناسبات شهروندان و کارگزاران حاکم است، فرایند و نتیجه انتخابات از چنین روندهایی پیروی می‌کند. بازتاب فضایی چنین فرهنگ سیاسی در قالب تجمع آراء در مراکز جمعیتی هویدا است و آن مراکز که جمعیت بیشتری دارند، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به نتیجه انتخابات دارند؛ برخاسته از چنین فرهنگ سیاسی است که برگزیدگان مردم، عمدتاً از شهرهای پرجمعیت حوزه انتخابیه برمی‌خیزند. از این‌رو، بین هویت مکانی و پراکنش فضایی رأی، پیوند نزدیکی وجود دارد. تحلیل داده‌های برخاسته از ده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب از توابع استان آذربایجان غربی از جمله حوزه‌هایی است که نامزدهای برخاسته از شهرهای پرجمعیت‌تر، امکان موفقیت بیشتری به‌عنوان نماینده حوزه انتخابیه دارند. متن پیش‌رو بر این فرضیه استوار است که توزیع فضایی رأی در این حوزه انتخابیه، تابعی از هویت و تعلق مکانی رأی‌دهندگان به‌ویژه در شهرهای پرجمعیت حوزه

انتخابیه است. پژوهش پیش‌رو، بر آن است که بازتاب تعلق مکانی رأی‌دهندگان بر پراکنش فضایی رأی را در رفتار سیاسی رأی‌دهندگان شهرستان‌های میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب، طی ۱۰ دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در این حوزه انتخابیه، بررسی و واکاوی نماید.

۱. روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و روش‌شناسی حاکم بر متن ماهیت توصیفی - تحلیلی دارد درون‌داده‌های (داده‌ها و اطلاعات) مورد نیاز تحقیق نیز به روش کتابخانه‌ای (کتاب، نشریات، اینترنت و اسناد موجود در استانداری آذربایجان غربی و فرمانداری شهرستان‌های حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب) گردآوری شده است.

۲. بنیادهای نظری و مفهومی

۲.۱. جغرافیای انتخابات

اندک شمار هستند نظام‌های سیاسی که سیمایی دموکراتیک مبتنی بر انتخابات به خود نگیرند و مشروعیت خود را مردمی ندانند. انتخابات به عنوان یکی از بنیادهای دموکراسی، سویه‌های مختلفی دارد و هر یک از این سویه‌ها در کانون پژوهش یکی از رشته‌های علوم انسانی قرار داشته است. در این میان، جغرافیای انتخابات به عنوان یکی از گرایش‌های جغرافیای سیاسی با پیشینه‌ای بیش از یک صد سال (۱۹۱۳) به مطالعه ابعاد جغرافیایی انتخابات مانند پراکنش فضایی آراء، حوضه‌های انتخابیه، ادراک محیطی رأی‌دهندگان و غیره پرداخته و طی این بازه زمانی پیدایش و گسترش جغرافیای انتخابات با پخش دموکراسی در مقیاس کروی، پیوند نزدیکی داشته است. برگزاری انتخابات در مقیاس ملی و فروملی، داده‌ها و یافته‌هایی فراوری جغرافیدانان سیاسی قرار می‌دهد که بر بنیاد آن، به واکاوی جستارهای توزیع فضایی رأی و تبیین پایگاه رأی‌آوری افراد، احزاب و جریان‌های سیاسی می‌پردازند. جغرافیای انتخابات در بُعد کاربردی، طی چند دهه اخیر، رشد خیره‌کننده‌ای داشته است. در این میان، کانون پژوهش بسیاری از پژوهشگران و پیشگامان جغرافیای انتخابات بر واکاوی و پراکنش فضایی آراء متمرکز بوده‌است. بی‌گمان، واکاوی و بررسی پراکنش آراء، نیازمند بررسی ادراک محیطی رأی‌دهندگان و برگزارکنندگان انتخابات، مناسبات و ساختار قدرت و نظام انتخاباتی است که در قالب آن آراء به کرسی برگردانده می‌شوند. بر بنیاد چنین نگرشی، جغرافیای انتخابات در جایگاه گرایشی از جغرافیای سیاسی در قالب کنش متقابل مناسبات

قدرت (همزیستی، هموردی و کشمکش کنش‌گران) و نظام انتخاباتی با قلمرو جغرافیایی (حوزه انتخاباتی در مقیاس ملی و فروملی)، به مطالعه الگوی توزیع فضائی آراء می‌پردازد (Kaviani Rad & Gharabeyghi, 2017: 262). بر بنیاد این تعریف، واکاوی الگوی فضایی رأیدر کانون پژوهش‌های جغرافیای انتخابات قرار داشته است. جستار الگوی فضایی، گواه بر عملکرد فرایندهای محیطی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. از این‌رو، به‌شدت در پیوند با نظام اقتصادی- اجتماعی، دیدگاه فلسفی و حتی جهان‌بینی حاکم بر ذهنیت رأی‌دهندگان است. از آنجا که موارد برشمرده در نواحی، گوناگونی و تنوع دارند، پراکنش و گوناگونی زیادی در الگوهای فضایی آراء وجود دارد. از این‌رو، نتیجه انتخابات، برآیند درهم‌تنیدگی فرایندهای متعدد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ادراک محیطی شهروندان از فرایندهای یادشده است. از این‌رو، در تحلیل جغرافیای انتخابات، دانستن آنچه که در پس این نتایج سیاسی و فرایندهای پیش از این نتایج وجود داشته، امری گریزناپذیر است و مطالعه جغرافیای انتخابات بدون آگاهی از ویژگی‌ها و شناسه‌های اجتماعی و فرهنگی قلمرویی که در آن انتخابات برگزار می‌شود، بی‌معناست (Kaviani Rad & Gharabeyghi, 2017: 256).

۲.۲. هویت مکانی

هویت^۱، مجموعه خصوصیتی است که فرد یا شیء را از دید تعلق به گروه یا نوع تبیین می‌کند (Ebadiyan, 2004: 73) که در قالب مجموعه‌ای از نشانه‌ها، آثار مادی، زیستی و فرهنگی نمود می‌یابد، موجب شناسایی فرد از فرد، گروه از گروه و فرهنگی از فرهنگ دیگر می‌شود؛ گرچه محتوا و مظهر این ظرف به فراخور جوامع مختلف، متفاوت است (Moharami, 2004: 67). مکان به‌عنوان بخشی از فضای جغرافیایی، به صورت یک دستگاه و مجموعه محدودشده‌ای است که در روابط اجتماعی و هویت به وجود می‌آید (Shakooee, 2004: 287). مشخصات کالبدی، فعالیت‌ها و معانی، ابعاد سه‌گانه هویت مکانی را شکل می‌دهند (Taban & pashtounizadeh, 2002: 12). مکان، کانون علم جغرافیا و هویت، تجلی فرهنگ در مکان است. انسان‌ها با توجه به مجموعه باورها، اندیشه‌ها و کنش‌هایشان، منشأ معنادهی و هویت‌سازی برای مکان به شمار می‌روند (Kaviani Rad and Azizi, 2011: 174). هویت هر مکانی، تابعی از بن‌مایه‌های زیست‌کره، کارکردها و نمادهای آن است (Hafeznia & Kaviani Rad, 2015: 204). بر اساس این، هویت به‌عنوان متغیر تابع، مجموعه ویژگی‌ها، شناسه‌های مکانی و الگوهای رفتاری آموختاری است

1. Identity

که به واسطه آنها، فرد، مکان و گروه خود را از مکان و گروه‌های دیگر متمایز می‌کند (Kaviani, 2010:19). در پیدایش هویت مکانی دو مرحله وجود دارد: در مرحله نخست، فرد محیط را شناسایی می‌کند که هویت مکان نامیده می‌شود؛ در مرحله دوم، فرآیند پیوند روانی با مکان صورت می‌گیرد و به شکل هویت مکانی تداوم می‌یابد. هویت مکانی در خلق حس مکان‌یابی مکانی، نقشی اساسی دارد. حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کمابیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند می‌یابد و یکپارچه می‌شود. این حس، موجب تبدیل یک فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌شود. حس مکان افزون بر اینکه موجب احساس آرامش از یک محیط می‌شود از مفاهیم فرهنگی موردنظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت می‌کند و باعث یادآوری تجارب گذشته و دستیابی به هویت برای افراد می‌شود. با این حال، حس مکان امر از پیش تعیین شده‌ای نیست، بلکه از تعامل انسان با مکان زندگی روزمره پدید می‌آید؛ فرد مجموعه‌ای از تصورات قبلی خود را به محیط می‌دهد. همین تصورات، چگونگی پاسخ او به محیط را تعیین می‌کند و در اکثر مواقع، فرد، این پاسخ به محیط را از طریق شرکت در انتخابات نشان می‌دهد (Falahat, 2006:63). هویت مکانی، احساسی در فرد یا جمع است که به واسطه ارتباط با مکان برانگیخته می‌شود (Ghasemi Esfahani, 2004:74) و به عنوان بخشی از هویت فرد - اجتماع مطرح است. از این رو، ادراک هر فضا به ویژه فرایند سازگاری آن، فقط برگرفته از رفتارهای غریزی نیست؛ بلکه برخاسته از زمینه‌های فرهنگی نیز می‌باشد (Pakzad, 1996:104) و تعهد و مسئولیت برخاسته از هویت مکانی، زمینه پویندگی و پایداری اجتماع را فراهم می‌کند (Kaviani Radand gharebaygi, 2016:276).

۲.۳. توزیع فضایی رأی

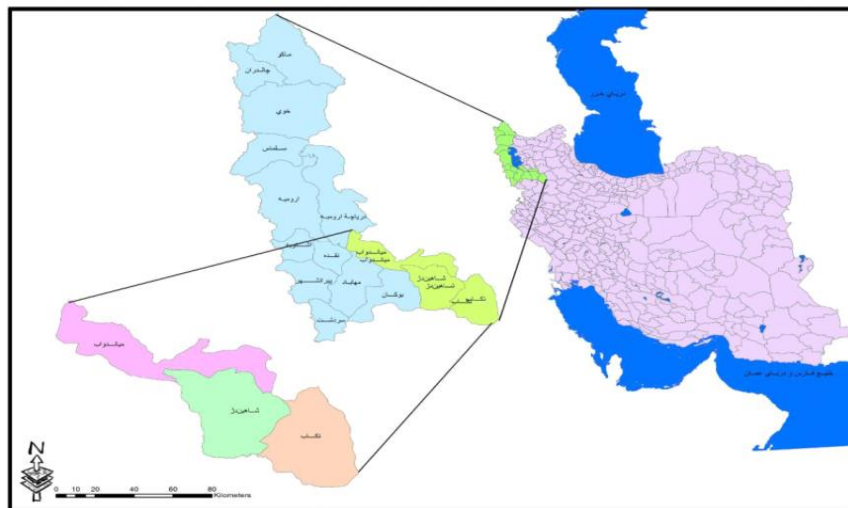
تنوع و تکثر بسیاری در پیدایش مکان‌ها، و درونمایه‌های انسانی و طبیعی و تعاملات فضایی آنها وجود دارد. بر بنیاد چنین شناسه‌هایی، مطالعه توزیع فضایی پدیده‌ها در سطح زمین یکی از دیرپاترین سنت‌های پژوهشی علوم جغرافیایی بوده است. یافته‌های موجود گویای آن است که توزیع فضایی بسیاری از پدیده‌ها در مکان‌های مختلف، متفاوت است. به دیگر سخن، توزیع پدیده‌ها روی سطح زمین از الگوهای خاصی تبعیت می‌کند. در سنت جغرافیا به عنوان علم توزیع فضایی پدیده‌ها، جغرافیدانان در پی یافتن

توضیحی برای این الگوها هستند. در این سنت، واژه «توزیع یا پراکنش»^۱ ناظر بر وجود چیزهایی است که در یک منطقه پراکنده یا چیده شده‌اند. فهم الگوهای توزیع برای شناخت عوامل و زمینه‌های انسانی و طبیعی مؤثر در پراکنش و چینش پدیده‌ها، مهم است. جغرافی‌دانان می‌کوشند چرایی و چگونگی این الگوهای توزیع فضایی را بیابند. به دیگر سخن، بنیاد جغرافیا بر تنوع و تکثر پدیده‌ها استوار است و جغرافیدان در پی آن است که الگوی فضایی حاکم بر این پدیده‌ها را بیابد. بر بنیاد رویکرد سنت توزیع فضایی، جغرافیایی‌ترین حکومت‌ها، نظام‌هایی هستند که اصل تنوع و تکثر را در حوزه اندیشه و مطالبه، پذیرفته باشند. در چهارچوب نظام دموکراتیک، شهروندان جدای از ناهمگونی‌های زیستی، فرهنگی و مکانی، از رهگذر نهادها و رویه‌های مشخص در فرایند تصمیم‌گیری و اجرا مشارکت می‌کنند و در تغییر و تداوم هیئت حاکمه نقش می‌آفرینند. از این رو، هر اندازه حکومت دموکراتیک‌تر، جغرافیایی‌تر خواهد بود (kaviani Rad and gharebaygi, 2016: 52-3). پدیده رأی به عنوان عنصر بنیادی انتخابات، بازتابی از ادراک محیطی رأی‌دهندگان از منافع خود و ساختارهای موجود است. ساکنان هر قلمرو جغرافیایی - سیاسی به تبع ادراک‌های محیطی متفاوت، الگوهای توزیع فضایی ناهمگونی از پراکنش آراء به نمایش می‌گذارند. کاوش درباره توزیع فضایی رأی در کانون پژوهش‌های جغرافیای انتخابات قرار دارد (kaviani Rad, 2013: 45). بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار رأی‌دهندگان از دیرپاترین موضوعات پژوهشی جغرافیدانان سیاسی بوده است. از جمله این موضوعات می‌توان به تأثیر دوستان و همسایگان و مبحث زادبوم و زادگاه اشاره کرد. این عوامل بر رفتار رأی‌دهندگان اثرگذار بوده‌اند و نشان می‌دهد که مردم عمدتاً به آن شمار از نامزدهای انتخاباتی گرایش دارند که به نوعی با آنها احساس همانندی و قرابت محلی بیشتری دارند. از این رو، غالباً نامزدها، احزاب و گروه‌ها در نواحی که خاستگاه یا کانون حضور آنها است نتایج بهتری به دست می‌آورند (Galaher and others, 2012: 6). تأثیر همسایگی در حوزه جغرافیای انتخابات پیامد عوامل و زمینه‌های جغرافیایی بر رفتار رأی‌دهندگان را بررسی می‌کند و بر این انگاره استوار است که ساکنان یک محدوده سکونتگاهی عموماً همانند یکدیگر، بر اساس ویژگی و شناسه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌شان، به فرد و یا جریانی که با آنان احساس همانندی می‌نمایند، رأی می‌دهند (kaviani Rad, waissy, 2009: 1). در این میان، آراء زادگاهی، ناظر بر مقیاس آراء پارلمانی یا مجلس

است که سراسر کشور به حوزه‌هایی کوچک مقیاسی تعریف می‌شوند که رویکرد محلی رأی‌دهندگان در پیروزی یا شکست نامزدها و جریان‌های سیاسی نقش تعیین‌کننده دارد.

۳. محیط‌شناسی پژوهش

ایران کشوری متشکل از نواحی و خرده‌نواحی فرهنگی است که برخاسته از موقعیت جغرافیایی خود، طی تاریخ، پذیرای تنوع فرهنگی و سرزمینی بوده است. تنوعی که در مقیاس خردتر نیز تداوم می‌یابد. در این میان، استان آذربایجان غربی در شمال باختری ایران با نگرش تنوع جغرافیایی و فرهنگی‌اش نمودی از چنین وضعیتی است. این استان از شمال به جمهوری آذربایجان و ترکیه، از باختر به کشورهای ترکیه و عراق، از خاور به استان آذربایجان شرقی و استان زنجان و از جنوب به استان کردستان محدود است. بر بنیاد سرشماری سال ۱۳۹۵ استان با جمعیتی برابر ۳۲۶۵۲۱۹ نفر، نزدیک به ۱/۴ درصد از جمعیت کشور است (www.amar.org.ir). آذری‌ها و کردها از گروه‌های عمده جمیتی این استان به شمار می‌روند. آن بخش از جمعیت استان که با استان کردستان همسایه است اهل سنت کُرد زبان هستند. کردها در بخش‌های مرتفع باختری و جنوبی و ترک‌های آذری در دشت‌های پیرامون دریاچه ارومیه و بخشی نیز در دشت‌های شمال و جنوب خاوری استان، ساکن هستند. بر این پایه، استان آذربایجان غربی از دیدگاه سرزمینی و فرهنگی استان متنوعی است. بانگرش به این موضوع، تنوع فرهنگی در بسیاری از تحولات از جمله الگوی رأی‌دهی و انتخابات تأثیر بسیاری داشته و در نتایج انتخابات نیز مؤثر بوده است. شهرستان‌های میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب در قالب یک حوزه انتخابیه از دیدگاه تقسیمات کشوری زیرمجموعه استان به شمار می‌روند. یافته‌ها، گویای آن هستند که در این حوزه انتخابیه فقط شهرستان میاندوآب تک‌قومیتی (ترک) است و دو شهرستان دیگر، آمیزه‌ای از جمعیت ترک شیعه و کُرد تسنن هستند. در شهرستان شاهین‌دژ نسبت ترکیب جمعیت کُرد ۳۰٪ و ترک ۷۰٪ و این ترکیب در شهرستان تکاب ۳۵٪ و ۶۵٪ است (ShahinDezh County Governor, 2020). پژوهش حاضر برآن است که بازتاب هویت مکانی (زبانی و مذهبی) رأی‌دهندگان بر توزیع فضایی رأی را از نخستین دوره تا دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی بررسی کند.



نقشه ۱. موقعیت حوزه انتخابیه (Authors)

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. بررسی دوره‌های انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب)
در ادامه ده دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به استناد داده‌ها و یافته‌هایی که از استانداری آذربایجان غربی و فرمانداری و بخش‌داری‌های شهرستان‌های حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب تهیه شده بررسی و واکاوی می‌شود.

۴.۱.۱. نخستین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

بر پایه آمار استانداری آذربایجان غربی، نخستین دوره انتخابات مجلس در تاریخ ۱۳۵۸/۱۱/۱۲ برگزار شد. در این دوره هنوز شهرهای شاهین‌دژ و تکاب جزو شهرستان میاندوآب به شمار می‌آمدند. برابر سرشماری سال ۱۳۵۵، کل جمعیت شهرستان میاندوآب ۲۴۸۹۵۹ تن بود که از این تعداد، شهر میاندوآب و بخش‌های آن، جمعیتی نزدیک به ۱۲۲۷۹۳ تن، بخش شاهین‌دژ ۶۸۱۶۴ تن و بخش تکاب جمعیتی برابر ۵۸۰۰۲ تن داشتند. در این دوره که شمار شعب اخذ رأی برابر ۱۱۷ و آراء مأخوذه ۷۷۴۰۲ بود، نتیجه انتخابات بنا به دلایل امنیتی برخاسته از وضعیت اوایل انقلاب، باطل اعلام شد. مرحله میان‌دوره‌ای در تاریخ ۱۳۶۰/۰۵/۲۸ با تعداد ۱۲۳ شعبه اخذ رأی و ۷۰۹۶۷ آراء مأخوذه، هیچ یک از نامزدها نتوانستند بیشینه آراء را به دست آورند و انتخابات به دور دوم در تاریخ ۱۳۶۰/۰۷/۱۰ کشیده شد. در این مرحله، محمدعلی

خسروی از تکاب با ۵۲٪ و محسن راثی از میاندوآب با ۴۱٪ آراء، به عنوان نماینده به نخستین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:2). در این دوره با نگرش به وضعیت اوایل انقلاب و اینکه هنوز شهرهای شاهین دژ و تکاب جزء شهرستان میاندوآب بودند، هم‌اوردی مکانی شهرها، نمود چندانی نداشت و انتخاب نمایندگان، تابعی از وزن جمعیتی شهرها نبود و شور انقلابی برخاسته از تغییر نظام بر تعلق مکانی رأی‌دهندگان چیره بود.

جدول ۱. انتخابات دوره نخست مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه میاندوآب (شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره نخست	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سرشماری ۱۳۵۵
۱	محمدعلی خسروی	۳۸۹۴۵	تکاب	۵۲٪	بخش تکاب ۵۸۰۰۲ نفر
۲	محسن راثی	۳۱۱۶۸	میاندوآب	۴۱٪	شهرستان میاندوآب ۱۲۲۷۹۳ نفر
۳	مجد فیضی زرتق	۳۳۲۵۹	تکاب	۳۱٪	بخش تکاب ۵۸۰۰۲ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:2)

۴. ۱. ۲. دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دومین دوره انتخابات مجلس در تاریخ ۱۳۶۳/۰۱/۲۶ برگزار شد. در این دوره نیز هنوز شهرهای شاهین دژ و تکاب جزء شهرستان میاندوآب به شمار می‌آمدند. برابر سرشماری سال ۱۳۵۵ کل جمعیت شهرستان میاندوآب ۲۴۸۹۵۹ تن بود که از این تعداد، شهر میاندوآب و بخش‌های آن جمعیتی در حدود ۱۲۲۷۹۳ تن، بخش شاهین دژ ۶۸۱۶۴ تن و بخش تکاب ۵۸۰۰۲ جمعیت داشتند. شمار شعب اخذ رأی این دوره ۱۲۲ شعبه و آراء مأخوذه ۱۰۸۳۷۸ رأی بود. در این دوره، محسن راثی از میاندوآب با ۶۵٪ و فریدون سلیمی‌نیا از شاهین دژ با ۵۴٪ آراء مأخوذه، به عنوان نماینده به دومین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:2). بر بنیاد یافته‌ها، جهت گیری آراء این دوره هنوز به دور از گرایش‌های مکانی، قومی و زبانی است در نتیجه دو نماینده از دو شهر متفاوت به مجلس راه یافتند. با این حال، درصد آراء نماینده متولد شهر میاندوآب با فاصله معناداری، بالاست.

جدول ۲. انتخابات دوره دوم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره دوم	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سرشماری ۱۳۵۵
۱	محسن راثی	۷۱۴۲۵	میاندوآب	۶۵٪	شهرستان میاندوآب ۲۴۸۹۵۹ نفر
۲	فریدون سلیمی‌نیا	۵۸۷۰۸	شاهین دژ	۵۴٪	بخش شاهین دژ ۶۸۱۶۴ نفر

ردیف	نامزدهای دوره دوم	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سرشماری ۱۳۵۵
۳	محمدعلی خسروی	۲۷۴۴۰	تکاب	٪۲۵	بخش تکاب ۵۸۰۰۲ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah.2)

۴. ۱. ۳. سومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

سومین دوره انتخابات مجلس نیز در تاریخ ۱۳۶۷/۱/۱۹ برگزار شد. در این دوره هنوز هم بخش‌های شاهین‌دژ و تکاب جزء شهرستان میاندوآب هستند. برابر سرشماری سال ۱۳۶۵، کل جمعیت شهرستان میاندوآب ۳۰۹۴۷۶ تن بود که از این شمار، شهر میاندوآب و بخش‌های آن جمعیتی نزدیک به ۱۹۶۵۳۰ تن، بخش شاهین‌دژ ۷۳۳۹۶ تن و بخش تکاب ۳۹۵۵۳ تن جمعیت داشتند. شمار شعب اخذ رأی در این دوره ۱۴۴ شعبه و آراء مأخوذه ۱۲۷۲۶۹ رأی بود. این دوره هم از نظر تعداد شعب و هم از نظر آراء مأخوذه، افزایش درخوری نسبت به دوره‌های پیشین داشت که یکی از دلایل اصلی آن بالا بودن نرخ رشد جمعیت در کل شهرهای حوزه انتخابیه به تبعیت از نرخ رشد جمعیت کشور در این دهه بود. در این دوره، حسینعلی ضیایی از شاهین‌دژ با ۳۷٪ و اسدالله تابع با ۳۴٪ آراء مأخوذه، بیشینه آراء را به دست آوردند و به‌عنوان نماینده به سومین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (LetterMonth, Eleventh Year Nikkhah.2). یافته‌ها نشان می‌دهند که رأی‌دهندگان این حوزه، برخاسته از تداوم شور انقلابی و به دور از تعلق مکانی، دوباره به دو نماینده از دو شهر متفاوت رأی داده‌اند، اما این بار تفاوت چندانی در آراء به‌دست آورده نمایندگان دیده نمی‌شود. با این حال، شخصیت و نام‌آوری برخی از داوطلبان شرکت‌کننده در انتخابات از شهرهای شاهین‌دژ و تکاب در پیروزی در انتخابات بی‌تأثیر نبود.

جدول ۳. انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره سوم	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سرشماری ۱۳۶۵
۱	حسینعلی ضیایی	۴۷۵۸۸	شاهین‌دژ	٪۳۷	بخش شاهین‌دژ ۷۳۳۹۶ نفر
۲	اسدالله تابع	۴۳۴۷۸	میاندوآب	٪۳۴	شهرستان میاندوآب ۲۴۸۹۵۹ نفر
۳	عباسعلی آزادی	۳۳۸۱۸	میاندوآب	٪۲۶	شهرستان میاندوآب ۲۴۸۹۵۹ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah.2)

۴. ۱. ۴. چهارمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

چهارمین دوره انتخابات مجلس در تاریخ ۱۳۷۱/۰۱/۲۱ در حالی برگزار شد که باز هم شمار شعب افزایش یافت. در این دوره بخش‌های شاهین دژ و تکاب از شهرستان میاندوآب جدا و هریک به‌عنوان یک شهرستان در جغرافیای سیاسی استان ظاهر شدند. برابر آمار غیررسمی سال ۱۳۷۰، شهرستان میاندوآب ۲۰۴۶۵۳ نفر، جمعیت شهرستان شاهین دژ ۸۳۲۴ نفر و شهرستان تکاب نیز ۵۱۵۰۱ نفر جمعیت داشتند؛ تعداد شعب اخذ رأی از ۱۴۴ به ۱۸۸ شعبه رسید اما آراء مأخوذه با ۱۲۱۹۴۵ نسبت به دوره پیش فروکاست. در این دوره، در مرحله نخست فقط یکی از نامزدها توانست بیشینه آراء را به دست آورد و انتخابات به دور دوم در تاریخ ۱۳۷۱/۰۲/۱۸ کشیده شد. در این مرحله محسن رائی ۴۳٪ و جلال رسولی با ۲۷٪ آراء مأخوذه، هر دو از میاندوآب حائز اکثریت آراء شدند و به‌عنوان نماینده به چهارمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:3). بر بنیاد یافته‌ها در این دوره برخلاف دوره‌های گذشته، شهرهای شاهین دژ و تکاب از شهرستان میاندوآب جدا و در تقسیمات کشوری هریک به‌عنوان یکی از شهرستان‌های حوزه فرعی این حوزه انتخابیه مطرح شدند. پس از این دگرگونی در جغرافیای سیاسی این حوزه انتخابیه، هر دو نفر نمایندگان منتخب حوزه از شهر میاندوآب برخاستند. رخدادی که گویای تأثیر وزن بالای جمعیت و تعلق مکانی رأی‌دهندگان در هم‌آوردی با دیگر شهرستان‌های نوپدید به شمار می‌رود.

جدول ۴. انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره چهارم	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سال ۱۳۷۰
۱	محسن رائی	۵۳۵۶۸	میاندوآب	۴۳٪	شهرستان میاندوآب ۲۰۴۶۵۳ نفر
۲	جلال رسولی	۳۲۹۵۲	میاندوآب	۲۷٪	شهرستان میاندوآب ۲۰۴۶۵۳ نفر
۳	فریدون سلیمی‌نیا	۲۹۷۵۱	شاهین دژ	۲۴٪	شهرستان شاهین دژ ۸۳۲۴ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:3)

۴. ۱. ۵. پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

پنجمین دوره انتخابات مجلس که در تاریخ ۱۳۷۴/۱۲/۱۸ برگزار شد. این دوره نیز بر شمار شعب افزوده شد. این دوره نیز بر پایه آمار غیررسمی سال ۱۳۷۰ بود که در آن شهرستان میاندوآب ۲۰۴۶۵۳ نفر، شهرستان شاهین دژ ۸۳۲۴ نفر و شهرستان تکاب نیز ۵۱۵۰۱ جمعیت داشتند. تعداد شعب اخذ رأی از

۱۸۸ به ۲۲۰ شعبه و آراء مأخوذه نیز به ۱۹۲۲۵۲ رأی رسید. اما انتخابات این دوره به دلیل تخلفات انتخاباتی از سوی شورای نگهبان رد شد. از این رو، انتخابات به مرحله میاندوره‌ای کشید. مرحله نخست میان‌دوره‌ای در تاریخ ۱۹/۱۱/۱۳۷۵ با ۲۲۰ شعبه اخذ رأی و ۱۶۰۱۹۲ آراء مأخوذه برگزار شد. در این مرحله، نامزدهای انتخاباتی نتوانستند بیشینه آراء را کسب کنند و انتخابات برای تعیین دو نفر برای راه‌یابی به مجلس به مرحله دوم میان‌دوره‌ای در تاریخ ۱۳۷۶/۰۳/۰۲ کشید. در این مرحله، فریدون سلیمی‌نیا از شاهین‌دژ با ۴۴٪ و جهانبخش محبی‌نیا از میاندوآب با ۴۲٪ آراء مأخوذه حائز اکثریت آراء شدند و به‌عنوان نماینده به پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:3). بر پایه یافته‌ها در دور اول انتخابات این دوره مجلس، تخلف صورت گرفته مربوط به یکی از داوطلبان میاندوآبیرمیزان رأی‌دهی به کاندیدای این شهر تأثیر منفی گذاشت و به ریزش رأی میاندوآبی‌ها انجامید. به‌گونه‌ای که نماینده اهل شاهین‌دژ در دور دوم راهی مجلس شد.

جدول ۵. انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره پنجم	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سال ۱۳۷۰
۱	فریدون سلیمی‌نیا	۷۸۳۲۴	شاهین‌دژ	۴۴٪	شهرستان شاهین دژ ۸۸۳۲۴ نفر
۲	جهانبخش محبی‌نیا	۷۵۴۸۴	میاندوآب	۴۲٪	شهرستان میاندوآب ۲۰۴۶۵۳ نفر
۳	اسکندر حسین‌زاده	۷۳۳۱۵	میاندوآب	۴۱٪	شهرستان میاندوآب ۲۰۴۶۵۳ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:3)

۴. ۱. ۶. ششمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ششمین دوره انتخابات مجلس در تاریخ ۱۳۷۸/۱۱/۲۹ برگزار شد. برابر سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت شهرستان میاندوآب ۲۰۹۸۴۰ نفر، جمعیت شهرستان شاهین‌دژ ۱۰۴۵۹۸ نفر و شهرستان تکاب ۸۴۹۰۱ بود. در این دوره بازم بر تعداد شعب و آراء مأخوذه افزوده شد. شمار شعب اخذ رأی در این دوره ۲۳۴ شعبه و آراء مأخوذه ۱۹۹۳۸۸ رأی بود. در این دوره، هیچ یک از نامزدها در مرحله نخست نتوانستند حائز اکثریت آراء شوند و انتخابات برای تعیین دو نفر اصلی به مرحله دوم کشید که در تاریخ ۱۳۷۹/۰۲/۱۶ برگزار شد. در پایان این مرحله، شهباز حسین‌زاده با ۳۹٪ و جهانبخش محبی‌نیا با ۳۴٪ آراء مأخوذه هر دو از میاندوآب حائز اکثریت آراء شدند و به‌عنوان نماینده به ششمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:4). بر بنیاد یافته‌ها، در این دوره، باز هم دو

نماینده از شهر میاندوآب انتخاب شدند. نتیجه‌ای که گویای تعلق مکانی و هم‌آوردی سه شهرستان این حوزه انتخابیه است. در این میان وزن بالای جمعیتی شهر میاندوآب و تعلق مکانی رأی‌دهندگان به پیروزی نامزدهای انتخاباتی این شهر انجامید.

جدول ۶. انتخابات دوره ششم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره ششم	شمارآراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سرشماری ۱۳۷۵
۱	شهناز حسین زاده	۴۷۲۴۱	میاندوآب	٪۳۹	شهرستان میاندوآب ۲۰۹۸۴۰ نفر
۲	جهانبخش محبی‌نیا	۴۱۲۰۹	میاندوآب	٪۳۴	شهرستان میاندوآب ۲۰۹۸۴۰ نفر
۳	فریدون سلیمی‌نیا	۳۰۸۳۹	شاهین‌دژ	٪۳۱	شهرستان شاهین دژ ۱۰۴۵۹۸ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:4)

۴. ۱. ۷. هفتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

هفتمین دوره انتخابات مجلس در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۰۱ برگزار شد. در این دوره، برابر سرشماری سال ۱۳۷۵، جمعیت شهرستان میاندوآب ۲۰۹۸۴۰ نفر، شهرستان شاهین دژ ۱۰۴۵۹۸ نفر و شهرستان تکاب ۸۴۹۰۱ نفر بود. شمار شعب اخذ رأی در این دوره ۲۷۲ شعبه و آراء مأخوذه ۱۵۵۳۷۵ رأی بود. در این دوره، در مرحله نخست، تنها یکی از نامزدهای انتخابات مجلس توانست حائز اکثریت آراء شود و انتخابات به مرحله دوم در تاریخ ۱۳۸۳/۰۲/۱۸ کشید. در این مرحله نیز نماینده بعدی مشخص شد و بدین ترتیب آقایان جهانبخش محبی‌نیا با ۲۹٪ و اسدالله تابع با ۲۶٪ آراء مأخوذه، هر دو از میاندوآب حائز اکثریت آراء شدند و به‌عنوان نماینده به هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (LetterMonth, Eleventh Year Nikkhah:4). بر پایه یافته‌ها، این دوره نیز همانند دوره پیشین، وزن بالای جمعیتی و حس تعلق مکانی رأی‌دهندگان شهر میاندوآب باعث به انتخاب مجدد نامزدهای انتخاباتی این شهر انجامید.

جدول ۷. انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره هفتم	شمارآراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سرشماری ۱۳۷۵
۱	جهانبخش محبی‌نیا	۴۵۲۲۱	میاندوآب	٪۲۹	شهرستان میاندوآب ۲۰۹۸۴۰ نفر
۲	اسدالله تابع	۴۱۶۰۶	میاندوآب	٪۲۶	شهرستان میاندوآب ۲۰۹۸۴۰ نفر
۳	محمد میرزایی	۲۷۸۶۲	شاهین‌دژ	٪۱۸	شهرستان شاهین دژ ۱۰۴۵۹۸ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:4)

۴. ۱. ۸. هشتمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

هشتمین دوره انتخابات مجلس در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۴ برگزار و شمار شعب اخذ رأی در این دوره ۲۷۲ شعبه و آراء مأخوذه ۱۷۵۹۸۰ رأی بود. برابر سرشماری سال ۱۳۸۵ جمعیت شهرستان میاندوآب ۲۴۷۳۰۷ نفر، شهرستان شاهین دژ ۹۰۱۸۲ نفر و شهرستان تکاب ۲۲۴۷۸۲ بود. در این دوره، در مرحله نخست فقط یکی از نامزدهای انتخابات مجلس توانست بیشینه آراء را به دست آورد و انتخابات به مرحله دوم در تاریخ ۱۳۸۷/۰۲/۱۸ کشیده شد. نیاز به توضیح است که در این مرحله، در پی اعتراض یکی از نامزدها به نتایج، انتخابات این مرحله توسط شورای نگهبان ابطال شد و مرحله سوم یا همان میان دوره‌ای مجلس هشتم پس از دو سال در تاریخ ۱۳۸۸/۰۳/۲۴ و همزمان با انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری برگزار و نماینده بعدی نیز مشخص شد. و بدین ترتیب جهانبخش محبی‌نیا با ۳۰٪ و مهدی عیسی‌زاده با ۲۳٪ آراء مأخوذه هر دو از میاندوآب حائز اکثریت آراء شدند و به عنوان نماینده به هشتمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:4). بر اساس یافته‌ها، منتخبان این دوره که هر دو اهل میاندوآب بودند با استفاده از گرایش‌های سیاسی در این دوره و وزن بالای جمعیتی شهرستان میاندوآب حائز اکثریت آراء شده و به مجلس راه یافتند.

جدول ۸ انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدها دوره هشتم	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سرشماری ۱۳۸۵
۱	جهانبخش محبی‌نیا	۵۴۰۰۷	میاندوآب	۳۰٪	شهرستان میاندوآب ۲۴۷۳۰۷ نفر
۲	مهدی عیسی‌زاده	۴۱۹۰۹	میاندوآب	۲۳٪	شهرستان میاندوآب ۲۴۷۳۰۷ نفر
۳	احمد نعیمی‌فر	۲۸۷۸۴	میاندوآب	۱۶٪	شهرستان میاندوآب ۲۴۷۳۰۷ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:4)

۴. ۱. ۹. نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

نهمین دوره انتخابات مجلس در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۱۲ برگزار شد و شمار شعب اخذ رأی در این دوره ۲۸۴ شعبه و آراء مأخوذه ۳۱۷۱۶۷ رأی بود. برابر سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت شهرستان میاندوآب ۲۶۰۶۲۸ نفر، شهرستان شاهین دژ ۹۱۱۱۳ نفر و شهرستان تکاب ۸۰۵۵۶ بود. در این دوره از انتخابات، روح‌اله بیگی با ۲۵٪ و مهدی عیسی‌زاده با ۲۳٪ آراء مأخوذه هر دو از میاندوآب حائز اکثریت آراء شدند و به عنوان نماینده به نهمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (Letter Month, Eleventh:5).

YearNikkhah). یافته‌ها نشان دادند که طبق رویه دوره‌های گذشته، متخبران هر دو از شهر میاندوآب هستند، نتیجه‌ای که نشانگر تأثیر حس تعلق مکانی و تبلیغات صورت گرفته درباره برانگیختن رأی‌دهندگان توسط نامزدها به جستار آراء زادگاهی بوده است. از سویی، چون ترکیب جمعیتی میاندوآب یک‌دست آذری‌زبان هستند در نهایت راحت‌تر به انتخاب فرد مورد نظر خواهند رسید.

جدول ۹. انتخابات دوره نهم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره نهم	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سرشماری ۱۳۹۰
۱	روح الله بیگی	۷۹۲۹۶	میاندوآب	۲۵٪	شهرستان میاندوآب ۲۶۰۶۲۸ نفر
۲	مهدی عیسی‌زاده	۷۵۴۸۱	میاندوآب	۲۳٪	شهرستان میاندوآب ۲۶۰۶۲۸ نفر
۳	جهانبخش محبی‌نیا	۵۴۷۵۵	میاندوآب	۱۷٪	شهرستان میاندوآب ۲۶۰۶۲۸ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:5)

۴. ۱. ۱۰. دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دهمین دوره انتخابات مجلس نیز در تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۰۷ برگزار و تعداد شعب اخذ رأی در این دوره ۲۹۶ شعبه و آراء مأخوذه ۲۲۱۴۶۸ رأی بود. برابر آمار غیررسمی سال ۱۳۹۴، جمعیت شهرستان میاندوآب ۲۶۷۲۵۶ نفر، شهرستان شاهین دژ ۹۱۷۴۱ نفر و شهرستان تکاب ۸۱۲۷۴ بود. در این دوره، هیچ یک از نامزدها در مرحله اول نتوانستند حائز اکثریت آراء شوند و انتخابات برای تعیین دو نفر اصلی به مرحله دوم کشید که این مرحله نیز در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۰ برگزار شد. در این مرحله، همایون هاشمی از تکاب با ۳۵٪ و جهانبخش محبی‌نیا از میاندوآب با ۳۴٪ آراء مأخوذه حائز اکثریت آراء شدند و به‌عنوان نماینده به دهمین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافتند (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah:5). بر بنیاد یافته‌ها، برخلاف دوره‌های متوالی گذشته که هر دو نماینده از شهر میاندوآب بودند، این بار جو روانی حاکم بر ذهنیت در دو شهرستان دیگر در انتخابات به‌گونه‌ای جهت داده شد که رأی‌دهندگان شهرهای شاهین دژ و تکاب یک‌دست و همراه تصمیم گرفتند که نمایندگان خود را از میان این دو شهر راهی مجلس کنند که موفق شدند یک نفر از دو نفر را راهی مجلس کنند، هر چند که اختلاف آراء نفر سوم و دوم چندان زیاد نبود. نتیجه‌ای که از یک سو، گویای هم‌آوردی این سه شهر و از دیگر سو، نشان از تعیین‌کنندگی شهر میاندوآب با توجه به وزن بالای جمعیتی است.

جدول ۱۰. انتخابات دوره دهم مجلس شورای اسلامی حوزه انتخابیه (میاندوآب، شاهین دژ و تکاب)

ردیف	نامزدهای دوره دهم	شمار آراء	زادگاه	درصد آراء	تعداد جمعیت در سال ۱۳۹۴
۱	همایون هاشمی	۶۱۵۴۹	تکاب	۳۴٪	شهرستان تکاب ۸۱۲۷۴ نفر
۲	جهانبخش محبی‌نیا	۶۱۱۵۰	میاندوآب	۳۴٪	شهرستان میاندوآب ۳۶۷۲۵۶ نفر
۳	محمد میرزایی	۵۹۷۲۶	شاهین دژ	۳۲٪	شهرستان شاهین دژ ۹۱۷۴۱ نفر

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah.5)

۵. تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

مکان، کانون علم جغرافیا و هویت، تجلی فرهنگ در مکان است. درهم تنیدگی ویژگی‌های انسانی و طبیعی مکان در آفرینش و تنوع بخشی به هویت نقش بنیادی داشته است. هویت در سطوح خرد و کلان هماهنگی بالایی با بن‌مایه‌های مکانی داشته که به تناسب وجود این بن‌مایه‌ها، هویت‌های متنوع مکانی شکل گرفته و به منش و کنش ساکنان جهت و معنا داده است. در آفرینش حس مکان و تعلق مکانی، نخست زمینه سکونت و اجتماع انسان‌ها فراهم می‌شود. این تعلق مکانی به تدریج علایق، منافع و احساس مسئولیتی را به وجود می‌آورد که در تصمیمات افراد در زمینه‌های مختلف اثرگذار است. یکی از این موضوعات، پدیده رأی است که افراد به واسطه همین وابستگی‌ها و علایق مکانی نسبت به آن عمل می‌کنند. در بیشتر موارد هویت مکانی بوجود آمده، در پراکنش رأی اثرگذار بوده است. پژوهش حاضر تاثیر هویت مکانی بر توزیع فضایی رأی در حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین دژ و تکاب را مورد بررسی قرار داد. واکاوی یافته‌ها نشان داد نقش هویت مکانی در پراکنش فضایی آراء در سطح این حوزه بر جهت‌دهی و معنابخشی به آراء تاثیر داشته است.

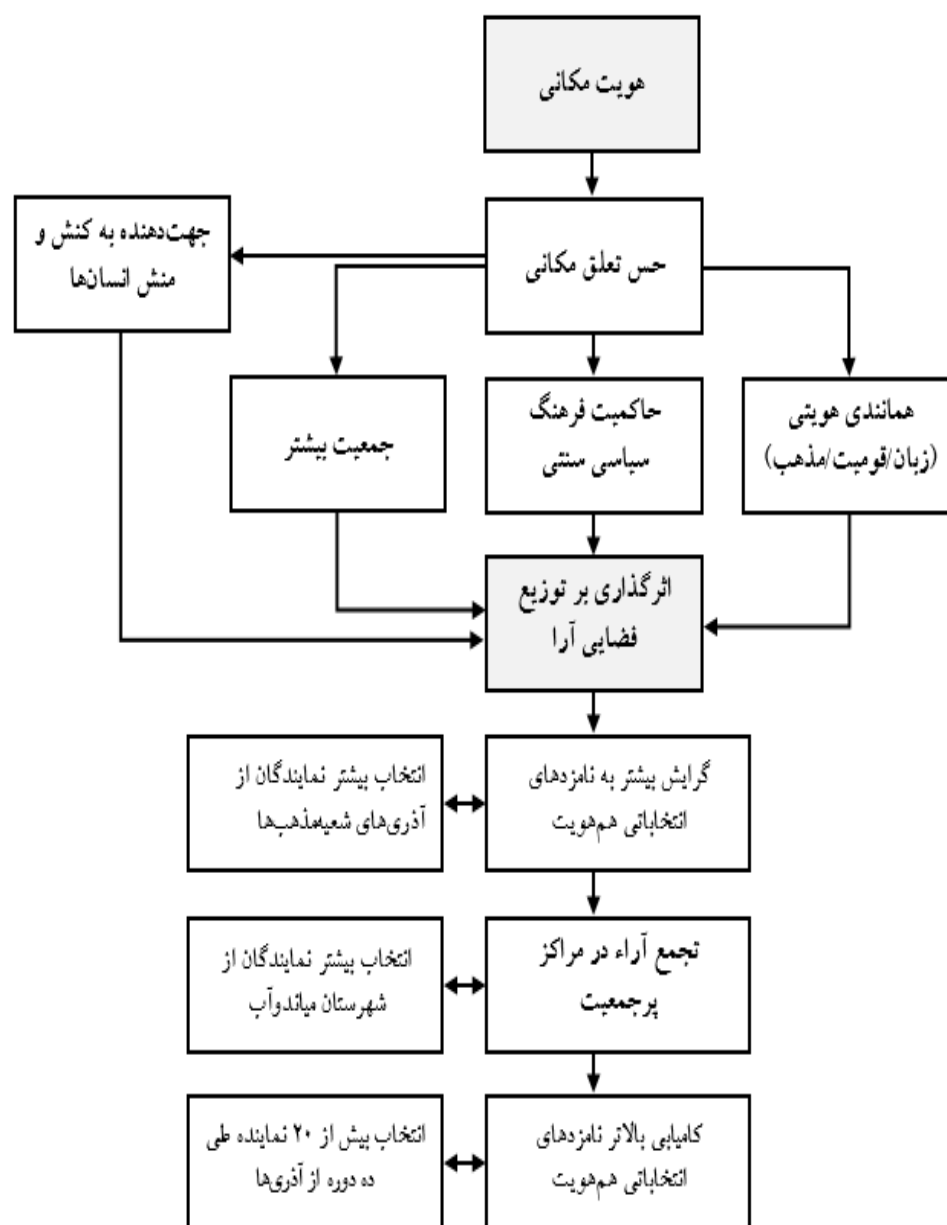
جدول ۱۱. آمار نمایندگان کل دوره‌ها به تفکیک هر شهرستان در حوزه انتخابیه

شهرستان حوزه انتخابیه	تعداد نماینده در مجلس اول	تعداد نماینده در مجلس دوم	تعداد نماینده در مجلس سوم	تعداد نماینده در مجلس چهارم	تعداد نماینده در مجلس پنجم	تعداد نماینده در مجلس ششم	تعداد نماینده در مجلس هفتم	تعداد نماینده در مجلس هشتم	تعداد نماینده در مجلس نهم	تعداد نماینده در مجلس دهم	تجمع نمایندگان در کل دوره‌ها	قومیت و مذهب نمایندگان
میاندوآب	۱	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۲	۲	۱	۱۵	ترک و شیعه
شاهین دژ	-	۱	۱	-	۱	-	-	-	-	-	۳	ترک و شیعه

شهرستان حوزه انتخابیه	تعداد نماینده در مجلس اول	تعداد نماینده در مجلس دوم	تعداد نماینده در مجلس سوم	تعداد نماینده در مجلس چهارم	تعداد نماینده در مجلس پنجم	تعداد نماینده در مجلس ششم	تعداد نماینده در مجلس هفتم	تعداد نماینده در مجلس هشتم	تعداد نماینده در مجلس نهم	تعداد نماینده در مجلس دهم	مجموع نمایندگان در کل دوره ها	قومیت و مذهب نمایندگان
تکاب	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	۱	۲	ترک و شیعه

منبع: (Letter Month, Eleventh Year Nikkhah.5)

جدول بالا نشان می‌دهد که از مجموع بیست نفر نماینده منتخب در تمامی دوره‌ها از آغاز انقلاب تا دوره دهم انتخابات مجلس شورای اسلامی، پانزده نفر از شهرستان میاندوآب، سه نفر از شهرستان شاهین‌دژ و دو تن از شهرستان تکاب بوده‌اند. با نگرش به اینکه جمعیت ترک‌زبان شیعه مذهب، نسبت به جمعیت گُردزبان اهل تسنن بیشتر است، طبیعی می‌نماید که این وزن جمعیتی در جهت‌دهی به آراء و برآمدن نمایندگان آذری زبان مؤثر باشد. از این‌رو، افزون بر تعلق مکانی رأی‌دهندگان که طی چهار ده از انقلاب روند فزاینده‌ای داشته، شمار قابل‌توجه نمایندگان با زادگاه شهرستان میاندوآب، گویای وزن بالای جمعیت این شهرستان در تعیین نمایندگان این حوزه انتخابیه است. این موضوع از شمار نمایندگانی که طی ده دوره انتخابات از این شهرها راهی مجلس شده‌اند، نمایان است. بر این پایه، موضوع تأثیر وزن بالای جمعیت به‌همراه تعلق مکانی، کمابیش در همه دوره‌های رأی‌دهی، از بنیادی‌ترین عوامل جهت‌دهنده به توزیع فضایی آراء بوده‌اند. از این‌رو، افزایش حس تعلق مکانی در میان رأی‌دهندگان به‌همراه شمار جمعیت شهرستان‌ها، نقش بنیادی در راهیابی نمایندگان به مجلس داشته است.



مدل ۱. رابطه هویت مکانی با توزیع فضایی آراء در حوزه انتخابیه میاندوآب، شاهین‌دژ و تکاب (Authors)

کتابنامه

1. Ebadiyan, M. (2004). *Identity crisis, not individual identity crisis, in proceedings of theoretical foundations of identity and crisis of identity*. Iran, Tehran: The Institute of Humanities and Social Sciences. [In Persian].
2. Falahat, M.S. (2006). The Concept of sense of place and its forming factors. *Fine Arts Journal*, 26(2), 66-57. [In Persian].
3. Ghasemi Esfahani, M.(2004). *Investigating Sense of Place in New Cities: A Case Study of New City of Andisha*. Proceedings of the International Conference on New Cities, Iran, Tehran: New Cities Civil Society Publications. [In Persian].
4. Galaher, C., Dahlman, C., & Gilmartin, M. (2012). *Basic concepts in political geography*. (Nami, M. H., Mohammadpour, A., Trans.). Iran, Tehran: Zeytoon Sabz Publishers. [In Persian].
5. Hafeznia, M.R. & Kaviani Rad, M. (2014). *Philosophy of political geography*. Iran, Tehran: National Research Institute. [In Persian].
6. Kaviani Rad, M. (2010). *Regionalism in Iran from a political geography perspective*. Iran, Tehran: Institute for Strategic Studies Research Publications. [In Persian].
7. Kaviani Rad, M. & Azizi, A. (2011). The Role of spatial identity in political action; case study: revolution square and Tehran streets. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, 20(17), 151-167. [In Persian].
8. Kaviani Rad, M. & Gharebigi, M. (2016). *Electoral geography: foundations, concepts and functions*. Iran, Tehran: Institute for Strategic Studies Research. [In Persian].
9. Kaviani Rad, M. & Weissy, H. (2009). Neighborhood impact on Iranian elections, case study: The first round of the ninth presidential election in Iran. *Geopolitical Quarterly*, 4(3), 1-20. [In Persian].
10. Kaviani Rad, M. (2013). Processing of the concept of 'territory' from political geography. *Journal of Space Planning and Examination*, 4(17), 80-100. [In Persian].
11. Kaviani Rad, M. & Gharebigi, M. (2016). Explaining the relationship between "ecology" and "democracy" in post-structural. *The Journal of Spatial Planning*, 20(2), 273-295. [In Persian].
12. Moharami, T. (2004). *Our Iranian-Islamic identity in Iranian identity*. Iran, Tehran: Institute of Humanities and Social Sciences, University Jihad. [In Persian].
13. Pakzad, J. (1996). Identity in space. *Journal of Sofeh*, 6(21-22), 106-100. [In Persian].
14. ShahinDezh County Governor (2020). *Security ID: Year 2020*. ShahinDezh County Governor-General Office. [In Persian].
15. Shakooee, H. (2004). *New thoughts in the philosophy of geography (Environmental philosophies and schools of geography)*. Iran, Tehran: Gitashenasi Publications. [In Persian].

16. Taban, M. & Pashootenizadeh, A. (2010). Urban indicator axes and rivers ecological corridors (Improving spatial identity with emphasis on tourism pavements). *Journal of City Identity*, 4(6), 51-62. [In Persian].

آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی فضا در نظام‌های بسیط متمرکز مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران

محمدباقر قالیباف (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، ایران، نویسنده مسئول)

mghalibaf@ut.ac.ir

عباس احمدی کرچ (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

abbas_ahmadi@ut.ac.ir

یاشار ذکی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

yzaki@ut.ac.ir

احسان لشگری تفرشی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران)

lashgari@yazd.ac.ir

مرتضی رضوی نژاد (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

razavinezhad@ut.ac.ir

چکیده

توزیع فضایی قدرت سیاسی-اجرایی در کشورها الگوهای متفاوتی دارد که در ایران از الگوی بسیط متمرکز استفاده می‌شود؛ گرچه این نوع نظام حکومتی در دهه اول انقلاب اسلامی سبب شد یکپارچگی و انسجام ملی کشور حفظ شود، اما در حال حاضر با توجه به تغییرات و دگرگونی‌های گسترده به نظر می‌رسد کم‌کم تبدیل به عاملی بازدارنده برای پیشرفت و توسعه کشور شده است. سوال اصلی این پژوهش این است که مهم‌ترین آسیب‌هایی که نظام بسیط متمرکز برای کشور ایجاد کرده است کدام‌اند؟ و شدت این آسیب‌ها نسبت به یکدیگر چگونه است؟ بر اساس مطالعات این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و با مشارکت ۱۸۵ نفر از نخبگان علمی، اجرایی کشور انجام شده، ۱۰ محور موضوعی به‌عنوان مهم‌ترین آسیب‌های نظام بسیط متمرکز شناسایی و اولویت‌بندی شدند. این آسیب‌ها به ترتیب در آزمون آماری t تک نمونه‌ای مورد سنجش قرار گرفت و در نهایت به ترتیب شدت آسیب: کم‌توجهی به اقتضائات ویژگی‌های محلی (۳۳،۰۰t)؛ مغفول ماندن ظرفیت‌های قانونی و قانون‌گذاری (۲۴،۰۰t)، ناکارآمدی نظام اداری-اجرایی (۲۴،۰۰t)، بی‌عدالتی فضایی و توسعه نامتوازن (۲۳،۰۰t)، مشارکت ناقص مردم در اداره امور محلی (۲۳،۰۰t)، عدم تفکیک فرآیندی

فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها (t:۲۲,۰۰)، عدم مسئولیت‌پذیری، حس تعلق و پاسخگویی مسئولین محلی (t:۲۲,۰۰)، تجمع فشارها بر دولت مرکزی (t:۲۱,۰۰)، عدم توسعه حزب‌گرایی (t:۱۶,۰۰)، تداوم فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و متملق‌گو (t:۱۴,۰۰) اصلی‌ترین چالش‌هایی هستند که نظام بسیط متمرکز در کشور ایجاد کرده است و به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران برای پیشرفت و توسعه با روندی سریع‌تر، لاجرم می‌بایست به این آسیب‌ها توجه کافی نشان دهد تا مسیر تعالی جامعه را از طریق تغییر در میزان تمرکز در بستر نظام بسیط غیر متمرکز، هموار نماید.

واژگان کلیدی: نظام بسیط متمرکز، آسیب‌شناسی، تمرکزگرایی، نظام اداری-اجرایی

مقدمه

آن چه که بیش از هر چیز، تبیین و در نهایت برنامه‌ریزی به منظور تحول در نظام متمرکز فعلی کشور را ضروری می‌نماید، آسیب‌هایی است که تمرکز بیش از حد امور به کشور وارد ساخته است و راه برون رفت از چالش عدم توسعه‌یافتگی ایران را بیش از پیش دچار خلل کرده است و باید با شناخت دقیق آسیب‌ها به دنبال الگویی جایگزین بود. در واقع، مسئله کلیدی این است که چگونه می‌توان به چالش عقب‌ماندگی و توسعه‌نیافتگی کشور نگریست؟ نگارندگان این مقاله در جریان مطالعات نظری و عملی خود طی سال‌های گذشته به این باور رسیده‌اند که چالش تمرکزگرایی و عدم شکل‌گیری فرآیندی از واگذاری اختیارات به نهادهای حکومت محلی یکی از کلیدی‌ترین چالش‌های نظام اداری-اجرایی کشور است. به بیان دیگر پیش فرض نگارندگان این است که عامل اصلی عقب‌ماندگی و عدم توسعه کشور، الگوی متمرکز فعلی و راه برون رفت آن تبیین و طراحی و در نهایت پیاده‌سازی و اجرای الگویی است که این نواقص و مشکلات را نداشته باشد. بر این اساس، در وهله اول توجه به آسیب‌هایی است که تمرکزگرایی به وجود آورده و باید معطوف به شناخت این عوامل و آسیب‌ها عناصر شکل‌دهنده و قوام‌بخش نظام متمرکز شناسایی نمود، چرا که بدون درک عوامل و آسیب‌هایی که نظام بسیط متمرکز برای کشور ایجاد کرده، هر تلاشی برای تمرکززدایی در نهایت به فرجامی جز شکست نخواهد رسید. بنابراین سوال اصلی این پژوهش این است که در دوران معاصر اخیر نظام بسیط متمرکز چه آسیب‌هایی را در ساخت سیاسی فضای ملی ایجاد کرده است؟ این دوران یعنی از روی کارآمدن پهلوی تاکنون، نظام سیاسی-اداری به غیر از یک دوره کوتاه (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲) از حیث فضایی بسیط متمرکز و دارای الگوی مرکز-پیرامون بوده و تحت تأثیر برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری ناشی از نهادهای حکومتی تمرکزگرا

مدیریت شده است، آسیب‌هایی را رخ نمون می‌کند که با وجود تغییر گفتمانی پس از انقلاب اسلامی نیز تغییر محسوسی در ساخت فضای ملی ایجاد نمی‌شود به گونه‌ای که گفتمان تمرکز در دوره پهلوی ترکیبی بود از پاتریمونالیسم سنتی به انضمام توسعه و نوسازی به شیوه غربی، ناسیونالیسم ایرانی، سکولاریسم و توسعه از بالا که جایی برای مشارکت و تفویض قدرت در سطح فضای ملی در ساختار اداری-سیاسی در نظر گرفته نمی‌شد. گفتمان ایدئولوژیک محور بعد از انقلاب اسلامی نیز به‌رغم نقد به مدرنیسم مطلقه پهلوی، دارای نوعی تمرکزگرایی دینی و اقتدارگرایی کاریزماتیک بوده است (Shahram Nia, 2006: 458). باید توجه داشت که در طی یکصد سال گذشته همواره موضوع تمرکززدایی و واگذاری اختیارات به حوزه‌های محلی به طرح‌ها و اعلام تعهد کارگزاران به واگذاری اختیارات و توزیع فرصت‌ها، منابع و اختیارات؛ روند به سوی تقویت بیشتر تمرکزگرایی و باقی ماندن برنامه‌های تمرکززدایی در حد شعار بوده است. در عین حال نیز باید به این نکته توجه شود که تمرکززدایی (در هر سطح آن) به خودی خود مقوله‌ای ارزشمند نیست؛ بلکه به عنوان ابزاری و مسیری به سوی تحقق حداکثر کارایی در نظام اداری - اجرایی در دستور کار قرار می‌گیرد.

بطور کلی می‌توان گفت نظام اداری-سیاسی ایران تا پیش از اسلام تا سال ۱۳۰۰ شمسی از حیث فضایی نامتمرکز اداره می‌شد. به بیان دیگر اگر حکومت مدرن شامل انحصار کاربرد قدرت مشروع در درون سرزمین قلمداد گردد، در آن صورت ایران در سده نوزدهم دارای حکومت مدرن نبود، چراکه کنترل متمرکز بر ساختار اداری و امنیتی شکل نگرفته بود (Bashirieh, 1999: 61). مدیریت سیاسی فضای ملی در ایران در قالب نظام متمرکز بسیط از دوره روی کار آمدن پهلوی به بعد تحقق یافته (Ahmadi, 2010: 214) و قبل از آن ملاکین و ایلخانان، فرمانروایان محلی قلمرو خود به شمار می‌رفتند و در راه حفظ آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌کردند (Stampel, 1998: 203). بر این مبنا در سده معاصر به‌رغم جابجایی حکومت‌ها و دولت‌ها در جغرافیای سیاسی ایران، لیکن توزیع فضایی و ساختاری قدرت سیاسی دچار تحول جدی نگردید و مشابهت‌های زیادی در ارتباط با فرآیندهای سیاست‌گذاری و نظام سیاسی اداری-اجرایی مشاهده می‌گردد. این در حالی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بیانات و دستورهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) به مقوله اختیارات محلی و تمرکززدایی تأکیدهای فراوانی شده است. و همچنین در دو دهه گذشته، واگذاری اختیارات از حکومت مرکزی به نهادهای محلی از ویژگی‌های بهبود حکمرانی خوب محسوب می‌شود (Mosallanejad, 2014: 23).

توزیع فضایی قدرت سیاسی - اجرایی در کشورها از الگوهای متفاوتی دارد که هرکدام از آنها نقاط ضعف و قوتی دارند و با استفاده مناسب از ظرفیت‌های هرکدام می‌توان در پیشرفت و توسعه کشورها کندی و یا تسریع بخشید. نظام حکومتی بسیط که در بسیاری از کشورها رواج دارد توانسته در زمان‌های خاص خدمات زیادی به حکومت‌ها نماید و سبب یکپارچه‌سازی سرزمینی گردد، خصوصاً در زمان‌های بحرانی و ابتدای حکمرانی‌های جدیدالتأسیس و یا حکومت‌های بعد از انقلاب‌های داخلی که خطر تجزیه آن‌ها را تهدید می‌کرده است؛ همچنین توانسته گاهی همبستگی ملی را تقویت نماید؛ از طرفی این نوع نظام حکومتی این امکان را به اداره‌کنندگان حکومت مرکزی می‌دهد که طیف متنوعی از میزان تمرکز را با توجه به شرایط و اقتضائات، برای مدیریت سیاسی فضای ملی به‌کارگیرند که می‌تواند به‌شدت متمرکز باشد و از سویی می‌تواند به‌صورت حکومت بسیط غیرمتمرکز عمل نماید که هرکدام از دو سر این طیف ویژگی‌ها و شرایطی دارد.

جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهایی که در تاریخ خود تلاش‌هایی برای خروج از تمرکزگرایی دیده می‌شود می‌بایست به پیشرفت‌های بسیاری دست می‌یافت، اما میراث ساختار اداری اجرایی حکومت پهلوی همچنان در بسیاری از امور خودنمایی می‌کند. صرف‌نظر از این‌که آیا تلاش مشروطیت و مطلوب‌های مشروطه‌خواهان برای کشور ایران مناسب بوده است یا خیر می‌توان گفت که بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نظام متمرکز و ساخت سیاسی بسیط فضای ملی، آسیب‌هایی را برای کشور به دنبال داشته که به‌منظور ارائه یک مدل بهینه و جایگزین می‌بایست به آن‌ها توجه ویژه‌ای داشت و اکنون باگذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و نیاز مبرم کشور به عبور از دشواری‌هایی که جنس متفاوتی دارند به نظر می‌رسد می‌بایست در ساختارهای اداری - اجرایی تغییرات محسوسی ایجاد شود تا بسترهای لازم به‌منظور خودشکوفایی محلی و خلاقیت‌های گوناگون به‌منظور افزایش بهره‌وری در فضای ملی کشور فراهم شود.

سوالات و فرضیات تحقیق

در این پژوهش دو سوال اساسی مطرح شده است که متناظر با آنها نیز دو فرضیه در نظر گرفته‌ایم و بر آنیم در این پژوهش به آنها پاسخ دهیم و درستی یا نادرستی فرضیات را نیز به اثبات برسانیم.

سوالات

۱. آسیب های نظام بسیط متمرکز در جمهوری اسلامی ایران کدام اند؟
۲. کدام آسیب ها بیشترین آثار نامطلوب را داشته و می بایست در اولویت اصلاح قرار گیرند؟

فرضیات

به نظر می رسد کم توجهی به اقتضائات ویژگی های محلی؛ مغفول ماندن ظرفیت های قانونی و قانون گذاری، ناکارآمدی نظام اداری-اجرای، بی عدالتی فضایی و توسعه نامتوازن، مشارکت ناقص مردم در اداره امور محلی، عدم تفکیک فرآیندی فعالیت ها و مسئولیت ها، عدم مسئولیت پذیری، حس تعلق و پاسخگویی مسئولین محلی، تجمع فشارها بر دولت، عدم توسعه حزب گرایی، تداوم فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و متملق گو، اصلی ترین آسیب هایی هستند که نظام متمرکز ایجاد نموده است.

به نظر می رسد کم توجهی به اقتضائات ویژگی های محلی؛ مغفول ماندن ظرفیت های قانونی و قانون گذاری بیشترین آسیب را در نظام متمرکز ایجاد نموده است.

روش و اعتبار پژوهش

این پژوهش به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی است. گردآوری اطلاعات به دو روش مطالعات کتابخانه ای و مطالعات میدانی صورت پذیرفته و با توجه به روش میدانی و ابزار پرسشنامه از روش های آماری توصیفی و استنباطی بر حسب نیاز استفاده نیز استفاده شده است. در این تحقیق که برای انتخاب نمونه ها از روش خوشه ای و گلوله برفی استفاده شده است. با توجه به اینکه حجم جامعه نمونه نخبگانی این پژوهش به صورت دقیق مشخص نبود می بایست از روش های تعیین حجم نمونه با جامعه آماری نامحدود استفاده می شد. و چون پرسشنامه با طیف لیکرت ۵ درجه ای تهیه شد، بزرگ ترین مقدار ۵ و کوچک ترین مقدار ۱ بود بنابراین انحراف معیار آن برابر بود و در فرمول کوکران باید مقدار ۰/۶۶ استفاده کرد. این مقدار بیشینه انحراف معیار است که بالاترین ضریب اطمینان در سطح اطمینان ۹۵٪ و دقت برآورد ۰/۰۱ در نظر گرفته شده است بنابراین حجم نمونه با استفاده از فرمول تعیین حجم نمونه برای جامعه نامحدود ۱۸۵ نفر برآورد گردید.

یک اندازه گیری زمانی دارای قابلیت اعتماد است که در موقعیت های تکراری نتایج یکسان به دست آوریم. اگر پاسخگویان در پاسخ به یک سوال در موقعیت های تکراری به شیوه مشابهی عمل کنند آن

دارای قابلیت اعتماد دارد (De Vaus, 2002:52). بنابراین قبل از توزیع نهایی پرسشنامه‌ها به جهت سنجش پایایی ۳۰ پرسشنامه تهیه و در اختیار افراد قرار گرفت و آلفای کرونباخ آن منطبق با فرمول زیر ۰,۷۶۳ محاسبه گردید و بیشتر از ۰,۷ بوده که قابلیت اعتماد یا پایایی^۱ آن تایید می‌گردد.

$$r_a = \frac{j}{j-1} \left(1 - \frac{\sum S_j^2}{S^2} \right)$$

جدول ۱. محاسبه ضریب آلفای کرونباخ

تعداد سوالات	ضریب آلفای کرونباخ
۴۸	۰,۷۶۳

رابطه بین روایی و پایایی از این قرار است که آزمون باید پایا باشد تا بتواند روا باشد (Momeni & Faal, 2009: 209) و به منظور تایید روایی آن با نظارت و همراهی جمعی از اساتید مرتبط با موضوع در دانشگاه و با مشورت نخبگان اجرایی کشور تهیه و تنظیم گردید و طی فرآیندی شبه دلفی در رفت و برگشت‌های متعدد در نهایت مورد وفاق نخبگان علمی و اجرایی قرار گرفت.

چارچوب نظری تحقیق

نظریه نونهادگرایی

در معرفی و شناخت نهاد، تعریف یکسان و اجماعی که مورد توافق همه دانشمندان نهادگرا باشد وجود ندارد اما کلیت همه آن‌ها یک مفهوم را به اذهان متبادر می‌کند. به عنوان مثال لین و ناجنت نهاد را چنین تعریف کرده‌اند: «مجموعه قواعد رفتاری ایجاد شده توسط انسان به منظور اداره و شکل دهی به تعامل‌های انسان‌هاست که تاحدی به آن‌ها کمک می‌کند انتظاراتی از کنش دیگران داشته باشند» (Motevaseli, 2010: 34). داگلاس نورث از نهادگرایان برجسته و برنده جایزه نوبل نهاد را اینگونه معرفی می‌کند: «نهادها قواعد بازی در جامعه‌اند، قیودی وضع شده از جانب بشرند که روابط متقابل انسان‌ها بایکدیگر را شکل می‌دهند و موجب نظام‌مند شدن انگیزه‌های نهفته در مبادلات بشر می‌گردند» (North, 1995: 65). نورث هم نوع رسمی یعنی قوانینی که واضح آن‌ها بشر است (مانند قانون اساسی) و هم نوع غیررسمی که مرور زمان شکل می‌گیرند (مانند حقوق عرفی و آداب و رسوم) را به رسمیت می‌شناسد. این

1. Reliability

قیود افراد را در انتخاب‌هایشان محدود می‌کنند و از این رو رفتار انسانها را شکل می‌دهند (Erdmann, 2011: 7).

ظهور نهادگرایی در اواخر قرن نوزدهم، واکنشی به الگوی بازار گرا بود. «تورستن وبلن»^۱ پیشگام نهادگرایی کلاسیک بر این باور بود الگوی بازارگرا بیش از حد صوری و انتزاعی است و با پریدن از واقعیت نهادی که همه عوامل اقتصادی در بستر آن فعالیت می‌کنند، مشکلات نظام بازار آزاد را نادیده می‌گیرد (Veblen, 1914: 45)، از اواسط دهه ۱۹۷۰، شاخه متاخر الگوی نهادگرا با نام نهادگرایی مطرح شده (علیرغم تاکید هر دو شاخه کلاسیک و جدید نهادگرایی بر محیط نهادی رسمی قوانین و مقررات و غیر رسمی ارزش‌ها و هنجارها)، نونهادگرایان به جای عقلانیت کامل بر عقلانیت محدود فعالان اقتصادی و منفعت طلبی آنها تاکید دارند انتقاد اصلی این الگو به بازارگرایان این است که در شرایط عادی، اطلاعات ناقص است، از قدرت بازار سوء استفاده می‌شود، انحصارات طبیعی در آن وجود دارد و مایحتاج عمومی را در حد نیاز تولید نمی‌کند (Chang & Midry, 2014: 35). این بدان معناست که نهادهای دولتی می‌توانند ضعف‌های بازار را جبران کنند.

نونهادگرایان در سیاستگذاری نظام اداری در پی ایجاد ساختارهای حقوقی و اقتصادی خاصی نیستند بلکه معتقدند نهادها باید طوری اصلاح شوند که موانع توسعه برطرف شود. آنها برای رسیدن به این مهم، سه رهیافت اساسی را توصیه می‌کنند:

۱- تکمیل نهادهای موجود؛

۲- نوآوری در ایجاد نهادهای کارآمد در نظام اداری

۳- ایجاد ارتباط میان نظام اداری جوامع مختلف از طریق گسترش جریان تجارت و اطلاعات (Ramezani Basri & Mirfardi, 2014: 132).

از منظر نونهادگرایان در تحلیل نظام اداری ناکارآمد کشورهای در حال توسعه، باید به ساختارهای انگیزشی توجه کرد که طوری تنظیم شده‌اند که باعث می‌شود مدیران اغلب فرصت‌هایی را تشویق کنند که مشوق توزیع درآمدند تا تولید بیشتر، آنها گسترش دهنده فعالیت‌های توزیعی یا بازتوزیعی‌اند تا تولیدی. همچنین، سازمان‌های حکومتی کشورهای در حال توسعه بیش از آنکه مشوق رقابت باشند توسعه‌دهنده انحصار هستند، و بیش از آنکه خالق فرصت‌ها باشند، فرصت‌ها را محدود می‌کنند (Ramezani Basri & Mirfardi, 2014: 132).

1. Thorstein Veblen

(Mirfardi, 2014: 133). این ساختارهای انگیزشی در نظام اداری در افزایش سود گروهی از فرادستان بسیار کارآمد هستند اما در تسهیل توسعه ملی، بسیار ناکارآمد عمل می‌کند و منجر به آسیب‌های فراوانی در ساخت سیاسی و ناکارآمدی نظام اداری اجرایی نیز خواهند شد.

نکته مشترک هر سه شیوه فوق در اصلاح نظام اداری آن است که انجام آنها زمان بر و همراه با حدی از آزمون و خطاست. چه در رهیافت تکمیل نهادهای موجود که با نگاهی آسیب شناسانه نظام اداری را تعدیل و اصلاح می‌کند و چه در رهیافت نوآوری که با استفاده از تجربه دیگر کشورها و دانش بومی نهادهای جدید تأسیس می‌کند و چه در رهیافت ارتباط نظام‌های اداری با یکدیگر که با افزایش سطح همکاری نهادها، نظام اداری با هدف سازگاری بیشتر با آن تحولات محیطی اصلاح می‌شود. اگر این را بپذیریم که همه توانایی‌های دولت به نظام اداری کارآمد بستگی دارد، می‌توانیم بگوییم اصلاح نظام اداری با هدف کارآمدسازی آن، راهبرد اصلی هر طرح اصلاحی در پیشبرد توسعه ملی است. این برنامه اصلاحی اغلب با هدف بهبود وضعیت و کیفیت حکمرانی و عملکرد نظام اداری صورت می‌گیرد. لذا شاخص‌های مورد بحث هم معیاری برای ارزیابی و آسیب‌شناسی وضعیت موجود نظام اداری و کیفیت نهادی آن و هم زمینه‌ساز طراحی و اجرای برنامه‌های اصلاح نهادی‌اند، اگر چه نهادها طی یک فرایند تدریجی رسوب می‌کنند، به سختی تغییر می‌کنند.

انواع حکومت از حیث تمرکز

آنچه در حقیقت به طور مستقیم نحوه اداره امور عمومی و اجرایی محلی و قوانین حاکم بر آن را متأثر می‌کند، نظام سیاسی است. نظام سیاسی متأثر از تاریخ و فرهنگ سیاسی است (Hafeznia & Kaviani, 2004: 33) و از نظر ساختار و سیستم توزیع قدرت به نظام‌های سیاسی تک ساخت بسیط، فدرال و ناحیه‌ای تقسیم می‌شود (Glassner & Fahrer, 2004: 112). هر یک از آنها میزان اختیارات، قدرت و وظایف دولت‌های محلی و میزان نحوه تعامل با آنها را مشخص می‌کند که در قوانین محلی و ملی نمود پیدا می‌کند.

فاینر نیز نظام سیاسی تک ساخت را سیستمی می‌داند که در آن همه اختیارات و اقتدار در قانونی واحد قرار داشته و قدرت و همچنین کارگزاران آن به صورت قانونی در سرار کشور حضور دارند (Finer, 1971: 244). در حال حاضر بیش از ۱۵۰ کشور دارای حکومت بسیط وجود دارد (Glassner, 1993: 101) حکومت‌های بسیط از حیث میزان تمرکز به دو گروه زیر تقسیم می‌شوند:

حکومت بسیط متمرکز

تمرکز، نظام و شیوه‌ای است که در آن تصمیمات در زمینه کلیه امور عمومی (ملی و محلی) توسط مرکزیت سیاسی و اداری واحدی که معمولاً در پایتخت قرار دارد اتخاذ و در زمان مناسب آن به اجرا گذاشته می‌شود. در این حالت قدرت و اختیار اراده و اجرای امور نیز کلاً در سازمان‌های مرکزی تجمع یافته (Taheri, 2006: 70). در تعریفی دیگر آمده: «سیستم‌هایی که به دنبال تصمیم‌گیری و اداره امور ملی و امور محلی از یک مرکز و یا از یک نقطه قانونی به شکل یکسان می‌باشند نظام‌های متمرکزند» (Hafeznia & Kaviani Rad, 2004: 33). نظام‌های متمرکز هدایت توسعه و امنیت را از مرکز کشور در دستور کار خود داشته و بر اساس معیارهای چند سطحی و مبتنی بر تهدیدات و فرصت‌های واحد ملی پدیدار می‌شوند (Ghalibaf, 2012: 140) و کنترل امور را در دست می‌گیرند و حتی ممکن است در برخی موارد مدیریت محلی را نیز برعهده بگیرند (Mir Haidar et al., 2013: 148) تا بتوانند تسلط کامل در همه سطوح را حفظ نمایند، زیرا اکثر طرفداران این نوع حکومت معتقدند تمرکز می‌تواند توسعه متوازن را ایجاد نماید.

بسیط غیرتمرکز

عدم تمرکز نظامی است برعکس سیستم متمرکز، در این نظام امور ملی توسط سازمان‌های مرکز و امور محلی توسط سازمان‌های محلی که در نقاط مختلف خارج از حوزه فعالیت سازمان مرکزی استقرار دارند انجام می‌شود (Taheri, 2006: 73). قالیباف معتقد است عدم تمرکز عبارت است از انتقال یا واگذاری قدرت و اختیارات برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری یا مدیریت از دولت مرکزی به کارگزارهای وابسته آن به سازمان‌های میدانی، واحدهای تابعه دولت، شرکت‌های عمومی نیمه‌مستقل، مقامات محلی، مقامات اجرایی یا سازمان‌های غیردولتی و مردمی (Ghalibaf, 2012: 143). سازمان‌های محلی در سطوح مختلف عموماً در حدود اختیارات مشخص شده خود می‌توانند قوانین و مقرراتی وضع نمایند (Veisi, 2013: 9). هدف غایی در عدم تمرکز حل و رفع مشکلات محلی و تأمین خواسته‌ها و نیازهای اهالی محل در فرصت کمتر با سرعت بیشتر است. که انتقال (یا در حالت تضعیف شده آن تفویض اختیارات) در زمینه‌های برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری مستقل و یا مدیریت از سوی مقامات دولت مرکزی به مقامات محلی است (Rondinelli, 1981: 2).

حکمروایی (گاورننس)

بر اساس تعریف برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱ در سال ۲۰۰۸ گاورننس عبارت است از: فرآیندهایی که برای تصمیمات و خط‌مشی‌های عمومی در نظر گرفته می‌شود و اجرا می‌گردد که نتیجه تعامل و روابط بین بخش‌های مختلف (حکومت، بخش عمومی، بخش خصوصی و جامعه مدنی) است و آنان در طی مذاکره، توافق روابط نیروها و قدرت‌های مختلف تعیین می‌کنند که این تصمیمات به وسیله چه کسی، چه چیزی، در چه زمانی و چگونه اجرا شوند. در مجموع نیز می‌توان گفت گاورننس فصل مشترک نهادها و توسعه پایدار است و در این عرصه است که نهادها می‌توانند به معنای واقعی بر توسعه پایدار تأثیرگذار باشند (Ghalibaf, 2014: 32).

امور حاکمیتی

امور حاکمیتی اموری است که مربوط به تمام کشور و تمام افراد مملکت است و کلیه استان‌ها، شهرستان‌ها، شهرها و روستاها و اصولاً مردم نسبت به آن تقریباً به یک اندازه علاقه‌مند می‌باشند. دفاع و امنیت و پول و امور خارجه و.. امور ملی هستند (Veisi, 2013: 13). امور حاکمیتی اموری است که تحقق آن موجب اقتدار حاکمیت کشور است و منافع آن، بدون محدودیت شامل همه اقشار جامعه می‌شود. برخی از این امور عبارت‌اند از سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ قانون‌گذاری ملی؛ استقرار نظم؛ حفاظت از تمامیت ارضی کشور و... (Ghalibaf, 2012: 14). اما در ساخت‌های سیاسی بسیط تک ساخت متمرکز اکثر امور چه محلی و چه ملی به نوعی حاکمیتی تلقی یا تفسیر شده و در ید و اختیار حکومت مرکزی قرار می‌گیرد از تصویب یک طرح محلی تا ساخت یک پل عبوری در یک شهر کوچک همگی در این نظام باید در مرکز تصمیم‌گیری و توزیع منابع انجام شود.

امور محلی

امور محلی اموری است که به‌طور مستقیم به سرنوشت و منافع مردم محلی مربوط می‌شود و حوزه نفوذ کارکردی آن‌ها از حریم و محدوده زیستگاه واحد جغرافیایی فراتر نمی‌رود نظیر مدارس، حمل و نقل شهری، آتش‌نشانی و بهداشت محلی (Hafeznia & Kaviani Rad, 2004: 43).

1. UNDP (United Nation Development Program)

یافته‌های پژوهش

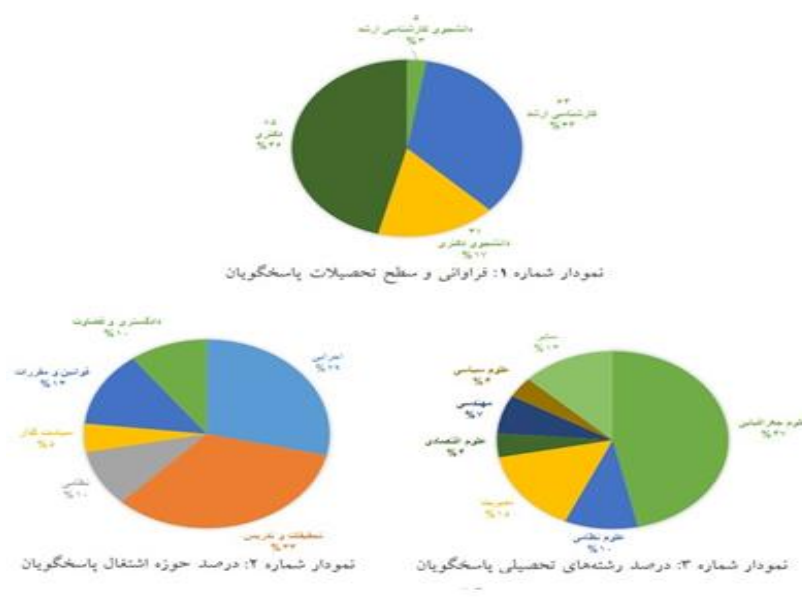
آمار توصیفی پژوهش

پرسشنامه به صورت الکترونیک تهیه شد و برای بیش از ۷۰۰ نفر از مخاطبینی که شرایط علمی یا اجرایی داشتند به وسیله ایمیل و شبکه‌های اجتماعی برای ایشان ارسال شد و با به حد نصاب رسیدن افراد فرآیند تحلیل داده‌ها آغاز شد، بنابراین ۱۸۵ نفر پرسشنامه تهیه شده را تکمیل کردند.

جدول ۲. گروه‌های سنی و جنسی جامعه آماری تحقیق

		گروه‌های سنی					جمع
		کمتر از ۳۰	۳۰ تا ۴۰	۴۰ تا ۵۰	۵۰ تا ۶۰	+ ۶۰	
جنسیت	مرد	۱۶	۶۳	۲۹	۲۴	۱	۱۳۳
	زن	۵	۱۹	۲۸	۰	۰	۵۲
جمع		۲۱	۸۲	۵۷	۲۴	۱	۱۸۵

بر اساس نتایج بالا در جدول شماره یک ۷۲ درصد پاسخگویان مرد و ۲۸ درصد را نیز زنان تشکیل داده‌اند. همچنین درصد رشته تحصیلی، درصد حوزه اشتغال، فراوانی و درصد مقطع تحصیلات پاسخگویان نیز در نمودارهای زیر ذکر شده است.



یافته‌های تحلیلی پژوهش

مشارکت ناقص مردم در اداره امور محلی

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بیش از ۷۸ درصد پاسخگویان این پژوهش معتقد بوده‌اند که مردم می‌توانند در اداره امور محلی خود نقش بیشتر و بهتری را ایفا نمایند و در حال حاضر مشارکتی ناقص دارند. همچنین ۷۰ درصد مخاطبین این پژوهش بر این باور بودند که صرف مشارکت در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا برای مشارکت مردم در اداره امور محلی کافی نیست و ۸۵ درصد نیز معتقد بودند عدم مشارکت واقعی و ملموس مردم در اداره امور سبب افزایش بی‌تفاوتی‌ها و کاهش حس تعلق را در پی خواهد داشت.

بنابراین، آسیب «مشارکت غیرفعال مردم در اداره امور محلی» در همه گروه‌های نمونه تحقیق آسیب جدی و مؤثری نمایان شد. بنابر محاسبات آزمون آماری می‌توان نتیجه گرفت مشارکت غیرفعال مردم در اداره امور محلی به‌عنوان یک آسیب جدی مورد تأیید است. ($T=23, df=107, sig<0/05$)

جدول ۳. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای آسیب مشارکت غیرفعال مردم در اداره امور محلی

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین
مشارکت ناقص مردم در اداره امور محلی	۲۳	۱۰۷	۰,۰۵	۳

مشارکت مردم در ایران مشارکت فعال و نظام‌یافته‌ای در سطوح و ابعاد گوناگون نیست و به انتخابات مختلف و بعضاً مشارکت‌های سیاسی به‌منظور حضور در راهپیمایی‌ها و یا مشارکت‌های فردی و گروهی محدود در مسائل منتهی می‌گردد. حال اینکه منطبق با مبانی اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌بایست مردم در همه امور خود مشارکت‌کننده باشند و حکومت مرکزی تصمیم‌گیرنده و مردم اجرا کننده صرف اوامر و آیین‌نامه‌ها نباشند. تحقیقات نشان می‌دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت مستقیم و بدون مشارکت مردم می‌کند، آسیب‌های بزرگ و جبران‌ناپذیری به همراه خواهد داشت، نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته خواهد ماند و با نادیده گرفتن حضور مردم محلی توان و امکانات آن‌ها نیز از دست می‌دهد.

مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها عموماً می‌بایست از پایین به بالا باشد. مردم باید عملاً با پروژه‌ها و فعالیت‌هایی که قرار است در محل خود صورت پذیرد به صورت ملموسی ارتباط داشته باشند و خود را

در انجام آن شریک و مطلع بدانند. همکاری در اجرای طرح‌ها و همچنین تفویض قدرت تصمیم‌گیری در سطوح محلی و انتخاب مدیران محلی به‌عنوان نمایندگان مردمی در جهت تحقق مشارکت و یا حداقل بخشی از زمینه‌های مشارکت از اهمیت زیادی برخوردار است. در نظام‌های متمرکز از جمله ایران، سهمی از تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری واگذار نمی‌شود. مردم حق اظهارنظر و مخالفت دارند، اما نمی‌توانند بر اجرای نظراتشان نظارت داشته باشند و اعمال خواسته‌های خود را پیگیری نمایند، چون نمایندگان حکومت مرکزی بر برنامه‌ریزی‌ها و اجرای امور نظارت می‌کنند و مشارکت ابزاری برای بهبود کیفیت طرح‌ها قلمداد می‌شود نه اینکه بخشی از انجام یک پروژه.

- آسیب‌های پنهان ناشی از عدم مشارکت واقعی مردم در اداره امور محلی در نظام متمرکز
- کاهش حس تعلق به محل زندگی و افزایش بی‌تفاوتی‌های اجتماعی - سیاسی
- افزایش سرخوردگی مردم از اینکه نمی‌توانند در اداره امور محلی خود مشارکت‌کننده باشند
- کاهش اثربخشی طرح‌های توسعه‌ای دولت مرکزی
- افزایش نارضایتی درونی مردم
- افزایش هزینه‌های اجرای طرح‌ها و پروژه‌ها گاهی تا چندین برابر میزان پیش‌بینی شده
- ایجاد نقصان بی‌تجربه‌گی مردم جهت مشارکت در اداره امور
- کم‌توجهی به اقتضائات ویژگی‌های محلی

با توجه به اینکه سرزمین پهناور ایران از شمال تا جنوب و از غرب تا شرق عرصه‌های متنوعی از بارش، دما، ارتفاعات و حوزه‌های توپوگرافی، قابلیت اراضی و... را پیش رو می‌گذارد؛ در چنین زمینه‌ای توجه به اقتضائات محلی برای شناخت بهتر این نواحی، آشنا شدن با نیازمندی‌های آن‌ها و برنامه‌ریزی بر اساس همین نیازها، ضرورتی اساسی پیدا می‌کند (Ghalibaf & Karami, 2011: 137). منطبق با نتایج تحقیق، ۸۳ درصد جامعه آماری پژوهش معتقد بودند در ایران برای برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای و محلی به اقتضائات محلی توجه نمی‌شود. عمدتاً در نظام‌های متمرکز از جمله ایران اکثر تصمیمات و برنامه‌ریزی‌ها در مرکز انجام می‌شود و جهت پیاده‌سازی و اجرا به سایر نواحی زیرمجموعه ابلاغ می‌گردد. این شیوه برنامه‌ریزی در ایران سال‌های زیادی است که مبنای برنامه‌ریزی‌ها در انواع گوناگون آن قرار گرفته و تبدیل به یک عادت کهنه‌شده است. در کمتر اداره، نهاد و یا مجموعه‌ای در سطح استان‌ها می‌توان دید که موضوعات کاری و مسائل آن‌ها در انتظار تعیین تکلیف و ابلاغ آن‌ها توسط مدیران و نهادهای دولت

مرکزی نباشند. حتی نهادی عمومی غیردولتی مثل شهرداری‌ها و دهیاری‌ها نیز که در ظاهر وابسته به دولت مرکزی نیستند نیز از این موضوع مستثنا نیستند. آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و برنامه‌ریزی‌ها حتی در موضوعات بسیار خرد توسط سازمان‌ها و ادارات کل در پایتخت ابلغ می‌شوند و مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها و واحدهای تابعه یا وابسته در سطح کشور باید منطبق بر آن عمل نمایند.

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد بیش از ۵۵ درصد جامعه آماری پژوهش معتقدند که در نظام متمرکز بسیار کم شرایط و اقتضائات محلی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته می‌شود و موضوع وقتی بغرنج‌تر می‌شود که نظام متمرکز در کشوری نسج یافته باشد که شرایط گوناگون محیطی طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و روابط فضایی حاکم در فضای جغرافیایی پیچیده‌ای داشته باشد و همچنین اگر همانند ایران در جرگه کشورهای بزرگ مساحت نیز قرار گرفته باشد و از نظر جغرافیای طبیعی گسیختگی داشته باشد قطعاً تفاوت‌های منطقه‌ای و محلی را در نظر گرفتن بسیار دشوارتر خواهد بود، بنابراین ابلغ رویه‌های کاری یکسان و در نظر نگرفتن اقتضائات محلی اثربخشی و بهره‌وری را در اینگونه نظام‌ها به شدت کاهش می‌دهد. طبق تحلیل‌های آماری تحقیق، کم‌توجهی به اقتضائات محلی در همه گروه‌های نمونه تحقیق به‌عنوان یک آسیب مورد تأیید قرار گرفت. ($T=33, df=107, sig<0/05$)

جدول ۴. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای آسیب کم‌توجهی به اقتضائات محلی

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین
کم‌توجهی به اقتضائات محلی	۳۳,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۵,۰۰

آسیب‌های درونی ناشی از کم‌توجهی به اقتضائات ویژگی‌های محلی

- توسعه نامتوازن مناطق با ارائه برنامه‌ها و طرح‌های یکسان برای همه نواحی
- کم‌اثر شدن برنامه‌ریزی‌ها، طرح‌ها و برنامه‌ها و پروژه‌های تهیه‌شده در سطوح ملی و محلی به جهت نقصان عدم وجود عوامل و عناصر تأثیرگذار محلی در روند اجرا و پیاده‌سازی
- کاهش پاسخگویی نهادهای حاکمیتی و مسئولین محلی به مردم در مقابل کاستی‌ها به جهت ابلاغی بودن و در نظر نگرفتن شرایط و اقتضائات محلی در برنامه‌ها می‌باشد که حتی بعضاً بهانه‌ای برای کاستی‌ها نیز قرار گیرد.

- کاهش بهره‌وری و انگیزه‌های سرمایه‌های انسانی در اثر نادیده انگاشتن اقتضائات محلی آنها
- ایجاد فاصله زیاد بین برنامه‌ریزی و اجرا از نظر فضایی، مفهومی، فکری و جغرافیایی به جهت نداشتن برش‌های ناحیه‌ای و محلی و اتلاف منابع مادی
- تقویت بوروکراسی‌های اداری به منظور ابلاغ، تفسیر و تحلیل برنامه‌ها و اخذ اطلاعات متعدد و
- افزایش موازی کاری به جهت اینکه برخی نواحی با توجه به مناسب نبودن برنامه‌های ابلاغی بعضاً سعی در ایجاد یک برنامه‌ریزی مستقل در سطح ناحیه‌ای و محلی دارند و به علت نبود بسترهای قانونی و حمایتی عموماً نیز مقطعی و محکوم به شکست هستند. به عنوان مثال: تلاش شهرداری مشهد برای ایجاد ساختار تشکیلاتی متفاوت با نظامات موجود و عقیم ماندن آن با تغییر مدیران وزارت کشور و عدم حمایت مدیران بعدی)
- ایجاد ابهامات زیاد در عملکرد نواحی گوناگون با توجه به ارائه الگوی یکسان و از طرفی ارزیابی عملکرد بر مبنای آن (در ارزیابی عملکرد نواحی مختلف در صورتی که شرایط آن احصاء و ارزیابی‌ها با توجه به شرایط محلی نباشد سبب ابهامات گوناگونی می‌گردد).

بی‌عدالتی فضایی و توسعه نامتوازن (تئوری مرکز پیرامون)

به طور کلی می‌توان گفت که عدالت ناحیه‌ای مرتبط با رفتار عادلانه و مشارکت معنادار همه افراد بدون توجه به نژاد، رنگ، ریشه یا درآمد با توجه به توسعه، اجرای قوانین و مقررات و سیاست‌های محیطی است. در جهان امروزی، بسیاری از کشورها با مشکل نابرابری‌های ناحیه‌ای و محلی مواجه‌اند، اما این موضوع، در کشورهای در حال توسعه و متمرکز مشکلی عظیم‌تر است. در ایران نیز مانند سایر کشورهای در حال توسعه با سیستم نظام متمرکز یکی از مشخصه‌های بارز در توسعه فضایی کشور، وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای و فضایی است.

به علت توجه و تمرکز مقطعی، توسعه در شهرستان‌های یک استان ممکن است در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، خدمات و... با یکدیگر متجانس نباشد و بخش‌های مختلف نتوانند یکدیگر را در مراودات فی‌مابین حمایت نمایند و عدم تعادل‌های فضایی رخ خواهد داد. بررسی و شناخت وضعیت شهرها و روستاها، قابلیت‌ها و تنگناها در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای از اهمیت بسزایی برخوردار است و

صرفاً تهیه یک طرح ملی در این خصوص کفایت نمی‌کند. برنامه‌ها و طرح‌ها باید فرآیند مشارکت مردمی را از نواحی و محلات طی نمایند و در حقیقت نیاز نیست در مورد همه مسائل و موضوعات محلی، مدیران پایتخت در مرکز مشق انشاء نمایند. فاصله زمانی، مکانی، عدم درک درست و منطبق با واقعیت‌های فضایی و تفاوت‌های عمده در نوع و زاویه نگاه‌های کیفی و کمی در موضوعات همگی سبب تأخیر و تغییرات زیاد در طرح‌های محلی و در نهایت منجر به افزایش بی‌عدالتی فضایی می‌شود.

تمرکز نامعقول و نامناسب در عرصه‌های زیستی توسعه اقتصادی-اجتماعی نابرابری نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت. موضوعی که بازتاب آن را در چشم‌انداز جغرافیایی شهرها و رشد ناهمگون آن‌ها نیز می‌توان یافت (Farid, 1996: 433). این تفاوت‌ها و نابرابری‌های بعضاً آشکار و ملموس، تهدیدی جدی برای رسیدن به وحدت و یکپارچگی ملی و همچنین دور شدن از اهداف غایی انقلاب اسلامی را به دنبال خواهد داشت.

یکی از عوامل مؤثر در شدت گرفتن بی‌عدالتی فضایی در ایران نظام بودجه ریزی و مکانیزم‌های غیرشفاف آن برای توزیع منابع در سطح کشور بوده است. شاید اگر فقط همین یک آسیب در نظام متمرکز به خوبی مدیریت و برنامه‌ریزی شده بوده با رشد و توسعه یکنواخت‌تری کشور مسیر پیشرفت را طی می‌نمود. نظام بودجه‌ریزی در کشور آسیب‌های فراوانی دارد که ریشه آن‌ها عمدتاً به تمرکز بیش از حد نظام بودجه ریزی مرتبط‌اند. از جمله آن‌ها بودجه‌ریزی بر مبنای چانه‌زنی، لابی‌های خارج از برنامه‌های مصوب در مورد اختصاص بودجه، بررسی ناقص سند بودجه کشور در مجلس شورای اسلامی، حمایت‌های دولت‌ها از گروه‌های مورد علاقه خود، تحمیل هزینه‌های خارج از برنامه، منوط کردن تصویب بودجه به تصویب برخی ردیف‌های خاص بودجه توسط برخی مراجع تصویب‌کننده بودجه، تبدیل شدن ردیف‌های حمایتی به ردیف‌های ریشه‌دار و ثابت در بودجه، نظام بودجه ریزی بدون برش‌های ناحیه‌ای و محلی، وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی و منابع زیرزمینی و تقویت دولت رانتیر و نظام برنامه و بودجه متمرکز تمامیت‌خواه؛ از مهم‌ترین دلایل عدم کارایی و بی‌عدالتی در توزیع منابع در ایران می‌باشد. البته وابستگی به منابع نفتی در بودجه سالیان اخیر به ظاهر کاهش یافته زیرا عمدتاً به علت عدم تحقق درآمدهای پیش‌بینی شده، سهم واقعی نفت هر ساله از آنچه پیش‌بینی می‌گردد بسیار بیشتر می‌شود و همچنان تأثیرات دولت‌های رانتیر در اقتصاد و فضای ملی مشهود است.

بررسی‌های آماری انجام شده «بی‌عدالتی فضایی و توسعه نامتوازن» در همه گروه‌های نمونه تحقیق به‌عنوان یک آسیب مورد تایید قرار گرفت. معیار ثابت اندازه‌گیری جدول استاندارد برای این شاخص ۱۵ محاسبه شد و این آسیب که با آزمون آماری t تک نمونه‌ای محاسبه شد تفاوتی ۴ درجه‌ای با میانگین داشت و با احتمال ۹۵ درصد "کم‌توجهی به اقتضائات محلی" نیز به‌عنوان یک آسیب مورد تایید قرار می‌گیرد. ($T=23$, $df=107$, $sig</0/05$).

جدول ۵. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای آسیب نظام متمرکز تخصیص منابع، عامل بی‌عدالتی فضایی

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین
بی‌عدالتی فضایی و توسعه نامتوازن	۲۳	۱۰۷	۰,۰۵	۴,۰۸

بنابراین مشخص گردیده تمرکز در ذات خود به یک سری نقاط و مکان‌ها توجه دارد و توجه بیش از حد به ناحیه‌ای لاجرم بی‌توجهی به برخی نواحی را پی خواهد داشت و این کم‌توجهی منجر به بی‌عدالتی فضایی و توسعه نامتوازن می‌گردد که نابرابری و ابعاد مختلف آن نشانه‌های مشخصی از توسعه‌نیافتگی شمرده می‌شود (Azkia & Ghaffari, 2016: 184).

ناکارآمدی نظام اداری-اجرایی

نظام اداری-اجرایی مطلوب و کارآمد، می‌تواند تسهیل‌کننده و زمینه‌ساز تحقق هدف‌های برنامه‌های توسعه قرار گیرد و نظام اداری-اجرایی نامناسب اجازه حرکت مناسب به سمت توسعه پایدار را نخواهد داد. نظام اداری-اجرایی برای جامعه مانند ریل برای قطار است؛ جامعه نیز بدون داشتن نظام اداری-اجرایی مناسب و سالم، نمی‌تواند در راه تأمین نیازها و دستیابی به هدف‌های برنامه‌ریزی‌شده که همان توسعه پایدار است، گام بر دارد. با اجرای یک برنامه توسعه و دست‌نیافتن به هدف‌های آن، برای کشف علل شکست، تنها نباید به دنبال نقص‌ها، ضعف‌ها و خطاهای موجود در برنامه رفت و حل مشکل تحقق نیافتن هدف‌های برنامه را در خود آن جستجو کرده بلکه باید ساختارها و نظام اداری-اجرایی برنامه توسعه نیز به‌عنوان بستر اجرایی شدن طرح‌های توسعه‌ای به‌صورت مجزا برای هر ناحیه جغرافیای مطالعه و بررسی شود. به دلیل ناهمگونی و ناکارآمدی نظام اداری-اجرایی حاکم بر ساخت سیاسی فضای کشور با اهداف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام اداری-اجرایی امروز به‌صورت سد بزرگی در راه

رسیدن به هدف‌های انقلاب اسلامی و مردم‌سالاری دینی در آمده است؛ به‌طوری که گاهی آنچه روی می‌دهد، در تضاد با خواست برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران نیز می‌باشد.

جدول ۶. رویکردهای چهارگانه در نظام اداری-اجرایی کشور

رویکردهای نظام اداری اجرایی	قانونی-اجرایی	بازار مدار-نوآور	مشارکت نهادی	مشارکت پسامدرن
اهداف نظام اداری-اجرایی:	تاکید شدید بر قوانین و مقررات	عدم شکایت از عملکرد سازمان	ایجاد مشارکت بهینه شهروندان در اجزاء	گفتمان آزادی هدف‌ها و استراتژی‌های جامعه
نوع نگرش به شهروندان:	ارباب رجوع منفعل گیرنده خدمت	مشتری دریافت‌کننده فعال خدمات	شهروند (شریک دریافت خدمات)	شهروند ارائه‌کننده و دریافت‌کننده خدمت
روش تأمین منافع عمومی:	قوانین و فرایندها در بوروکراسی	تأمین رضایت مشتری	مشارکت فعال شهروند	گفتمان‌های چندجانبه
نقش و جایگاه مدیران:	تکنوکرات	کارآفرین	میانجی وساطت‌کننده	تسهیل‌گر ناظر

منبع: Bryer, 2004: 13

به‌طور خلاصه می‌توان گفت اولین رویکردی که تحت عنوان رویکرد قانونی-اداری نامیده می‌شود، به افراد به‌عنوان دریافت‌کنندگان منفعل خدمات دولتی نگاه می‌کند. مشخصه رویکرد بازار-مدار-نوآور این است که به افراد به چشم مشتری یا دریافت‌کنندگان فعال خدمات دولتی نگریسته می‌شود، مشارکت نهادی معتقد است که افراد شهروندانی هستند که بایستی مستقیماً در اداره امور محلی خود مشارکت داده شوند و به تدوین خط‌مشی‌هایی بپردازند که منطبق با فرایندهای ایجاد شده توسط نظام بوروکراسی است. با توجه به رویکردهای تصویب شده در قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران رویکرد نهادی مبنای توسعه و پیشرفت کشور باید قرار گیرد زیرا که با نظام‌های اداری-اجرایی کشورهای غربی از نظر مبنای ارزش‌ها متفاوت هستیم.

همانگونه که اشاره شد در حال حاضر نظام اداری اجرایی ایران مبتنی بر رویکردهای قانونی و اجرایی است و سبب نارضایتی‌های گسترده مردم نیز هست و بنابراین نظام اداری اجرایی ایران لاجرم می‌بایست با رویکردی جدید متحول گردد؛ شیوه اجرای برنامه تحول و پیامد حاصل از آن نیز بسیار مهم است. حال

سوال این است که نقطه حرکت مذکور و یا ملاک اجرای برنامه تحول چگونه و از طریق کدام نهاد است؟ آیا دستگاه‌های اجرایی واجد اختیار کامل می‌باشند و یا اینکه باید در مرکز برای آن مجدداً تصمیم‌گیری شود؟ در حاضر، نظام متمرکز مسلط بر اداره امور کشور است و در صورت برنامه‌ریزی به‌منظور تحول نمی‌توان از آن انتظار داشت خود را از نگاهی دیگر بنگرد؛ بنابراین، این موضوع که یک سیستم متمرکز با رویکرد کاملاً «قانونی-اجرایی» می‌تواند برنامه تحول خود را برای نیل به اهداف عالی تحول به سوی نظامی با «رویکرد مشارکت نهادی» تنظیم نماید و به آن دست پیدا کند سوال و مانعی بزرگ جهت رسیدن به اهداف برنامه‌های تحول خواهد شد. مانند فردی که دچار اعتیاد است برای خود برنامه‌ریزی نماید که ترک کند و خود نیز کنترل‌کننده برنامه‌ریزی باشد. سال‌ها است که برنامه‌های تحول در دولت مصوب و ابلاغ گشته‌اند، اما نه تنها بهبودی در ساختارها و فرآیندها رخ نداده بلکه بیش از پیش نیز بر پیچیده‌گی‌ها، در نظام تمرکزگرا و سلسله مراتبی شدید افزوده شده است.

بوروکراسی جدید در ایران و سایر کشورهای در حال توسعه جنبه‌های منفی بسیاری نشان داده که سبب سلسله مراتب شدید، عدم پاسخگویی مناسب به مردم، فراقکنی، کند شدن کارها و فرآیندها، رشد ناهمگون و جزیره‌ای قوانین و مقررات، سلسله مراتب طولانی، سوءاستفاده از قدرت مقام به سود صاحب منصب، میل به گسترش قدرت و دامنه دستگاه و افزایش تسلط خود بر جناح‌های بیشتری از زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، کاهش شفافیت و افزایش فساد در انجام امور و پیچیده کردن فرآیندهای سازمانی در گستره سرزمینی نظام بوروکراتیک، عدم توجه به محیط جغرافیایی و در نظر گرفتن اقتضائات و سازماندهی برنامه‌ریزی شده و در نهایت کاهش کارایی و اثر بخشی فعالیت‌ها شده است (Asghari & Mohseni, 2014: 45).

یکی دیگر از ویژگی‌های بوروکراسی، ظهور هرم قدرت با جریان اطلاعات و تصمیمات از بالا به پایین به‌صورت دستوری و قلب ماهیت انسانی و تخصصی کارمندان و پرسنل است. در زمان ما آنچه متفکران سیاسی را به خود مشغول کرده است مساله ظهور و توسعه بوروکرات‌ها، به‌عنوان یک طبقه جدید است که قدرت را به دست دارد.

از قابل‌توجه‌ترین مضرات بوروکراسی کاغذبازی و ارجاعات متعدد و زمان‌بر و عمدتاً غیرشفاف است. در این سیستم پرونده‌ها به کندی حرکت می‌کنند و باعث می‌شوند تصمیم‌گیری در رابطه با موضوعات، خیلی دیر صورت گیرد و زمانی تصمیم گرفته می‌شود که دیگر اهمیت موضوع از دست رفته

است، و این نکته‌ای است که سبب کاهش و یا حتی از بین رفتن کارایی و اثر بخشی یک نظام سیاسی خواهد شد.

واقعیت آن است که وضعیت بوروکراسی، ارجاعات متعدد و اصطلاحاً کاغذبازی‌ها در ایران بعد از انقلاب با آنچه امام خمینی (ره) در قبل و بعد از انقلاب نقد می‌کنند، نه تنها بهبودی نیافته، بلکه در بسیاری موارد پیچیده تر، طولانی تر و بغرنج تر گشته است. در حال حاضر راه مقابله با دیوانسالاری و بوروکراسی شدید عبارت‌اند از کوچک کردن و کارآمد کردن دولت، کاستن بودجه جاری، افزایش بودجه عمرانی و بررسی و نظارت دقیق بر تمام بودجه کشور در مجلس شورای اسلامی، تخصیص منابع بر مبنای عملکرد و برنامه‌های توسعه‌ای کشور و آمایش سرزمین و نه بر مبنای تعداد نیروی انسانی شاغل، تغییر ساختار بوروکراسی دولتی در خصوص قوانین استخدام مدام‌العمر و یا بلند مدت و تمدید قراردادهای مبتنی بر نظام ارزیابی عملکرد است.

بر اساس نتایج این تحقیق نیز بیش از ۶۶ درصد جامعه آماری این پژوهش معتقد بوده‌اند بوروکراسی شدید اداری و عدم شفافیت در فرآیندها تا حد زیادی منتج از نظام متمرکز برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت بوده است.

همچنین یکی از زیرآسیب‌هایی که در نظام اداری-اجرایی در ساخت سیاسی فضای ملی با آن مواجه هستیم فرآیند انتخاب و انتصاب مسئولین ملی و محلی است که باید برای آن مکانیزم‌ها و فرآیندهای مشخصی تدوین و با ضمانت بالایی اجرایی گردد. امام خمینی (ره) در کتاب ولایت فقه حکومت اسلامی در خصوص شرایط زمامدار پس از شرایط عامه نظیر عقل و تدبیر و... براساس سیره پیامبر اکرم (ص)، دو شرط اساسی زمامدار را ابتدا داشتن علم و سپس وجود عدالت بیان می‌کند و حتی «افضلیت علمی» را ملاک می‌داند و تصریح می‌کند که این افضلیت فقط منحصر به زمامدار نیست بلکه برای همه افرادی که وظیفه و مقامی داشته باشند، صادق است (Khomeini, 2013: 49).

فساد اداری و شفافیت در نظام متمرکز

ریشه فساد از فعل لاتین «Rumpere» به معنای شکستن است. بنابراین، در فساد چیزی می‌شکند یا نقض می‌شود. فساد از نظر کنوانسیون اتحادیه اروپا «اقدام عمدی هر فردی به‌طور مستقیم یا از طریق واسطه برای رساندن سودی از هر نوع به یک مقام رسمی برای خودش یا شخص ثالث برای انجام یا جلوگیری از کاری مرتبط با وظیفه یا اقدامات وی در ترک وظایف رسمی محول شده به او» می‌باشد.

فساد در میان کشورهای در حال توسعه و فقیر دنیا ابعاد گسترده‌تری دارد و سرمنشاء آن‌ها تأمین شخصی افراد کشورهای توسعه‌نیافته به نفع تأمین سیستمی کشورهای توسعه یافته است (Bouvard & Lofler, 2013: 432). همچنین فساد اداری به ابزاری نامشروع برای برآورده کردن تقاضاهای نامشروع از نظام اداری گفته می‌شود که دسته بندی‌های نیز دارد^۱ (Farhadi Nejad, 2001: 7).

باتوجه به آموزه‌های اسلامی، انتظار آن است که سطح فساد در کشورهای اسلامی پایین‌تر از سایر کشورها باشد ولی یافته‌های محققان این حوزه از جمله پژوهش آقایان جعفری و گلخندان نشان می‌دهد در رده‌بندی جهانی، شاخص‌های فساد در این کشورها ازجمله ایران جایگاه مناسبی ندارد و جزء صدک‌های پایین در شاخص‌های فساد و شفافیت قرار دارند (Jafari & Gol Khandan, 2015: 11). امام خمینی (ره) نیز به عنوان معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران در کتاب «ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی» یکی از دو دلیل عمده ناکارآمدی نظام شاهنشاهی ایران را در فساد، ریخت‌وپاش‌ها و اختلاس‌ها بیان می‌کنند که سبب از بین رفتن بودجه مملکت و بدهی‌های کلان می‌شود و آن را مغایر با مبنای اسلام می‌دانند (Khomeini, 2013: 47).

از نظر ۷۷ درصد جامعه آماری این پژوهش نیز نظام متمرکز در ایجاد فساد نقش مؤثری داشته است. نظام متمرکز زمینه ساز دلایل زیر برای ایجاد فساد است:

- افزایش میزان مداخلات دولت در فعالیت‌ها و فرآیندهای تصدی‌گرایانه و غیرحاکمیتی
- بیش از حد طولانی و زمان‌بر شدن مراحل انجام امور از مرکز تا نواحی
- پیچیده کردن ارائه خدمات و انجام محاسبات فنی زیاد در ارائه خدمات
- شفاف نبودن چگونگی انجام خدمات و در دسترس نبودن فرآیندهای آن‌ها برای مردم
- وجود شکاف و تفاوت بین کارگزاران محلی و کارگزاران ملی در حقوق و مزایا
- ایجاد حق و توهای رسمی و غیررسمی متعدد در نظام اداری در ساختار متمرکز

۱. فساد اداری سیاه: کاری که از نظر دولت و مردم منفور است؛ مانند دریافت رشوه؛ فساد اداری خاکستری: کاری که از نظر دولت منفور است، اما جامعه ممکن است نسبت به آن بی تفاوت باشد؛ مانند کوتاهی کارمند در اجرای قوانینی که در بین مردم از محبوبیت چندانی برخوردار نیست؛ فساد اداری سفید: کاری که ظاهراً مخالف قانون است، اما انجام آن از نظر دولت و مردم با اهمیت نیست؛ مانند کمک یک کارمند به یک ارباب رجوع سالمند که توانایی جسمی کافی برای ماندن در صف برای گرفتن کالا یا خدمت را ندارد (Najjari, 2000: 110).

- یکسان‌انگاری و تشابه‌نگری فضاهای جغرافیایی متفاوت در نظام اداری اجرایی متمرکز و افزایش موارد شمولیت استثنائات و تخلفات و ایجاد زمینه فساد فردی و نظام‌مند
- نتایج تحلیل آماری «ناکارآمدی نظام اداری - اجرایی» را به‌عنوان یک آسیب جدی مورد تأیید قرار داد. بر اساس این آزمون معیار ثابت اندازه‌گیری برای این شاخص با توجه به وزن‌ها و تعداد پرسش‌ها ۱۲ در نظر گرفته شد و همچنین با توجه به آزمون آماری t تک نمونه‌ای و تفاوت ۴ نمره‌ای با میانگین با احتمال ۹۵ درصد فرضیه تحقیق در این بخش تأیید و ناکارآمدی نظام اداری - اجرایی به‌عنوان یک آسیب منتج شده از نظام متمرکز مورد تأیید قرار می‌گیرد ($T=24, df=107, sig<0/05$).

جدول ۷. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای ناکارآمدی نظام اداری - اجرایی

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی داری	تفاوت میانگین
کم توجهی به اقتضائات محلی	۲۴,۰۰	۱۰۷	۰/۰۵	۴,۰۰

مغفول ماندن ظرفیت‌های قانونی و قانونگذاری

نتایج تحلیل‌های آماری این پژوهش نشان می‌دهد بیش از ۷۹ درصد جامعه پژوهش بیان داشته‌اند که از ظرفیت‌های قانون اساسی به‌منظور اداره امور محلی هنوز به میزان کافی استفاده نشده است.

جدول ۸ تا چه میزان از ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی برای اداره امور محلی استفاده شده

است؟

		فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
طیف	خیلی کم	۷۲	۳۸,۹	۳۸,۹	۳۸,۹
	کم	۷۳	۳۹,۵	۳۹,۵	۷۸,۴
	تاحدی - متوسط	۳۰	۱۶,۲	۱۶,۲	۹۴,۶
	زیاد	۱۰	۵,۴	۵,۴	۱۰۰,۰
	خیلی زیاد	۰	۰	۰	
	جمع	۱۸۵	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

قانون از جهات مختلف طبقه‌بندی شده که از جمله قوانین ماهوی شکلی، قوانین آمری و تفسیری، قانون عام و قانون خاص، قانون مجمل و قانون مبین است. در این پژوهش منظور بیان سلسله مراتب از جهت اعتبار و قدرت بیان مقررات حقوق نوشته (معنی عام قانون) می‌باشد این اعتبار قانون را می‌توان به شرح زیر تقسیم کرد:

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ۲- قانون عادی؛ ۳- قوانین آزمایشی مصوب کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی؛ ۴- عهدنامه‌های بین‌المللی؛ ۵- مصوبات قوه مجریه؛ و ۶- مصوبات کمیته‌ها و شوراهایی که از نظر قانونی می‌توانند آیین‌نامه و دستورالعمل صادر کنند (مانند شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و ...).

یکی از مهم‌ترین اصل‌های مرتبط با تمرکززدایی در قانون اساسی، اصل ۴۴ است. این اصل و تفسیر بعدی آن، تمرکززدایی در اقتصاد کشور را مورد تأکید و نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار کرده است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این سه بخش مطابق باشد، از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و باعث زیان جامعه نشود، مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد.

در سال ۱۳۸۴، ابلاغیه مقام معظم رهبری درباره سیاست‌های کلی اصل ۴۴، سبب تقویت محتوای تمرکززدایی اقتصادی این اصل شد. هدف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری در اقتصاد ملی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی حکومت مرکزی در تصدی فعالیت‌های اقتصادی، افزایش سطح عمومی اشتغال، و تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها بود. (Khamenei, 2005)

با توجه به ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول دوم، سوم، هفتم، دوازدهم، چهل و چهارم و فصل هفتم قانون اساسی و همچنین روح حاکم بر قانون اساسی مبتنی بر مشارکت جو بودن و شهروندمدار بودن تمام اصول آن می‌توان از این قانون به عنوان یک قوانین متعالی و ایده‌آل نام برد که محقق‌ساختن کامل آن نیز همواره از آرمان‌های امام خمینی (ره) و همه شهیدان انقلاب اسلامی بوده است. اما با بررسی سایر قوانین در کشور به تناقض‌های زیادی بین اهداف مشخص شده در

قانون اساسی و قوانین عادی کشور حوزه میزان تمرکززدایی و مشارکت مردم در اداره امور محلی خود مواجه خواهیم شد.

همچنین بیش از ۸۳ درصد جامعه آماری این پژوهش معتقدند قوانین و مقررات یکسان یا مشابه برای کشور، بهره‌وری و کارایی قوانین را در اداره امور محلی به شدت کاهش می‌دهد.

جدول ۹. وضع قوانین و مقررات یکسان برای نواحی مختلف تا چه میزان بهره‌وری قوانین را کاهش می‌دهد؟

		فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
طیف	خیلی کم	۶	۳,۲	۳,۲	۳,۲
	کم	۱۴	۷,۶	۷,۶	۱۰,۸
	تاحدی - متوسط	۱۱	۵,۹	۵,۹	۱۶,۸
	زیاد	۵۴	۲۹,۲	۲۹,۲	۴۵,۹
	خیل زیاد	۱۰۰	۵۴,۱	۵۴,۱	۱۰۰,۰
	جمع	۱۸۵	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

بر اساس آزمون آماری به آزمون آماری t تک نمونه‌ای و تفاوت ۴ نمره‌ای با میانگین با احتمال ۹۵ درصد فرضیه تحقیق مبنی بر آسیب بودن این شاخص تایید می‌گردد. عدد ثابت این شاخص در آزمون آماری ۱۲ محاسبه شد. ($T=24$, $df=107$, $sig<0/05$)

جدول ۱۰. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای مغفول ماندن ظرفیت‌های قانونی

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی داری	تفاوت میانگین
مغفول ماندن ظرفیت‌های قانونی	۱۹,۰۰	۱۰۷	۰۰	۴,۰۰

تداوم فرهنگ سیاسی متملق و اقتدارگرا

طی پژوهش، برای موضوع تداوم فرهنگ سیاسی متملق و اقتدارگرا دو پرسش طراحی گردید اولی در خصوص زمینه‌های تاریخی بلندمدت تا چه میزان در تداوم نظام متمرکز نقش داشته و دوم اینکه این فرهنگ متملق‌گو، اقتدارگرا و ارادت‌سالار تا چه متاثر از نظام متمرکز است؟ و نتایج تحلیل‌های آماری آن نشان می‌دهد بیش از ۶۶ درصد پاسخگویان معتقد بودند که این زمینه تاریخی بلند مدت که اقتدارگرا بوده

و تملق در آن جایگاه خوبی داشته سبب با توجه به ویژگی تمرکزگرایی امور و ساختارها به تداوم این فرهنگ اشتباه کمک شایان توجهی نموده است؛ چه اینکه با انقلاب اسلامی بسیاری از این خرده فرهنگ‌های اشتباه و غلط نیز می‌بایست از بین می‌رفت اما به گونه‌های دیگری نمود و بروز پیدا کرده است. بر همین اساس بیش از ۸۵ درصد جامعه آماری این پژوهش معتقد بودند تداوم فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و ارادت سالار در سلسله مراتب اداری شدید بعد از انقلاب ناشی از نظام متمرکز و سیستم‌های وابسته آن می‌باشد.

همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق معیار ثابت برای شاخص تداوم فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و مملق گو ۶ محاسبه گردیده است و منطبق با آزمون آماری t تک نمونه‌ای و با توجه به اختلاف معنی دار میانگین (تفاوت میانگین = ۴) با احتمال ۹۵ درصد فرضیه تحقیق مبنی بر آسیب بودن این شاخص تایید می‌گردد ($T=14, df=107, sig<0/05$).

جدول ۱۱. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای تداوم فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و مملق‌گو

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی داری	تفاوت میانگین
تداوم فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و مملق‌گو	۱۴	۱۰۷	۰/۰۵	۲/۰۶

عدم تفکیک فرآیندی فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها و فقدان کارآمدی

فرآیندها نتیجه نهایی آن چیزی است که سیستم‌های بوروکراتیک پیش‌بینی کرده‌اند، مدیران در آن دخالت کرده‌اند و در نهایت مسیری ترسیم شده است که وظایف، مسئولیت‌ها و چگونگی انجام کارهای و فعالیت‌ها در آن مشخص می‌شود. در نظام متمرکز همه فرآیندها به مرکز ختم می‌شود و مرز تفکیک بین فرآیندهای محلی و ملی یا به درستی روشن و شفاف نیست و یا اینکه همه فرآیندها در نهایت به یک مرکزیت ختم می‌شوند. واقعیت آن است که همه فرآیندها و مسئولیت‌ها نیاز نیست به مرکز منتهی شوند و باید بین فرآیندهای محلی با ابعاد و کارکرد محلی در حدود وظایف تصدی‌گری و بعضاً حاکمیتی را بتوانند مسئولین محلی تصمیم‌گیری نمایند و یا فرآیندهای محلی را بنا به اقتضائات محلی تغییر دهند اما در نظام متمرکز اینگونه نیست و همه امورات چه حاکمیتی و چه تصدی‌گری در هر دو مقیاس ملی و محلی به صورت متمرکز تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌شود.

یکی از چالش‌هایی که همواره مدیران ارشد از آن به‌عنوان یک معضل یاد می‌کنند بحث ایجاد تناسب بین منابع و چگونگی بهینه استفاده از آن‌ها به‌منظور دریافت خروجی و نتایج مطلوب است؛ بحث کارایی^۱ (دُرست انجام دادن کاری) و اثربخشی^۲ (انجام کار دُرست مطابق با هدف مشخص‌شده) که منتج به بهره‌وری^۳ می‌گردد نیز محل تلاقی این دو در سازماندهی و ساخت سیاسی فضای ملی است که می‌تواند سبب جلوگیری از هدر رفتن منابع و امکانات کشور شود. اگر بهره‌وری در امور و فعالیت‌ها وجود داشته باشد اما با سرعت پایین، با استفاده از روش‌های پیچیده یا قدیمی انجام شود که در نهایت نتواند مشکلی از دغدغه‌های مردم حل کند کارآمدی لازم را نداشته است.

تقریباً روزی نیست که مدیران اجرایی کشور مصاحبه نکنند و از اینکه در حوزه استحفاظی کاری آن‌ها و یا در فضای جغرافیایی محل خدمت آن‌ها فعالیتی موازی توسط یک دستگاه اجرایی دیگر در حال رخ دادن است یا اختیار لازم را برای انجام امور محوله ندارند، گلایه نداشته باشند. حقیقت آن است که بخشی از عدم کارایی‌ها، اثربخشی‌ها، بهره‌وری‌ها و در نهایت کارآمدی‌ها از این منتج می‌شوند که هر دستگاهی در فضای ملی و محلی مأموریت‌ها و اهداف خود و همچنین راه‌های رسیدن به آن‌ها را یا نمی‌داند یا به واسطه نگاه شخصی مدیران ارشد آن، فرایندها و مأموریت‌های آن مجموعه‌ها را تغییر می‌دهند. این همه در کنار لیاقت فردی مدیران می‌تواند جلوه و نمود مثبت یا منفی این موضوع را دوچندان کند.

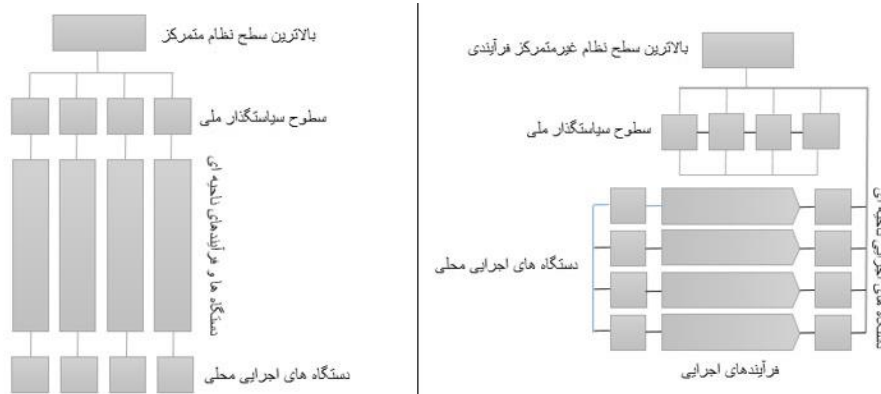
فرآیند محور نبودن فعالیت‌ها

مدیریت ساختار اداری اجرایی مبتنی بر فرآیند، روابط تامین‌کنندگان و ذینفعان یا شهروندان را با فرآیندهای نشان می‌دهد. تفاوت میان «وظیفه» و «فرآیند» همانند تفاوت میان جزء و کل است. ساختار متمرکز مبتنی بر وظیفه واحدی از انجام کار مشخصی است؛ فعالیتی که معمولاً یک یا چند نفر بدون توجه به فرجام انجام می‌دهند. در برابر، فرآیند، گروهی از وظیفه‌های به هم پیوسته است که با همدیگر، نتیجه‌ای با ارزش از دید ذینفعان یا شهروندان را به بار می‌آورند. برای مثال، انجام یک سفارش یک فرآیند است؛ فعالیت‌هایی که کالا را به دست مشتری می‌رسانند. این فرایند از وظیفه‌های گوناگونی درست

-
1. Efficiency
 2. Effectiveness
 3. productivity

می‌شود که در ساختار اداری اجرایی فرآیند محور اصالت با انجام صحیح فرآیند است و در ساختارهای وظیفه محور اصالت با انجام وظیفه فارغ از نتیجه است.

ساختارهای و ارکان نظام متمرکز در جمهوری اسلامی ایران بر اساس صرفاً وظایف در نظام آمایش سرزمین شکل گرفته است نه بر اساس یک مدل فرآیند محور که دستگاه‌های اجرایی مکمل فعالیت‌های یکدیگر باشند بنابراین ساختارهای نظام اداری اجرایی مبتنی بر یک ساختار سلسله مراتبی است که در راس هرم بایکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند وقتی در سلسله مراتب پایین تر برنامه‌ها به قصد اجرایی شدن ابلاغ می‌شوند دارای ارتباط فرآیندی نیستند.



شکل ۱. سازماندهی فرآیندها در ساخت سیاسی فضای ملی متمرکز و غیرمتمرکز

یکی از تفاوت‌های ساختارهای نظام اداری اجرایی فرآیند محور و نظام وظیفه‌محور در کاهش موازی کاری است؛ در این نظام اداری اجرایی فعالیت‌های خروجی یک سازمان به‌عنوان ورودی سازمانی دیگر در نظر گرفته می‌شود و ارتباط با یکدیگر می‌باشند بنابراین در امور یکدیگر کمتر تناقض و موازی کاری شکل خواهد گرفت. تفاوت بعدی سازمان فرآیند محور وظیفه محور در حدود اختیارات و مسئولیت‌های ذاتی ساختارها و نهادهای محلی در سطوح پایین مدیریت و سازماندهی سیاسی فضا است عموماً در ساختارهای متمرکز وظیفه‌محور وظایف و اختیارات ذاتی قانونی نیست و ماموران و کارگزاران مکلف به تکالیفی هستند که از مرکز برای آن‌ها ارسال می‌شود و آن‌ها مسئول کارآمدی یا ناکارآمدی آن نیستند و

می‌بایست آن‌ها ولو اینکه با اقتضائات محلی سازگار نباشد اجرایی نمایند، در بسیاری موارد نیز اختیار تغییر در آن‌ها را ندارند. گاهی نیز به سبب اینکه این طرح‌ها و برنامه‌ها کارآمدی لازم را نداشته است از دید مدیران مرکز ناشی از سو مدیریت مدیران محلی می‌باشد و منجر به تغییر مدیران محلی نیز می‌گردد. بر اساس نتایج این تحقیق بیش از ۸۰ درصد جامعه آماری پژوهش معتقدند که نظام متمرکز اداری اجرایی که بر اساس وظیفه محوری فعالیت می‌کند اختیارات را محدود و مسئولیت ذاتی قانونی را از مدیران اجرایی سلب می‌نماید و سبب کندی در فرآیندها و در نهایت عدم کارآمدی سیستم نظام اداری اجرایی می‌گردد.

جدول ۱۲. اختیارات محدود، متغیر و عدم مسئولیت ذاتی قانونی مسئولان محلی در اداره امور تا چه میزان

ناشی از نظام متمرکز وظیفه‌محور می‌باشد؟

		فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
طیف	خیلی کم	۲	۱,۱	۱,۱	۱,۱
	کم	۲	۱,۱	۱,۱	۲,۲
	تاحدی - متوسط	۳۰	۱۶,۲	۱۶,۲	۱۸,۴
	زیاد	۸۶	۴۶,۵	۴۶,۵	۶۴,۹
	خیل زیاد	۶۵	۳۵,۱	۳۵,۱	۱۰۰,۰
	جمع	۱۸۵	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

عدم تفکیک فعالیت‌های حاکمیتی از غیر حاکمیتی

علی‌رغم تأثیر آشکاری که تفکیک امور حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در حقوق و تکالیف افراد جامعه دارد، تعریف دقیق و روشنی از امور حاکمیتی در قوانین ارائه نشده است. البته با تصویب قانون مدیریت خدمات کشوری، در ماده ۸ اعمال حاکمیتی از منظر قانون‌گذار تعریف شده است که چون بسیار کلی و تعریف ارائه شده است می‌توان تفاسیر گوناگونی بر آن نهاد و زمینه اختلاف هنوز باز است. لیکن طبق نظر نگارنده از امور حاکمیتی و غیر حاکمیت به نظر می‌رسد تعریف زیر می‌تواند جایگزین تعاریف ارائه شده قرار بگیرد:

«امور حاکمیتی آن دسته از امور اجرایی، قضایی، تقنینی و امنیتی است که منافع آن به صورت مستقیم و گسترده در مقیاس ملی و محلی مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد و در صورت نقصان در آن سبب

خداشه دار شدن حاکمیت و تحت تاثیر قرار دادن امنیت ملی کشور می‌گردد و به سبب واگذاری آن به سایر بخش‌های عمومی، تعاونی و یا خصوصی؛ منجر به وابستگی حاکمیت به غیر یا انحصار در ارائه آن خدمات گردد»

در کشور به واسطه اینکه بر مبنای هر تعریف و یا تفسیری که از قوانین فوق به عمل می‌آید برخی از خدمات برون‌سپاری می‌شوند و برخی نمی‌شوند؛ بسیاری از خدماتی که در سطح محلی از جنس خدمات‌رسانی‌های معمول محلی است در زمره امور حاکمیتی در نظر گرفته می‌شود و برون‌سپاری آن رخ نمی‌دهد و گاهی نیز برعکس امور حاکمیتی، به اشتباه امور تصدی‌گرایانه تلقی می‌گردد و برون‌سپاری می‌گردد. بنابراین لازم است در تحول ساختار نظام اداری اجرایی کشور فرآیندهایی که حاکمیتی هستند به‌طور دقیق از فرآیندها و خدماتی که تصدی‌گرایانه و خدماتی - رفاهی محلی هستند تفکیک گردد تا به روشنی مرز بین این دو مشخص شود و از طرفی نهادهای محلی بتوانند برنامه‌ریزی بهتری برای توسعه نواحی خود داشته باشند. از این ۷۶ درصد جامعه آماری این پژوهش نیز معتقد بودند که عدم تفکیک فرآیندهای حاکمیتی از غیرحاکمیتی یکی از آسیب‌هایی است که در نظام متمرکز رخ داده است و به علت کنترل شدید نواحی و اینکه به‌صورت ذاتی نظام متمرکز تمایل دارد همه فعالیت‌ها و فرآیندها حاکمیتی باشند این موضوع سبب شکست طرح‌های تمرکززدایی نیز شده است.

جدول ۱۳. تا چه میزان عدم تفکیک فرآیندهای حاکمیتی از فرآیندهای تصدی‌گری؛ عامل عدم موفقیت

طرح‌های تمرکززدایی در ایران بوده است؟

		فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
طیف	خیلی کم	۴	۲,۲	۲,۲	۲,۲
	کم	۰	۰	۰	۰
	تأخیری - متوسط	۳۹	۲۱,۲	۲۱,۲	۲۳,۲
	زیاد	۱۰۷	۵۷,۸	۵۷,۸	۸۱,۱
	خیل زیاد	۳۵	۱۸,۹	۱۸,۹	۱۰۰,۰
	جمع	۱۸۵	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

بنابراین هماهنگی که مشاهده شد نظام تمرکز تاحد زیادی سبب عدم تفکیک فرآیندهای حاکمیتی از غیر حاکمیتی، عدم تفکیک فرآیندی فعالیت‌ها و نبودن مسئولیت ذاتی قانونی مسئولین محلی و همچنین وجود اشکالاتی در نظام بهره‌وری و کارآمدی منجر شده است.

همچنین بر اساس یافته‌ها و محاسبات تحلیلی آماری تحقیق معیار ثابت برای شاخص عدم تفکیک فرآیندی فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها ۹ محاسبه گردیده است و منطبق با آزمون آماری t تک نمونه‌ای و با توجه به اختلاف معنی دار میانگین (تفاوت میانگین = ۳) با احتمال ۹۵ درصد فرضیه تحقیق مبنی بر آسیب بودن این شاخص تایید می‌گردد ($T=22, df=107, sig<0/05$).

جدول ۱۴. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای عدم تفکیک فرآیندی فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی داری	تفاوت میانگین
عدم تفکیک فرآیندی فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها	۲۲	۱۰۷	۰/۰۵	۳/۰۰

عدم توسعه حزب‌گرایی

حزب در حقیقت گردهمایی پایدار گروهی از مردم تحت لوای جریان‌ها و جناح‌های سیاسی است که عقاید مشترکی دارند، و با پشتیبانی آن‌ها برای به دست آوردن قدرت سیاسی از راه‌های قانونی مبارزه می‌کنند. لاپالمبارا واینر تعریفی از احزاب جدید به دست می‌دهند که متضمن چهار شرط اساسی بوده و مورد قبول اکثر نویسندگان قرار گرفته است. این چهار شرط به خوبی ویژگی احزاب جدید و فرق آن‌ها با دیگر تشکلهای سیاسی و اجتماعی را نشان می‌دهد: نخست آنکه حزب مستلزم وجود سازمان و تشکیلات پایداری است که حیات سیاسی آن از حیات بنیانگذاران آن فراتر باشد. دوم آنکه تشکیلات حزبی دارای سازمانی مستقر در محل همراه با زیر مجموعه‌هایی باشد که در سطح ملی و محلی فعالیت داشته و با یکدیگر روابط منظم و متقابلی داشته باشند. سوم آنکه اراده رهبران ملی و محلی حزب بر کسب قدرت استوار باشد نه اعمال نفوذ، چهارم آنکه حزب باید در پی کسب حمایت عمومی به ویژه از طریق انتخابات باشد (Soleimani & Naghibzadeh, 2009: 44). اما باید اذعان نمود که این چرخه و فرآیند سیاسی و پیدایش و تکوین احزاب سیاسی در ایران معاصر، پیش از انقلاب اسلامی، سرنوشتی غم‌انگیز

داشته است؛ زیرا هیچ‌گاه احزاب و تشکل‌های سیاسی از فضای آزادی برای تکامل سازمانی و فکری در هیچ برهه‌ای بهره‌مند نبوده‌اند (Akhavan Kazemi, 2008: 23).

پژوهش‌های انجام شده در مورد فعالیت احزاب و تشکل‌های سیاسی در تاریخ ۱۰۰ سال اخیر ایران، نشان می‌دهد که متوسط عمر احزاب در کشور، ۶/۴ سال بوده و تعداد سال‌های عمر این احزاب نیز بین ۱ سال تا ۱۰ سال متغیر بوده است. ۶/۴ درصد از این احزاب بین ۱ تا ۲ سال، ۵/۵ درصد بین ۳ تا ۴ سال و ۱/۱ درصد آن‌ها نیز بیش از ۱۰ سال عمر کرده‌اند. اکثریت احزاب (۱۷/۵ درصد) در عمر ۴ سالگی از عرصه مبارزات سیاسی حذف شده‌اند. این واقعیت، نشان دهنده ناپایداری احزاب و موقتی بودن حضور آن‌ها (عمر کوتاه فعالیت حزبی) در صحنه سیاست ایران است. ریشه این موضوع در سابقه کم تحزب و فعالیت‌های رسمی احزاب در ایران است. در سال‌های بعد از انقلاب تاکنون به‌هیچ‌وجه احزاب مردمی و خودجوش واقعی که مؤثر بر حاکمیت و اخذ تصمیم‌گیری‌های سیاسی باشند سر کار نیامده‌اند و هر چند احزابی محتاطانه و بعضاً موسمی و منقطع فعالیت می‌کنند، کاربرد عنوان احزاب برای این‌گونه تشکل‌ها محل تردید است؛ چون اکثر آن‌ها با روی کار آمدی دولتی تشکیل و مورد حمایت قرار می‌گیرند و به علت ریشه‌دار نبودن موضوع با تغییر دولت‌ها احزاب دیگری فعال شده و تغییرات اساسی رخ می‌دهد و این موضوع نشان دهنده نقش حکومت در حمایت از گروه‌ها و احزاب مورد تایید خود است. همچنین بیش از ۴۰ درصد جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش معتقد بوده‌اند که احزاب و تشکل‌های سیاسی مخالف جریان دولت حاکم، در نظام متمرکز خیلی کم و کم می‌توانند بر جریانات سیاسی اثر گذار و فعال باشند.

جدول ۱۵. احزاب و تشکل‌های سیاسی مخالف جریان دولت حاکم، تا چه میزان می‌توانند در یک نظام

متمرکز اثرگذار و فعال باشند؟

		فراوانی	درصد	درصد معتبر	فراوانی تجمعی
طیف	خیلی کم	۱۶	۸,۶	۸,۶	۸,۶
	کم	۶۷	۳۶,۲	۳۶,۲	۴۴,۹
	تاحدی - متوسط	۳۳	۱۷,۸	۱۷,۸	۶۲,۷
	زیاد	۴۶	۲۴,۹	۲۴,۹	۸۷,۶
	خیلی زیاد	۲۳	۱۲,۴	۱۲,۴	۱۰۰,۰
	جمع	۱۸۵	۱۰۰,۰	۱۰۰,۰	

بیش از ۴۲ درصد حجم نمونه این تحقیق معتقد بوده‌اند که احزاب و تشکلهای سیاسی در نظام متمرکز کنونی کشور به‌منظور به‌دست‌آوردن قدرت کم و خیلی کم می‌توانند تلاش کنند و امیدی به قدرت رسیدن از طریق احزاب عملاً خیلی کم وجود دارد، همچنین بر اساس یافته‌های تحقیق معیار ثابت برای شاخص عدم توسعه حزب‌گرایی ۶ محاسبه گردیده است و منطبق با آزمون آماری t تک نمونه‌ای و با توجه به اختلاف معنی دار میانگین (تفاوت میانگین = ۱) با احتمال ۹۵ درصد فرضیه تحقیق مبنی بر آسیب بودن این شاخص نیز تایید می‌گردد ($T=16, df=107, sig<0/05$).

جدول ۱۶. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای عدم توسعه حزب‌گرایی

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی داری	تفاوت میانگین
عدم توسعه حزب‌گرایی	۱۶	۱۰۷	۰/۰۵	۱/۰۰

عدم مسئولیت‌پذیری، حس تعلق و پاسخگویی مسئولین محلی

با توجه به اینکه در نظام متمرکز بسیاری از برنامه‌ها و طرح‌ها توسط دولت مرکزی به ماموران و دستگاه‌های اجرایی محلی ابلاغ می‌شوند و کارگزاران محلی اجراکننده ابلاغات می‌باشند بنابراین در صورتی که با اعتراض نیز مواجه شوند خود را مامور و معذور معرفی کرده مسئولیت اقدامات و یا برنامه‌هایی که در حال اجرا کردن آن‌ها هستند را بر عهده نمی‌گیرند. یکی از مواردی که همیشه دولت مردان در نظام متمرکز به آن تاکید دارند حس تعلق به دولت بر سر کار است و تلاش می‌کنند برای مدیران اجرایی محلی خود نیز حس تعلق را افزایش دهند و همواره از افرادی استفاده می‌شود که به هر دلیلی به طرح‌ها و برنامه‌های آن‌ها به‌عنوان طرح‌ها و برنامه‌های خود بنگرد. از این رو در نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها که مدیران اجرایی آن طی فرآیند دیگری انتخاب و منصوب می‌شوند نظارت و کنترل بر آن‌ها دولت مرکزی را حکومت بسیط با چالش مواجه می‌کند و با مسئولین محلی مواجه می‌شود که به دولت آن‌ها حس تعلق کمتری دارد و در برابر طرح‌ها و برنامه‌های آن‌ها اگر مقاومت نکند خود را مامور حکومت و معذور معرفی می‌نماید.

منطبق با تحلیل‌های آماری انجام شده مشخص شد بیش از ۸۲ درصد از جامعه آماری ۱۸۵ نفری این پژوهش معتقدند نظام متمرکز زیاد و خیلی زیاد در کاهش مسئولیت‌پذیری مقامات محلی موثر می‌باشد و

چون خود را نسبت به برنامه ها و طرح هایی که در حال اجرای آن هاست مشارکت جو مشارکت کننده نمی داند. و همچنین ۹۲ درصد پاسخگویان این پژوهش معتقد بوده اند که این عدم مسئولیت پذیری مقامات محلی در قبال طرح ها و برنامه های دولت مرکزی و همچنین عدم پاسخگویی مناسب آن ها به مردم در خصوص مسائل و مشکلاتشان در ارتباط با همان طرح ها و برنامه ها به شدت سبب کاهش حس تعلق جمعی و روحیه مردم نیز می شود.

همچنین بر اساس یافته های آماری تحلیلی بر اساس آزمون های پیش بینی شده معیار ثابت برای شاخص عدم مسئولیت پذیری، حس تعلق و پاسخگویی مسئولین ۶ محاسبه گردیده است و منطبق با آزمون آماری t تک نمونه ای و با توجه به اختلاف معنی دار میانگین (تفاوت میانگین = ۲) با احتمال ۹۵ درصد فرضیه تحقیق مبنی بر آسیب بودن این شاخص تایید می گردد ($T=22, df=107, sig<0/05$).

جدول ۱۷. نتایج آزمون t تک نمونه ای برای عدم مسئولیت پذیری، حس تعلق و پاسخگویی مسئولین

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی داری	تفاوت میانگین
عدم مسئولیت پذیری، حس تعلق و پاسخگویی مسئولین	۲۲	۱۰۷	۰/۰۵	۲/۰۰

تجمع فشارها بر دولت مرکزی

در نظام متمرکز به واسطه اینکه حکومت مرکزی همه تصمیمات را می گیرد و خود نیز مجری آن است حجم فشار ناشی از آن نیز قابل پیش بینی است بنابراین در اکثر موارد رئیس جمهور ایران در دوره های مختلف از فشارهایی بر دولتش صحبت به میان می آورد که مسئول به وجود آورنده آن ها نبوده اما باید در آینده پاسخگوی آن ها باشد، چون او میراث دار گذشتگان بوده و آیندگان نیز میراث دار دولت مستقر خواهند بود و در این میان اگر دولت قبلی برای دولت آینده گندمی کاشته باشد دولت بعدی می تواند از محصول آن برای کارآمد جلوه دادن خود استفاده کند، لکن همه طرح های اینگونه نیست که در یک دوره چهارساله یا نهایت دو دوره به ثمره برسد بنابراین این فشارها دو لبه دارند که هر دولتی بر سر کار می آید در نظام متمرکز با آن مواجه خواهد بود. بر اساس تحلیل داده های آماری این پژوهش بیش از ۹۳ درصد از پاسخگویان جامعه آماری معتقد بودند نظام متمرکز سبب می شود همه خلاءها، ناکارآمدی ها و

فشارهای ناشی از عملکردهای منفی، فقط بر دوش دولت مرکزی بار شود و کسی خود را مسئول فعالیتی که در ناحیه جغرافیای و یا سازمان متبوع انجام می‌دهند نداند.

بر اساس یافته‌های آماری این پژوهش مشخص شد ۸۹ درصد نیز از جامعه آماری این پژوهش معتقدند که نظام متمرکز کشور به علت اینکه سرنوشت همه امورات را در دست دارد سبب افزایش نامتعارف انتظارات از دولت مرکزی نیز شده است. در نهایت بر اساس یافته‌های آماری تحلیلی بر اساس آزمون‌های پیش بینی شده معیار ثابت برای شاخص تجمع فشارها بر دولت مرکزی ۶ محاسبه گردیده است و منطبق با آزمون آماری t تک نمونه‌ای و با توجه به اختلاف معنی‌دار میانگین (تفاوت میانگین = ۲) با احتمال ۹۵ درصد فرضیه تحقیق مبنی بر آسیب بودن این شاخص تایید می‌گردد ($T=21, df=107, sig<0/05$).

جدول ۱۸. نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای تجمع فشارها بر دولت مرکزی

متغیر	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین
تجمع فشارها بر دولت مرکزی	۲۱	۱۰۷	۰/۰۵	۲/۰۰

نتیجه‌گیری

بدیهی است هرگونه تلاش برای سازماندهی نظام فضایی در قلمرو هدایت خردمندانه آن مستلزم شناخت صحیح نیروهای محرکه بازساخت فضایی می‌باشد. به ویژه در دهه‌های اخیر در مغرب زمین هرچه بیشتر نهاد حکومت تابعی از رابطه چندجانبه بین گروه‌های اجتماعی و دارای کارکرد تعادل بخش به این رابطه بوده است. در حالی که در ایران پیش از تکوین دولت بسیط متمرکز هیچ یک از مناسبات سرمایه‌داری شکل نگرفته بود و در ابتدای سده معاصر نیز حکومت سرزمینی در ایران از ساخت ایلاتی و نظم سستی خود خارج نشده بود. بر این مبنا انطباق تئوریک سیر تکوین حکومت مدرن در ایران با نمونه مشابه آن در غرب متفاوت بوده و در عین حال این سیر متفاوت ناشی از ویژگی‌های فضایی در ایران در ابعاد انسانی و طبیعی بوده است. بنابراین، آسیب‌های بیان شده به این معنی نیست که باید راه غرب یا شرق را می‌بایست در حکومت داری طی نمود که توسعه یافته شد؛ بلکه برعکس آسیب‌های متفاوت نسبت به آسیب‌های سایر کشورها نشان دهنده این است که ایران با توجه به اقتضائات ژئوپلیتیک، اقتصادی، فرهنگی، انسانی و طبیعی می‌بایست نسخه مخصوص به خود را در کاهش آسیب‌های ارائه شده داشته

باشد تا بتواند مسیر پیشرفت را که وابسته به عوامل بسیاری است (هر یک از آن‌ها می‌بایست به خوبی کالبدشکافی شوند) به خوبی شناسایی شوند و برای آن‌ها برنامه‌ریزی دور اندیشانه ای نمود. از این رو به نظر می‌رسد به‌عنوان اولین راهبرد با توجه به درجه و اولویت بندی مشخص شده در این پژوهش ابتدا می‌بایست راهبردی جهت افزایش توجه عملیاتی به ویژگی‌های محلی و اقتضائات آن در نظر گرفت به شکلی که به‌صورت حقیقی مردم محلی نسبت به امور محلی خود منطبق با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به سرنوشت محلی خود تصمیم‌گیری داشته باشند و برای هرگونه تایید و مجوزی نیاز به حضور در پایتخت و تمرکز قدرت نباشد.

جدول ۱۹. نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای و اولویت بندی آسیب‌های پژوهش

ردیف	آسیب‌ها (متغیرها)	t	درجات آزادی	Sig. سطح معنی‌داری	تفاوت میانگین
۱	کم توجهی به اقتضائات ویژگی‌های محلی	۳۳,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۵,۰۰
۲	مغفل‌ماندن ظرفیت‌های قانونی و قانون گذاری	۲۴,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۴,۰۰
۳	ناکارآمدی نظام اداری - اجرای	۲۴,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۴,۰۰
۴	بی‌عدالتی فضایی و توسعه نامتوازن	۳۳,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۴,۸۰
۵	مشارکت ناقص مردم در اداره امور محلی	۳۳,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۳,۰۰
۶	عدم تفکیک فرآیندی فعالیت‌ها و مسئولیت‌ها	۲۲,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۳,۰۰
۷	عدم مسئولیت‌پذیری، حس تعلق و پاسخگویی مسئولین محلی	۲۲,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۲,۰۰
۸	تجمع فشارها بر دولت	۲۱,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۲,۰۰
۹	عدم توسعه حزب‌گرایی	۱۶,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۱,۰۰
۱۰	تداوم فرهنگ سیاسی اقتدارگرا و متملق‌گو	۱۴,۰۰	۱۰۷	۰۰,۰	۲,۰۶

تقدیر و تشکر

انجام این پژوهش مستلزم همکاری موثر مجموعه‌هایی بود که با معرفی خبرگان علمی و اجرایی خود به غنای مباحث کمک شایانی کرده‌اند؛ بنابراین، نویسندگان بر خود لازم می‌دانند، از همه نخبگان علمی و اجرایی کشور که در اکثر استان‌ها به خوبی ما را همراهی کردند و نظرات ارزشمندشان را در قالب مصاحبه و پرسشنامه‌هایی که به‌صورت رفت و برگشت در اختیارشان قرار گرفت و با توجه به مسئولیت‌های

پرمشغله خود به تکمیل و ارسال آن‌ها اهتمام داشتند تشکر و قدردانی نماییم. همچنین از دانشگاه تهران نیز به جهت حمایت مادی و معنوی و ایجاد فرصت کافی به‌منظور به سرانجام رسیدن این پژوهش کمال تشکر را داریم.

کتابنامه

1. Ahmadi, H. (2010). *Ethnicity and ethnocentrism in Iran*. Iran, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
2. Akhavan Kazemi, B. (2008). Parties autopsy in Iran. *Zamaneh Magazine*, 7(78), 34-41. [In Persian]
3. Asghari, R., & Mohseni, S.J. (2014). The role of government in the evolution of the country's administrative system. *Journal of Economic Research*, 14(6), 41-54. [In Persian]
4. Azkia, M., & Ghaffari, G. (2016). *Sociology of development*. Iran, Tehran: Research Office of Kayhan Institute. [In Persian]
5. Bashirieh, H. (1999). *Barriers to Political development in Iran*. Iran, Tehran: Gam No Publications. [In Persian]
6. Bouvard, T., & Lofler, A. (2013). *Governance and Public Management*. (A. Rahimian Trans.). Iran, Tehran: Shahr Publishing Institute Publications, by order of the Deputy of Planning and Urban Development of Tehran Municipality. [In Persian]
7. Bryer, T.A. (2003). *Bureaucratization and active citizenship: approaches to administrative reform*. U.S., Los Angeles C.A.: Pi Alpha Alpha Publications.
8. Chang, H., & Midry, A. (2014). *Political economy, industrial policy*. (A. Ghodjani Trans.). Iran, Mashhad: Novin Tarahan Azad Publications. [In Persian]
9. Constitution of the Islamic Republic of Iran of 1979(1989). *The official rules system of the research center of the Islamic consultative assembly*. Retrieved from http://rc.majlis.ir/fa/content/iran_constitution. [In Persian]
10. Erdmann, G., Elischer, S., & Stroh, A. (2011). *Can historical institutionalism be applied to political regime development in Africa?*. Germany, Hamburg: German Institute of Global and Area Studies (GIGA).
11. Expediency Discernment Council (2006). *General policies of the system*. Iran, Tehran: Expediency Discernment Council. [In Persian]
12. Farhadi Nejad, M. (2001). *Administrative corruption and control methods*. Paper presented at the Second Scientific and Research Conference on Monitoring and Inspection. Tehran, Iran [In Persian]
13. Farid, Y. (1996). *Geography and urbanism*. Iran: Tabriz: Tabriz University Publications. [In Persian]
14. Finer, H. (1971). *The theory and practice of modern government*. (4th Ed). New York, U.S: Methoen.

15. Ghalibaf, M.B. (2012). *Local Government or spatial distribution strategy of political power in Iran*. Iran: Tehran, Amirkabir Institute Publications. [In Persian]
16. Ghalibaf, M.B. (2014). *Political construction in domestic space. unpublished manuscript textbook*. PhD Course in Political Geography, University of Tehran, Tehran Iran. [In Persian]
17. Ghalibaf, M.B. (2017). *Centralization and decentralization in contemporary Iran: a new approach*. Iran, Tehran: Tehran University Publications. [In Persian]
18. Ghalibaf, M.B., & Karami, M. (2011). Regional development in the northwest border areas of Iran (case study of aras free trade-industrial zone). *Journal of Planning and Spatial Planning; Tarbiat Modares University*, 15(3), 133-149. [In Persian]
19. Glassner, M.I. (1993). *Political geography*. U.S: New York Johan Wiley & Sons Inc.
20. Glassner, M.I., & Fahrre, C. (2004). *Political geography*. (3rd Ed.). U.S, Hoboken: NJ, Wiley.
21. Hafeznia, M.R., & Kaviani Rad, M. (2004). *New horizons in political geography*. Tehran, Iran: SAMT Publications. [In Persian]
22. Jafari, M., & Gol Khandan, A. (2015). Corruption and size of government in selected Islamic countries; Granular stiffness panel test based on bootstrap. *Iranian Journal of Economic Research*, 12(23), 9-31. [In Persian]
23. Khamenei, S.A. (2005). *Communication of the general policies of Article 44 of the Constitution by the Leader of the Islamic Revolution of Iran*. Retrieved from <https://www.leader.ir/fa>. [In Persian]
24. Khomeini, R. (2013). *Velayat-e-Faqih (Islamic Government)*. (30th Ed.). Tehran, Iran: Imam Khomeini Publishing. [In Persian]
25. Mir Haidar, D., Rasti, I., & Mirahmadi, F.S. (2013). *Fundamentals of political geography*. Iran, Tehran: SAMT Publications.
26. Momeni, M., & Faal Qayyumi, A. (2010). *Statistical data analysis using Spss*. Iran, Tehran: Iran: Ketab-e-Now Publications. [In Persian]
27. Mosallanejad, A. (2014). *Policy-making of power structure in Iran.*, Iran: Tehran Tehran University Press. [In Persian]
28. Motevaseli, M. (2010). *Economic development: concepts, theoretical foundations, institutionalist and methodological approach*. Iran, Tehran: SAMT Publications. [In Persian]
29. Najjari, R. (2000). *Causes of administrative violations and how to prevent them, improving the health of the administrative system*. Iran, Tehran: Public Management Training Center. [In Persian]
30. North, D.C. (1995). The New institutional economics and third world development. In *The new institutional economics and third world development*, J. Harriss, J. Hunter, & C. M. Lewis(Eds.), (pp. 17-26). New York: Routledge.

31. Ramezani Basri, A., & Mirfardi, A. (2014). Explaining institutionalism and its tendency to development. *Economic Journal*, 14(3-4), 121-138. [In Persian]
32. Rondinelli, D. (1981). Government decentralization in comparative perspective: theory and practice in developing countries. *International Review of Administrative Sciences*, 47(2-9), 47-64.
33. Saei, A. (2001). *Political-economic issues of the third world*. Tehran, Iran: SAMT Publications. [In Persian]
34. Shahram Nia, A.M. (2006). *Globalization and democracy in Iran*. Iran, Tehran: Negah-e Moaser Publishing. [In Persian]
35. Soleimani, G.A., & Naghibzadeh, A. (2009). Political renovation and formation of parties in the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Political Science*, 39(4), 347-367. [In Persian]
36. Stampel, J. (1998). *Within the Iranian revolution*. (M. Shojaei, Trans.). Iran, Tehran: Rasa Cultural Institute Publications. [In Persian]
37. Tafreshi, E. (2018). A Study in understanding geographical factors affecting the formation of centralized political culture in Iran in the contemporary century. *Geographical Research Quarterly*, 33(128), 224-237. [In Persian]
38. Taheri, A. (2006). *Department of local organizations*. Iran, Tehran: Payame Noor University Publications. [In Persian]
39. Veblen, T.B. (1914). *The Instinct of workmanship and the state of the industrial arts*. U.S: New York: Macmillan.
40. Veisi, H. (2013). *Introduction to local government*. Iran: Tehran: SAMT Publications. [In Persian]

آینده پژوهی پيشران‌های موثر بر توزيع فضايی زیرساخت‌های استان خراسان رضوی با تأکید بر پدافند غيرعامل

هادی اعظمی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

aazami@um.ac.ir

اکبر حیدری تاشه کبود (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

heydariakbar@um.ac.ir

حسین رستمی (کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران)

hosainkaveh@yahoo.com

چکیده

امروزه شناخت وضع موجود و چشم‌اندازسازی وضع مطلوب در ارتباط با تحلیل فضایی زیرساخت‌ها در پرتو ملاحظات امنیتی و دفاعی و با بهره‌گیری از رویکردهایی همچون مطالعات آینده‌نگرانه و به-کارگیری توأمان آن با سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، از اهمیتی اساسی در حوزه تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی‌های متناسب با آن در مطالعات آمایش دفاعی برخوردار می‌باشد. از این‌رو، هدف پژوهش حاضر، تحلیل پيشران‌های موثر بر توزيع فضايی زیرساخت‌های استان خراسان رضوی با رویکرد پدافند غيرعامل و استفاده از مطالعات آینده‌پژوهی می‌باشد که برای نیل به این مقصود از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و پیمایش‌های آماری در چارچوب تحلیل‌های مدلی، نرم‌افزاری (میک‌مک و سناریویزارد) و سیستمی (GIS) استفاده گردید. جامعه آماری تحقیق در دو مقیاس انسانی و فضایی تعریف گردید. در بُعد فضایی، کل فضای جغرافیایی استان خراسان رضوی و در مقیاس انسانی، با استفاده از الگوی غیرتصادفی هدفمند، ۴۰ نفر از کارشناسان (۱۵ نفر) و نخبگان (۲۵ نفر) مطرح در حوزه پژوهش حاضر که از دانش علمی و اجرایی لازم برخوردار بودند، به‌عنوان نمونه مطالعاتی، انتخاب شدند. نتایج نشان داد که با توجه به مجموع شاخص‌های تحقیق، پهنه‌های آسیب‌پذیر استان خراسان رضوی در پنج حوزه به‌صورت پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی زیاد (۷,۳۳ درصد)، زیاد (۱۶,۵۲ درصد)، متوسط (۲۹,۷۸ درصد)، کم (۱۶,۹۴ درصد) و خیلی کم (۲۹,۴ درصد)، قابل تفکیک است. همچنین، به‌اعتبار نتایج به‌دست آمده، الگوهای تراکم و پراکندگی زیرساخت‌های محدوده مورد مطالعه به‌ترتیب متمرکز و خوشه‌ای و به‌صورت خودهمبسته تصادفی بوده است. در این بین،

عواملی همچون ضوابط قانونی - سیاست‌گذاری و زیرساختی - نهادی، به‌عنوان پیشران‌های کلیدی اثرگذار بر توزیع فضایی زیرساخت‌های استان شناسایی شدند و متناسب با آن، الگوهای آتی قابل تحقق در سه گروه سناریوهایی با مطلوبیت بالا (وضعیت سبز)، قابل قبول (وضعیت زرد) و بحران (وضعیت قرمز)، ارائه شدند. در نهایت نیز پیشنهادهایی جهت افزایش مطلوبیت زیرساخت‌های استان خراسان رضوی ارائه گردید.

واژه‌گان کلیدی: آینده‌پژوهی فضایی، پدافند غیرعامل، زیرساخت منطقه‌ای، آمایش دفاعی، خراسان رضوی.

۱. بیان مسئله

امروزه، توجه به اصول و کاربردهای دفاع غیرعامل با تأکید بر رویکرد تحلیل ساختار فضایی زیرساخت‌های منطقه‌ای و بخشی، از اهمیتی اساسی در حوزه برنامه‌ریزی آمایش دفاعی سرزمین برخوردار است (Kameran & et al, 2011). با اتکاء به این نکته می‌توان گفت که توسعه پایدار در ارتباط با تحلیل پدافندی زیرساخت‌های استراتژیک و حیاتی هر سکونتگاه انسانی، فرآیندی چند بُعدی است که درک آن به منظور وقوف بر مشکلات و یا قابلیت‌های توسعه‌ای سازمان فضایی هر کشور در گرو تحلیل صحیح پیچیدگی‌ها و ابعاد اغلب متضاد آن می‌باشد. بنابراین، ضرورت شناخت وضع موجود و چشم‌اندازسازی وضع مطلوب در ارتباط با زیرساخت‌ها در پرتو ملاحظات امنیتی و دفاعی و با بهره‌گیری از رویکردهای نوین فضایی همچون سیستم اطلاعات جغرافیایی و مطالعات آینده‌پژوهانه، دارای اهمیتی انکارناپذیر می‌باشد (Faraji & et al, 2015؛ Edward, 2017; Raggers & et al, 2016). بایستی اشاره نمود که دستیابی به سطوح بالای توسعه در هر فضای سرزمینی، مستلزم وجود طرح‌های آمایشی و آینده‌پژوهانه در قبل، حین و هنگام وقوع بحران است تا ضمن حفاظت از زیرساخت‌های موجود، ضریب آسیب‌پذیری این تأسیسات را به حداقل رسانده و با تدوین سناریوهای مرتبط با آن‌ها و شناسایی پیشران‌های موثر بر تحلیل زیرساخت‌ها از هدررفتن سرمایه‌های انسانی و مالی جوامع به‌ورطه بحران و تهدید، جلوگیری نماید (Turner, 2016). در بُعد دیگر می‌توان ضرورت وجود برنامه‌های آمایش دفاعی را در مقیاس منطقه‌ای در تمرکززدایی از تأسیسات و امکانات راهبردی، متناسب با جمعیت و نقاط سکونتگاهی قلمداد نمود تا در صورت وقوع خطر، تهدیدی اساسی بر اثر تمرکز غیراستاندارد

زیرساخت ها به وجود نیاید و ارائه خدمات بنیادین به افراد استقرار یافته در پهنه های مختلف سرزمینی و منطقه ای با اختلال توأم نگردد (Movahedinia, 2007؛ Collins, 2008).

بر این اساس، می توان اشاره نمود که تمرکزگرایی در استقرار زیرساخت ها، بی تعادلی، بی نظمی، اغتشاش بین عملکردهای اختصاص یافته به هر کدام از تأسیسات زیرساختی و ضرورت های دفاعی انسان و فضای جغرافیایی در صورت بروز هرگونه بحران را می توان تهدیدی در حوزه آمایش دفاعی سرزمین تعریف نمود (Parizei & Kazeminia, 2015؛ Heli & et al, 2017). به بیان دیگر، ناپایداری زیرساخت های ضروری و اساسی کشور، عدم پایداری و قدرت اداره در دستگاه های اجرایی کشور و قابلیت پائین مدیریت و پاسخگویی به نیاز مردم در صورت وقوع و عملی شدن تهدید را می توان نوعی آمایش سرزمینی غلط و عدم هماهنگی با نیازهای اولیه انسان که امنیت دفاع در برابر متجاوز می باشد، تعریف کرد (Coaffee, 2009؛ Zhou, 2011). بنابراین، پدافند غیرعامل در حوزه آمایش سرزمین و در ارتباط با تحلیل فضایی و آینده پژوهانه زیرساخت های منطقه ای، عبارتست از کلیه راهبردها، برنامه ها و الزامات آمایشی نظیر تمرکززدایی، ایجاد تعادل، اختصاص عملکرد مناسب و انتخاب مقیاس بهینه و غیره به منظور پاسخگویی به آسیب ها و خطرهای حاصل از آن در برابر تهدیدهای نظامی و غیرنظامی، به گونه ای که با انجام این مجموعه اقدامات و تدوین چشم اندازهای ناشی از آن، بتوان به یک پایداری نسبی در زیرساخت ها، شهرها و مردم در برابر تهدیدها دست یافت (Jalali farhani, 2010؛ Kazemi & Tabrizi, 2015؛ Quarol, 2005). بر این اساس، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل شرایط سیاسی بوجود آمده و موقعیت جغرافیایی منحصربه فرد کشور، تهدیدهای جدی سیاسی، اقتصادی و نظامی متوجه کشور گردید و زمینه های لازم برای توجه به حفاظت از زیرساخت های حیاتی کشور در مقیاس های کلان و منطقه ای در سایه برنامه ریزی های دفاع غیرعامل شکل گرفت. در این میان، حوادثی همچون جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران، جنگ اول خلیج فارس، حملات نظامی آمریکا به عراق و افغانستان، قرارگیری ایران در فهرست ده کشور حادثه خیز دنیا، قوانین مصوب برنامه های پنجم و ششم توسعه اقتصادی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در حوزه پدافند غیرعامل و تأکیدات ویژه مقام معظم رهبری بر اهمیت ملاحظات دفاع غیرعامل در گستره فضای سرزمینی با رویکردهای نوین، لزوم توجه به مدیریت این حوادث به لحاظ کاهش خطرزایی و آسیب پذیری تهدیدها و بحران ها (اعم از طبیعی و غیرطبیعی)، و استفاده از روش های صحیح مدیریتی و فناوری های موجود، به ویژه در مورد ایمن سازی خدمات و زیرساخت های منطقه ای و

توجه به حفظ سرمایه‌های ملی در حوزه‌های مختلف نظیر دفاع، صنعت، انرژی، اقتصاد، بهداشت، اطلاعات، ارتباطات، امنیت و غیره، بر اهمیت تحلیل فضایی زیرساخت‌های حیاتی کشور به‌صورت روزمره افزوده است (Khammar & Saleh Gohari, 2013). در این میان، استان خراسان رضوی به‌عنوان یکی از مناطق کلیدی استقرار یافته در محدوده شمال شرقی ایران ضمن آنکه از اهمیت استراتژیک دفاعی و مرزی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است، به‌لحاظ جغرافیایی نیز دارای گستردگی قابل توجهی در قیاس با سایر نواحی همجوار خود می‌باشد. همچنین، قرارگیری حرم مطهر امام رضا (ع) در مرکز این استان، بر اهمیت دفاعی و پدافندی محدوده مورد مطالعه در ارتباط با قرارگیری زیرساخت‌های منطقه‌ای افزوده است. همچنین، این استان، به‌عنوان قطب تمرکزگرایی تجاری، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره در شمال و شمال شرقی ایران نظیر سایر استان‌های بزرگ کشور دچار پراکنش نامنظم زیرساخت‌ها نسبت به جمعیت و واحدهای سکونتگاهی شده است (حیدری و باختر، ۲۰۱۸: ۳۴). به‌نحوی که کلانشهر مشهد به‌عنوان مرکز این استان در کنار گریز اقتصاد نیشابور-سبزوار، بیشترین حجم و میزان از زیرساخت‌های استان را در خود متمرکز نموده‌اند. حال آنکه، در بیش از ۲۳ نقطه شهری و ۲۰۰ نقطه روستایی استان (مناطق شمالی، جنوبی و جنوب شرقی)، تمرکز و پراکنش نسبی این زیرساخت‌ها، به‌شدت نامتوازن و میزان آن‌ها از استانداردهای رایج در ارتباط با جمعیت و فضای جغرافیایی و سکونتگاهی تحت پوشش (تراکم)، بسیار پایین‌تر است، به‌نحوی که اکثر این مناطق در وضعیت بهره‌مندی متوسط به‌پائین قرار دارند (Azami & Heydari, 2019). این امر از چند بُعد قابلیت بررسی دارد؛ در مرحله اول، در صورت بروز هرگونه تهدید مستقیم و غیرمستقیم، به‌علت تراکم بیش‌ازحد زیرساخت‌های استان (اقتصادی، اجتماعی، درمانی، آموزشی، امدادی، حمل و نقل و غیره) در گره‌های خاص سکونتگاهی و جغرافیایی که بدون کمترین توجه به اصول پدافند غیرعامل در بحث مکان‌یابی صحیح زیرساخت‌ها، احداث شده‌اند، در معرض شدیدترین تخریب‌ها قرار خواهند گرفت و میزان بالایی از خسارت‌های مادی و جانی را تحمیل خواهند نمود که این امر در کوتاه و میان‌مدت قابلیت جبران نخواهد داشت. لذا در مرحله دوم، چنین تراکم غیراستانداردی از زیرساخت‌ها در مقیاس فضایی جغرافیایی استان، بدون وجود یک برنامه جامع آمایش دفاع سرزمینی در ارائه خدمات زیرساختی به سایر محدوده‌های استان به‌هنگام وقوع بحران، با چالش جدی مواجه خواهد نمود. لذا، در قالب تبیین مسئله پژوهش حاضر لازم است تا در چارچوب الگوهای تحلیل فضایی و برنامه-ریزی آینده‌پژوهانه، ضمن شناسایی پیشران‌های کلیدی موثر بر تحلیل فضایی زیرساخت‌های استان

خراسان رضوی با رویکرد پدافند غیرعامل، الگوهای تراکم و پراکندگی زیرساخت‌های محدوده مورد مطالعه با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیای تحلیل و متناسب با آن نیز سناریوهای مرتبط با این زیرساخت‌ها در افق میان مدت ارائه شود.

۲. چارچوب مفهومی - نظری پژوهش

در حوزه مطالعات آینده‌پژوهی، توزیع فضایی زیرساخت‌های حیاتی هر محدوده انسانی، جزئی اساسی از فرآیند شناسایی پیشران‌های موثر بر آن فضا تلقی می‌گردد. به نحوی که تحلیل توأمان رویکردهای آمایشی و آینده‌پژوهی در چارچوب ابعاد دفاعی و پدافندی، نقطه تحول مهمی در عرصه مطالعات مرتبط با تحلیل حوزه‌های امن و عرضه‌های غیرقابل دفاع در مقیاس منطقه‌ای به حساب می‌آید. در ادامه، در قالب جدول (۱) به بیان مهمترین تعاریف و مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۱. مهمترین تعاریف و مفهوم مرتبط با پژوهش

مفهوم	تعریف	مأخذ تعریف
فضا	«فضا» محیط همگون و نامحدودی است که در آن «اشیاء محسوس» جایگزین شده است. از منظر لایپ و کانت، فضا امری ادراک‌شدنی و غیرقابل تقسیم می‌باشد و با مفهوم «وسعت» که بی‌نهایت و تقسیم‌شدنی است، یکی نمی‌باشد.	ادوارد (۲۰۱۰)؛ زوی (۱۹۷۵)
تحلیل فضایی	در یک مفهوم کلی آن را درک یکپارچه محیط و پایش مستمر تغییرات فضایی به‌منظور سنجش همگونی یا ناهمگونی در استقرار زیرساخت‌ها و پدیده‌های مرتبط با فضا به‌منظور سنجش میزان استاندارد یا غیراستاندارد بودن توزیع زیرساخت‌ها می‌دانند. «تحلیل فضایی» نوعی تحلیل جغرافیایی است که به دنبال توضیح الگوهای رفتار انسانی و بیان فضایی آن با توجه به اصول هندسی فضا و تحلیل‌های مکانی مربوط به آن است.	ورث (۱۹۷۹)؛ حیدری (۲۰۱۶)؛ کالن (۱۳۷۷)
توسعه پایدار فضایی	توسعه پایدار فضایی شامل تنظیم روابط و کشش‌های متقابل بین عوامل انسانی، اقتصادی و عوامل محیطی به‌منظور ایجاد سرزمینی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه و پایدار از استعدادها و توانایی‌های انسانی و محیطی می‌باشد که در آن ظرفیت‌ها و چالش‌های توسعه فضا در نظر گرفته شده و متناسب با آن برنامه‌های عملیاتی، تدوین می‌یابد.	حیدری و همکاران (۲۰۱۹)؛
پیشران	مجموعه عوامل کلیدی اثرگذاری بر حوزه‌های هدف برنامه‌ریزی را پیشران می‌گویند. این عوامل ضمن برخورداری از بالاترین اثرگذاری، بیشترین ثبات و پایداری را در سیستم فضایی	کورساوا و کُنویتز (۲۰۰۱)

مفهوم	تعریف	مأخذ تعریف
	به وجود می‌آورند.	
آینده‌پژوهی	آینده‌پژوهی را دانش و معرفت شکل‌بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه، عامدانه و پیش‌دستانه دانسته‌اند به نحوی که انجام آن، انسان را از غافلگیری در برابر توفان سهمگین تحولات شهری محافظت می‌کند و کوششی نظام‌مند برای همه حوزه‌های شهری است؛ به نحوی که از دل تغییر کردن یا نکردن امروز، واقعیت‌های فردا را به وجود می‌آورد. سه رویکرد اصلی مطرح در حوزه آینده‌پژوهی الگوهای پس‌نگری، پیش‌بینی و نشانه‌شناسی است. که در این پژوهش از رویکردهای پس‌نگر و نشانه‌شناسی استفاده شده است.	رهنما و معروفی، ۲۰۱۵؛ هان (۲۰۰۸)
برنامه‌ریز سناریو	سناریو را روشی منظم جهت به تصویر کشیدن آینده‌های ممکن در تصمیمات سازمانی تعریف می‌کنند که ممکن است در آینده نقش داشته باشند.	چرماک و همکاران (۲۰۰۱)
پدافند غیرعامل	مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای می‌باشد که موجب افزایش ارتقاء پایداری ملی، تسهیل مدیریت، تداوم فعالیت‌های ضروری و کاهش آسیب‌پذیری، در مقابل تهدیدها و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد.	توماس (۱۹۹۴)؛ سازمان پدافند غیرعامل کشور (۲۰۱۸)
تراکم پراکندگی فضایی	میزان تمرکز زیرساخت‌ها در یک ناحیه را تراکم و فشردگی زیرساخت و توزیع آن در مقیاس فضاهای یک سکونتگاه انسانی در جهت تسریع در خدمات‌رسانی و بهره‌گیری از فرصت‌های برابر، را پراکندگی فضایی می‌نامند.	شوماخر (۱۹۹۵)؛ رینگلند (۱۹۹۸)

مأخذ: Research Findings, 2020

نکته قابل توجه، تفاوت پژوهش حاضر با سایر موضوعات انجام‌شده به لحاظ رویکرد و روش به کار رفته و ترکیب آن با سایر الگوهای مطالعاتی است. به نحوی که استفاده از ابعاد آمایش دفاعی فضا در کنار رویکردهای آینده‌پژوهانه و تحلیل‌های مرتبط با سیستم اطلاعات جغرافیایی، راهبرد نوینی است که تاکنون در حوزه مطالعات استراتژیک دفاعی، نمود چندانی نداشته است. همچنین، شناسایی پیشران‌های اثرگذار بر تحلیل فضایی زیرساخت‌ها و تدوین سناریوهای مرتبط با آن در میان مدت از جمله دیگر ابعاد نوآورانه این کار تحقیقی به شمار می‌آید که چندان در سایر مطالعات انجام شده مدنظر نبوده است. در ادامه در قالب جدول (۲)، مروری بر مهمترین پژوهش‌های صورت گرفته بر ابعاد مختلف موضوع ارائه شده است.

1. Chermak & et al.
2. Schwmaxer.
3. Ringland.

جدول ۲. پژوهش های داخلی پیرامون ابعاد متفاوت موضوع

محقق	سال	محتوای پژوهش
دلآوری و جلالی	۲۰۰۹	در مقاله پژوهشی خود با عنوان «نقش تعیین کننده آینده پژوهی در مدیریت بحران و روش های به کارگیری آن»، پدافند غیرعامل را عنصری اساسی در ادامه حیات شهری ارزیابی نموده اند. آن ها همچنین مکان یابی صحیح کاربری ها و توجه همزمان به شاخص های مدیریت بحران را امری ضروری در توسعه تسهیلات شهری معرفی نموده اند.
اسفندیاری و همکاران	۲۰۱۱	آن ها در کتاب خود با عنوان «نقش محوری جمعیت هلال احمر در توزیع زیرساخت های منطقه ای» با روش اسنادی و میدانی و توجه به تجربیات گذشته به بررسی نقش جمعیت هلال احمر در مواجهه با بحران های شهری پرداخته اند. نتایج این پژوهش نشان دهنده اهمیت به کارگیری نهادهای متولی مدیریت بحران در دفاع شهری است.
دلیر و همکاران	۲۰۱۳	در مقاله ای با عنوان «پیشران های موثر بر توسعه پایدار شهری با تأکید بر کاربری های تهدیدپذیر کلانشهر تبریز با مطالعات GIS»، و با بهره گیری از روش های سیستمی و پیمایشی توجه به جایگزینی کاربری ها را در سطح شهر تبریز با نگاهی آینده پژوهانه مورد بررسی قرار داده اند. آن ها، مکان یابی صحیح کاربری ها را عامل مهمی در دستیابی به توسعه پایدار شهری بیان نموده اند.
تقوایی و حسنی - نژاد	۲۰۱۶	عنوان مقاله این پژوهشگران «آسیب پذیری کالبدی - عملکردی سازمان های متولی مدیریت بحران شهر شیراز» می باشد. هدف اصلی این پژوهش سنجش و ارزیابی آسیب پذیری کالبدی - عملکردی سازمان های متولی مدیریت بحران است که در قالب ۵ شاخص اصلی و ۲۸ زیر معیار در چارچوب مدل AHP و Promethee مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که در بین شاخص های پژوهش، شاخص فاصله از رودخانه خشک با اهمیت عنصر و سیستم سرمایشی کم اهمیت ترین عامل می باشد.
زیویار و همکاران	۲۰۱۸	آن ها در کتاب خود با عنوان «برنامه ریزی شهری با رویکرد آینده پژوهی» در ۵ فصل مقوله های امنیت، بحران، مدیریت بحران، تاب آوری شهری و دفاع غیرعامل را مورد بررسی قرار داده اند.
پژوهش های خارجی		
توین و مونتهز ^۱	۱۹۹۷	در کتاب خود با عنوان «نگاهی ساختاری به مفهوم آسیب های مکانی»، هدف اصلی پژوهش خود را تحلیل اهمیت مکان یابی در استقرار زیرساخت های شهری بیان نموده اند و بحث مکان یابی صحیح تأسیسات و تجهیزات شهری را به سه فاکتور: الف) عوامل ریشه ای و بنیادی (دسترسی محدود به انرژی، ساختارها و منابع، نظام ایدئولوژیک و...)، ب) مؤلفه های دینامیک (موسسات محلی، آموزش، کیفیت زندگی، تحولات جمعیتی، شهرنشینی و...) و پ) شرایط ایمنی (محیط فیزیکی، زیر ساخت ها، نظام کالبدی، عملکردهای سازمانی، اپیدمی) پیوند زده اند. از این رو، این پژوهش امنیت ساکنان شهر را به مقوله مکان یابی کاربری ها بر طبق اصول پدافند غیرعامل پیوند زده است.

محقق	سال	محتوای پژوهش
وایتی و همکاران	۲۰۱۶	در مقاله ای با عنوان "دفاع غیرعامل و تأسیسات شهری"، به بررسی نحوه مکان‌گزینی تجهیزات و تأسیسات خدماتی در نواحی شهری کشورهای جهان سوم پرداخته‌اند. آن‌ها در این پژوهش با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای و استانداردهای محقق ساخته به این نتیجه دست یافته‌اند که هیچ کدام از کشورهای مورد مطالعه به لحاظ مکان‌گزینی صحیح عناصر حیاتی شهر به‌هنگام بروز بحران‌های انسانی و غیرانسانی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند.
اوانس ^۱	۲۰۱۸	در مقاله خود با عنوان «محافظت از ایستگاه‌های آتش‌نشانی و امنیت شهروندان» که با هدف تسریع در فرآیند خدمات‌رسانی به شهروندان در مواقع بحران به‌نگارش در آورده است، ضمن بررسی میزان آسیب‌پذیری ایستگاه‌های آتش‌نشانی به‌هنگام بروز بحران‌های نظامی در لندن، به‌اولویت‌بندی استراتژیک از مسائل مرتبط با موضوع پرداخته است و در نهایت، امن‌ترین محلات شهر لندن را به لحاظ مکان‌یابی صحیح ایستگاه‌های آتش‌نشانی مشخص نموده است. آن گونه که مطرح گردید.
نلسون	۲۰۱۹	در مقاله‌ای تحت عنوان «فضاهای شهری و تهدیدهای استراتژیک» به‌صورت ضمنی به بررسی تخریب منابع زیرساختی به دنبال وقوع حوادث تروریستی در شهرهای اروپایی پرداخته است. وی به این منظور با بهره‌گیری از مطالعات استراتژیک و آینده‌نگرانه، مهمترین تهدیدهای پیش‌رو را طبقه‌بندی نموده است و با بیان نقاط قوت و فرصت هر کدام از کشورها در مواجهه با چنین شرایطی، پیشنهادهای خود را در چارچوب ماتریس سوات ^۲ ارائه داده است.

مأخذ: Research Findings, 2020

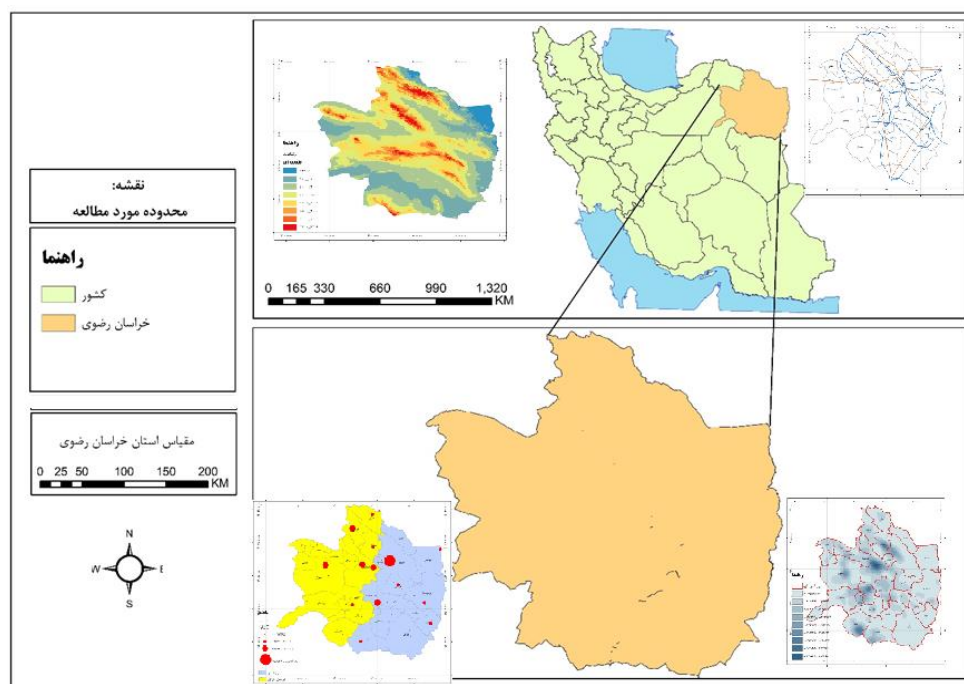
۳. معرفی محدوده مورد مطالعه

خراسان رضوی در شمال شرقی ایران در بین طول جغرافیایی ۵۶ درجه ۱۴ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۱۷ دقیقه و در عرض جغرافیایی ۳۳ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۳۹ دقیقه واقع شده است. این استان دارای ۲۸ شهرستان، ۷۰ بخش، ۷۳ شهر و ۱۶۴ دهستان می‌باشد (Iran Statistic Center, 2019). بر مبنای آخرین آمارهای جمع‌آوری شده در سال ۱۳۹۷، جمعیت استان خراسان رضوی بیش از ۷۴۰۰۰۰۰ نفر بوده است (Khorasan Razavi Governorate, 2019). به لحاظ جغرافیای طبیعی بایستی اشاره نمود که بیش از نیمی از مساحت محدوده مورد مطالعه را کوهستان‌های جوان دوره ترشیاری تشکیل می‌دهند که ویژگی‌های عمومی چین خوردگی آلپ-هممالیا را دارند و نقش مهمی در ادامه حیات دشت‌های استان ایفا می‌کنند (Geological Survey of Iran, 2018). همچنین، استان خراسان رضوی در ناحیه معتدل شمالی قرار گرفته است و به‌طور کلی، آب و هوای متغیر دارد. دمای هوای استان از شمال به‌طرف جنوب افزایش

1. Evans.

2. SWOT Matrix.

می یابد؛ ولی از میزان بارش سالانه آن کاسته می شود (Khorasan Razavi Meteorological Organization, 2019). پس از تقسیم استان خراسان رضوی در تابستان سال ۱۳۸۳ به سه استان خراسان رضوی، شمالی و جنوبی، این استان به عنوان هسته اصلی خراسان بزرگ، شکل جغرافیای جدیدی را به خود گرفت. خراسان رضوی، ۷ درصد از خاک کشور جمهوری اسلامی ایران را در بر گرفته و حدود ۱۱۹۹۳ کیلومتر مربع وسعت دارد. این استان از شمال و شمال شرقی ۵۳۱ کیلومتر با جمهوری ترکمنستان و از شرق ۳۰۲ کیلومتر با افغانستان هم مرز می باشد و از لحاظ مرزهای داخلی به استان های خراسان شمالی، خراسان جنوبی، یزد و سمنان محدود می باشد (Entezari & et al, 2013). موارد بیان شده در قالب ویژگی های تحلیل شده، باعث شده است که استان خراسان رضوی همواره در معرض تهدیدهای جدی نظامی، طبیعی، اقتصادی و مواردی از این دست باشد. این امر اهمیت انجام پژوهش حاضر را در محدوده مورد مطالعه بیش از پیش، ضروری نموده است.



شکل ۱. موقعیت استان خراسان رضوی در جمهوری اسلامی ایران و شمال شرق کشور.

مأخذ: Research Findings, 2020

۴. روش‌شناسی تحقیق

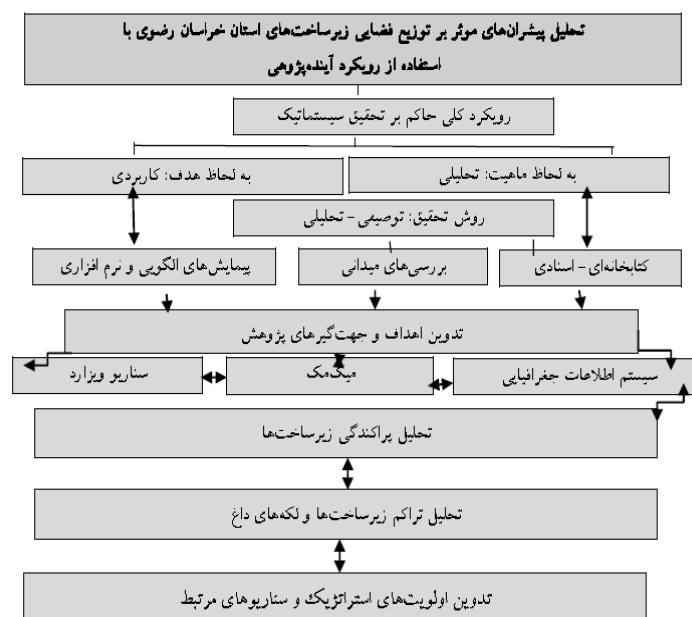
روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای-اسنادی و پیمایش‌های آماری در چارچوب تحلیل‌های سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS)، و الگوهای نرم‌افزاری (میک‌مک^۱ و سناریوویزارد^۲) می‌باشد. در ادامه، در مرحله توصیفی، ضمن تبیین وضعیت کلی محدوده مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های تحلیل فضایی در مقیاس زیرساخت‌های استان، ویژگی‌های افراد نمونه بررسی گردید. به این اعتبار، جامعه آماری تحقیق در دو مقیاس انسانی و فضایی از قابلیت تعریف و تفکیک برخوردار است. به نحوی که در مقیاس فضایی، عبارتست از کل فضای جغرافیایی استان خراسان رضوی و در مقیاس کارشناسان و نخبگان، جامعه آماری را می‌توان مجموعه افرادی دانست که به عنوان کارشناسان و نخبگان علمی و اجرایی در محدوده مورد مطالعه مشغول به فعالیت بوده‌اند و پیرامون به کارگیری مطالعات آینده‌پژوهی در عرصه توزیع زیرساخت‌های منطقه‌ای در مقیاس خراسان رضوی از دانش و تجربیات لازم برخوردار باشند. در این پژوهش با انتخاب حالت حداکثری از طریق نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند، تعداد ۱۵ نفر از کارشناسان حوزه مورد مطالعه در سراسر استان و ۲۵ نفر از نخبگان علمی و اجرایی با ترکیب ۱۵ نفر از اساتید دانشگاه و ۱۰ نفر از مسئولان محلی و منطقه‌ای در محدوده مورد بررسی به عنوان افراد نمونه برگزیده شدند. در ادامه، با تفکیک زیرساخت‌ها در حوزه‌های مرتبط (نظیر انرژی، صنعتی، درمانی و غیره)، الگوی توزیع فضایی زیرساخت‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت و با فراخوانی لایه‌های مربوط در محیط سیستم اطلاعاتی جغرافیایی و ابزار تحلیل فضایی^۳، چگونگی توزیع این زیرساخت‌ها در مقیاس فضایی استان به دست آمد. در ادامه با محاسبه ضریب تراکم زیرساخت‌های مختلف در محدوده، میزان انباشتگی محاسبه گردید. همچنین، جهت محاسبه میزان آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها به هنگام وقوع بحران با توجه به تراکم‌های به دست آمده و در قالب تدوین پرسش‌نامه مرتبط، شاخص‌ها مورد سنجش و امتیازدهی قرار گرفت و در نهایت رتبه زیرساخت‌هایی که بالاترین تا پایین‌ترین میزان آسیب‌پذیری را دارا می‌باشند، به دست آمده و طبقه‌بندی متناسب از آن ارائه گردید. سپس، آراء به دست آمده از پرسش‌نامه‌ها در چارچوب نرم‌افزار میک‌مک در قالب اثرگذاری‌های ۰ تا P (۰: اثرگذاری خنثی، ۱: اثرگذاری ضعیف، ۲: اثرگذاری متوسط، ۳: اثرگذاری زیاد و P: اثرگذاری بالقوه) و عدم قطعیت‌های ۰ تا ۵ (در طیف خیلی کم تا

1. Mic Mac software.

2. Scenario Wizard Planning.

3. Spatial Analysis Tool

خیلی زیاد) طبقه‌بندی گردید. خروجی‌های حاصل در قالب نمودار اثرسنجی - عدم قطعیت محاسبه و سپس سناریوهای مطلوب، قابل قبول و بحرانی، بر مبنای آراء نخبگانی (کیفی) و کمی‌سازی آن در قالب اعتباری‌سنجی ۳+ (شدید مثبت) تا ۳- (شدید منفی)، صورت گرفت و چشم‌اندازهای مرتبط با هر کدام تدوین گردید.



شکل ۲. نمودار فرآیندی پژوهش.

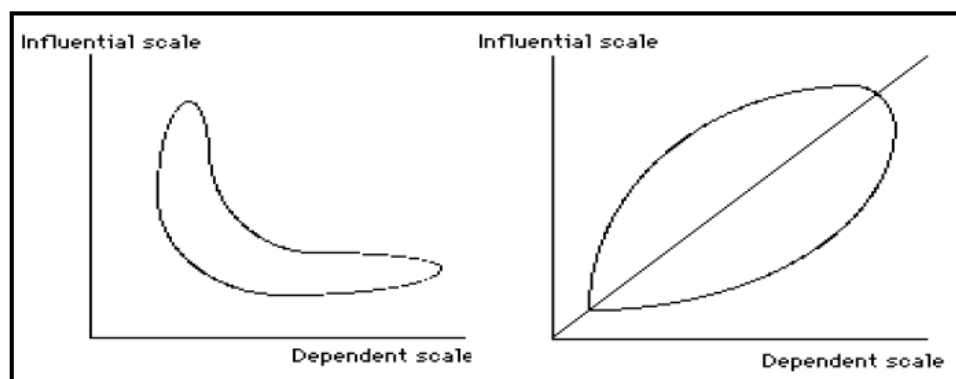
مأخذ: Research Findings, 2020

۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵. وضعیت کلی سیستم آمایش دفاعی سرزمین در استان خراسان رضوی

به منظور دستیابی به درکی درست از وضعیت پایداری یا ناپایداری سیستم آمایش دفاعی سرزمین در محدوده مورد مطالعه، بایستی به نحوه چیدمان و توزیع شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی در سطح صفحه نمودارهای استراتژیک و سناریونگرانه و تحلیل فضایی زیرساخت‌ها، توجه نمود. در سیستم‌های پایدار آمایشی و دفاعی، توزیع متغیرها با دارا بودن تعدادی ضریب اثرگذاری و تأثیرپذیری بالا به صورت تقریباً مساوی در نقاط مختلف نمودار به صورت I انگلیسی خواهد بود، درحالی که در سیستم‌های ناپایدار

آمایشی این امر به صورت توزیع نامتوازن ضرایب، حول خط قطری در جهت‌های شمال شرقی و جنوب غربی نمودار خواهد بود و علاوه بر این نمی‌توان الگوی واحدی در توزیع متغیرها در صفحه نمودار ارائه داد. با توجه به مجموعه ارزش‌های محاسبه شده و همچنین آنچه در قسمت‌های بعدی خواهد آمد، می‌توان گفت که سیستم آمایش دفاعی سرزمین از ناپایداری بسیار شدیدی رنج می‌برد، به نحوی که داده‌ها و توزیع آن‌ها ضمن عدم برخورداری از روندی یکسان، دارای میزان متفاوت بهره‌مندی در توزیع می‌باشد، به گونه‌ای که پس از امتیازهای بالای ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۳ و... مطابق ماتریس اثرات متقاطع و اثرگذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم، دیگر حدود میانه‌ای از ارزش‌های محاسبه شده برای متغیرها وجود ندارد و به صورت آنی با ضرایب بسیار پائین‌تری مواجه می‌شویم که این روند معمولی و استاندارد در توزیع شاخص‌ها نمی‌باشد. به طور کلی، هر سیستم پایداری، دارای متغیرهای مستقل، کلیدی و نتیجه می‌باشد که در سیستم‌های ناپایدار، تفکیک این عناصر بسیار سخت می‌باشد، زیرا اکثر شاخص‌ها دارای ارزش‌های عددی نزدیک به هم بوده و اثرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها نیز از دیگر متغیرها و از همدیگر به صورت میانه‌های نزدیک به هم و بینایی می‌باشد.



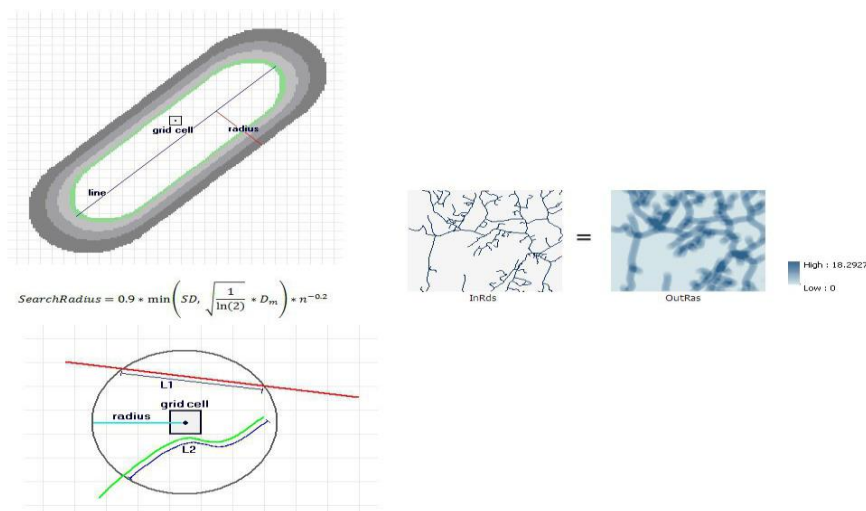
شکل ۳. پایداری یا ناپایداری در سیستم.

مأخذ: Heydai & Bakhtar, 2018; Godet, 1991 & Zali, 2009

۲.۵. تراکم زیرساخت‌های استان خراسان رضوی

تراکم مانند بسیاری از پدیده‌های انسانی، موضوعی پیچیده و چندبُعدی است که ساماندهی آن نیازمند نگرش کلان و جامع است و به دنبال آن استفاده از سیاست‌ها، روش‌ها، مدل و ابزارهای خاص مورد نیاز

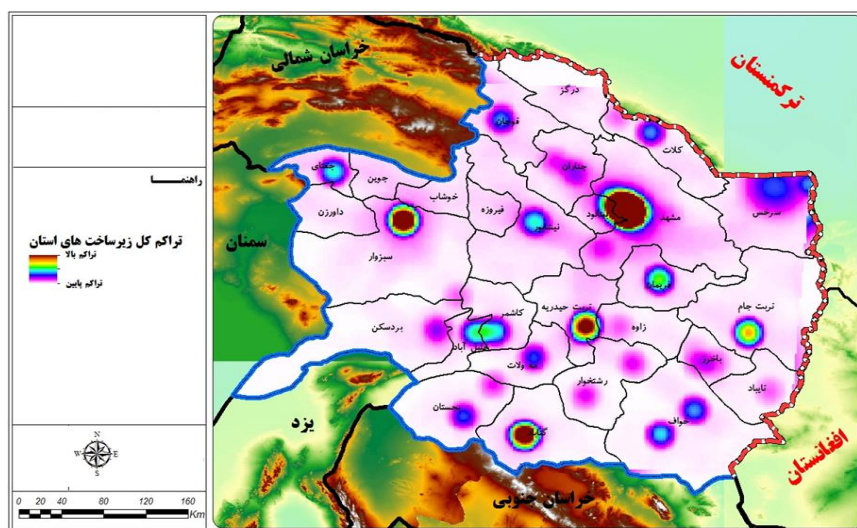
است که به‌کارگیری آنها نیازمند اشراف به شرایط محلی، منطقه‌ای و حتی جهانی و توجه به تأثیرات تکنولوژی بر این پدیده دارد. تراکم در رابطه با سرانه‌ها مشخص می‌گردند که به معنی وضعیت انباشتگی و تجمع یک عارضه یا ویژگی عارضه می‌باشد و توزیع جغرافیایی شهرها، روستاها، زیرساخت‌ها و غیره در سطح زمین را نشان می‌دهد و یکی از مفاهیم کلیدی جهت پیش‌بینی و کنترل کاربری اراضیست که متأثر از فرهنگ، نگرش‌های سیاسی، زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد. برای نشان‌دادن تراکم از سامانه GIS استفاده می‌شود. برای این کار، هر عارضه بعد از فراخوانی لایه‌های مربوطه در جعبه ابزار Spatial Analysis بخش مربوط به Density را انتخاب کرده و تراکم هر عارضه را براساس این دستور مشخص می‌نمائیم. به‌نحوی که سامانه بر اساس نزدیکی زیرساخت‌ها به هم، تراکم را محاسبه می‌نماید. در این پژوهش، جهت دستیابی به تحلیل‌های دقیق فضایی، تراکم تمامی زیرساخت‌های اصلی استان خراسان رضوی همچون مراکز صنعتی، خطوط انرژی (گاز، نفت، برق و بنزین)، فرودگاه‌ها و سدها، شبکه راه‌های روستایی و شهری استان، تراکم بیمارستان‌ها و مراکز درمانی و مراکز آموزشی و دانشگاهی، مورد توجه قرار گرفته و در تحلیل‌های نهایی مدنظر بوده است. برای بررسی تراکم زیرساخت‌ها از شکل (۴) در قالب سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده شده است.



شکل ۴. فرمول محاسبه تراکم زیرساخت‌ها و شکل‌های مرتبط با آن در GIS.

مأخذ: Research Findings, 2020

در نهایت، پس از بررسی هر یک از زیرساخت‌های استان به صورت مجزا، اقدام به بررسی تراکم کل زیرساخت‌ها گردید و جهت بررسی وضعیت تراکم کل زیرساخت‌ها در سطح استان خراسان رضوی، شکل (۵) تهیه گردید، در این شکل، شهرستان‌هایی با تراکم بالا از نظر وضعیت زیرساخت‌ها با رنگ تیره و شهرستان‌های با تراکم پایین با رنگ روشن نشان داده شده‌اند. بر اساس این شکل، شهرستان‌هایی با تراکم بالای زیرساخت‌ها شامل مشهد، نیشابور، سبزوار، تربت حیدریه، گناباد و تربت جام می‌باشند و سایر شهرستان‌های استان همچون فیروزه، خوشاب، داورزن، تایباد، بردسکن، رشتخوار و زاوه از تراکم پایینی برخوردارند. به نحوی که بین این دو طیف تراکمی، هیچ تناسبی به لحاظ توزیع فضایی زیرساخت‌ها وجود ندارد. در تحلیلی دیگر از این تراکم‌ها می‌توان اشاره نمود که علی‌رغم تراکم حداکثری در مناطق مذکور، ضریب آسیب‌پذیری این نواحی نیز به طور چشم‌گیری بالا خواهد بود که این امر به هنگام وقوع بحران، ضمن افزایش خسارت ناشی از تهدید، خدمات‌رسانی را نیز با چالش جدی مواجه خواهد نمود. این امر نشان می‌دهد که تراکم و توزیع زیرساخت‌های استان خراسان رضوی چندان با اصول آمایش صحیح فضایی انطباق نداشته و لازم است که با بازنگری این تراکم‌ها و تدوین اسناد آمایش دفاعی مرتبط با آن با رویکردهای آینده‌پژوهانه، ضمن بازتوزیع استاندارد زیرساخت‌ها، ضریب خسارت‌پذیری را به هنگام بحران به حداقل ممکن کاهش داد.



شکل ۵. تراکم کل زیرساخت‌های استان خراسان رضوی.

مأخذ: Research Findings, 2020

۳. ۵. تعیین میزان آسیب پذیری زیرساخت های استان خراسان رضوی

سطوح ثقل (سطح اهمیت) در چهار سطح حیاتی، حساس، مهم و قابل حفاظت دسته بندی می گردند. از آنجا که تعداد مراکز ثقل استان ها بسیار گسترده است، بایستی با توجه به سطح تعریف شده برای این پروژه و درک اهمیت آن ها، به جایگاه کلان این مراکز در درجه اول در استان و سپس در صورت تاثیر گذاری در کشور، توجه شود. از این رو، اهمیت این مراکز بایستی در سطح استان مورد ارزیابی ثقل قرار گیرد. به منظور تعیین سطح ثقل این مراکز، از آخرین جداول ارائه شده توسط سازمان پدافند غیرعامل کشور استفاده شد. بر اساس این جداول با توجه به معیارها و شاخص های مختلف، این مراکز مورد ارزیابی قرار گرفته و با توجه به عدد بدست آمده، سطح ثقل استخراج گردید. این معیارها جنبه های مختلفی همچون نقش و کارکرد در اداره امور استان و کشور، نقش آفرینی، تأثیر بر مؤلفه های امنیت ملی، منحصر به فرد بودن، امکان جایگزینی، تبعات آسیب پذیری و ارزش سرمایه ای را در بر می گیرد.

جدول ۳. اولویت بندی زیرساخت های استان خراسان رضوی بر اساس میزان آسیب پذیری

رتبه	رتبه بندی				نمره	دارایی
	قابل حفاظت	مهم	حساس	حیاتی		
۱					۷۰	فرودگاه شهید هاشمی نژاد مشهد
۲					۶۹	شهرک صنعتی توس
۳					۶۹	سد دوستی
۴					۶۷	نیروگاه طوس مشهد
۵					۶۵	راه آهن مشهد
۶					۶۵	صدا و سیمای خراسان
۷					۶۳	فرودگاه سرخس
۸					۶۱	فرودگاه سبزوار
۹					۵۵	فرودگاه گناباد
۱۰					۵۳	سیکل ترکیبی نیشابور
۱۱					۵۲	نیروگاه شریعی
۱۲					۵۰	قارگاه شمال شرق
۱۳					۴۵	نیروگاه شهید عباس پور
۱۴					۴۵	مجتمع سنگ آهن سنگان خواف
۱۵					۴۵	مجتمع فولاد خراسان

رتبه	رتبه‌بندی				نمره	دارایی
	قابل حفاظت	مهم	حساس	حیاتی		
۱۶					۴۳	پالایشگاه شهید هاشمی‌نژاد سرخس
۱۷					۴۲	ایران خودرو خراسان
۱۸					۲۸	سیلوی گندم مشهد
۱۹					۲۸	شهرک صنعتی سبزوار

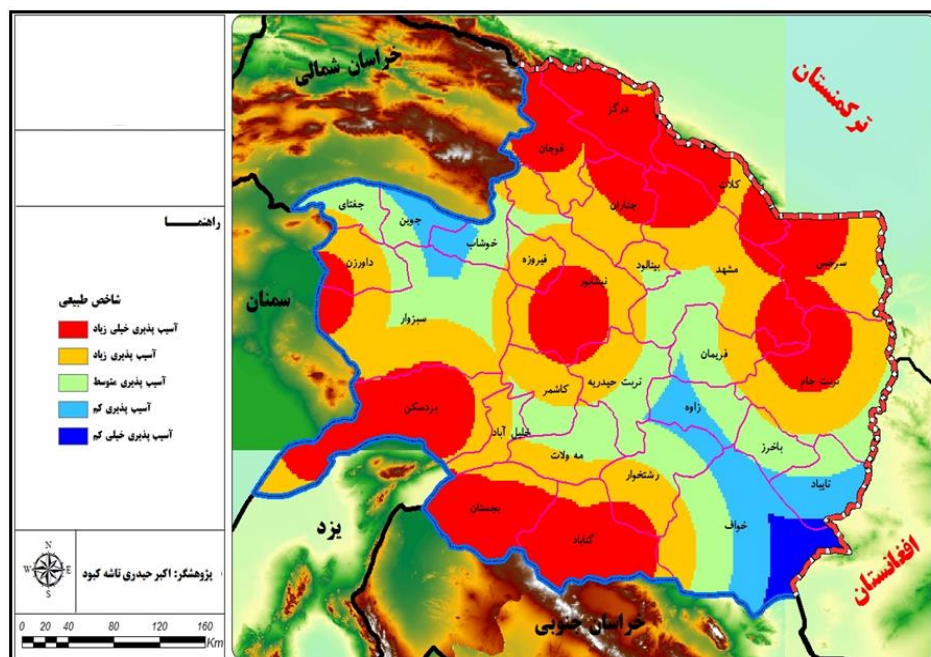
مأخذ: Passive Defense Organization, 2020.

با توجه به جدول (۳) و نتایج حاصل از پرسش‌نامه و بررسی مصاحبه‌های صورت گرفته در خصوص نقاط ثقل استان، ۱۲ زیرساخت اصلی در استان به عنوان زیرساخت حساس، ۷ زیرساخت به عنوان مهم و بقیه زیرساخت‌ها به عنوان قابل حفاظت شناسایی شدند. متناظر با جدول (۳)، در ادامه، پهنه‌بندی آسیب‌پذیری زیرساخت‌های استان خراسان رضوی از منظر شاخص‌های طبیعی، زیستی و بیولوژیک، دسترسی و ارتباطی و ارزیابی نهایی از وضعیت زیرساخت، ارائه شده است.

۱.۳.۵. تحلیل آسیب‌پذیری بر مبنای شاخص‌های طبیعی

در تحلیل زیرساخت‌های استان خراسان رضوی از منظر شاخص‌های طبیعی ابعادی همچون جهات و درجات شیب، پهنه‌های سیلابی، زلزله‌خیزی، زمین لغزش، سطوح ارتفاعی، سطوح اقلیمی و نوع خاک مورد توجه قرار گرفته است. بنا بر یافته‌های به دست آمده، بیش از ۸۰٪ از زیرساخت‌های اساسی استان با افزایش میزان شیب، در معرض لغزش جدی می‌باشند. همچنین، عمده کانون‌های دارای مکان‌یابی مناسب پیرامون شیب موجود در عرصه محدوده مورد مطالعه مربوط به شهرهای بزرگ استان همچون مشهد، نیشابور و تربت‌حیدریه می‌باشد و کماکان زیرساخت‌های استقرار یافته در شهرهای سطح دو و سوم استان و اکثراً نقاط روستایی، وضع مطلوبی ندارد. همچنین، جهت بررسی آسیب‌پذیری استان خراسان رضوی بر اساس پهنه‌های زلزله‌خیزی، شهرستان‌های استان به صورت پهنه‌های با آسیب‌پذیری خیلی کم تا پهنه‌های با آسیب‌پذیری خیلی زیاد در برابر زلزله مورد بررسی قرار گرفتند. بر این اساس شهرستان‌های گناباد، بجستان، رشتخوار در پهنه‌ای با آسیب‌پذیری خیلی زیاد، شهرستان‌های خلیل آباد، داورزن، خوشاب، جوین، سبزوار، تربت‌حیدریه در پهنه‌ای با آسیب‌پذیری زیاد؛ و شهرستان‌های سرخس، کلات، کاشمر، بردسکن، رشتخوار، مه‌ولت در پهنه‌ای با آسیب‌پذیری متوسط قرار دارند و سایر شهرستان‌ها نیز از در پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری کم تا خیلی کم قرار دارند. از نظر زمین لغزش شهرستان‌های درگز، کلات،

چنانرا و گناباد در پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی زیاد و زیاد قرار گرفتند و شهرستان‌های جوی، جغتای، داورزن، بخش‌هایی از نیشابور، فیروزه، خوشاب، بخش‌های شمال شرق غرب سبزوار در پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری کم و خیلی کم قرار گرفته‌اند و سایر شهرستان‌ها آسیب‌پذیری متوسطی در برابر زمین لغزش دارند. این امر برای سطوحی ارتفاعی شامل شهرستان‌های سرخس، گناباد، خواف، تایباد، رشتخوار، مه ولات و بردسکن با آسیب‌پذیری کم و خیلی کم می‌باشد. آسیب‌پذیری استان خراسان رضوی براساس نوع خاک بدین صورت است که پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری زیاد و خیلی زیاد شامل شهرستان‌های چناران، نیشابور، سبزوار، داورزن، مشهد، قوچان، بجستان، گناباد، خلیل آباد و فیروزه، می‌باشند.



شکل ۶. پهنه‌بندی میزان آسیب‌پذیری استان خراسان رضوی از نظر شاخص‌های طبیعی.

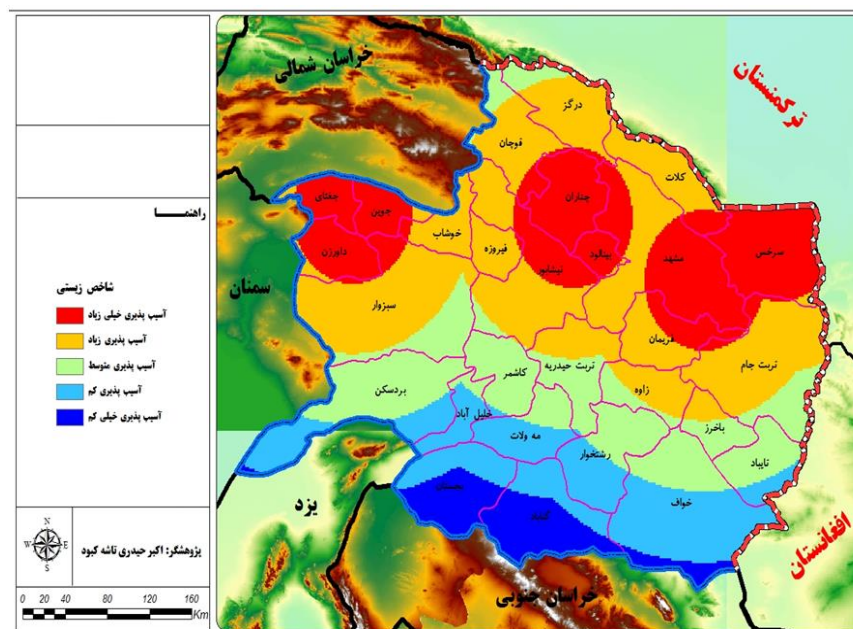
مأخذ: Research Findings, 2020.

بر اساس شکل (۶)، شهرستان‌های با آسیب‌پذیری خیلی زیاد با رنگ قرمز و شهرستان‌های با آسیب‌پذیری خیلی کم با رنگ آبی پررنگ نشان داده شده است. بنابراین، شهرستان‌های بردسکن، درگز، نیمه شمالی قوچان، بجستان، گناباد، شمال غرب کلات، سرخس و مشهد، نواحی شمالی تربت جام، نواحی

مرکزی نیشابور از نظر شاخص‌های طبیعی، آسیب‌پذیرترین نواحی هستند. لذا، می‌توان گفت که نواحی شمالی، شمال‌غربی، جنوب و جنوب‌غرب استان، بیشترین آسیب‌پذیری شاخص‌های طبیعی را در برمی‌گیرند و نواحی جنوب‌شرقی و بخش‌هایی از شمال‌غرب استان همچون جغتای، جوین، سبزوار، خلیل‌آباد، مه‌ولات، رشتخوار، خلیل‌آباد، کاشمر و غیره، کمترین میزان آسیب‌پذیری را دارند.

۵.۳.۲. تحلیل آسیب‌پذیری استان خراسان‌رضوی بر مبنای شاخص‌های زیستی و بیولوژیک

این شاخص در برگرفته پارامترهایی همچون نزدیکی به تالاب‌ها، کاربری اراضی، سدهای آبی، مناطق شهری، مناطق حفاظت‌شده و آبراهه‌ها می‌باشد. در مطالعات محیط‌زیست، ارزیابی و ردیابی تأثیرات فعالیت‌های مختلف انسان بر شرایط فیزیکی، شیمیایی و زیستی از اهمیت زیادی برخوردار است. بررسی تغییرات جامعه زیستی یعنی گیاهی و خانوری، اطلاعات زیادی از تنش‌های محیطی و ورود آلاینده‌ها در اختیار برنامه‌ریزان و سازمان‌های محیط‌زیست قرار می‌دهد. در این پژوهش، جهت پهنه‌بندی میزان آسیب‌پذیری استان از نظر شاخص‌های زیستی، بعد از اعمال امتیازهای هر کدام از شاخص‌های زیستی و بیولوژیک در محیط نرم‌افزار GIS، شکل (۷) تولید گردید. این شکل، نشان می‌دهد که پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی زیاد با رنگ قرمز و پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی کم با رنگ آبی مشخص شده‌اند. بنابراین، شهرستان‌هایی که در پهنه‌های با آسیب‌پذیری خیلی زیاد قرار گرفته‌اند، شامل چناران، سرخس، جوین، جغتای، داورزن، بینالود، نواحی شمال و شرق فریمان، نیمه شرقی و شمال‌غرب مشهد، شمال‌شرق نیشابور می‌باشند. شهرستان‌های با آسیب‌پذیری خیلی کم شامل بجستان، گناباد می‌باشند و سایر شهرستان‌های در پهنه‌های با آسیب‌پذیری کم تا زیاد قرار دارند. در نهایت براساس شکل (۷) می‌توان گفت شهرستان‌هایی که در نیمه شمالی استان خراسان‌رضوی قرار دارند، در پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی زیاد و زیاد و شهرستان‌های نیمه جنوبی در پهنه‌های با آسیب‌پذیری متوسط تا خیلی کم قرار گرفته‌اند.

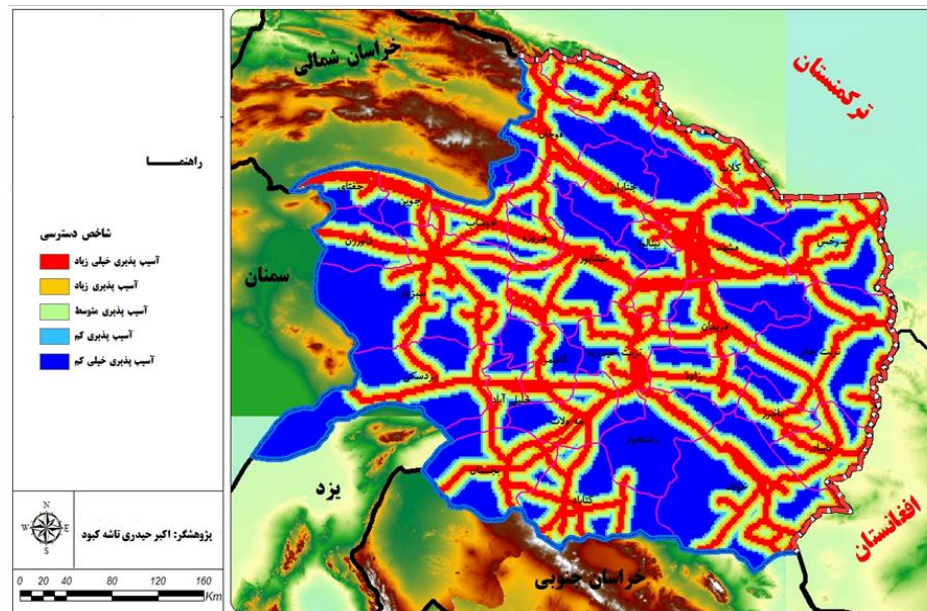


شکل ۷. پهنه بندی میزان آسیب پذیری استان از نظر شاخص های زیستی.

مأخذ: Research Findings, 2020

۳.۳.۵. تحلیل آسیب پذیری استان خراسان رضوی بر مبنای شاخص های دسترسی و ارتباطی

شاخص دسترسی و ارتباطی شامل زیرمعیارهای همچون مرز بین المللی، مسیر ارتباطی، خطوط انتقال انرژی، دالان های هوایی و سایر زیرساخت های ارتباطی است. امتیازبندی پنج لایه اصلی شاخص دسترسی نشان می دهد که مرزهای بین المللی با امتیاز ۰,۴۶۸، بیشترین اهمیت و راه آهن، تونل و پل با امتیاز ۰,۰۵ کمترین اهمیت را به خود اختصاص داده است. براساس شکل (۸) می توان گفت همه شهرستان های استان بدون استثناء از نظر شاخص های دسترسی آسیب پذیر هستند و در همه شهرستان ها پهنه های قرمز رنگ که نشان دهنده آسیب پذیری خیلی زیاد می باشد، وجود دارد. در این طبقه بندی، آسیب پذیری خیلی کم که با رنگ آبی نشان داده شده است نیز موجود می باشد، لذا، بخش هایی از هر شهرستان در معرض آسیب پذیری خیلی زیاد و بخش هایی نیز در معرض آسیب پذیری خیلی کم قرار گرفته اند که بیانگر تفاوت های داخلی و درون منطقه ای در هر شهرستان است که لازم است با اصلاح سیاست های مرتبط با حفاظت از زیرساخت های دسترسی، موارد رفع گردد تا در صورت تهدید احتمالی، مسیرهای دسترسی با اختلال جدی همراه نگردد و امکان ارائه خدمات تداوم پیدا کند.



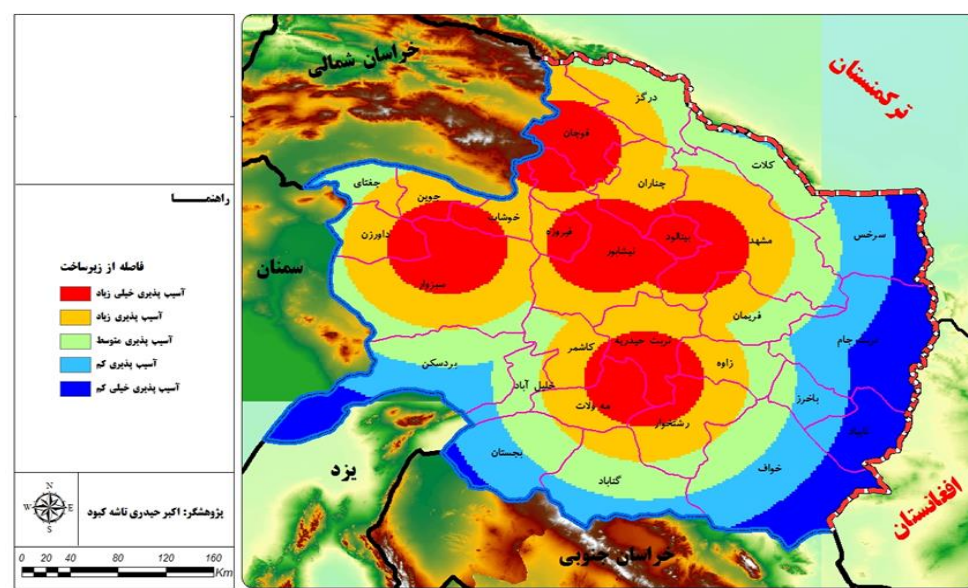
شکل ۸. پهنه‌بندی میزان آسیب‌پذیری استان از نظر شاخص‌های دسترسی.

مأخذ: Research Findings, 2020

۴.۳.۵. تحلیل آسیب‌پذیری استان خراسان رضوی بر مبنای شاخص فاصله از زیرساخت

نیروگاه‌ها، صنایع نفت و گاز، پتروشیمی و انتقال برق و انرژی به‌عنوان منبع اصلی درآمد کشور و همچنین به‌دلیل حساسیت و قابلیت اشتعال و انفجار، در برابر حملات دشمن و حوادث طبیعی و غیرطبیعی آسیب‌پذیر می‌باشند و نیازمند برنامه جامع و مدونی در حوزه پدافند غیرعامل در حوزه آمایش دفاعی سرزمین می‌باشند. برای این منظور ۲۵ زیرساخت استان در ۶ گروه (صنایع و معادن، فرودگاه و مراکز توزیع سوخت و مراکز انبارداری، مراکز درمانی، مراکز نظامی، مراکز رادیویی و تلویزیونی و سردخانه و انبار) دسته‌بندی شد و برای هر کدام از آن‌ها بازه‌های فاصله و امتیاز مربوطه، لحاظ گردید. جهت اعمال این شاخص در محیط GIS لایه‌های هم‌گروه با هم پیوسته (Merge) گردیدند و و امتیازبندی با توجه به استانداردها و نظر کارشناسان اعمال گردید. امتیازبندی شش لایه اصلی شاخص فاصله از زیرساخت نشان می‌دهد که مراکز نظامی با امتیاز ۰,۴۵۴، بیشترین اهمیت و صدا و سیما با امتیاز ۰,۰۵، کمترین اهمیت را به‌خود اختصاص داده است. بر اساس شکل (۹)، شهرستان‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی زیاد در پهنه‌های استان با رنگ قرمز و شهرستان‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی کم در پهنه‌های استان خراسان رضوی با رنگ

آبی قرار نشان داده شده‌اند. لذا، شهرستان‌های سرخس، تربت‌جام، تایباد، خواف، گناباد، بجستان و بخش‌های زیادی از بردسکن در پهنه‌های با آسیب‌پذیری خیلی کم تا متوسط قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر، شهرستان‌های بینالود، مشهد، نیشابور، چناران، قوچان، تربت‌حیدریه، رشتخوار، سبزوار، خوشاب، جوین و فیروزه در پهنه‌های با آسیب‌پذیری خیلی زیاد و زیاد واقع شده‌اند.



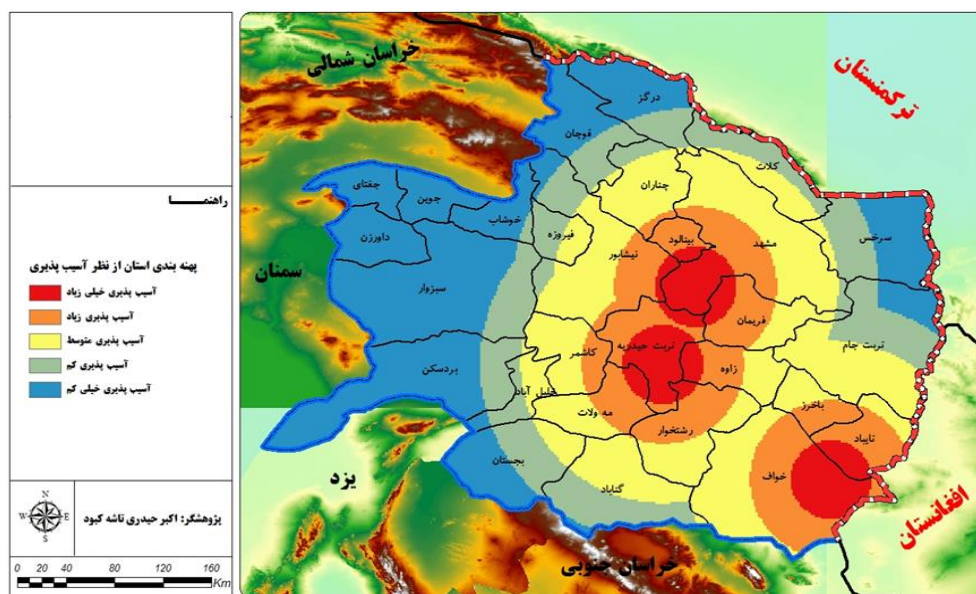
شکل ۹. پهنه‌بندی میزان آسیب‌پذیری استان خراسان رضوی از نظر شاخص‌های فاصله از زیرساخت.

مأخذ: Research Findings, 2020.

۵.۳.۵. میزان آسیب‌پذیری سطح جغرافیایی استان خراسان رضوی

مطابق با شکل (۱۰) که در نتیجه روی هم گذاری لایه‌ها انجام شده است، استان خراسان رضوی از نظر آسیب‌پذیری به پنج طبقه با عنوان شهرستان‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم تقسیم می‌شوند. مطابق با شکل، شهرستان‌هایی که از آسیب‌پذیری زیاد و خیلی زیاد برخوردارند که شامل شهرستان‌های فریمان، بینالود، تایباد، نیمه غربی فریمان، غرب و جنوب غرب مشهد، نیمه غربی زاوه، شمال غرب رشتخوار، شمال شرق مه ولات و شرق کاشمر هستند. شهرستان‌هایی با آسیب‌پذیری کم و خیلی کم شامل شهرستان‌های درگز، سرخس، بجستان، بردسکن، سبزوار، داورزن، جوین، جغتای و قوچان می‌باشند و سایر شهرستان‌ها نیز در وضعیت متوسط قرار دارند. به‌طور کلی از منظر آسیب‌پذیری زیرساخت‌ها، استان

خراسان رضوی وضعیت متوسطی را دارد و بیشتر مناطق مرزی و مرکزی استان آسیب‌پذیر می‌باشند. همچنان که در شکل (۱۰) نشان داده شده است، مناطق مرزی جنوب شرقی و مرکزی استان، شهرستان‌های خواف، تایباد، باخرز، مشهد، تربت حیدریه، فریمان و نیشابور، بیشترین نواحی آسیب‌پذیر را در بر می‌گیرند. نتایج مدل محاسبه‌گر رستری نشان می‌دهد که استان از نظر آسیب‌پذیری به پنج پهنه قابل تفکیک می‌باشد. پهنه با آسیب‌پذیری خیلی زیاد که مساحتی برابر با ۸۷۱۵۰۷ هکتار (۷,۳۳ درصد)، پهنه با آسیب‌پذیری زیاد برابر با ۱۹۶۳۹۱۹ هکتار (۱۶,۵۲ درصد)، پهنه‌ای با آسیب‌پذیری متوسط برابر با ۳۵۳۹۷۳۴ هکتار (۲۹,۷۸ درصد)، پهنه‌ای با آسیب‌پذیری کم برابر با ۲۰۱۳۰۵۹ هکتار (۱۶,۹۴ درصد) و پهنه با آسیب‌پذیری خیلی کم برابر با ۳۴۹۴۶۱۳ هکتار (۲۹,۴ درصد)، می‌باشد.



شکل ۱۰. میزان آسیب‌پذیری سطح جغرافیایی استان خراسان رضوی.

مأخذ: Research Findings, 2020.

۴.۵. پیشران‌های کلیدی موثر بر تحلیل فضایی زیرساخت‌های استان خراسان رضوی

برای شناسایی پیشران‌های کلیدی موثر بر تحلیل فضایی زیرساخت‌های استان خراسان رضوی، با توجه به اسناد فرادست و مصاحبه‌های نخبگانی، ابتدا لیستی از متغیرهای موثر بر موضوع تهیه و پس از انجام مطالعات تکمیلی، لیستی به صورت جدول (۲)، در قالب یک ماتریس $N \times N$ با ابعاد 20×20 به دست

آمد. سپس هر کدام از این متغیرها برای ورود به نرم افزار میک مک در چارچوب گدگذاری خاص به سیستم معرفی و زیرمجموعه های هر کدام نیز در محیط نرم افزار تعریف شدند.

جدول ۴. لیست متغیرهای اولیه موثر بر تحلیل فضایی زیرساخت های استان خراسان رضوی

نماد	توصیف	عنوان اختصاری	عنوان کامل	N°
M1	مدیریت خبره و کارآمد	M1	M1	1
M2	آشنایی با مدیریت بحران	M2	M2	2
M3	مدیریت یکپارچه و منعطف	M3	M3	3
PS1	رعایت پرتکل های پدافند غیرعامل	PS1	PS1	4
PS2	وجود سلسله مراتب کارآمد سیاسی - امنیتی در حوزه پدافند غیرعامل	PS2	PS2	5
PS3	رعایت اصول حفاظتی در حوزه زیرساخت ها و استقرار آنها	PS3	PS3	6
LP1	به روز نمودن قوانین پدافند غیرعامل	LP1	LP1	7
LP2	رفع چالش های قانونی حوزه پدافند غیرعامل	LP2	LP2	8
LP3	تدوین قوانین موضوعی مورد نیاز در این حوزه	LP3	LP3	9
LP4	تدوین الزامات قانونی توجه به حوزه پدافند غیرعامل	LP4	LP4	10
FS1	تهیه نرم افزارها و سخت افزارهای مورد نیاز	FS1	FS1	11
FS2	ارائه حمایت های مالی مناسب جهت بسط زیرساخت های پدافند غیرعامل	FS2	FS2	12
FS3	رفع چالش کمبود دانش فنی با انجام سرمایه گذاری و ایجاد زیرساخت های لازم	FS3	FS3	13
FS4	تهیه زیرساخت های مواجه با تهدیدهای نوین همچون جنگ الکترونیک و غیره	FS4	FS4	14
FS5	ارائه مشوق های لازم به حوزه های موفق در عرصه پدافند غیرعامل	FS5	FS5	15
SC1	آموزش شهروندان پیرامون چارچوب ها و ضوابط پدافند غیرعامل	SC1	SC1	16
SC2	جلب مشارکت شهروندان و نهادهای دیگر	SC2	SC2	17
SC3	استفاده از ظرفیت نهادهای مذهبی در عرصه پدافند غیرعامل	SC3	SC3	18
ST1	وجود تفکر استراتژیک در حوزه زیرساختی پدافند غیرعامل	ST1	ST1	19
ST3	تدوین اسناد آینده نگرا نه در حوزه رفع چالش های موجود	ST2	ST2	20

مأخذ: Research Findings, 2020.

پس از ورود متغیرها به نرم افزار میک مک به صورت جدول (۲)، در چارچوب ماتریس تحلیل اثرات متقاطع از نمونه آماری خواسته شد تا بر حسب میزان اهمیت و تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و وابستگی عناصر به هم، به امتیازدهی متغیرها از ۰ تا ۳ و P اقدام نمایند. در این راستا، عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد یک

به منزله تأثیر ضعیف، عدد دو به منزله تأثیر متوسط، عدد سه به معنی تأثیر زیاد و P به معنای اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم به صورت بالقوه می‌باشند. در نهایت، پس از امتیازدهی ماتریسی به صورت شکل (۱۱) بدست آمد.

	20 : ST2	19 : ST1	18 : SC3	17 : SC2	16 : SC1	15 : FS5	14 : FS4	13 : FS3	12 : FS2	11 : FS1	10 : LP4	9 : LP3	8 : LP2	7 : LP1	6 : PS3	5 : PS2	4 : PS1	3 : M3	2 : M2	1 : M1
1 : M1	0	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3
2 : M2	2	0	3	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3
3 : M3	2	1	0	2	3	3	3	3	2	2	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3
4 : PS1	3	2	3	0	2	2	2	2	3	2	3	2	2	2	2	2	2	2	2	2
5 : PS2	2	1	2	1	0	2	1	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2
6 : PS3	3	2	3	2	2	0	2	3	2	1	2	1	2	2	2	2	2	2	2	2
7 : LP1	2	1	2	1	2	1	0	2	1	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2	2
8 : LP2	2	1	2	2	2	2	2	0	3	2	3	2	2	2	2	2	2	2	2	2
9 : LP3	2	2	3	2	2	2	2	0	3	2	3	2	2	2	2	2	2	2	2	2
10 : LP4	2	2	3	2	2	3	2	3	2	0	2	3	2	2	2	2	2	2	2	2
11 : FS1	3	2	3	2	2	3	2	2	2	0	3	2	3	2	2	2	2	2	2	2
12 : FS2	2	2	1	1	1	2	2	2	2	2	0	3	2	3	2	2	2	2	2	2
13 : FS3	3	2	3	2	1	1	2	2	2	2	3	2	0	2	2	2	2	2	2	2
14 : FS4	2	2	3	2	2	3	2	3	2	3	3	0	3	2	3	2	2	2	2	2
15 : FS5	2	3	2	3	2	3	2	3	2	3	3	3	0	2	3	2	2	2	2	2
16 : SC1	2	3	2	3	2	1	2	1	1	2	2	2	2	0	2	2	2	2	2	2
17 : SC2	3	2	3	2	3	2	2	2	2	2	3	2	2	3	3	0	2	2	2	2
18 : SC3	1	1	2	1	2	1	2	2	2	1	2	2	3	3	3	3	0	1	2	2
19 : ST1	1	2	2	2	2	1	2	3	3	3	3	2	2	2	2	2	2	3	0	3
20 : ST2	1	2	2	1	2	2	2	2	2	2	2	2	3	2	3	2	3	2	2	0

© LIPSOR-EPTA-MICMAC

شکل ۱۱. ماتریس اثرگذاری متقاطع متعادل.

مأخذ: Research Findings, 2020

پس از تشکیل ماتریس اولیه اثرات متقاطع، ویژگی‌های کلی ماتریس محاسبه شده به صورت جدول (۳) بدست آمد.

جدول ۵. ویژگی‌های ماتریس اولیه

اندازه ماتریس	۲۰ × ۲۰
تعداد تکرار داده‌ای	۲
تعداد صفرها	۲۰
تعداد یک‌ها	۳۸
تعداد دوها	۲۱۹

تعداد سه ها	۱۳۳
تعداد Pها	۰
جمع	۳۸۰
شاخص پُرشدگی	٪۹۵

مأخذ: Research Findings, 2020.

از جدول (۳) می توان دریافت که شاخص پُرشدگی به دست آمده برای متغیرها با ۲ بار تکرار چرخش داده ای، عدد ۹۵٪ را نشان می دهد که این امر مبین ضریب بالای تأثیرگذاری متغیرها و عوامل انتخاب شده بر یکدیگر است. این وضعیت نشان دهنده کارایی ابزار تحقیق و تأیید اطلاعات جمع آوری شده در سطح بسیار مطلوب می باشد و صحت اطلاعات بدست آمده را تأیید می کند. همچنین بر اساس یافته های جدول بایستی گفت که بر مبنای ۳۸۰ ارزش محاسبه شده در ماتریس اولیه اثرات متقاطع از سوی نخبگان، ۲۱۹ مورد با بالاترین حجم آماری دارای میزان اثرگذاری متوسط بوده است. همچنین، ۱۲۳ مورد دارای تأثیرگذاری زیاد، ۳۸ مورد کم تأثیر و ۲۰ مورد بی تأثیر ارزیابی شده اند، این درحالی است که میزان P (اثرگذاری مستقیم بالقوه) برابر با صفر بوده است. با توجه به مجموع تحلیل های انجام شده در پژوهش، به منظور زمینه سازی برای شناسایی نیروهای پیشران کلیدی در سیستم تحلیل فضایی زیرساخت های استان خراسان رضوی در این قسمت لازم می نماید که به رتبه بندی تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و بالقوه از متغیرها بر حسب میزان جابجایی احتمالی این شاخص ها در سیستم توجه گردد. بر همین اساس، در چارچوب جدول (۴) به تحلیل اثرگذاری و وابستگی مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۶. رتبه بندی اثر - وابستگی مستقیم و غیرمستقیم متغیرها در سیستم تحلیل فضایی خراسان رضوی

رتبه	عنوان	اثرگذاری مستقیم	عنوان	وابستگی مستقیم	عنوان	اثرگذاری غیرمستقیم	عنوان	وابستگی غیرمستقیم
1	FS5	568	ST2	568	FS5	567	ST2	562
2	M1	556	M3	544	FS4	555	FS4	543
3	M2	556	FS4	544	M2	554	M3	538
4	FS4	556	LP2	532	M1	552	SC2	533
5	M3	544	FS2	532	LP4	540	FS2	532
6	LP4	544	SC2	532	M3	536	ST1	531
7	PS1	532	SC3	532	FS1	531	LP2	530
8	FS1	532	ST1	532	PS1	531	SC3	529
9	SC2	532	FS3	520	SC2	528	FS3	522
10	LP3	508	FS5	520	LP3	509	FS5	521
11	LP2	497	SC1	508	LP2	497	SC1	509

وابستگی غیرمستقیم	عنوان	اثرگذاری غیرمستقیم	عنوان	وابستگی مستقیم	عنوان	اثرگذاری مستقیم	عنوان	رتبه
488	FS1	496	ST1	485	LP4	497	ST1	12
484	LP4	494	FS3	485	FS1	485	FS3	13
472	PS3	473	LP1	473	M1	473	LP1	14
470	M1	470	ST2	473	PS3	473	ST2	15
454	LP3	466	PS3	449	PS2	461	PS3	16
453	LP1	466	FS2	449	LP1	461	FS2	17
452	PS2	442	SC1	449	LP3	437	SC1	18
438	PS1	439	SC3	437	PS1	437	SC3	19
429	M2	344	PS2	426	M2	343	PS2	20

مأخذ: Research Findings, 2020

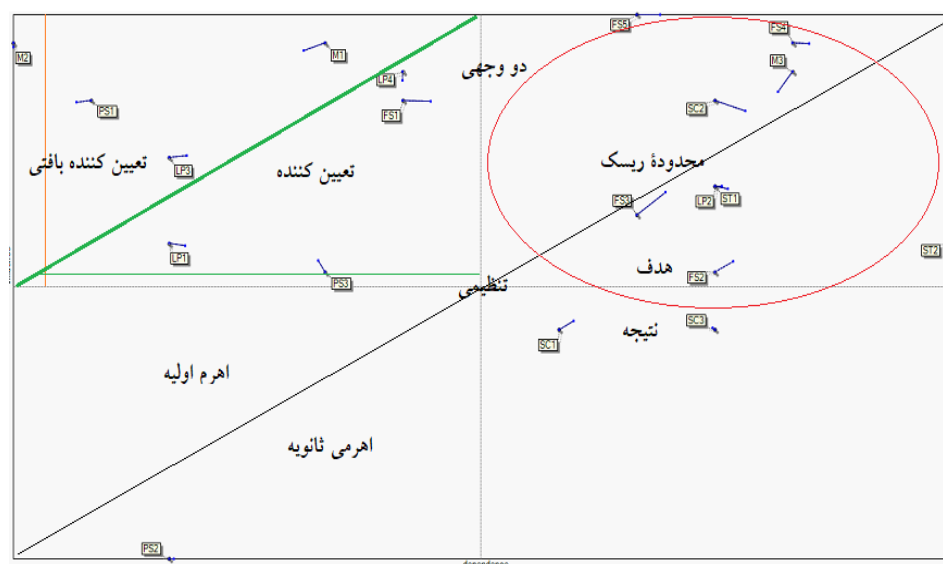
متناظر با جدول (۴) وضعیت اثرگذاری - وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بالقوه متغیرها بر یکدیگر در قالب جدول (۵) قابل بیان است.

جدول ۷. رتبه‌بندی اثر - وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بالقوه متغیرها در سیستم تحلیل فضایی خراسان رضوی

وابستگی غیرمستقیم بالقوه	عنوان	اثرگذاری غیرمستقیم بالقوه	عنوان	وابستگی مستقیم بالقوه	عنوان	اثرگذاری مستقیم بالقوه	عنوان	رتبه
562	ST2	567	FS5	568	ST2	568	FS5	1
543	FS4	555	FS4	544	M3	556	M1	2
538	M3	554	M2	544	FS4	556	M2	3
533	SC2	552	M1	532	LP2	556	FS4	4
532	FS2	540	LP4	532	FS2	544	M3	5
531	ST1	536	M3	532	SC2	544	LP4	6
530	LP2	531	FS1	532	SC3	532	PS1	7
529	SC3	531	PS1	532	ST1	532	FS1	8
522	FS3	528	SC2	520	FS3	532	SC2	9
521	FS5	509	LP3	520	FS5	508	LP3	10
509	SC1	497	LP2	508	SC1	497	LP2	11
488	FS1	496	ST1	485	LP4	497	ST1	12
484	LP4	494	FS3	485	FS1	485	FS3	13
472	PS3	473	LP1	473	M1	473	LP1	14
470	M1	470	ST2	473	PS3	473	ST2	15
454	LP3	466	PS3	449	PS2	461	PS3	16
453	LP1	466	FS2	449	LP1	461	FS2	17
452	PS2	442	SC1	449	LP3	437	SC1	18
438	PS1	439	SC3	437	PS1	437	SC3	19
429	M2	344	PS2	426	M2	343	PS2	20

مأخذ: Research Findings, 2020

با توجه به مجموع موارد گفته شده و پس از انجام محاسبات مربوط به سنجش اثرگذاری-وابستگی مستقیم، غیرمستقیم و بالقوه جهت شناسایی وضعیت پیشران‌های کلیدی و میزان اعتبار آن‌ها، اقدام به محاسبه ضریب جابجایی متغیرهای پژوهش در شرایط بحران پرداخته شد و متناسب با آن شکل (۱۲) به دست آمد. این شکل نشان می‌دهد که متغیرهای انتخابی پژوهش به نحو مطلوبی قابلیت پوشش ابعاد مختلف موضوع زیرساخت‌های استان خراسان رضوی را دارا می‌باشند. بر همین اساس، می‌توان گفت که توزیع متغیرها در وضعیت کلی تغییر چندانی نسبت به شیوه اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم نداشته است و تنها بر اساس الگوی پراکندگی بالقوه، برخی از شاخص‌های پژوهش گرایش بیشتری به حرکت و ایفاء نقش در قالب دیگر گروه‌های متغیری در سایر قسمت‌های نمودار داشته‌اند.



شکل ۱۲. جابجایی شاخص‌های کلیدی موثر بر تحلیل فضایی زیرساخت‌های خراسان رضوی در وضعیت

مستقیم، غیرمستقیم و بالقوه.

مأخذ: Research Findings, 2020.

با اتکاء به یافته‌های حاصل از جداول (۱) تا (۵) و شکل‌های (۱) تا (۱۲)، و نیز با توجه به لزوم شناسایی عناصر کلیدی و اثرگذار پژوهش به منظور تشکیل سناریوهای تحقیق، بایستی اشاره نمود که از مجموع ۲۰ طبقه‌بندی تشکیل شده از متغیرهای تحقیق در چارچوب ماتریسی با ابعاد ۲۰×۲۰، پس از ورود متغیرها

به‌نرم افزار میک‌مک و محاسبه ارزش‌های عددی مربوط به هر کدام از آن‌ها در چارچوب سیستم امتیازدهی ۰ تا ۳ و ماتریس تحلیل اثرات متقاطع، تعداد ۱۰ پیشران کلیدی در راستای تبیین متغیرهای پژوهش در قالبی استراتژیک به‌صورت جدول (۶) مورد شناسایی و تفکیک قرار گرفتند. بر این اساس، در قسمت مربوط به بیان اولویت‌های پژوهش در دو حالت مستقیم و غیرمستقیم، این ۱۰ عامل کلیدی در اولویت‌های مختلف تکرار شده‌اند.

جدول ۸. عناصر پیشران کلیدی موثر بر سیستم تحلیل فضایی زیرساخت‌های استان خراسان رضوی

پیشران‌های بالقوه	پیشران‌های غیرمستقیم	پیشران‌های مستقیم
FS5	FS5	FS5
M1	FS4	M1
M2	M2	M2
FS4	M1	FS4
M3	LP4	M3
LP4	M3	LP4
PS1	FS1	PS1
FS1	PS1	FS1
SC2	SC2	SC2
LP3	LP3	LP3

مأخذ: Research Findings, 2020.

متناسب با پیشران‌های شناسایی شده، مهمترین سناریوهای فراروی تحلیل فضایی زیرساخت‌های استان خراسان رضوی به‌صورت جدول (۷) می‌باشد. پیش‌نیازهای سناریوی سبز، تحقق تمامی عناصر مربوط به سناریو مربوطه می‌باشد، در غیراین صورت ممکن است با توجه به شرایط سیستم زیرساختی سناریوهای زرد یا قرمز اتفاق بیفتد. باید گفت که پیش‌نیازهای مربوط به سناریوهای ارائه شده در تمامی روند انجام پژوهش حاضر به صورت عام توضیح داده شده است و با مطالعه بخش‌های مختلف و تحلیل‌های به‌دست آمده در جداول (۱) تا (۹) و شکل‌های (۱) تا (۱۲)، می‌توان به‌صورت دقیق موارد را درک نمود. همچنین، مفروضات هر سناریو در واقع در قالب عناصر تشکیل‌دهنده هر سناریو می‌باشد که در قالب زیر عناصر تشکیل‌دهنده هر سناریو آورده شده است و در قالب پژوهش‌های متعدد می‌توان آن را مورد بحث و بررسی قرار داد.

جدول ۹. سناریوهای فراروی تحلیل فضایی زیرساخت های استان خراسان رضوی

امتیاز	مطلوب (سبز)	امتیاز	قابل قبول (زرد)	امتیاز	بحرانی (قرمز)
۱	مدیریت پویا و کارآمد یکپارچه	۴۰۰۰	مدیریت بخشی و واگرا	۲۰۳۳	مدیریت ناکارآمد و واگرا
۱	استراتژیک نگری در مطالعات زیرساختی	۳۸۵۰	کلاسیک نگری و بی توجهی به امنیت زیرساختی	۱۹۴۰	نداشتن رویکرد مشخص مطالعاتی و اجرایی در حوزه پدافند غیرعامل
۱	مشارکت شهروندان و ارائه آموزش های فرهنگی مناسب	۳۷۴۰	مشارکت محدود و موضعی شهروندان	۱۹۱۶	آئین نامه محوری به جای مشارکت محوری
۱	توجه به اشکال تهدیدهای نوین (الکترونیکی و غیره)	۳۵۶۰	حفظ وضع موجود و تلاش مناسب برای دفاع از تهدیدهای نوین	۸۰۰	کم توجهی شدید به حوزه تهدیدهای نوین راهبردی
۱	بهره گیری از ظرفیت های بخش خصوصی در حوزه توسعه زیرساختی	۳۴۰۰	تمایل نه چندان مطلوب بخشی خصوصی به سرمایه گذاری زیرساختی	۶۵۰	بخش خصوصی تمایل به هیچ سرمایه گذاری ندارد
۱	بهبود سیاستگذاری ها در حوزه آسیب پذیری زیرساخت ها	۳۳۰۰	بهبود بخشی سیاستگذاری ها با توجه به ملاحظات کشوری	۴۶۰	سیاستگذاری های بخشی و ناکارآمد بهبود می یابند
۱	ایجاد و اصلاح قوانین موضوعی و رفع چالش های قانونی حوزه	۳۲۶۰	اصلاح نه چندان کارآمد قوانین و رفع چالش های محدود پیش رو	۳۵۱	کم توجهی به اصلاح قوانین و عدم ایجاد قوانین به روز
۱	به روز نمودن پرتکل های دفاعی غیرعامل در حوزه زیرساختی و انسانی	۳۱۱۴	ادامه پروتکل های موجود در حوزه زیرساختی	۳۰۰	پروتکل های جزئی از سیاست - گذاری پدافند غیرعامل تلقی نمی - گردند
۱	رفع چالش مالی پروژه های حوزه پدافند غیرعامل در بحث زیرساخت ها	۲۹۵۰	تعریف پروژه های زیرساخت های مالی	۲۴۰	ادامه وضع مالی
۱	ارائه مدل هوشمندسازی و شبکه ای پدافند غیرعامل	۲۶۰۰	هوشمندسازی نه چندان مطلوب اما مناسب	۲۰۰	بی توجهی به هوشمندسازی
۱	توجه مناسب به ملاحظات آمایش سرزمین در آمایش دفاعی زیرساخت ها	۲۲۰۰	ارتقاء وضع موجود و حرکت به سمت وضع مطلوب	۱۸۰	ادامه وضع موجود

۶. بحث و نتیجه‌گیری پژوهش

با مروری بر تحقیقات قبلی و مقایسه نتایج آنها با یافته‌های پژوهش حاضر، می‌توان دریافت که تحلیل - های صورت گرفته و خروجی حاصل از آن در این مقاله، در سطح بالایی با واقعیت‌های بیان شده پیرامون توزیع فضایی زیرساخت‌های منطقه‌ای در استان خراسان رضوی انطباق دارد. همچنین، این پژوهش جدا از توجه به سایر یافته‌های مطرح شده در تحقیقات بررسی شده، به نکات قابل توجهی همچون تدوین عدم قطعیت‌ها، اثرگذاری‌ها و آراء کارشناسی و نخبگانی متکی بوده که در کنار ابعاد کمی، تحلیل‌ها همچون شاخص پُرشدگی (۹۵٪)، ماتریس‌های موضوعی و سناریوهای نهایی، الگوی نوینی را در حوزه تحقیقات راهبردی فضایی و زیرساختی در محدوده مورد مطالعه تبیین نموده است که می‌تواند در بلندمدت اثربخشی قابل توجهی در گذر از سیستم‌های سنتی توزیع زیرساخت‌ها با نگاه پدافند غیرعامل داشته باشد و با تدوین چشم‌اندازهای مرتبط آینده‌های بدیل، مطلوب، ممکن، قابل قبول و فاجعه را در این حوزه مشخص نماید، امری که نمود آن را در سایر پژوهش‌های انجام شده نمی‌توان یافت و یا در صورت توجه، چندان با رویکردهای نوینی همچون آینده‌پژوهی توأمان نبوده است و نتوانسته است به‌نحو روشنی چارچوبی مناسب را در حوزه ساماندهی و مطالعه زیرساخت‌های منطقه‌ای، ارائه دهد. لذا، با توجه به مجموع تحلیل‌های انجام شده در قالب پژوهش حاضر، نتایج نشان داد که با توجه به مجموع شاخص - های تحقیق، پهنه‌های آسیب‌پذیر استان خراسان رضوی در پنج حوزه به صورت پهنه‌هایی با آسیب‌پذیری خیلی زیاد (۷,۳۳ درصد)، زیاد (۱۶,۵۲ درصد)، متوسط (۲۹,۷۸ درصد)، کم (۱۶,۹۴ درصد) و خیلی کم (۲۹,۴ درصد)، قابل تفکیک است. همچنین، به اعتبار نتایج به دست آمده الگوهای تراکم و پراکندگی زیرساخت‌های محدوده مورد مطالعه به ترتیب متمرکز و خوشه‌ای و به صورت خود همبسته تصادفی بوده است. می‌توان گفت که پیشران‌های موثر بر توزیع فضایی زیرساخت‌های استان خراسان رضوی در سه طیف با ضریب اثرگذاری مستقیم، غیرمستقیم و بالقوه قابلیت تفکیک و طبقه‌بندی دارند که در تمامی این وضعیت‌ها، توزیع فضایی زیرساخت‌ها نه تنها ضعیف ارزیابی شده و با هیچ کدام از اصول آمایش دفاعی انطباق ندارد، بلکه در صورت وقوع بحران، به واسطه توزیع نامتوازن و عدم توجه به ابعاد پدافندی آن، خسارت جبران - ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. لذا، با توجه به پیشران‌های به دست آمده، سناریوهای مطلوب، قابل قبول و بحرانی جهت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی مناسب به منظور تدوین افق‌های آتی، ترسیم شده است. نکته قابل توجه تفاوت پژوهش حاضر با سایر موضوعات انجام شده به لحاظ رویکرد و روش به کار رفته و

ترکیب آن با سایر الگوهای مطالعاتی است. به نحوی که استفاده از ابعاد پدافند غیرعامل فضایی در کنار رویکردهای آینده پژوهانه و تحلیل های مرتبط با سیستم اطلاعات جغرافیایی، راهبرد نوینی است که تاکنون در حوزه مطالعات استراتژیک دفاعی نمود چندانی نداشته است. همچنین، شناسایی پیشران های اثرگذار بر تحلیل فضایی زیرساخت ها و تدوین سناریوهای مرتبط با آن در میان مدت از جمله دیگر ابعاد نوآورانه این کار تحقیقی به شمار می آید که چندان در سایر مطالعات انجام شده مد نظر نبوده است.

۷. پیشنهادهای پژوهش

در راستای تحلیل های صورت گرفته و به منظور رفع چالش ها و مشکلات شناسایی شده در حوزه های متعدد پژوهش، پیشنهادهایی در قالب جدول (۱۰) ارائه گردید.

جدول ۱۰. پیشنهادهای پژوهش با تفکیک حوزه های اصلی و موارد مرتبط با هر کدام

ردیف	حوزه	تشریح مهمترین پیشنهادهای هر حوزه
۱	مدیریتی	توجه به مدیریت کارآمد، یکپارچه و نخبه گرا؛ توجه به مدیریت تحول خواه و راهبردگرا در حوزه زیرساخت ها. توجه به مدیریت چشم اندازگرا حول تصمیم گیری ها و تصمیم سازی های سازمانی.
۲	قانونی-سیاستگذاری	به روز نمودن قوانین آمایش دفاع غیرعامل؛ رفع چالش های قانونی حوزه آینده پژوهی آمایش دفاعی؛ تدوین قوانین موضوعی مورد نیاز در این حوزه. تدوین الزامات قانونی توجه به حوزه مطالعات آینده پژوهانه در آمایش دفاعی سرزمین.
۳	فرهنگی-اجتماعی	آموزش شهروندان پیرامون چارچوب ها و ضوابط آمایش دفاع آینده پژوهانه. جلب مشارکت شهروندان و نهادهای گردن آن. استفاده از ظرفیت نهادهای مذهبی در عرصه پدافند غیرعامل.
۴	نهادی-زیرساختی	تهیه نرم افزارها و سخت افزارهای مورد نیاز. تهیه زیرساخت های مواجهه با تهدیدهای نوین همچون جنگ الکترونیک و غیره. وجود تفکر استراتژیک در حوزه زیرساختی پدافند غیرعامل.
۵	اقتصادی-مالی	ارائه حمایت های مالی مناسب جهت بسط زیرساخت های پدافند غیرعامل. رفع چالش کمبود دانش فنی با انجام سرمایه گذاری و ایجاد زیرساخت های لازم.

مأخذ: Research Findings, 2020

کتابنامه

1. Annual Report of Iran Statistics Center.(2019). *Demographic and economic statistics*. Statistics Center Publication, Iran: Tehran. [In Persian].
2. Coaffee, O.(2009). *Sustainability human, social, economic and environmental*. USA, Washington DC: World Bank.
3. Collins, J.(2008). *Large executives(principles and procedures)*. Iran: Tehran, Baidur Company, Bureau of Investigation. [In Persian].
4. Entezari, H., Rajabi, H. & Rosta, M.(2013). Investigation of Tehran metropolitan security instabilities based on sustainable urban development indicators. *Journal of Geographical Research*, 38(27). [In Persian].
5. Esfandiari, A., Zarangarian, A., Haqq, H.(2011). *Land use planning*. Iran, Tehran: Rescue Organization publication. [In Persian].
6. Faraji Mullahi, A., Aliverdello, H. & Amini, H.(2015). Defensive land preparation from a passive defense perspective. *The Antiquarian Society of Iran*, 13(45), 247-274.
7. Geological Survey of Iran.(2018). *Urban and passive defense platforms*. Iran, Mashhad: Study Center [In Persian].
8. Heli, U., Erik, T. & Jackson, U.(2017). Ruthenium-catalyzed hydrogenation of nitriles: insights into the mechanism. *Journal of the American Chemical Society*, 132(23), 7854-7855.
9. Heydari, A., Rahnama, MR., Shokouhi, M., & Kharazmi. O.(2019). Analysis of urban environmental sustainability in Mashhad Metropolis using natural step approach. *Journal of Geography and Regional Development*, 16(2). [In Persian].
10. Jalali Farahani, Gh.(2010). *Passive defense requirements in a safe city and sustainable development*. Iran: Tehran Front and War Publishing. [In Persian].
11. Kazemi, Sh. & Tabrizi, N.(2015). Evaluation of urban space safety with emphasis on passive defense indicators(Case Study: Amol City). *Urban Planning Studies Quarterly*, 3(9), 11-26. [In Persian].
12. Khammar, Gh. Saleh & Gohari, H.(2013). Passive defense planning and locating urban shelters using fuzzy logic. *Journal of Geography and Environmental Studies*, 2(7), 21-34. [In Persian].
13. Khorasan Razavi Governorate.(2019). *Introduction to Khorasan Razavi Province*. Governor's Website, www.Khorasan.ir. [In Persian].
14. Koresawa, A. & Konvitz, J.(2001). *Towards a new role for spatial planning. Towards a new role for spatial planning*. PKI Press.
15. Movahedi nia, J.(2007). *The principles and meanings of passive defence*. Iran, Tehran. [In Persian].
16. Parizi, R. Kazemi, N.(2015). *Passive Defense Knowledge*. Iran, Tehran: Bustan Publications. [In Persian].
17. Passive Defense Organization.(2020). *Necessity of territorial defense*. Iran, Tehran: Rasakhoun Publishing. [In Persian].

18. Quarol, Martha(2005). Does demogracy preemt civil wars? *Journal of political economy*, 21, 67-80.
19. Riggers, H., Eli, O. & Rayy, K.(2016). *Passive Defense and Regional Development*. UK, London: Routledge press.
20. Rahnema, MR. & Maroufi, A.(2015). *The futures studies research*. Iran, Mashhad; Publishing Center of Mashhad Islamic Council. [In Persian].
21. Ringland, G.(1998). *Scenario planning: managing for the future*. John Wiley & Sons.
22. Schwmaxer., S.(1995). *Sustainable education: re-visioning learning and change*. schumacher briefings. England, London: *CREATE Environment Centre*.
23. Turner, H.(2016). *Passive urban defense*. England, Oxford: Oxford press.
24. Twin, R. & Mentez, W.(1997). *The Philippines as an unwitting participant in the Asian economic crisis*. In Jackson, K.D. (Ed) *Asian contagion: The causes and consequences of a financial crisis*. (p.241). Singapore: Institute of Southeast Asian Studies
25. Zhou, X.(2011). *Urban land use planning*. Urbana, university of Illinois press.

تبیین نظری هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای

محمود مبارکشاهی (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران)

m.mobarakshahi@gmail.com

محمد رضا حافظ‌نیا (استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

hafezn_m@modares.ac.ir

ریباز قربانی نژاد (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، ایران)

rebazghorbani@gmail.com

ابراهیم رومینا (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

eromina@yahoo.com

چکیده

مبحث قومیت و مطالبات قومی یکی از موضوعات مورد توجه در حوزه مطالعات علوم انسانی است. در این میان، جغرافیای سیاسی به عنوان یکی از رشته‌های پویا در این حوزه، به دلیل ماهیت فلسفی خود که همانا مطالعه و بررسی بُعد سیاسی فضا است، با نگرشی سیستمی، موضوع پراکندگی فضایی اقلیت‌ها و پراکنش نواحی قومی را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در این مقاله تلاش شده است هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای از دو منظر ماهیت و ضرورت، مورد بررسی واقع گردد و به این سوال اساسی پاسخ داده شود که چه عواملی ماهیت و ضرورت تشکیل چنین سازه‌هایی را توجیه‌پذیر می‌سازند؟ در حوزه جغرافیای سیاسی، "هارتشورن" و "گاتمن" با بحث از علت وجودی دولت، بر نقش نیروهای واگرا و همگرا در ایجاد و تداوم بقای کشور تاکید نموده‌اند؛ در این مقاله ضمن اشاره و نقد این نظریه‌ها، به بررسی عوامل موثر در هستی‌شناسی یا به عبارت دیگر ضرورت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای که امروزه در قالب الگوهای فدرالی و خودمختار، در برخی از کشورها به منصفه ظهور رسیده‌اند، می‌پردازیم. هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای در چارچوب حکومت‌های ملی و مستقل، قابلیت تبیین و بررسی را دارند. ماهیت این گونه سازه‌های فضایی، بدون وجود کشور و حکومت ملی مستقل، امکان طرح نداشته و موضوعیت خود را از دست می‌دهند. این مقاله، از لحاظ هدف، بنیادی بوده و از لحاظ ماهیت، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق روش گردآوری اطلاعات، با توجه به نوع و ابعاد آن به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عواملی همچون حق تعیین سرنوشت و خودگردانی

ناحیه‌ای، تقسیم قدرت در ابعاد مختلف فضایی، ادراک هویتی و فضایی، شکوفایی توانمندی‌های ناحیه‌ای، هویت‌طلبی ناحیه‌ای، بحران‌زدایی منطقه‌ای و محلی از قلمرو ملی و مدیریت فضا و ایجاد تفاهم میان سازه‌های ناهمگون و ایجاد تعادل ناحیه‌ای، ضرورت و ماهیت تشکیل دولت‌های ناحیه‌ای را توجیه‌پذیر می‌سازند.

کلمات کلیدی: هستی‌شناسی، دولت‌های ناحیه‌ای، هویت‌طلبی، ناسیونالیسم قومی، فدرالی، خودمختاری.

مقدمه

کشور ملی، به‌کشوری گفته می‌شود که مرزهای آن بر پراکندگی ملی آن منطبق باشد؛ امروزه شمار چنین کشورهایی در جهان اندک بوده و به‌ندرت می‌توان کشوری یافت که جمعیت آن کاملاً همگون و همسو باشد (Mirheydar, 2011:131). شکل‌گیری دولت‌های ملی در کشورهایی با ترکیب ناهمگون، موجب بروز مناقشات، میان گروه قومی حاکم و فرادست با سایر گروه‌های پراکنده قومی گردید. شکل‌گیری دولت‌های مدرن بارویکردی خطی و یکسان‌انگارانه، محصول نظم و ستفالیابی است که منجر به شکل‌گیری دولت‌های جدیدی گردید که بر قلمرو و اتباع خود حاکمیت مطلق دارند. این الگو، نه تنوعات قومی فروملی را برمی‌تابد و نه بنابر ذات دولت‌گرایانه‌اش که مبنای نظریه رئالیسم می‌باشد، قومیت را در سطح روابط میان دولت‌ها به رسمیت می‌شناسد (Haghpanah, 2007:41).

رویکرد حکومت‌های مرکزی در مواجهه با مسئله گروه‌های اقلیت در نواحی قومی، منجر به همگرایی یا واگرایی گروه‌های مذکور می‌گردد. همگرایی و واگرایی، دو رفتار متضاد در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی می‌باشد. شکل‌گیری، بقا و یا سقوط، فرایند همگرایی و واگرایی تابعی از تلقی دولت‌ها و بازیگران نسبت به منافع ملی و جمعی یا فردی خود است. به‌عبارتی، بازیگری که تن به شرکت در فرایند همگرایی یا واگرایی با سایر بازیگران را می‌دهد به این می‌اندیشد که این عمل تا چه اندازه منافع او را تامین و تهدیدات را از او دور می‌سازد. بنابراین، فلسفه، این دو پدیده را درک وجود منفعت برای بازیگران در پرتو شکل‌گیری آنها می‌داند (Hafeznia, 2006:373). همگرایی به‌لحاظ مفهومی عبارت است از تقریب و نزدیک‌شدن افراد به سمت نقطه‌ای مشخص که معمولاً به‌عنوان هدف مشترک آنان شناخته می‌شود، در برابر آن، واگرایی عبارت است از تفکیک و جدایی از همدیگر و دورشدن آنها از هدف مشترک و حرکت به سمت هدف‌های خاص (Hafeznia, 2006:373). احساس تبعیض و تحقیر هویتی و به‌حاشیه‌راندن زبان

و فرهنگ و همچنین عدم مشارکت واقعی و متوازن در قدرت، مبنای اصلی ناحیه‌گرایی و مطالبات ناحیه‌ای است. انسجام و همگرایی واحد سیاسی بدون توجه به ساختار فضایی و پراکنش انسانی از لحاظ انگاره‌های فرهنگی بسیار مشکل می‌نماید. یکی از موثرترین عوامل منسجم‌کننده ساختار ترکیبی ملت، مشارکت متوازن اقوام و اجزای ملت در سرنوشت و امور ملی است (Hafeznia, 2006: 185).

ساختارهای انقباضی در سازماندهی سیاسی فضا، بی‌عدالتی جغرافیایی و فضایی و ذهنیت‌های امنیتی نسبت به ساختار حکومت و کشور از جمله عواملی است که کشورهایی با ترکیب متفاوت قومی و مذهبی را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازد. جغرافیدانان سیاسی، فدرالیسم را راهکار مناسبی برای کشورهایی که با گروه‌های مختلف (زبانی، مذهبی، قومی و فرهنگی) مسکون شده‌اند، می‌دانند (Mirheydar, 2011, 153). همچنین نظام سیاسی ناحیه‌ای، راهکار مناسبی برای حکومت‌هایی است که گروه‌های قومی، زبانی و فرهنگی آنها در قلمرو مخصوص به خود بوده و با ترسیم مرزهای مشخص، امکان جدایی و تشخیص آنها از یکدیگر فراهم است (Mirheydar, 2011, 391).

پیترهاگت معتقد است دنیایی که جغرافیدانها باید توضیح دهند، صلح‌آمیز نیست. در تمام تاریخ مسطور و مدون ما داستانها شامل مشاجره بین مردمی است که این نواحی را چه در سطح قبیله‌ای ادوار اولیه و چه بین ابرقدرت‌های امروزی اشغال کرده‌اند. قسمت اعظم این مشاجرات به کشمکش بر سر قلمرو برمی‌گردد (Haggett, 2015: 343). با توجه به اینکه انسجام و همگرایی ملی در کشورهای با ترکیب ناهمگون، بر اساس الگوهای غیرمتمرکز در سازماندهی سیاسی فضا تحقق می‌یابد؛ بنابراین، در این مقاله تلاش شده است فلسفه وجودی و هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای به عنوان یکی از الگوهای مرسوم در تقسیم ساختار فضایی قدرت، مورد بررسی واقع شود. در تبیین "هستی‌شناسی" چنین سازه‌هایی، متغیرهایی همچون هویت‌طلبی ناحیه‌ای، خودآگاهی و وفاداری ناحیه‌ای، حق تعیین سرنوشت و خودگردانی ناحیه‌ای، تمایزات جغرافیایی، ادراک هویت اقلیتی - فضایی، بحران‌زدایی منطقه‌ای و محلی از قلمرو ملی، شکوفایی توانمندی‌های ناحیه‌ای و مدیریت فضا و ایجاد تفاهم میان سازه‌های انسانی ناهمگون و تعادل ناحیه‌ای، تاثیرگذار می‌باشند. در حوزه جغرافیای سیاسی، "ریچارد هارتشورن" و "ژان گاتمن" با طرح نظریه‌های "کارکردگرایی" و "سیرکولاسیون و ایکونوگرافی"، نقش نیروهای واگرا و همگرا را در تداوم و بقای کشور و انسجام بخشی به واحد ملی تاثیرگذار می‌دانند. از دیدگاه هارتشورن، وجود و بقای کشور در تعادل پویا میان نیروهای مرکزگرا و مرکزگریز می‌باشد (Veicy, 2015: 146).

امروزه، ناحیه‌گرایی، پارادایم واژگان دارندهٔ پسوند ملی را آنچنان درنوردیده که به باور بسیاری از آگاهان، دوران فرسایش دولت-ملت‌های عموماً ناهمگن از بُعد فرهنگی و سرزمینی آغاز شده است (Kaviyani, 2009:53). بنابراین، پرداختن به مقوله مسائل قومی و الگوهای غیرمتمرکز از منظر جغرافیای سیاسی، مقوم انسجام‌بخشی به واحد ملی و ایجاد تعادل میان نیروهای همگرا و واگرا می‌باشد. ذکر این نکته ضروری است که هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای در چارچوب حکومت‌های ملی و مستقل، قابلیت تبیین و بررسی را دارد. ماهیت این گونه سازه‌های فضایی، بدون وجود کشور و حکومت ملی مستقل، امکان طرح نداشته و موضوعیت خود را از دست می‌دهد. لذا پرداختن به ماهیت و چرایی چنین سازه‌هایی، تنها در قالب حکومت‌های مستقل ملی امکان‌پذیر می‌باشد.

مفاهیم نظری

ناحیه^۱

ناحیهٔ جغرافیایی بخشی از سیاره زمین است که به وسیله عامل یا عواملی به چنان درجه‌ای از وحدت و هماهنگی رسیده است که می‌تواند از بخش‌های مجاور خود متفاوت باشد (Hafeznia, & kaviyani, 2004:7).

ناحیه‌گرایی سیاسی^۲

یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های مطالعات ناحیه‌گرایی آن است که ناحیه‌گرایی به معنای مطالعه چیزهای متفاوت به نسبت مردمان مختلف در بسترها^۳ و دوره‌های زمانی متفاوت است (Soderbaum, 2015:3). شکل‌گیری دولت‌های مدرن بعد از صلح وستفاليا در سال ۱۶۴۸م، غالباً براساس انگاره‌های فرهنگی قومیت غالب شکل گرفت. شکل‌گیری یک کشور براساس ویژگی‌های فرهنگی اکثریت قومی، زمینهٔ واکنش گروه‌های قومی دیگر را در جغرافیایی با نواحی ناهمگون را فراهم می‌سازد. درایسدل^۴ و بلیک^۵، عواملی همچون گوناگونی فضایی داخلی در زمینه‌های هویت فرهنگی، ساختار اقتصادی، تجربیات تاریخی، تکائف جمعیت و ساخت محیطی و همچنین وسعت زیاد کشور را در

1. Region

2. Political Regionalism

3. Contexts

4. Draysdel

5. Belike

ناحیه‌گرایی سیاسی^۱ موثر می‌دانند (Draysdel & Belike, 1991: 227). دولت‌های امروزی، مجموعه‌ای از چند ناحیه سیاسی‌اند. تشکیل دولت ملی در حقیقت به معنای حاکمیت زبان و فرهنگ ناحیه اکثریت بر دیگر نواحی بود. در نتیجه، نژادها یا صاحبان زبان و فرهنگی که خود را اقلیت می‌دیدند، در مقابل مرکز قرار گرفته و خود را در حاشیه نظام سیاسی شکل گرفته یافتند (kavianirad, 2009: 27). ناحیه‌گرایی قومی به معنای تحرک قومیت ناحیه‌گرا در داخل یک کشور در راستای تحصیل حداکثر منافع از منابع عمومی برای خود و در همان حال، پاسداری و ارتقای هویت و سرزمین مجزا برای قوم ناحیه‌گرا می‌باشد (Yiftachel, 1995: 94).

همانطور که از تعاریف ارائه شده برمی‌آید، هویت ناحیه‌ای، تمایزات فرهنگی، عدم تعادل فضایی در دستیابی به منابع قدرت میان مرکز و نواحی، وسعت زیاد کشور و تمایزات جغرافیایی در بروز ناحیه‌گرایی سیاسی در کشورهایی با ترکیب ناهمگون قومی و فرهنگی، نقش مهمی بازی می‌نمایند.

ناسیونالیسم قومی^۲

ناسیونالیسم، یکی از دستاوردهای مدرنیته بوده و همراه با آن می‌باشد. و همچنین یکی از ایدئولوژی‌ها و گفتمان‌های اساسی مدرنیته است. ناسیونالیسم به سه دلیل مفهومی مدرن است:

۱- اولین ایدئولوژی در تاریخ بشر می‌باشد که اقتدار را در یک ملت می‌بیند؛

۲- اولین ایدئولوژی در تاریخ است که مشروعیت سیاسی را از منبع ملت دریافت می‌کند؛

۳- واز همه مهمتر، ناسیونالیسم، اولین ایدئولوژی در تاریخ بشریت است که ملت را به صورت متحد در یک واحد سیاسی متشکل می‌نماید. قبل از ناسیونالیسم، مشروعیت سیاسی حاکم و پادشاه از منبعی الهی منتج می‌شد و این مشروعیت چنان تفسیر می‌شد که حاکم و پادشاه، نماینده خداوند بر روی زمین هستند، زیرا در آن زمان، کلیسا به دلیل اقتدار کامل و عدم وجود سکولاریسم، این فضا و شرایط را خلق نموده بود (Walli, 2005: 108). مفهوم "ناسیونالیسم قومی" حاصل تلاش "واکر کونور"^۳ می‌باشد. از دیدگاه کونور، موجود خالصی به نام دولت ملی وجود ندارد و ملت واقعی همان گروه قومی است. گروه قومی، مقوله‌ای اساسی بشری است (و نه یک گروه فرعی) که از وحدت نژادی و فرهنگی برخوردار است. از دیدگاه وی، تنها عاملی که به یک گروه قومی، ماهیت ملیت می‌دهد، "خودآگاهی" است (Ahmadi, 2016: 37).

1. Political Regionalism

2. Ethnic Nationalism

3. Walker Connor

نظریه کارکردگرایی^۱

"هارتشورن"^۲ (۱۹۵۰)، اظهار می‌داشت که حکومت را می‌توان برحسب تکاملش در طول زمان بررسی کرد که رویکردی تاریخی است. اگر برحسب ساختار و شکل بررسی شود، رویکردی پیکرشناختی^۳ است. سپس وی از رویکردی که بیشتر پویا بوده و بر کارکرد حکومت متمرکز باشد، طرفداری کرد. وی عقیده داشت که حکومت در رویارویی با چالش‌ها، اعم از چالش‌های بالقوه خارجی و داخلی، درگیر تلاش مداوم برای تحمیل سیطره خود بر قلمرو است. وی استدلال کرد که درون هر کشور و در هر لحظه، توازن خاصی میان نیروهایی وجود دارد که وی آنها را نیروهای «مرکزگریز»^۴ و «مرکزگرا»^۵ نامید. نیروهای مرکزگریز نیروهایی هستند که کار دولت را برای یکپارچه کردن مردم و قلمرو در یک مجموعه منسجم و هماهنگ، مشکل می‌کنند. اختلافات فرهنگی، سیاسی یا اقتصادی میان جمعیت‌ها یا موانع جغرافیایی، تماس میان مناطق مختلف، همگی، می‌توانند در حکم نیروی‌های مرکز گریز عمل کنند. اگر نیروهای مرکز گریز را بدون نظارت هرگونه سیستم متعادل‌کننده‌ای به حال خود واگذاریم موجب فروپاشی کشور می‌شوند. درمقابل، نیروهای مرکزگرا در جهت عکس عمل کرده و اجزای کشور را به هم نزدیک می‌کنند. مهمترین نیروی مرکزگرا چیزی بود که هارتشورن آن را علت وجودی^۶ حکومت نامید. «علت وجودی» یا «اندیشه حکومت»^۷، دربرگیرنده اعتقادات یا آرمان‌های مهم خاصی است که می‌تواند جمعیت یک کشور را به یکدیگر متحد سازد (Muir, 1998:200).

نظریه سیرکولاسیون - ایکونوگرافی

در سال ۱۹۵۱، "گاتمن"^۸ «آیکونوگرافی»^۹ و «سیرکولاسیون»^{۱۰} را معرفی کرد و جهان سستی جغرافیای سیاسی را دگرگون ساخت و جغرافیای سیاسی نوین را بنیان نهاد (Mojtahedzadeh, 2000:373). گاتمن در تبیین مفهوم سیرکولاسیون (حرکت یا چرخش)، معتقد است

1. Functionalism theory
2. Richard Hartshorne
3. Morphological
4. Centrifugal force
5. Centripetal force
6. Raison d'etre
7. State idea
8. Jean Gottman
9. Iconography
10. Circulation

که دو موقعیت کاملاً شبیه به هم بر روی کره زمین وجود ندارد. موقعیت‌های متفاوت، باعث سرگذشت و تاریخ متفاوت واحدهای سیاسی و کشورها شده است. از سویی دیگر، فضا در کره خاکی محدود است و فضاهای قابل دسترس انسان، فضای سیاسی است. سیاسی شدن فضا، موجب تقسیم آن می‌شود. وی می‌گوید تقسیم‌بندی فضا، نتیجه قابلیت دسترسی آن برای انسان است. به نظر می‌رسد متناسب با ادبیات امروزی جغرافیای سیاسی، این گزاره بدین معنا است که رقابت بر سر فضا، باعث تقسیم فضا می‌شود. درحقیقت، در تقسیم فضا، حوزه نفوذ، مالکیت، حاکمیت و منافع بین رقبا تقسیم‌بندی می‌شود. فضاهای تقسیم‌شده منفک از هم نیستند بلکه نیازمند رابطه با یکدیگرند. روابط میان فضاها با حرکت در میان محدوده‌های سرزمینی به وجود می‌آید. حرکت و قابلیت دسترسی فضاها از طریق میزان رفت و آمد، ارتباطات، حمل و نقل و تجارت تعیین می‌شود. در زبان فرانسه این مجموعه تحرکات را سیرکولاسیون می‌گویند. از نظر گاتمن، ذات سیرکولاسیون، تغییر و تحول است. افول حکومت‌ها، فروپاشی کشورها، ناپایداری قدرت سیاسی در بین ملتها و تقسیم شدن سرزمین‌ها ناشی از سیرکولاسیون است (Veicy, 2015: 162-163).

در مقابل مفهوم سیرکولاسیون که در بردارنده تغییر و تحول می‌باشد و موجب ناپایداری می‌گردد؛ گاتمن از مفهوم دیگری که در واقع تداعی‌گر مقاومت و پاسداشت ارزش‌های ملت‌هاست، استفاده می‌کند و آن آیکونوگرافی یا نمادنگاری می‌باشد. گاتمن به اهمیت نمادهایی همچون تاریخ، افسانه، ادبیات و عادت‌های اجتماعی در ساخت و تخریب دولت‌ها پی برد. این باورها، دیدگاهها و شیوه‌های انجام امور مختلف که در «روح» یک ملت گنجانده شده‌اند، بایکدیگر ترکیب می‌شوند تا نمادنگاری سستی را شکل بخشیده و نظامی با دیدگاه محافظه‌کارانه را که نسبت به تغییر مقاوم است، بنیاد نهد (Muir, 1998: 29).

روش‌شناسی

این مقاله از لحاظ هدف، بنیادی بوده و از لحاظ ماهیت، توصیفی - تحلیلی می‌باشد. در این تحقیق روش گردآوری اطلاعات، با توجه به نوع و ابعاد آن بصورت کتابخانه‌ای می‌باشد. در این تحقیق از کتب، مقالات و سایت‌های اینترنتی استفاده شده است.

یافته‌ها و بحث

نظریه کارکردگرایی هارتشورن و فلسفه وجودی دولت‌های ناحیه‌ای

به دلیل زیاده‌طلبی ژئوپلیتیک آلمان‌ها، کلیت جغرافیای سیاسی بعد از جنگ جهانی دوم به هم خورد. هارتشورن در دوران انزوای جغرافیای سیاسی، در راستای سیاست‌زدایی از این شاخه از جغرافیا و ارائه آن به عنوان شاخه‌ای علمی، رویکرد کارکردگرایی را ترویج داد (Jones and others, 2004:7). هارتشورن با ارائه نظریه خود، مفهوم "کشور" را در حوزه جغرافیای سیاسی برجسته ساخت. هارتشورن با طرح مفاهیم "نیروهای مرکزگرا" و "مرکزگریز"، به نوعی در صدد تثبیت اقتدار مرکزی در مواجهه با ناحیه‌گرایی برآمد. از دیدگاه وی، اقتدار و پایداری کشور، در توانمندسازی و توسعه نیروهای مرکزگرا است. از دیدگاه هارتشورن، علت وجودی دولت، زمینه‌ساز همگرایی و تقویت نیروهای مرکزگرا می‌باشد. بنابراین، علت وجودی دولت، می‌بایستی سیمانی باشد که نواحی مختلف یک کشور ناهمگون را به هم متصل نماید. اگر در مبحث علت وجودی، باشندگان نواحی مختلف، احساس تعلق و وابستگی به پیکره کشور را نمایند، علت وجودی، اثرگذاری خود را از دست می‌دهد و پاره‌های مختلف قومی و فرهنگی در چنین کشورهایی دچار انزوای طلبی شده و با بروز خودآگاهی قومی و هویتی در آنها، مطالبات ناحیه‌ای خود را برجسته می‌سازند.

از دیدگاه هارتشورن، منظور از کشور، سازماندهی بخشی از سرزمین و مردم، با تنوع گسترده ناحیه‌ای و سرزمینی، در یک واحد سیاسی است. حکومت‌ها سعی می‌کنند کنترل روابط سیاسی درون خود را به انحصار درآورند و در این راه از ابزار قانون و قدرت استفاده می‌کنند. سازمان‌های سیاسی محلی باید با مفاهیم و سازمان‌های سیاسی مرکزی تایید شود تا به طور کلی سازماندهی سیاسی فضا را تکمیل کنند (Veicy, 2015:138). از منظر هارتشورن، قبض و بسط فضایی قدرت در یک کشور با تنوع فرهنگی و ناهمگون، منوط به تصمیم قدرت مرکزی است و این اقتدار مرکزی است که الگوهای مدنظر خود را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در راستای یکپارچگی کشور ارائه می‌نماید و به دلیل اینکه هر حکومت از جانب دیگر حکومت‌های دیگر تهدید می‌شود؛ می‌بایستی تمامی نواحی یک کشور، علایق ملی را بر وفاداری‌های ناحیه‌ای ترجیح دهند.

1. Centripetal Forces
2. Centrifugal Forces
3. Raison d'etre

در یک جمع‌بندی کلی، هارتشورن وجود کشور و بقای آن را تعادل میان نیروهای مرکز‌گرا و مرکز‌گریز می‌داند. نظریه کارکردگرایی هارتشورن در راستای تداوم و بقای حکومت‌هایی با سیستم متمرکز می‌باشد زیرا ازدیدگاه وی تکرار قومی و زبانی در نواحی یک کشور، عوامل مخرب و اختلاف‌زا می‌باشند و برای اینکه در میان نیروهای مرکز‌گرا و مرکز‌گریز تعادل شکل گیرد؛ الگویی که حاکی از برآورده شدن مطالبات نواحی قومی و فرهنگی باشد، ارائه نمی‌دهد. البته با توجه به اینکه، هارتشورن از بنیان‌گذاران مکتب کورولوژیک و افتراق مکانی است و باوری به تعمیم‌پذیری پدیده‌ها و الگوها در حوزه جغرافیا ندارد، بنابراین، الگوی مدنظر وی در ارتباط با مفاهیم علت وجودی کشور و اندیشه حکومت، نمی‌تواند تعمیم‌پذیری عام در سازماندهی سیاسی فضا در کشورهای مختلف داشته باشد. نظریه کارکردگرایی هارتشورن با برجسته‌ساختن نقش نیروهای مرکز‌گریز، بطور غیرمستقیم، تنوع و ناهمگونی قومی و فرهنگی را از منابع تهدید به‌شمار می‌آورد. حضور پررنگ نیروهای مرکز‌گریز در نظریه هارتشورن، توجه به مقوله سازماندهی سیاسی فضا و تقسیم قدرت میان سازه‌ها و نواحی مختلف در یک کشور با تنوع قومی را ضروری می‌سازد. بنابراین، از این زاویه، نظریه هارتشورن زمینه تبیین هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای را توجیه‌پذیر می‌سازد. در نظریه هارتشورن، اشاره‌ای به دولت‌های ناحیه‌ای نشده است؛ اما بر تعادل میان نیروهای همگرا و واگرا تأکید می‌نماید. ایجاد تعادل میان نیروهای مرکز‌گرا و مرکز‌گریز، مستلزم انبساط در سیاست‌های فضایی قدرت از جانب حکومت‌های مرکزی است؛ الگوهای غیرمتمرکز (فدرالیسم و خودمختاری)، پتانسیل کاهش مناقشات قومی میان نواحی ناهمگون با حکومت‌های مرکزی را دارند و برپایی چنین سازه‌هایی در کشوری‌هایی با تنوع قومی، زمینه‌ساز تعادل فضایی قدرت میان نواحی قومی با حکومت‌های مرکزی گردیده و به تبع آن، بستر تعادل میان نیروهای همگرا و واگرا فراهم خواهد شد.

نظریه سیرکولاسیون وایکونوگرافی و هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای

گاتمن نیز همانند هارتشورن بر نقش نیروهای دوگانه در ساخت کشور و واحد سیاسی تأکید دارد. گاتمن با طرح این موضوع که ملت‌ها دارای روح هستند و هر ملت نسبت به ملت دیگر متفاوت است (Veicy, 2015: 161) زمینه هویت‌طلبی را در میان آن دسته از اقلیت‌های قومی فراهم می‌سازد که خود را به‌عنوان یک ملت مجزا از ملل مجاور خود تصور می‌نمایند. ازدیدگاه برخی از نظریه‌پردازان همچون "واکر کونور"، ملت یک گروه قومی خودآگاه است. وی ملت را گروهی از مردم می‌داند که اعضای آن معتقدند،

رابطه خویشاوندی با یکدیگر دارند (Amahdi, 2016: 145) ازدیدگاه گاتمن، رقابت بر سر فضا، موجب تقسیم آن می‌شود. در تقسیم‌بندی فضا، حوزه نفوذ، مالکیت، حاکمیت و منافع بین رقبا تقسیم می‌شود (Veicy, 2015: 162). با نگاهی بر منازعات قومی در واحدهای سیاسی ناهمگون، ناحیه‌گرایی و قلمروخواهی منطبق بر تقسیم‌بندی فضا است. ناحیه‌گرایان قومی، خواهان تعادل در قدرت و برابری فرصت‌ها میان نواحی تشکیل‌دهنده یک کشور می‌باشند.

نظریه سیرکولاسیون و ایکونوگرافی، امکان انطباق با سازه‌های مختلف ملی و ناحیه‌ای را دارد. گاتمن بحث از حرکت و چرخش میان سازه‌های انسانی می‌کند و این چرخش، زمینه‌ساز رقابت و تقسیم فضا میان کشورها در سطوح منطقه‌ای و تقسیم نواحی در سطوح ملی است.

امروزه مهاجرت‌ها و تحرک انسانی در بُعد فیزیکی و روند انتقال سریع اطلاعات در بُعد مجازی، مفهوم سیرکولاسیون را در خصوص مطالبات قوم‌گرایانه کاربردی می‌سازد. از جانب دیگر، مفهوم ایکونوگرافی بر جنبه‌ها و ویژگی‌های معنوی ملت‌ها تأکید دارد؛ از این لحاظ نیز، ناحیه‌گرایان در تعریف خود به عنوان هویت‌های مجزا، از این مفهوم بهره‌برداری خواهند نمود. با توجه به مصداقیت این نظریه در مقوله تمایز ملت‌ها و همچنین خواست‌های قوم‌گرایانه، این نظریه مجرای در راستای تبیین ضرورت و ماهیت دولت‌های ناحیه‌ای می‌گشاید.

ماهیت و چستی دولت‌های ناحیه‌ای

حق تعیین سرنوشت و خودگردانی ناحیه‌ای

"محمدرضا حافظ‌نیا"، در نظریه‌ای تحت عنوان «تبیین جغرافیایی حق تعیین سرنوشت»، با رویکردی سیستمی، سه مقوله فضای طبیعی، سازه انسانی و حق و حقوق شهروندی و انسانی را در رابطه‌ای دیالکتیک به هم پیوند می‌زند. حافظ‌نیا، هر سازه انسانی را دارای هویت، منافع و ساختار مشترک به خود می‌داند؛ بر این اساس، هر سازه انسانی دارای هویتی مجزا و منحصر به فرد نسبت به سازه دیگری است. وی با طرح مفهوم رابطه اکولوژیک میان سازه‌های فضایی و انسانی، مقوله حق تعیین سرنوشت را وارد فاز طبیعی، مشروع و غیر قابل انکار نمود. ازدیدگاه ایشان انطباق سازه طبیعی با سازه انسانی موجب حق آب و گل برای باشندگان واحد جغرافیایی است. این واحد جغرافیایی، سطوح ماکرو تا میکرو را شامل می‌شود. وی با شرکت سهامی خواندن ملت، تساوی حقوق را شرط بقا و ماندگاری یک ملت با تنوع ناهمگون قومی و فرهنگی می‌داند (Hafeznia, 2006: 212).

هرچند "حافظ‌نیا" به صورت مشخص اشاره‌ای به حق تعیین سرنوشت در قالب ناحیه‌ای و قومی ننموده است اما گزاره حق تعیین سرنوشت در قالب رابطه اکولوژیک سازه‌های فضایی و انسانی بر نواحی قومی و هویت طلب نیز قابل تعمیم می‌باشد. نظریه حافظ‌نیا در کشوری ارائه می‌گردد که از لحاظ تنوع قومی و فرهنگی بسیار متنوع و از لحاظ سیستم سازماندهی سیاسی فضا، از جمله کشورهایی با تمرکز شدید اداری و سیاسی می‌باشد؛ بنابراین، این نظریه از جمله نظریه‌های بالقوه‌ای است که توجیه‌کننده فلسفه وجودی دولت‌های ناحیه‌ای می‌باشد.

مسئله حق تعیین سرنوشت در قلمرو کشورهای با تنوع قومی با توجه به ساختار سیاسی قدرت و سازماندهی سیاسی فضا، در طیفی از تمرکز شدید اداری-سیاسی تا تقسیم فضا و قدرت در قالب مدل‌های خودمختاری و فدرالی در نوسان می‌باشد.

تقسیم قدرت در ابعاد فضایی در راستای برابری فرصتها

توجه به ساختار درونی یک حکومت از لحاظ تنظیم و تنسيق قدرت، امری مهم محسوب می‌شود. تقسیم قدرت بین مرکز و نواحی یک کشور و ناحیه‌بندی سیاسی درون کشوری منتج از نوع سیستم سیاسی آن کشور است (Mirheydar, 2011: 387). سیستم متمرکز بنا به علل مختلفی از جمله بیسوادی، عدم رشد فکری، عدم آشنایی مردم به حقوق و تکالیف اجتماعی خود و حکومت‌های مطلقه (استبدادی)، به وجود آمده‌اند (Mirheydar, 2011: 51). در نظام‌های متمرکز، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های مکانی و محلی، دست به اداره و سازماندهی کشور می‌زنند و به مردم نواحی مختلف یک حکومت که حق آب و گل دارند، اجازه شرکت در عرصه مشارکت و تصمیم‌گیری و اداره سرزمین خودشان را نمی‌دهند (Mirheydar, 2011: 389). فلسفه وجودی دولت‌های غیرمتمرکز که در قالب الگوهای فدرالی و خودمختاری به منصه ظهور می‌رسند؛ تلاش در راستای تقسیم قدرت از پوسته مرکز بوده و با تقسیم قدرت در ابعاد فضایی، زمینه برابری فرصت‌ها در دستیابی عادلانه به منابع و مشارکت فعالانه در لایه‌ها مختلف قدرت در ابعاد سراسری و ناحیه‌ای فراهم می‌گردد.

ادراک هویت اقلیتی-فضایی

ویژگی‌ها و ارزش‌های مشترک مکانی، درک عمیق نسبت منافع مکانی، زمینه‌ساز بروز ادراک هویت اقلیتی-فضایی در یک ناحیه جغرافیایی می‌گردد (Hafezni, & kaviyani, 2004: 16). هویت‌خواهی و شناسایی یک سازه جغرافیایی (طبیعی و انسانی) به عنوان پیکره‌ای مجزا و متمایز از دیگران، یکی از مهمترین

عوامل شکل‌گیری ناحیه‌گرایی و به تبع آن خودگردانی ناحیه‌ای در قالب الگوهای مرسوم در سازماندهی سیاسی فضا، از جانب باشندگان یک سرزمین یا ناحیه می‌باشد. حس تعلق به یک سازه انسانی و ناحیه‌ای و تعریف و جستجوی هویت خود با توجه به انگاره‌های مشترک ناحیه‌ای، و اینکه باشندگان ناحیه، سرزمین و فضای ناحیه‌ای را وطن قلمداد نمایند و حس تفاوت و انزوا نسبت به دیگر نواحی و پیکره اصلی کشور را در خود نهادینه بپندارند، ادراک هویت اقلیتی- فضایی را به منصف ظهور می‌رساند. یکی از متغیرهای مهم در چرایی و ضرورت برپایی دولت‌های ناحیه‌ای، توجه به مقوله هویت و هویت‌طلبی ناحیه‌ای می‌باشد.

هویت فرهنگی، عامل اصلی تعیین نواحی است (shakuie, 2016: 277). هویت ناحیه‌ای زمینه‌ساز اعتماد روحی و روانی در میان اقلیت ساکن در یک کشور چندقومی و چندفرهنگی است. بروز نمادهای هویتی در روابط اجتماعی میان نواحی و مرکز در مناسبات مختلف، گویای اهمیت این مسئله می‌باشد. پرچم منطقه‌ای، که زبان حال تمایزات هویتی میان نواحی قومی و مرکز می‌باشد، امروزه در روابط و تعاملات میان نواحی خودمختار و فدرال در کشورهای بریتانیا، اسپانیا و عراق دیده می‌شود.

پاسداری از ارزش‌های ناحیه‌ای

یکی از متغیرهای مهم در تبیین فلسفه وجودی دولت‌های ناحیه‌ای، مقوله فرهنگ و ارزش‌های هویتی در نواحی ناهمگون یک کشور می‌باشد. سیاست یکپارچه‌سازی یا واحدسازی به عمل متحدسازی سیاسی یک منطقه به صورت یک واحد فضایی، و یکپارچگی ملی به گردآمدگی بخش‌های مختلف یک جمعیت در درون یک واحد بزرگتر با هویتی متعالی و مشترک گفته می‌شود (Drysdal & Belik, 1990: 197).

در میانه دهه ۱۹۷۰، چرخش جدیدی در بحث‌های پیرامون ملت‌سازی ایجاد شد. «والکر کونور» در سمیناری با عنوان «ملت- ساختن یا ملت- خراب کردن» حمله شدیدی را به مکتب فکری که با کارل دویچ و شاگردانش همراه بود، آغاز کرد. کونور می‌گوید که ادبیات ملت‌سازی با انواع شکاف اجتماعی متعدد (بین شهروندان و دهقانان، نجیب‌زادگان و عوام، نخبگان و توده‌ها) انباشته شده است. اما به‌طور کلی از تنوع قومی غفلت شده است. کونور این غفلت را گناه غیرقابل بخشش می‌داند؛ زیرا بر طبق محاسبات او تنها ۹ درصد دولت‌های جهان دارای تجانس قومی هستند. در حالی که در سنت دویچی، ملت‌سازی به معنای شبیه جامعه بزرگتر شدن و نابود کردن ویژگی‌های قومی است. کونور معتقد است که در تاریخ جهان، ما بیش از اینکه با ملت‌سازی مواجه باشیم، با نابودی ملت مواجه بوده‌ایم (Moadab, 2009: 5).

سیاست یکپارچه سازی و تلاش در راستای شبیه‌سازی فرهنگی در فرایند ملت‌سازی^۱ در کشورهای ناهمگون و چند قومیتی، طیفی از برخوردهای نرم‌افزاری تا سخت‌افزاری را در پی داشته است. شبیه‌سازی فرهنگی نواحی ناهمگون در واحد ملی از طریق اجباری نمودن زبان و فرهنگ قومیت غالب در مدارس و ممنوعیت استفاده از زبان‌های نواحی ناهمگون و همچنین ترویج انگاره‌های فرهنگی قومیت غالب از طریق رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی، زمینه‌ساز واکنش باشندگان نواحی ناهمگون شده است. برای نمونه در کشوری همچون عراق تا سال ۲۰۰۳م، دولت مرکزی در راستای ملت‌سازی براساس فرهنگ، زبان و نژاد عربی، سیاست‌های مختلفی همچون شبیه‌سازی، ترحیل^۲ و تعریب را در مناطق غیرعرب‌نشین، همچون کردستان پیاده نمود.

سیاست‌های حذفی در راستای واحدسازی ملی بدون توجه به ناهمگونی قومی و ناحیه‌ای، لزوم پاسداشت ارزش‌های هویتی و ناحیه‌ای را در میان نواحی ناهمگون گسترش می‌دهد. برای نمونه از زمان برپایی دولت ناحیه‌ای کردستان در عراق، ارزش‌های ناحیه‌ای در این منطقه، از طریق نهادهای مستقر در این اقلیم به‌نحوشایسته‌ای پاس داشته شده‌اند.

شکوفایی توانمندی‌های ناحیه‌ای

در الگوی نظام حکومتی بسیط یا تک‌ساخت، اصولاً به اداره امور سازمان‌های محلی و منطقه‌ای توجهی نمی‌شود و تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومتی و اداری از مرکز به پایین‌ترین سطوح القا می‌شود (Hafeznia & others, 2013: 49). عدم تعادل‌های فضایی منجر به عدم توزیع منابع ملی و اعتبارات جاری و عمرانی و در نتیجه، موجب تشدید نابرابری و شکاف بین واحدهای سیاسی مختلف در زمینه‌های گوناگون می‌شود. در وضعیتی که نابرابری‌ها تشدید شود، جامعه دچار تنش شده و بین حاکمیت و مردم حالت تعارض به وجود می‌آید که در چارچوب استراتژی ملی نهایتاً همبستگی، یکپارچگی و قدرت ملی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و کشور را با تهدیداتی همچون تجزیه و هرج و مرج روبه‌رو می‌سازد (Hafeznia & others, 2013: 289). یکی از ویژگی‌های بارز دولت ناحیه‌ای، توجه به منابع محلی (طبیعی و انسانی) و تلاش در راستای شکوفایی توانمندی‌های منطقه‌ای است. دولت ناحیه‌ای، به دلیل اختیارات کافی و به‌دور بودن از

1. Assimilation

2. Nation-B

۳. سیاست ترحیل به سیاستی گفته می‌شود که حکومت عراق با برنامه ریزی همه جانبه ای و در راستای عربی سازی مناطق غیرعربی، ساکنان غیرعرب مناطق را خصوصاً از مناطق منازعه علیه میان کردها و اعراب، به دیگر نواحی می کوچاند.

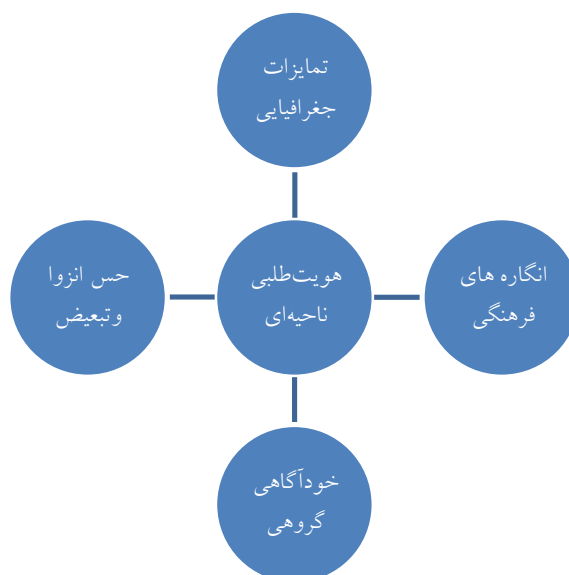
سازکارهای اداری، سیستم‌های متمرکز، منابع موجود در ناحیه خودمختار یا فدرال را در جهت پیشبرد و توسعه زیرساخت‌های عمرانی قرار می‌دهد و زمینه شکوفایی ناحیه‌ای را فراهم می‌سازد. شکوفایی اقتصادی و توسعه مناطق خودمختار و فدرال کاتالونیا در اسپانیا، اسکاتلند در بریتانیا و اقلیم کردستان در عراق از نمونه‌های مشخصی هستند که پس از دستیابی به اختیارات ناحیه‌ای و تشکیل دولت منطقه‌ای، توازن و تعادل فضایی را میان مرکز و مناطق خودمختار و فدرال به وجود آورده‌اند.

ضرورت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای

هویت‌طلبی ناحیه‌ای

کارل تیلور در تعریف هویت می‌گوید: «هویت من به وسیله تعهدات و شناسه‌هایی که در چارچوب یا افقی که من سعی در تعیین آن از یک موضوع به موضوع دیگر دارم و اینکه چه چیزی خوب و یا ارزشمند است، و یا چه می‌بایستی باشد و یا چه چیزی را تصدیق و یا رد کنم، شناخته می‌شود» (Fearon, 1999: 5). جینکس هویت را راهی می‌داند که در آن فرد یا اجتماع از طریق روابط اجتماعی‌شان، خود را از دیگر افراد و جوامع متمایز می‌سازند (Fearon, 1999: 4). هویت به عنوان متغیر تابع، مجموعه ویژگی‌ها، شناسه‌های مکانی و الگوهای رفتاری آموختاری است که به واسطه آنها، فرد، مکان و گروه، خود را از مکان و گروه‌های دیگر متمایز می‌یابد. هویت، کمایش در سازمان‌های عینی، علایق و احساس مسئولیت، نمود می‌یابد و بستر پیدایش و تکامل زندگی اجتماعی می‌شود (Hafez, & Kaviyani, 2004: 204). یکی از عوامل موثر در مبحث ضرورت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای، هویت‌طلبی است. هویت‌طلبی ناحیه‌ای بر ویژگی‌های همسان یک ناحیه جغرافیایی و در همان حال، بر تمایزات آن با دیگر نواحی همجوار استوار می‌باشد. جغرافیدانان، هویت فرهنگی را عامل اصلی تعیین ناحیه می‌دانند (Shakui, 2016: 277). قومیت و ملی‌گرایی قومی، با هر تعریف، مفاهیمی مرتبط با مقوله هویت و موثر بر هویت دولت و یا در رقابت با آن هستند. یک گروه قومی از آن رو با گروه‌های قومی دیگر تمایز و مرزبندی دارد که هویت متفاوتی - خواه واقعی یا تصویری - برای خود قائل بوده و کمایش بر اساس همین تمایز هویتی رفتار می‌کند (Haghpanah, 2007: 67). هویت، مبنایی برای رفتار سیاسی محسوب می‌شود. هویت تنها جنبه شناختی نداشته، بلکه کارکرد شناختی آن با کارکردهای سنجشی و عاطفی همراه می‌شود و طبعاً مبنای رفتار اجتماعی و سیاسی می‌گردد. به باور "تدهاف"، هویت‌ها در جامعه

سه کارکرد دارند که خواه، ناخواه تعیین‌کننده سیاست «ما» در برابر «دیگران» خواهد بود: نخست به ما و دیگران می‌گویند که چه کسی هستیم و به ما می‌گویند که دیگران چه کسانی هستند. دوم، تعیین اینکه ما چه کسی هستیم، دربرگیرنده مجموعه خاصی از منافع یا اولویت‌ها و فرصت‌های اقدام در قلمروی خاص [ناحیه‌ای خاص] و درخصوص بازیگران خاص است. سوم، هویت یک دولت، اولویت‌ها و اقدامات بعدی دولت را بیان می‌کند. دولت، دیگران را بنابر هویتی که برای آنان قائل است، درک می‌کند (Haghpanah, 2007, 72). هویت ناحیه‌ای که مبنایی برای بروز مطالبات قومی به‌شمار می‌رود، ریشه در هویت مکانی دارد. هویت مکانی به‌هویتی که انسان از مکان تولد و سکونت خود کسب می‌کند، اطلاق می‌شود. هویت مکانی مانند انواع دیگر هویت به‌این پرسش که من که هستم یا کجا هستم و یا به کجا تعلق دارم پاسخ می‌دهد. هویت مکانی، نوعی ابراز وجود است که از معنای محیطی برای تعیین هویت استفاده می‌کند (Mirhaydar, 2006: 53). باشندگان یک ناحیه، به‌دلیل تمایزات جغرافیایی، انگاره‌های فرهنگی (زبان، نژاد، مذهب و آداب و رسوم)، خاطرات سیاسی و تاریخی مشترک، حس انزوا و تبعیض و خودآگاهی گروهی و پیوند اکولوژیک میان خود و محیط جغرافیایی‌شان، هویت ناحیه‌ای خود را در تمایز با انگاره‌های هویتی دیگر نواحی تعریف می‌نمایند. براین اساس، هویت‌طلبی ناحیه‌ای از عوامل موثر در تبیین چرایی و ضرورت دولت‌های ناحیه‌ای به‌شمار می‌رود.



مدل ۱. مولفه‌های موثر در هویت‌طلبی ناحیه‌ای (Authors)

تمایزات جغرافیایی

سازگاری و همسازی جامعه انسانی با محیط طبیعی، نواحی جغرافیایی را به وجود می‌آورد و این واحدهای جغرافیایی، بر مبنای اکولوژیک، سیاره زمین را به نواحی کاملاً مشخصی با خصیصه‌های متمایز تقسیم می‌نمایند (Shakoui, 2002: 40). تمایزات جغرافیایی، در حوزه محیط طبیعی میان نواحی مختلف، زمینه‌ساز بروز تفاوت‌های فرهنگی در ابعاد گوناگون خواهد شد. تمایزات جغرافیایی در زمینه‌های اقلیمی، ناهمواری و بنیان‌های زیستی (آب و خاک)، تا حدود زیادی بر تفاوت‌های فرهنگی تأثیرگذار خواهد بود. نقش عوامل جغرافیایی و محیطی بر اندیشه، منش و رفتار سیاسی انسان، سابقه‌ای طولانی در جغرافیای سیاسی دارد. این اندیشه که در قالب مکتب محیطی در جغرافیای سیاسی نمود یافته است؛ به نظریه‌پردازی‌های اندیشمندان یونان باستان، افلاطون و ارسطو برمی‌گردد. مکتب محیطی بر محور رابطه یک سوبه و جبری تأثیر عوامل و متغیرهای محیط طبیعی و به تعبیری جغرافیای طبیعی بر سیاست و حکومت تمرکز داشته است. برای نمونه "زان بدن" منش ملی هر کشوری را برآیند آب و هوا و توپوگرافی آن کشور می‌داند که بر پایه آن ساختار سیاسی شکل می‌گیرد (Hafezni, & kaviyani, 2014: 161). اگر از منظر مکتب ناحیه‌ای نیز به مقوله تمایزات جغرافیایی در هویت‌یابی ناحیه‌ای نگاه کنیم، ناحیه، هویت خود را از همگونی و همسانی فضایی می‌گیرد (Hafezni, & kaviyani, 2014: 165). هر ناحیه جغرافیایی، بر اساس تمایزات خود با دیگر نواحی اطراف، هویت پیدا می‌کند و همین تمایزات در جغرافیای طبیعی منجر به تفاوت‌های فرهنگی و بروز الگوهای متفاوت روابط اکولوژیک میان باشندگان یک ناحیه فرهنگی با محیط طبیعی‌اش می‌گردد.

انگاره‌های فرهنگی و تاریخی

انسان به عنوان موجودی واحد از لحاظ بیولوژیک، چگونه تمایل دارد تحت عنوان گروه‌های مختلف متفرق باشد (Haggett, 2015: 5). تفاوت‌های فرهنگی یکی از مهمترین عوامل تمایز در میان جوامع و نواحی مختلف انسانی است. فرهنگ، الگوهای رفتار آموخته شده انسانی را که در قالب مقاومی شکل می‌گیرد، بیان می‌کند و به واسطه آن، ایده‌ها و تصورات از یک نسل به نسل دیگر یا از گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شود (Haggett, 2015: 8).

جولیان هاکسلی، زیست‌شناس انگلیسی، ساده‌ترین دسته‌بندی فرهنگ را در قالب مدلی ارائه نموده است. در این مدل، تفاوت‌های فرهنگی میان نواحی مختلف در سه جزء خلاصه می‌شود: ۱- واقعیت‌های

ذهنی ۲- واقعیت‌های اجتماعی ۳- واقعیت‌های فنی (Haggett, 2015:9). محوری‌ترین و مقاوم‌ترین عناصر یک فرهنگ، واقعیت‌های ذهنی می‌باشند که عبارتند از: مذهب، زبان، سحر و فلکور، سنت‌های هنری و نظایر اینها. این واقعیت‌ها، اساساً ذهنی و انتزاعی هستند و به توان تفکر و ساختن ایده مربوطند و تصورات و ایدئال‌ها را در برابر دیگر ارزش‌های فرهنگی شکل می‌دهند.

واقعیت‌های اجتماعی، به آن دسته از جنبه‌های فرهنگی می‌پردازند که به روابط میان گروه‌ها و افراد مربوط می‌گردد. و واقعیت‌های فنی عبارتند از تجلیات مادی فرهنگ که گاهی بار فرهنگی^۱ نامیده می‌شوند، همانند تکنولوژی مادی فرهنگ که احتیاجات غذایی، مسکن و حمل‌ونقل را تامین می‌نماید (Haggett, 2015:10). انگاره‌های فرهنگی یک ناحیه با آنچه هاگت به واقعیت‌های ذهنی تعبیر می‌کند، زمینه‌ساز شکل‌گیری نواحی مختلف انسانی می‌گردد. تفاوت‌های زبانی، مذهبی، تاریخی و خاطرات جمعی... از جمله انگاره‌هایی هستند، که تمایز و تشابه میان نواحی مختلف را به منصه ظهور می‌رسانند. تمایز و تشابه میان نواحی مختلف انسانی، واقعیت‌های اجتماعی را در روابط و ارتباطات گروه‌ها و اجتماعات مختلف به‌نمایش می‌گذارد.

بحران زدایی منطقه‌ای و محلی از قلمرو ملی

یکی از دلایل جنگ‌های داخلی در هر کشور به‌ناهمگنی آن کشور به‌لحاظ قومی و مذهبی برمی‌گردد (Hafeznia & Ghorbaninejad, 2017:191). روابط میان اکثریت قومی و مذهبی با دیگر اقلیت‌های ساکن در یک کشور، در تدوین قوانین، سازماندهی سیاسی- فضایی، تقسیم قدرت و میزان مشارکت آحاد یک جامعه، نمود عینی خواهد داشت. حکومت اکثریت، وسیله‌ای است برای سازماندهی دولت و تصمیم‌گیری درخصوص مسائل عمومی، نه طریقی دیگر برای ظلم و ستم. همانطور، هیچ گروه خودمنصبی، حق آزار دیگران را ندارد، هیچ اکثریتی، حتی در یک دموکراسی نیز نباید حقوق و آزادی‌های اساسی یک فرد و یا گروه اقلیت را سلب نماید. اقلیت‌ها، چه به‌دلیل قومیت، باورهای دینی، موقعیت جغرافیایی، سطح درآمد و یا فقط به‌عنوان بازنده‌های انتخابات و یا یک مناظره، از حقوق اساسی تضمین شده برخوردارند که هیچ دولت و یا گروه اکثریت منتخب و یا غیری، حق سلب آن را ندارد. اقلیت‌ها باید اطمینان داشته باشند که دولت‌ها از حقوق و هویت آن‌ها دفاع می‌کنند. وقتی این اطمینان حاصل شد، این گروه‌ها می‌توانند در نهادهای دموکراتیک کشور خود مشارکت کرده، برآنها تاثیر گذار باشند (Ezzati, 2006:101). ناهمگونی

جمعیتی در یک کشور با ترکیب قومی و مذهبی، در صورتی که با عدم رعایت حقوق اقلیت‌ها از جانب اکثریت غالب قومی روبه‌رو باشد، زمینه‌ساز بروز بحران‌های داخلی، شکاف در همبستگی ملی و همچنین دخالت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور داخلی آن کشور خواهد شد. دخالت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور کشورهای چندقومی و مذهبی خاورمیانه، شاهدی بر این مدعاست. برای نمونه، کشور عراق از زمان تاسیس در دهه دوم قرن بیستم تاکنون، با معضل جدی مسائل قومی و مذهبی روبه‌روست. در این کشور که از ترکیب بسیار نامتوازن قومی و مذهبی تشکیل یافته است؛ به دلیل عدم رعایت حقوق مساوی در تقسیم فضایی قدرت از جانب حاکمان آن کشور، همبستگی ملی جای خود را به واگرایی قومی و مذهبی داده است و اصولاً این کشور به صورت سه بلوک مجزا تقسیم شده است. در صورتی که اگر در همان ابتدای تشکیل کشور، در بحث مربوط به سازماندهی سیاسی فضا، انگاره‌های فرهنگی و قومی در تقسیم‌بندی سیاسی-فضایی، مدنظر واقع می‌شد و روندی دموکراتیک در مشارکت واقعی همه باشندگان در قدرت مدنظر واقع می‌شد، واگرایی‌های امروز قومی و مذهبی، جای خود را به همگرایی ملی می‌داد و از بروز بحران‌های منطقه‌ای و محلی در سطح قلمرو ملی جلوگیری به عمل می‌آمد و زمینه دخالت‌های قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور داخلی آن کشور را مسدود می‌نمود.

مدیریت فضا و ایجاد تفاهم بین سازه‌های انسانی ناهمگون و تعادل ناحیه‌ای

هدف بنیادی از سازماندهی سیاسی فضا، تداوم‌بخشی به همبستگی ملی، پیوستگی سرزمینی از رهگذر مدیریت و واپایش فرایندهای برخاسته از مناسبات قدرت است که بازتاب فضایی دارند. جهت‌گیری این رویکرد عمدتاً مدیریت بهینه و پایدار سرزمین برای پاسداشت همبستگی ملی، پیوستگی سرزمینی و کاهش شکاف‌های ناحیه‌ای از رهگذر جذب مشارکت همگانی در فرایند توسعه است (Hafeznia, kaviyani, 2015: 216). در کشورهایی با ترکیب ناهمگون قومی، مدیریت سیاسی فضا، نقش بارزی در بروز واگرایی و همگرایی ملی بازی می‌نماید. در صورتی که الگوی حکمرانی سیاسی-فضایی در کشورهای چندقومی، بر اساس شبیه‌سازی فرهنگی و امحای ناهمگونی به نفع قومیت غالب پی‌ریزی شود؛ شاید در کوتاه‌مدت و با استفاده از ابزارهای مختلف، تاحدودی، مدیریت سیاسی و تقسیم فضایی قدرت در راستای منویات سیستم متمرکز عمل نماید، اما در درازمدت، به دلیل بروز آشکار تبعیض و پامال شدن حقوق انسانی و طبیعی اقلیت‌های قومی در نواحی مجزا، همگرایی ملی جای خود را به

واگرایی ناحیه‌ای داده و گروه‌های قومی که به‌خود آگاهی رسیده‌اند، به‌مرور، خود را به‌عنوان سازه‌های مجزا و منفک از پیکره ملی قلمداد خواهند کرد.



مدل ۲. چهارچوب نظری هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای (Authors)

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

هستی‌شناسی و فلسفه وجودی دولت‌های ناحیه‌ای، متاثر از عوامل و متغیرهای مختلفی است که در قالب مدل نظری فوق نمود یافته است. همان‌طور که قبلاً ذکر گردید، در حوزه جغرافیای سیاسی به‌صورت مشخص، نظریه‌ای در خصوص ماهیت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای وجود ندارد؛ بنابراین، در این مقاله تلاش گردید تا نظریه‌های "کارکردگرایی" هارتشورن و "سیرکولاسیون و ایکونوگرافی" گاتمن که بر نقش نیروهای همگرا و واگرا و همچنین علت وجودی حکومت و کشور تأکید می‌نمایند؛ مورد نقد و بررسی واقع شده و با ارائه متغیرهای مطرح در ماهیت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای، چارچوب نظری ارائه گردد. همان‌طور که از مدل نظری فوق مشخص است، هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای بر دو محور اساسی "ماهیت و چیستی" و "چرایی و ضرورت" پایه‌گذاری می‌شود. در مبحث مربوط به ماهیت و چیستی، ناحیه‌گرایان، به‌منظور مشارکت فعال در امورات ناحیه‌ای و ملی، خواهان تقسیم قدرت در سطوح فضایی ناحیه‌ای و ملی می‌باشند؛ بنابراین، تحقق چنین مطالبه‌ای، در قالب خودگردانی ناحیه‌ای به‌منصه ظهور خواهد رسید.

خودآگاهی و حس اقلیت فضایی بودن و تبعیض در دسترسی به منابع و فرصت‌ها، حراست و پاسداری از ارزش‌های ناحیه‌ای و بالفعل ساختن توانمندی‌های ناحیه، زمینه‌ساز شکل‌گیری دولت ناحیه‌ای در چارچوب حکومت ملی را به مطالبه و خواست باشندگان ناحیه قومی مبدل می‌سازد. ناحیه‌گرایی و تلاش در راستای عدم تمرکز، ریشه در تبعیض و بی‌عدالتی در تقسیم فضایی قدرت و ثروت میان مرکز و نواحی قومی دارد، بنابراین، ناحیه‌گرایان قومی، با طرح الگوهای غیرمتمرکز، درصدد ترمیم شکاف‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان نواحی ناهمگن با سایر نواحی می‌باشند.

درارتباط با چرایی و ضرورت شکل‌گیری دولت‌های ناحیه‌ای، عوامل مختلفی تأثیرگذار می‌باشند که در این میان، هویت‌طلبی ناحیه‌ای که در شکل ناسیونالیسم قومی ظهور می‌یابد، درکشورهایی با ترکیب ناهمگون قومی و فرهنگی، ازعوامل اصلی ناحیه‌گرایی و به تبع آن، شکل‌گیری دولت‌های ناحیه‌ای است. ریشه‌های هویت‌طلبی و ناسیونالیسم قومی، برپایه خودآگاهی و وفاداری ناحیه‌ای، تمایزات جغرافیایی، انگاره‌های فرهنگی، خاطرات سیاسی-تاریخی مشترک و حس تبعیض و انزوا از جانب باشندگان ناحیه، استوار است. ناسیونالیسم قومی، واکنشی هدفمند به فرایند هویت‌زدایی سازه ناحیه قومی در چارچوب حکومت ملی و کشوری با ترکیب ناهمگون قومی است. ازجانب دیگر، ناحیه‌گرایان قومی دستیابی به منابع قدرت و ثروت و برابری در فرصت‌ها را در شکل وقاره سازه ناحیه‌ای جستجوی نمایند. شکل‌گیری دولت‌های ناحیه‌ای در چارچوب کشور و حکومت ملی، نه تنها زمینه شکوفایی پتانسیل‌های بالقوه ناحیه‌ای را مهیا می‌سازد، بلکه، موجب بحران‌زدایی محلی و منطقه‌ای در سطح سازه ملی گردیده و با ایجاد توازن ناحیه‌ای، شرایط قوام و همبستگی میان سازه‌های ناهمگون قومی را در سطح کشور و حکومت ملی فراهم خواهد ساخت.

ماهیت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای از کشوری به کشوری دیگر متفاوت می‌باشد. برای نمونه، ماهیت دولت‌های ناحیه‌ای در بریتانیا با آنچه در کانادا، اسپانیا و عراق وجود دارد؛ متفاوت می‌باشد. دربرخی از مناطق، ماهیت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای براساس هویت‌طلبی و ناسیونالیسم قومی است؛ اما دربرخی دیگر، عدم توازن در دستیابی به فرصت‌های اقتصادی و تخصیص منابع و اعتبارات می‌باشد. برای نمونه، اعراب در استان بصره از لحاظ فرهنگی (زبان و مذهب) با کلیت فرهنگی و جمعیتی عراق دارای اشتراک می‌باشند؛ اما وجود بی‌عدالتی اجتماعی و جغرافیایی در تخصیص بودجه و اعتبارات، با وجود تمرکز بیش‌ترین منابع نفت عراق در این استان، موجب خودآگاهی ناحیه‌ای در میان مردم آن شده و خواهان

ایجاد ناحیه فدرال، همچون اقلیم کردستان می‌باشند؛ تظاهرات دو سال گذشته در این استان و همچنین درخواست مکرر شورای استانی و تبلیغات نامزدهای انتخابات پارلمانی عراق در راستای چنین امری، دلالت بر این ادعا می‌باشد (Rudaw, 2019).

دولت‌های ناحیه‌ای در چارچوب حکومت و سازه ملی، از لحاظ ماهیت و چرایی از کشوری به کشور دیگر متفاوت هستند؛ اما در مجموع می‌توان علل وجودی چنین سازه‌هایی را چندعاملی دانست. ماهیت و چرایی دولت‌های ناحیه‌ای، طیف مختلفی از عوامل و متغیرهای موثر را دربرمی‌گیرد. عواملی همچون ناسیونالیسم قومی، هویت‌طلبی، خودآگاهی ناحیه‌ای، تنگناهای اقتصادی و انگاره‌های فرهنگی در تبیین هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای، نقش مهمی ایفا می‌کنند. این مقاله، درصدد وزن‌دهی به متغیرهای مذکور نیست، بلکه آنها را در رابطه‌ای به هم پیوسته می‌بیند؛ هرچند که نقش برخی از عوامل همچون هویت‌طلبی و ناسیونالیسم قومی از دیگر عوامل پررنگ‌تر و تاثیرگذارتر است. هرچند، نظریه‌های مطرح در این مقاله به صورت مشخص بر فلسفه وجودی دولت‌های ناحیه‌ای تاکید نکرده‌اند؛ اما به طور غیرمستقیم نقش نیروهای ناحیه‌گرا در ثبات و همگرایی ملی در کشورهای ناهمگون را برجسته ساخته‌اند. در چارچوب مدل نظری پیشنهادی، توجه به هویت‌خواهی، تمایزات جغرافیایی و فضایی، ذهنیت‌های تاریخی و انگاره‌های فرهنگی نواحی مختلف یک کشور و ایجاد تعادل میان نیروهای واگرا و همگرا با در نظر داشتن حق تعیین سرنوشت که منبعث از روابط اکولوژیک میان سازه‌های انسانی و فضایی است؛ هستی‌شناسی دولت‌های ناحیه‌ای را تبیین، و بستر ساز شکل‌گیری چنین سازه‌هایی در کشورهایی با ترکیب ناهمگون قومی و فرهنگی به منظور کاهش منازعات بین قومی و خشی نمودن مداخلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تعمیق همبستگی ملی را در چارچوب سازه ملی توجیه‌پذیر می‌نماید. بنابراین، و با توجه به آراء و نظریه‌های مطرح و همچنین متغیرهای عینی اثرگذار در فلسفه ماهیت و ضرورت دولت‌های ناحیه‌ای، چهارچوب نظری مذکور پیشنهاد گردید.

کتابنامه

1. Ahmadi, H. (2016). *Ethnic and ethnicity in Iran, from myth to reality*. Iran, Tehran: Ne Publication. [In Persian].
2. Ezzati. E. (2006). *New theory of political geography*. Iran, Tehran: Ghoomes Publishing Company. [In Persian].
3. Fearon, J.D. (1999). *What is identity, (As we now use the word)?*. Stanford: Stanford University.

4. Hafeznia, M.R. (2006). *An Introduction to the research method in humanities*. Iran, Tehran: SAMT Publication. [In Persian].
5. Hafeznia, M.R., Ahmadipour, Z., GhaderiHajat, H. (2013). *Politics and space*. Iran, Mashahd: papoli publication. [In Persian].
6. Hafeznia, M.R., Kaviani, M. (2004). *The new approaches in political geography*. Iran, Tehran: SAMT Publication. [In Persian].
7. Hafeznia, M.R., Kaviani, M. (2015). *The philosophy of political geography*. Iran, Tehran: Strategy Studies Publication. [In Persian].
8. Hafeznia, M.R., Ghorbaninegad, R. (2017). *Geopolitical factors of conflict in international relations*. Iran, Tehran: Islamic azadUniversity. [In Persian].
9. Haggett, P. (2015). *Geography A Modern Synthesis*. (ShapurGudarzinejad. Trans.). Iran, Tehran: Samt. [In Persian].
10. Jones, M., Ryhs, J., & woods, M. (2004). *An introduction to political geography: space, place and politics*. England, London: Routledge.
11. Mirheydar, D. (2011). *Evolution of ideas in political geography*. Iran, Tehran: University of Tehran Press. [In Persian].
12. Mojtahedzadeh, P. (2000). *Political geography and geopolitics*. Iran, Tehran: SAMT publication. [In Persian].
13. Veicy, H. (2015). *Concepts and theories of political geography*. Iran, Tehran: SAMT Publication. [In Persian].
14. Yiftachel, O. (1995). *The political geography of ethnic protest: nationalism, deprivation and regionalism among Arabs in Israel*. Israel: Bengurion University. Department of geography and Environment Development.

تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر شکل‌گیری جریان سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند با رویکرد آینده‌پژوهی

حسام‌الدین حجت زاده (دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران)

hhz1357@gmail.com

محمد باغستانی کوزه گر (استادیار تاریخ و تمدن ملل اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ایران، نویسنده مسئول)

m.baghestani@isca.ac.ir

شهربانو دلبری (استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، ایران)

tarikh_2003@yahoo.com

چکیده

در هزاره نون، بازگشت به سیاست‌گرایی کلاسیک و وجود احزاب سیاسی - مذهبی کارآمد، یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه اجتماعی در مقیاس ملی و عاملی اثرگذار در ثبات و شکوفایی ملت‌های مختلف در عرصه سیاستگذاری‌های بین‌المللی به شمار می‌آید. از این رو، هدف پژوهش حاضر تحلیل پیشران‌های کلیدی مؤثر بر شکل‌گیری جریان سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند با رویکرد آینده‌پژوهی می‌باشد. روش تحقیق به کار گرفته شده، توصیفی - تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، پیمایش‌های میدانی و نرم‌افزاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر عبارت از مجموعه افراد و متخصصانی که پیرامون شکل‌گیری جریان‌های سیاسی - مذهبی در حوزه جنوب شرق آسیا و شبه قاره هند می‌باشد که از دانش و تجربه کافی برخوردار بوده و به دلیل عدم امکان دسترسی به همگان، با استفاده از روش گلوله برفی، تعداد ۴۰ نفر به عنوان نمونه آماری، جهت ادامه مطالعات، انتخاب شدند. نتایج نشان داد که میزان صحت و اعتبار داده‌های پژوهش در قالب شاخص پُرشدگی با ضریبی نزدیک به (۰/۹۸) مورد تأیید قرار گرفت. همچنین، توزیع متغیرهای پژوهش، نشان از سهم قابل توجه و کلیدی عناصری با اثرگذاری متوسط (۲۸۲) در حالت مستقیم و ۴۶۵۰ در وضعیت غیرمستقیم است. متناسب با آن، الگوهای آتی قابل تحقق در سه گروه سناریوهایی با مطلوبیت بالا (وضعیت سبز)، قابل قبول (وضعیت زرد) و بحران (وضعیت قرمز)، ارائه شدند.

واژه‌گان کلیدی: پیشران کلیدی، نظام سیاسی، آینده‌پژوهی، توسعه سیاسی.

۱. مقدمه و طرح مسئله

پیوند مذهب و سیاست، رهاورد سیاستگذاری‌های کلاسیک در حوزه مدیریت فضا و حکمرانی بر مردمان محلی بود که گاه به واسطه قدرت قابل توجه آن، مرزهای قدرت سیاسی حاکمان را بیش‌ازپیش توسعه می‌داد و گاه قدرت ناشی از مذهب، زمینه را برای بروز نظام‌های مردم‌سالارانه و یا دیکتاتوری‌های مذهبی در جهان فراهم نموده است (Lee & et al, 2018). در این میان، پیوند حاکمیت سیاسی و جنبش‌های روشنگرانه اعم از تضاد، تقابل و یا رویکردهای اصلاحی ناشی از آن، از جمله مواردی بود که در سال‌های استبداد سیاه در آسیای شرقی، هندوستان و جنوب شرقی آسیا، نظام‌های خودکامه را تا حدی قابل توجه، تعدیل نموده و زمینه را برای ظهور اولین نظام‌های روشنگرانه و مردم‌سالارانه فراهم می‌نمود (Raggers, 2017; Alavi, 2017; Kameran & et al, 2011). این امر در کشورهایی همچون ایران و عراق که در اعصار گذشته استبدادهای پادشاهی و سیاست‌های استعماری، اساس سیاستگذاری‌های عمومی آن‌ها را شکل می‌داده است، رنگ و بوی متفاوتی داشته و با وجود مصلحانی همچون امام خمینی (ره) که دین و سیاست را احیاگر نظام‌های سیاسی مدرن می‌دانستند (Saeedinejad, 2018: 36; Imam Khomeini Research Portal, 2020: 62)، چارچوبی متفاوت به خود گرفت و روشنگری سیاسی در پرتوی آموزه‌های مذهبی، شکل نوینی از نظام سیاسی را به وجود آورد که ضمن برخورداری از جامعیت و جاودانگی در اثرگذاری، سیستم‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی فضایی را نیز در مقیاس قابل توجه، دگرگون نمود (Faraji & et al, 2015; Edward & et al, 2017; Turner, 2018).

رشد سیاست و نظریه‌های مرتبط با آن در طول تاریخ هموار در بستر پارادایم‌هایی که فراتر از خود سیاست بوده است، شکل گرفته است. این پارادایم‌ها، گاه صرفاً منجر به شکل‌گیری مفاهیم و نظریات جدیدی در کنار سایر نظریه‌های مطرح در حوزه علوم سیاسی می‌شود و گاه، پا را فراتر نهاده و ماهیت نظام‌های سیاسی و حاکمیت فضایی ناشی از آن را دچار تغییر اساسی می‌نماید (Parizei & Kazemini, 2015; Heli & et al, 2017). بر این اساس، می‌توان اشاره نمود که سیاست در یونان باستان در بستر فلسفه مدرسی و در عصر روشنگری و بعد از رنسانس نیز در بستر اومانیسم رشد و هویت یافته است. به نظر می‌رسد ماهیتی که سیاست در عصر مدرن دارا می‌باشد، همان حقیقت نهایی سیاست بوده و دیگر نظام‌های حکمرانی سیاسی نمی‌توانند در ماهیتی غیر از آن مطرح شده و هویت یابند (Dolat Abadi & Sange, 2010). با گذر از اندیشه‌های سیاسی غربی و یونانی، اندیشه سیاسی اسلامی در قالب شکل نوینی

از دانش‌شناسی حکمرانی و با گذر از الگوهای تک بُعدی مذهب - حاکمیت و مذهب - استبداد، الگوهایی همچون مذهب - سیاست - حکمروایی، مذهب - مشارکت - مردم‌سالاری و مذهب - روشنگری - حکمروایی را اساس کار قرار داده است، به نحوی که در درون آن، رویکردهای متفاوت سیاسی - روشنگری، مجال ظهور و فعالیت پیدا نمودند (Zhou, 2011; Kazemi, 2015 & Quarol, 2018). چنین تفاوتی را در معنا و مفهوم واژه حکمرانی که میل استبدادی حاکمیت سیاسی را دربرمی‌گیرد و با اصطلاح حکمروایی که مفهومی غیراستبدادی را نشان می‌دهد، می‌توان جستجو نمود. در حقیقت حکمروایی در چارچوب آموزه‌های روشنگرانه چه در دوران گذشته و چه در جنبش‌های سیاسی معاصر، شکلی مردمی‌تری از نظام‌های سیاسی را ارائه می‌داد که در آن بر خواست شهروندان و مطلوبیت در عرصه سلطه‌گری نظام‌های سیاسی، بیش از پیش توجه می‌گردید (Heydari & et al, 2019; Khalili & et al, 2020). چنین تأملی از نظام سیاسی در شبه‌قاره هند در دوران تاریخی گذشته، مورد توجه حکومت‌هایی همچون گورکانیان قرار گرفته بود و پیوند مذهب و سیاست در چارچوب آموزه‌های اسلامی، بنای خاصی از حاکمیت سیاسی را به وجود آورده بود که چندین قرن دوام آورد و توانست اولین حاکمیت‌های سیاسی مبتنی بر مذهب را در شبه‌قاره هند به وجود آورد (Raggers, 2017; Alavi, 2017; Kameran & et al, 2011). درواقع، حاکمیت مبتنی بر نظام‌های مذهبی - سیاسی همچون اسلام، اعتقاد جدایی دین و سیاست را رد کرده که در نتیجه آن نظام سیاسی و حاکم اسلامی با مشروعیت‌بخشی از سوی خدا، برای خود اختیارات قابل توجهی متصور شده است. این امر در شبه‌قاره هند به واسطه تعارض موجود میان ادیان مطرح در تصاحب حاکمیت سیاسی، جایگاهی ویژه داشت و روشنی نیز به‌عنوان نماد چنین تفکر اسلامی سعی در توسعه چنین دیدگاهی در مقابل نظریه‌هایی همچون "اسلام غیرسیاسی" و "سیاست منهای اسلام" داشته است (Rajabi, 2003). لذا، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکردهای آینده‌پژوهی همچون زمینه‌یابی^۱ و نشانه‌شناسی^۲ سعی در شناسایی پیشران‌های اصلی اثرگذار بر شکل‌گیری و فعالیت جریان سیاسی - مذهبی روشنی در هندوستان و جایگاه آن در حاکمیت جریان‌های سیاسی اسلامی در آن محدوده جغرافیایی پرداخته است، امری که تبیین آن می‌تواند جایگاه حکمروایی خوب را در نظام‌های سیاسی اسلامی روشن و پیشنهاد‌های مناسبی را در این زمینه ارائه دهد. از این‌رو، سوال اصلی پژوهش این است

1. Back casting.

2. Foresight.

که مهمترین پیشران‌های اثرگذار بر تکوین و تدوام جریان سیاسی - اسلامی روشنی در شبه قاره هند کدام است و چه سناریوهای برای آن قابل ارائه می‌باشد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در حوزه تحلیل پیشران‌های اثرگذار بر جریان‌های سیاسی - مذهبی و جایگاه آن‌ها در حاکمیت سیاسی در آسیا به‌طور کلی و هندوستان به‌صورت خاص، پژوهشی‌های چندان کاربردی و علمی انجام نشده و محدود پژوهشی‌های انجام شده نیز فاقد رویکرد استراتژیک، آینده‌پژوهی و راهبردی بوده‌اند. در این بین، فقدان و ابهام در مبانی و مفاهیم مرتبط با موضوع نیز بخشی دیگر از این کمبودهاست که پژوهشی‌های قبلی نتوانسته‌اند به درستی آن را بیان و موردبررسی قرار دهند. لذا در ادامه در چارچوب جدول (۱)، به بیان مهمترین تعاریف و مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۱. مهمترین تعاریف و مفهوم مرتبط با پژوهش

مفهوم	تعریف	مأخذ تعریف
تحلیل فضایی	در یک مفهوم کلی آن را درک یکپارچه محیط و پایش مستمر تغییرات فضایی به منظور سنجش همگونی یا ناهمگونی در استقرار زیرساخت‌ها و پدیده‌های مرتبط با فضا به منظور سنجش میزان استاندارد یا غیراستاندارد بودن بودن توزیع زیرساخت‌ها می‌دانند. «تحلیل فضایی» نوعی تحلیل جغرافیایی است که به دنبال توضیح الگوهای رفتار انسانی و بیان فضایی آن با توجه به اصول هندسی فضا و تحلیل‌های مکانی مربوط به آن است.	ورث ^۱ (۱۹۷۹)؛ حیدری (۲۰۱۶)؛ کالن ^۲ (۱۳۷۷)
توسعه پایدار سیاسی	توسعه پایدار سیاسی شامل تنظیم روابط و کش‌های متقابل بین عوامل انسانی، اقتصادی و عوامل محیطی و سیاسی به منظور ایجاد سرزمینی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه و پایدار از استعدادهای سیاسی، انسانی و محیطی می‌باشد که در آن ظرفیت‌ها و چالش‌ها توسعه فضا و حاکمیت ناشی از آن در نظر گرفته شده و متناسب با آن برنامه‌های اقداماتی تلویین می‌یابد.	حیدری و همکاران (۲۰۱۹)
پیشران	مجموعه عوامل کلیدی اثرگذاری بر حوزه‌های هدف برنامه‌ریزی را پیشران می‌گویند. این عوامل ضمن برخورداری از بالاترین اثرگذاری، بیشترین ثبات و پایداری را در سیستم فضایی به وجود می‌آورند.	کورساوا و کونویتز ^۳ (۲۰۰۱)، حیدری و باختر (۲۰۱۸)
آینده‌پژوهی	آینده‌پژوهی را دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه، عاملانه و پیش‌دستانه	حیدری و همکاران،

1. Werth.

2. Callen.

3. Koresawa & Konvitz.

مفهوم	تعریف	مأخذ تعریف
	دانسته‌اند به نحوی که انجام آن، انسان را از غافلگیری در برابر توفان سهمگین تحولات محافظت می‌کند و کوششی نظام برای همه حوزه‌ها؛ به نحوی که از دل تغییر کردن یا نکردن امروز، واقعیت‌های فردا را به وجود می‌آورد. سه رویکرد اصلی مطرح در حوزه آینده‌پژوهی الگوهای پس‌نگری، پیش‌بینی و نشانه‌شناسی است. که در این پژوهش از رویکردهای پس‌نگر و نشانه‌شناسی استفاده شده است.	(۱۳۹۹)، رهنما و معروفی، (۲۰۱۵)؛ هان ^۱ (۲۰۰۸)
برنامه‌ریز سناریو	سناریو را روشی منظم جهت به تصویر کشیدن آینده‌های ممکن در تصمیمات سازمانی تعریف می‌کند که ممکن است در آینده نقش داشته باشند.	چرماک و همکاران ^۲ (۲۰۰۱)، حیدری و همکاران (۱۳۹۸)
روشنیه	جریانی سیاسی-مذهبی در شبه قاره هند می‌باشد که برای اولین بار ایدئولوژی اسلامی-سیاسی را اساس حکومت‌داری در شبه قاره هند قرار داد و در تقابل با جریان‌های رایج توانست نوعی خاص از حکمروایی سیاسی را بر مبنای آموزه‌های مذهبی ایجاد کند.	ژانگ ^۳ (۱۹۷۹)

مأخذ: Research Findings, 2020

نکته قابل توجه، تفاوت پژوهش حاضر با سایر موضوعات انجام‌شده به لحاظ رویکرد و روش به‌کاررفته و ترکیب آن با سایر الگوهای مطالعاتی است. به‌نحوی که استفاده از رویکردهایی همچون پیشران‌گرایی و ادغام آن با مطالعات جغرافیای سیاسی، می‌تواند نقطه عطفی در پژوهشی‌های آتی در حوزه تبیین جایگاه نظام‌های مذهبی در حاکمیت سیاسی-ملی کشورها به حساب آید. این امر نیز از جمله دیگر ابعاد نوآورانه این کار تحقیقی به شمار می‌آید که چندان در سایر مطالعات انجام شده مدنظر نبوده است. به این اعتبار در قالب جدول (۲)، مروری بر مهمترین پژوهش‌های داخلی و خارجی مرتبط با موضوع شده است.

جدول ۲. مروری بر مهمترین پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون پیشینه جریان‌های سیاسی-مذهبی

محقق	سال	محتوای پژوهش
والش ^۴	۱۸۱۹	وی در پژوهشی که اساس بسیاری از تحقیق‌های امروزی نیز به حساب می‌آید، جایگاه نظام روشنگری را در تحلیل حاکمیت سیاسی تبیین نموده و اعتقاد دارد آینده از جنبش‌هایی تشکیل خواهد شد که پایگاهی اعتقادی و سیاسی داشته و ایدئولوژیک باشند.

1. Han.

2. Chermak & et al.

3. Xang.

4. Walsh.

محقق	سال	محتوای پژوهش
راجرز ^۱	۱۹۵۰	ایدئولوژی سیاسی را عامل اساسی در تشکیل نظام های تمامیت خواه تلقی نموده و در این بین سعی دارد تا با جدا انداختن نقش روشنفکران و جریان های روشنگری، نظام های سیاسی - مذهبی را عامل اساسی در سعادت جامعه بشری تلقی کند.
کارمل ^۲	۱۹۹۹	در پژوهشی که در دانشگاه هاروارد انجام شده است نظام های روشنگری نقطه مقابل حاکمیت های سیاسی - مذهبی تلقی شده و سعی بر حذف جریان های روشنگری را اساس تحلیل چنین نظام های قرار داده است. در این بین گاهی بقایای نظام های ایدئولوژیک عاملی برای شکل گیری جریان های روشنگری به حساب می آید.
ایوان و همکاران ^۳	۲۰۱۰	به تحلیل جایگاه نظام های سیاسی - حاکمیتی در منطقه خاورمیانه پرداخته و جریان های مردمی را عامل اساسی در تداوم خواست توده ها در توجه به شکل گیری نظام های اسلامی - سیاسی می داند. افول چنین نظام هایی را در نتیجه بی توجهی به ماهیت شعاری خود می داند.
پالمر ^۴	۲۰۱۵	جایگاه جنبش های روشنگرانه را با مفهوم انقلاب های ایدئولوژیک هم راستا ندانسته و تأکید دارد شکل گیری نظام های کثرت گرا را عاملی برای تداوم جریان روشنگرانه می داند. در این تئوری، مذهب جایگاهی در شکل گیری نظام روشنگرانه ندارد.
فارار ^۵	۲۰۲۰	در کتاب خود تحت عنوان "جریان های روشنگری مذهبی و آینده حکمروایی سیاسی"، حکمروایی را خاص جوامع دارای روشنگری سیاسی می داند و مذهب را چندان در ارتباط با شکل گیری نظام های مردم سالار در نظر نگرفته است.
پژوهش های داخلی		
نصر	۱۳۸۸	در مقاله خود با عنوان "پارس، اسلام و روشنگری" روح ملیت گرایی را در ایران تابع روشنگری مذهبی دانسته و جریان های ملی - مذهبی را عامل اساسی در شکل گیری حاکمیت های نوین می داند. در میزان توفیق یا عدم توفیق چنین رویکردهایی، تجارب کشورهای اسلامی همچون ایران را مثال زده است.
رجبی	۱۳۹۲	"آشوب روشنگری" عنوان پژوهشی است که روشنگری را در جوامع در حال توسعه کانون منازعات سیاسی می داند و طیف های مذهبی و روشنگری را بر سر راه گزینه های متعدد حکمروایی و حاکمیت در مقابل هم قرار می دهد. از منظر این پژوهش، حاکمیت سیاسی مبتنی بر روشنگری مذهبی دیر یا زود، نخبگان اجتماعی و روشنفکری را با چالش جدی هویتی مواجه می نماید.
فلدمان	۱۳۹۵	در تئوری با عنوان "جدایی انسان توسط خدایان"، هویت مذهبی را عامل تشکیل دولت های تاریخی دانسته و چندان آن را عامل اثربخشی در شکل گیری هویت های نوین حاکمیتی نمی داند. اعتقاد بر این است مذهب فاقد حاکمیت ملی و عدم همراهی توده ها، الگوی خوبی برای حکمرانی نمی باشد.
حکمت	۱۳۹۸	جریان روشنگری در جنوب شرقی آسیا و هندوستان را بررسی نموده و مذهب مبتنی بر روشنگری را عاملی مهم

1. Ragers.
2. Carmel.
3. Evan & et al.
4. Palmer.
5. Farrar.

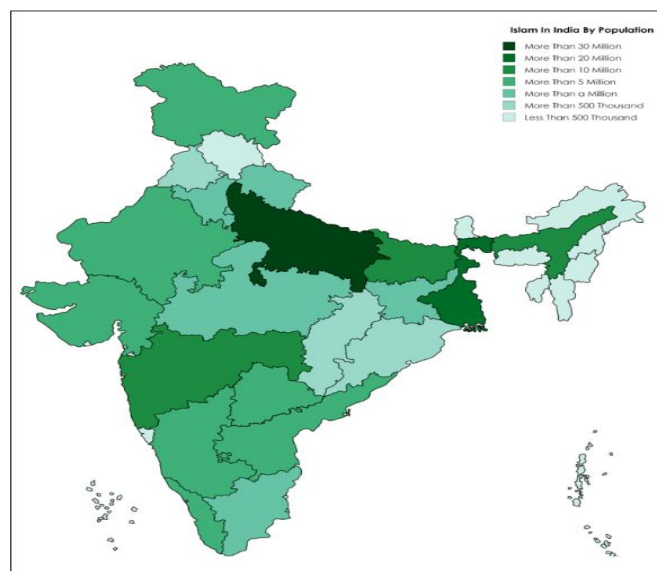
محقق	سال	محتوای پژوهش
		در شکل گیری حاکمیت های آن محدوده می داند. بر اساس دیدگاه وی، هندوستان دروازه ادیان است و دادن نقش مسلط به یک دیدگاه می توان به آن هویت غالب فضایی - سیاسی، بدهد.

مأخذ: Research Findings, 2020

۳. معرفی محدوده مورد مطالعه

شبه قاره هند بخش شبه جزیره ای جنوب آسیا است. این شبه قاره در برگیرنده کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش، نپال، بوتان و گاه میانمار است. از دید جغرافیایی شبه قاره ای بودن این محدوده به واسطه صفحه زمین ساختی آن می باشد که موقعیت ژئوپلیتیک خاصی را برای این محدوده به وجود آورده است (Qalibaf & et al, 2019: 67). گاهی به جای واژه شبه قاره هند از واژه جنوب آسیا استفاده می شود و منظور از این دو واژه، یک ماهیت است. هر چند اصطلاح دوم بار سیاسی دارد و شامل کشورهای ویتنام، بوتان، بنگلادش، پاکستان و افغانستان نیز می شود (Solana, 1999: 24). اسلام، دومین مذهب بزرگ در شبه قاره هند است. بر اساس آمار (سال ۲۰۱۶)، جامعه مسلمانان هندوستان با جمعیتی حدود ۱۴,۲٪ بیش از سیصد میلیون نفر از مردم این کشور را دربرمی گیرد. این درحالی است که بعد از هندوئیسم، اسلام از سایر ادیان رایج همچون، یهودی، بودائی و غیره، پیروان بیشتر داشته و به طبع از اثرگذاری بیشتر نیز در چارچوب تعاملات سیاسی برخوردار می باشد (Indian Cenusu center, 2016: 65). بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و تغییر در ژئوپلیتیک جهانی، سیاست خارجی هند با تحول و دگرگونی بنیادی روبرو شد. این کشور از اصل عدم تعهد به سمت تعهد و همکاری با قدرت های منافع ملی بر ارزش های ایدئولوژیک در دستگاه سیاست، جهانی حرکت کرد. در نتیجه، این امر منافع ملی بر ارزش های ایدئولوژیک خارجی هند ارجحیت پیدا کرده و منافع ملی چراغ راهنمای حرکت سیاست مدارن هندی شد؛ هر چند باید گفت که این امر به مفهوم رویگردانی کامل از سیاست سستی گذشته نبود و به نوعی به روز کردن راهبرد عدم تعهد در هند است، چرا که دولت هند کماکان بر مبانی این سیاست هم چون استقلال و صلح وفادار ماند (Scott, 2002: 84). لذا، دلیل انتخاب شبه قاره هند به عنوان محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر، موقعیت خاص و استراتژیک آن در کنار اهمیت خاص آن در استقرار ایدئولوژی اسلامی در تقابل با سایر ادیان در شبه قاره هند است. این تقابل در آینده به توجه به ساختار جمعیتی قابل

توجه محدوده، می‌تواند در تعیین شرایط سیاسی - استراتژیک منطقه با توجه به توسعه مذهب تشیع و وجود سابقه عقاید روشنیه مبتنی بر اسلام شیعی، موثر قرار گیرد.



شکل ۱. توزیع جمعیت مسلمانان در شبه قاره هند.

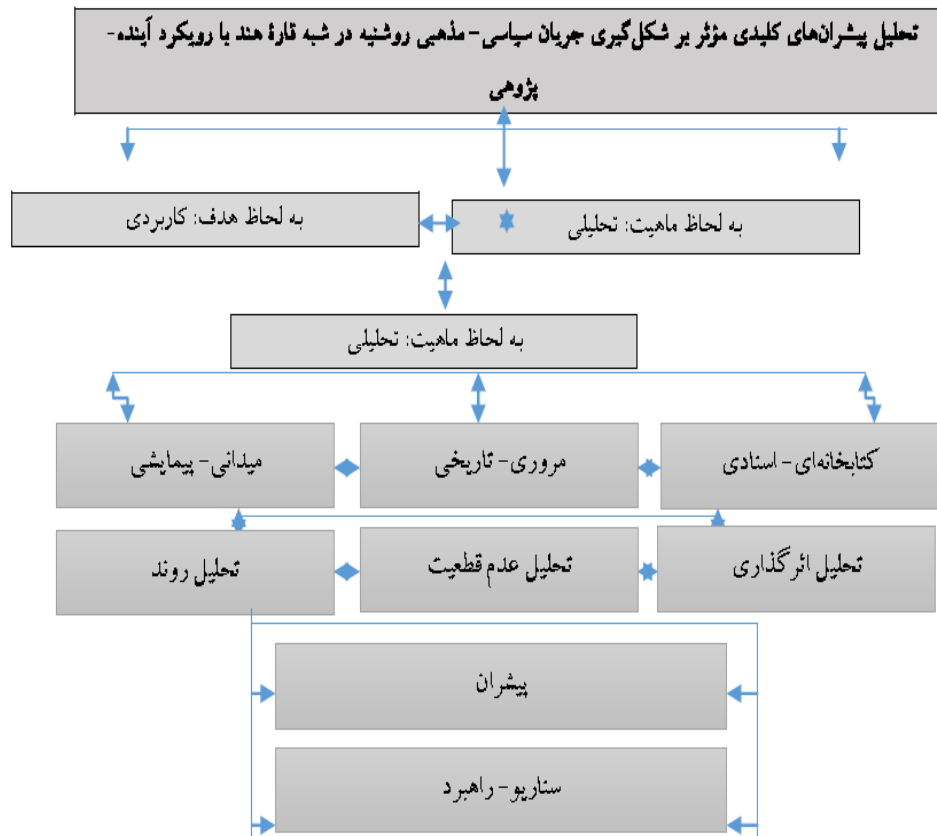
مأخذ: Research Findings, 2020

۴. روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی، مبتنی بر مطالعات کتابخانه - اسنادی و پیمایش‌های آماری در چارچوب الگوهای نرم‌افزاری میک‌مک^۱ و سناریوویزارد^۲ می‌باشد. در ادامه در مرحله توصیفی، ضمن تبیین وضعیت کلی محدوده مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های مورد پژوهش، لیست اولیه تشکیل و در نهایت با مراجعه به نخبگان و کارشناسان، لیست اولیه تحلیل و لیست ثانویه که از قطعیت بیشتری برخوردار است، به دست آمد. در ادامه، با انتخاب جامعه آماری که عبارتست از مجموع نخبگان علمی، اجرایی و کارشناسانی که پیرامون وضعیت سیاسی - مذهبی شبه قاره هند از دانش و تجربه لازم برخوردار بودند، با استفاده از الگوی گلوله برفی تعداد ۴۰ نفر به عنوان حجم نمونه، انتخاب شدند.

1. Mic Mac software.

2. Scenario Wizard Planning.



شکل ۲. نمودار فرآیندی پژوهش.

مأخذ: Research Findings, 2020

از آن‌ها خواسته شد تا بر حسب میزان اثرگذاری - عدم قطعیت متقابل شکل (۲)، از ۱ تا ۵ به ضریب اثرگذاری را جهت سنجش وضعیت پیشران انتخاب کنند که در ادامه با انتخاب بهترین وضعیت‌های احتمال رخداد، میزان پیش‌بینی‌پذیری آن نیز سنجش و داده‌ها تحلیل شد. خروجی‌های حاصل در قالب نمودار اثرسنجی - عدم قطعیت محاسبه و سپس سناریوهای مطلوب، قابل قبول و بحرانی بر مبنای آراء نخبگانی (کیفی) و کمی‌سازی آن در قالب اعتباری‌سنجی ۳+ (شدید مثبت) تا ۳- (شدید منفی)، صورت گرفت و چشم‌اندازهای مرتبط با هر کدام تدوین گردید.

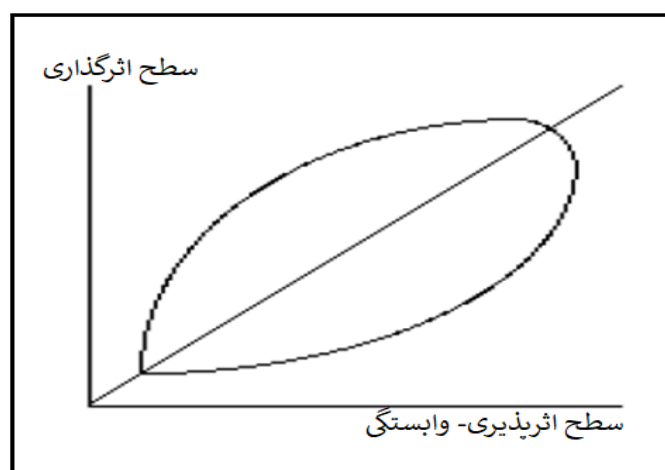
۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵. وضع کلی سیستم سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند

برآیند حیات سیاسی هر جامعه‌ای محصول چگونگی تعامل و تحول جریان‌های سیاسی آن (درون‌زا و برون‌زا) است. از این‌رو، فهم حیات سیاسی - مذهبی هر جامعه‌ای در گرو شناخت، درک و تحلیل جریان‌های سیاسی ناشی از الگوهای روشنگری و غیرروشنگرانه حاصل از آن است. در شرایطی که به خاطر تحولات معرفتی و تکاملی جامعه‌شناسی سیاسی نظریه‌ها و روش‌های موجود بعضاً دچار بحران و نارسایی‌هایی جهت توضیح تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع است، در شبه قاره هند به‌عنوان محدوده مورد مطالعه در پژوهش حاضر، جریان‌شناسی حاکمیت سیاسی از الگوهای خاص و منحصر به فردی تبعیت کرده می‌کند. این امر در تعاملات منطقه‌ای، تاریخی و مذهبی ریشه داشته و نشانه‌های آن را می‌توان در بحران‌های کنونی این محدوده با سایر همسایگان اسلامی خود همچون پاکستان با جمعیت اکثریت مسلمان که ادعای مالکیت بر قسمتی از هندوستان از گذشته تاکنون را داشته قابل تأمل است. لذا، در بررسی پیشران‌های پیدایش و گسترش جریان متمم‌دینانه روشنیه در هند گورکانی تا به کنون که همچنان ادامه دارد، می‌توان به عواملی همچون تقویت روح ملی‌گرایی در مناطق مورد نزاع هند و پاکستان همچون مسئله کشمیر، روحیات جدایی طلبانه اقوام مسلمان پشتو تحت تأثیر جریان‌های روشنگرانه اسلامی، ریشه‌دار بودن منازعات تاریخی، باور به مفهوم هزاره‌گرایی، وابستگی به اسلام سیاسی رایج در ایران و انتقال جریان - های روشنگری اسلامی - ایرانی، اشاره نمود.

در این راستا، باید گفت که در طول سده دهم هجری در شبه قاره هند، جنبش‌هایی شکل گرفت که هدف اصلی آن‌ها غالباً برانگیختن حس ملی‌گرایانه در مردم و قبایل مسلمان یا غیرمسلمان غیرهندو بود. گرایش فزاینده به ملی‌گرایی و جدایی طلبی در قبایل پشتون پشتون ساکن مناطق قبایلی شمال غرب هند گورکانی از هنگام برافتادن سلسله لودیان افغان نژاد به دست بابر شاه شکل گرفت و تا زمان اشغال هند و افغانستان به دست بریتانیا کمابیش ادامه یافت. در این میان کسی مانند بایزید انصاری که نفرت قلبی و خصومت سیاسی نسبت به گورکانیان در آثار او آشکارا دیده می‌شود، کوشید با طرح ادعای مهدویت و سایر ادعاهای ایدئولوژیک، قبایل مردم پشتون را جذب کند و با ایجاد یک ارتش متحد راه را برای جدایی مناطق پشتون نشین از هند هموار سازد. آرمانی که در دوران وی و جانشینانش با مشت آهنین و درایت سیاسی دولت گورکانی محقق نشد، اما در اواخر دوران اقتدار این دولت، کسانی چون خوشحال خان آن

را با جدیت پیگیری کردند تا به تشکیل افغانستان مستقل در سده ۱۸ میلادی/ ۱۲ هجری با محوریت پشتون‌ها انجامید. برای این منظور، در ابتدا لازم است که میزان پایداری^۱ سیستم‌های سیاسی-مذهبی مبتنی بر روشنگری اسلامی در محدوده تاریخی و زمان حال، پیرامون شبه قاره هند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. در این راستا، با توجه به مطالعات استراتژیک در مدل آمایشی میک‌مک، الگوی آینده‌نگاری تحول در چارچوب سیاسی-مذهبی روشنی در هندوستان از وضع استاندارد و پایدار برخوردار نبوده است، به این معنا که این الگو هیچگاه نتوانسته است به‌عنوان یک سبک مسلط حاکمیت سیاسی-مذهبی در محدوده مورد مطالعه مورد توجه مردم و حاکمان محلی، جز در ادواری خاص قرار گیرد. با این وجود، توزیع ارزش‌های محاسبه‌شده و شکل نهایی نمودار میزان اثرگذاری جریان روشنی در شبه قاره هند به صورت شکل (۳) می‌باشد که نشان از ناپایداری شدید در الگوی اثرگذاری سیستم سیاسی-حاکمیتی روشنی می‌باشد.



شکل ۳. میزان ثبات و وضعیت کلی سیستم سیاسی روشنی در شبه قاره هند.

مأخذ: Research Findings, 2020

بنا بر اطلاعات به‌دست‌آمده از شکل (۳) بایستی به نحوه چیدمان و توزیع شاخص‌ها و متغیرهای مورد بررسی در سطح صفحه نمودارهای استراتژیک و سناریونگرانه و تحلیل فضایی سیستم سیاسی-مذهبی

1. Sustainability.

روشنیه، توجه نمود. در سیستم‌های پایدار سیاسی، توزیع متغیرها با دارا بودن تعدادی ضریب اثرگذاری و تأثیرپذیری بالا به صورت تقریباً مساوی در نقاط مختلف نمودار به صورت L انگلیسی خواهد بود، در حالی که در سیستم‌های ناپایدار آمایشی این امر به صورت توزیع نامتوازن ضرایب حول خط قطری در جهت‌های شمال شرقی و جنوب غربی نمودار خواهد بود و علاوه بر این نمی‌توان الگوی واحدی در توزیع متغیرها نیز در صفحه نمودار ارائه داد. با توجه به مجموعه ارزش‌های محاسبه شده و همچنین آنچه در قسمت‌های بعدی خواهد آمد، می‌توان گفت که سیستم سیاسی - مذهبی ناشی از ایدئولوژی اسلام سیاسی و تفکر روشنیه در هندوستان از ناپایداری بسیار شدیدی رنج می‌برد به نحوی که داده‌ها و توزیع آن‌ها ضمن عدم برخورداری از روندی یکسان، دارای حدهای متفاوت بهره‌مندی در توزیع می‌باشد، به گونه‌ای که پس از امتیازهای بالای ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۳ و... مطابق ماتریس اثرات متقاطع و اثرگذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم، دیگر حد میانه‌ای از ارزش‌های محاسبه شده برای متغیرهای وجود ندارد و به صورت آنی با ضرایب بسیار پائین‌تری مواجه می‌شویم که این روند معمولی و استاندارد در توزیع شاخص‌ها نمی‌باشد. به طور کلی هر سیستم پایدار دارای متغیرهای مستقل، کلیدی و نتایج ناشی از آن می‌باشد که در سیستم‌های ناپایدار تفکیک این عناصر بسیار سخت می‌باشد، زیرا اکثر شاخص‌ها دارای ارزش‌های عددی نزدیک به هم بوده و اثرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها نیز از دیگر متغیرها و از همدیگر به صورت میانه‌های نزدیک به هم و بینایی می‌باشد. در ادامه جایگاه ایدئولوژی روشنیه به عنوان اصلی مهم در حاکمیت سیاسی - مذهبی شبه قاره هند در چهار بعد نهادی، سازمانی، محتوایی و فرهنگی تحلیل شده است.

جدول ۳. ابعاد تحلیل حاکمیت سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند

تحلیل نهادی: موقعیت نهادی مذاهب مختلف، و نسبت‌شان با نهاد سیاست، غالباً متفاوت از یکدیگر است. برخی مذاهب، پیوندی سیستماتیک با حکومت دارند، و به اصطلاح در حاکمیت (دین حکومتی) یا حتی مافوق حکومت‌اند (حکومت دینی)؛ اما برخی دیگر، نقش و سهم درخوری در حکومت و حاکمیت ندارند. بر همین مبناست که نلسون احتجاج می‌کند که احساس نزدیکی و وابستگی به یک گروه خاص مذهبی، بر مشارکت کردن اثر می‌گذارد. اگر این مدعا درست باشد، آنگاه ما باید شاهد تفاوت‌های مشارکتی بین فرقه‌های مذهبی مختلف در حاکمیت جریان‌های سیاسی -	تحلیل سازمانی: در توجیهات سازمانی که از توضیحات آموزهای و نهادی در تبیین فرهنگی رایج‌تر می‌باشند، ضمن تلقی از مذهب به عنوان نوعی انجمن مدنی یا سازمان اجتماعی، مکانیسم تأثیرگذاری مذهب در مشارکت‌جویی سیاسی - مذهبی را بدین صورت توضیح داده است که انجمن‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مذهبی (مانند کلیسا، مسجد، انجمن‌ها و مؤسسه‌های مذهبی و ...) فرصت‌هایی برای پیروان و اعضای‌شان فراهم می‌آورند تا منابع لازم برای دستیابی به حمایت سیاسی را گسترش دهند. آنها از طریق نقش‌شان به عنوان مجاری انتقال تجارب و مهارت‌های مدنی، اطلاعات و انگیزش‌های
---	--

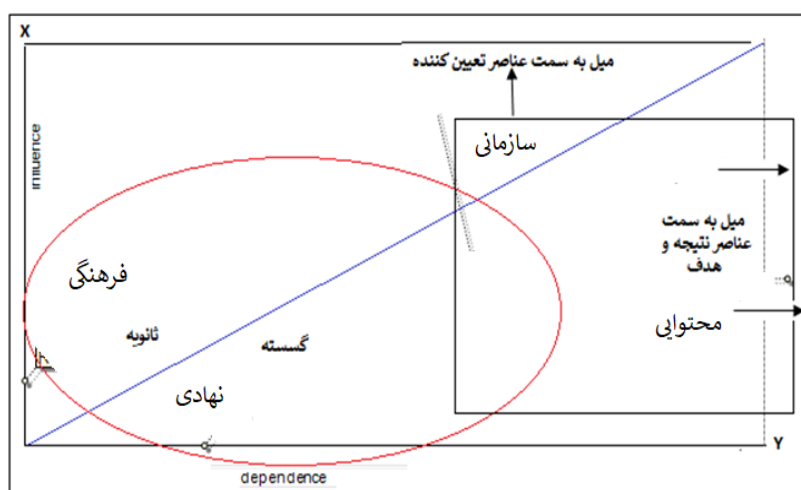
مذهبی نظیر روشنیه باشیم. از چشم انداز نهادی، پیوند یک مذهب خاص با نظام سیاسی حاکم و نقش آفرینی آن در حاکمیت، فی نفسه میزانی از همگرایی و روشنگری را در پیروان آن مذهب (غالب) و حدی از واگرایی را در پیروان سایر مذاهب (اقلیت های مذهبی) پدید می آورد؛ و نتیجتاً آنها را از مشارکت در فرایندهای سیاسی مهم دلسرد یا بی انگیزه می کند.	سیاسی، آموزش هنر شهروندی، عضوگیری برای جریان های سیاسی همسو، سازماندهی سیاسی و بسیج گروهی، زمینه توجه به جایگاه آموزه های روشنگرانه و متحولانه را در ساختار حاکمیت فراهم می - نمایند و با مشارکت سیاسی، زمینه های عدم شکل گیری جریان های سیاسی - مذهبی دیکتاتور مآبانه را شکل می دهد.
تحلیل فرهنگی: به لحاظ فرهنگی، آموزه های مذهب تشیع سیاسی پس از قرن ها و حکومت های روشنگری گذشته، فرصتی پیدا کرده است تا با تکیه بر قرائتی از دین که متضمن ایله تلاؤم دیانت و سیاست است، الگویی موفق از اسلام سیاسی را در ایران پیاده و به جهان اسلام و شبه قاره هند عرضه نماید. طبعاً در چنین قرائتی، مشارکت سیاسی نوعی فعالیت مذهبی و در واقع عبادت یا عمل به تکلیف دینی محسوب می شود. به علاوه، موقعیت نهادی برتر و آموزه های مساعد مذهب تشیع این فرصت و امکان را بدان داده است تا سازماندهی متنوع تر و گسترده تری به فعالیت ها و اجتماعات مذهبی پیروان خویش بدهد. انجمن ها، تشکلهای سازمان ها و شبکه های مذهبی نیز مجموعه ای از منابع، مهارت ها و انگیزه های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی در چنین حاکمیت سیاسی - مذهبی روشنگرانه ای به حساب می آیند.	تحلیل محتوایی: معمولاً این گونه توجیهات، مکانیسم تأثیرگذاری مذهب بر مشارکت سیاسی را آموزه های دینی خاص و گزاره های الهام بخش موجود در متون دینی می دانند. از این منظر، مذاهبی که آموزه های همسازتری با حضور در عرصه سیاسی داشته باشند، نسبت به سایر مذاهب، تأثیر قدرتمندتری در ترغیب پیروان شان برای مشارکت سیاسی دارند. بر این اساس، اعضای سنت های مذهبی متفاوت، در احتمالات مشارکت کردن شان در سیاست نیز متفاوت خواهند بود. توجیه محتوایی، مکانیسم تأثیرگذاری مذهب در مشارکت سیاسی را مجموعه ای از دانش ها، ارزش ها، باورها و اعتقادات مشترک و در عین حال تمایز بخش - میان مذاهب مختلف - می داند، که حول این آموزه ها و انگاره ها شکل می گیرند، و بدین ترتیب، الهام بخش جایگاه مظاهر روشنگری نظیر روشنیه در عرصه سیاسی می شوند.

مأخذ: Research findings (2020), based on Memar (2017); Roof & Mc caity (2000);

McAlister & Makki (1992); Hantigtun (2000).

به طور خاص، رویکرد فرهنگ گرا در تبیین حاکمیت سیاسی - مذهبی جریان روشنیه، بر این اصل اساسی استوار است که کنش گران در موقعیت های مختلف، مستقیماً به محرک های سیاسی پاسخ نمی دهند؛ بلکه این پاسخ به واسطه جهت گیری های میانجی صورت می گیرد؛ که عبارت باشد از مجموعه ای از ایدئولوژی ها، باورها، ارزش ها و گرایش های سیاسی کنش گر، و به عبارتی، فرهنگ درونی شده. جهت گیری های متفاوت و متنوع، رفتارهای متنوع را سبب می گردند. بنا بر اطلاعات به دست آمده از جدول (۳) و سایر مصاحبه های نخبگانی پژوهش، میزان تعیین کنندگی چهار بُعد اصلی پیرامون بسط و گسترش تئوری روشنیه در شبه قاره هند به صورت شکل (۴)، می باشد. با توجه به شکل (۴)، می توان دریافت که سهم ابعاد سازمانی با توجه به نزدیکی به محور X ها و افزایش امتیاز اثرگذاری کلی بر

پایداری سیستم، بیشتر از سایر عناصر بوده است. در این بین، ابعاد محتوایی در درجه دوم اهمیت در توسعه جریان‌های روشنگرانه مذهبی در شبه قاره هند قرار داشته است. به علت ناپایداری شدید سیستم روشنگریه و حاکمیت سیاسی ناشی از آن، عامل فرهنگی و ابعاد نهادی که اصلی مسلم در حوزه سیاستگذاری سیاسی - نظامی است، در لایه‌های کمتر اهمیت‌دار قرار گرفته است که این خود نشان از ضعف چنین الگویی است که در بعضی ادوار تاریخی هم موجبات ضعف و انزوای شدید سیاسی - مذهبی آن را فراهم نموده است. لذا، لازم است که برای رفع چنین عاملی، در تدوین سناریوهای آتی جهت همراهی چنین ابعادی به صورت غالب‌تر، سهم این عناصر از حاکمیت نظامی - سیاسی بیشتر گردد.



شکل ۴. میزان تعیین کنندگی چهار بُعد اصلی پیرامون بسط و گسترش تئوری روشنیه در شبه قاره هند.

مأخذ: Research Findings, 2020

از این منظر، اگر مردم به آرمانی پای‌بند باشند و بدانند که اقدامات آنان به تحقق اهدافشان منجر خواهد شد، در این صورت، در عرصه سیاسی نیز حاکمیت ناشی از آن را پذیرفته و همین عامل تحقق چشم‌اندازهای فرارو را برای ایده روشنگرانه مهیا می‌نماید. در این نظریه، ارزش‌های معین عملکردی حاکمیتی از فرهنگ سیاسی‌ای که حاکمان تحت تأثیر مذهب در آن جامعه‌پذیر شده‌اند، فرا می‌گیرند، و این به نوبه خود، رفتار سیاسی حاکمان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بنا بر ایده‌های تئوری روشنگری، تفاوت‌پذیری‌ها در نظام‌های سیاسی - مذهبی، منتج از ارزش‌ها، اعتقادات و احساساتی در باره سیاست

است که مردم در فرآیند مذهب‌پذیری به جامعه‌پذیری سیاسی دست یافته‌اند. امری که نمود آن را در گذشته، زمان حال و بر مبنای شواهد به دست آمده از پژوهش در آینده نیز می‌توان در شبه قاره هند مشاهده نمود.

۲.۵. شاخص‌های اولیه و تشکیل ماتریس اثرات متقاطع سیستم سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند

در گام اول، الگوی استراتژیک میک مک که به منظور انجام محاسبات پیچیده کاربرد فراوانی دارد، انتخاب شد و در چارچوب تحلیل‌های نرم‌افزاری، ابعاد کیفی پژوهش و شاخص‌های تحقیق نیز تبیین گردید و متناسب با آن ضمن دسته‌بندی متغیرهای اولیه، در قالب جلسات گفتگو با نخبگان انتخابی، لیست نهایی متغیرهای اثرگذار به دست آمد و سپس با سنجش شاخص پُرشدگی میزان صحت متغیرها محاسبه و داده‌ها تحلیل گردید. با توجه به اسناد فرادست و مصاحبه‌های نخبگانی، ابتدا لیستی از متغیرهای مؤثر بر موضوع تهیه و پس از انجام مطالعات تکمیلی، لیستی به صورت جدول (۴)، در قالب یک ماتریس $N \times N$ با ابعاد 20×20 به دست آمد. سپس هر کدام از این متغیرها برای ورود به نرم‌افزار میک مک در چارچوب گذرانی خاص به سیستم معرفی و زیرمجموعه‌های هر کدام نیز در محیط نرم‌افزار تعریف شدند. پس از ورود متغیرها به نرم‌افزار میک مک به صورت جدول (۴)، در چارچوب ماتریس تحلیل اثرات متقاطع از نمونه آماری خواسته شد تا بر حسب میزان اهمیت و تأثیرگذاری، تأثیرپذیری و وابستگی عناصر به هم، به امتیازدهی متغیرها از ۰ تا ۳ و P اقدام نمایند.

جدول ۴. لیست متغیرهای اولیه مؤثر بر سیستم سیاسی - مذهبی روشنیه در شبه قاره هند

N°	عنوان کامل	عنوان اختصاری	توصیف	نماد
1	M1	M1	جدایی طلبی قومی	M1
2	M2	M2	هویت‌خواهی مذهبی	M2
3	M3	M3	ظهور جنبش‌های روشنگرانه	M3
4	PS1	PS1	عملکرد ملل اسلامی مجاور شبه قاره هند	PS1
5	PS2	PS2	عملکرد حاکمان محلی - مذهبی	PS2
6	PS3	PS3	رعایت اصول حاکمیت مذهبی - سیاسی	PS3
7	LP1	LP1	به روز نمودن قوانین سیاسی - حاکمیتی	LP1
8	LP2	LP2	میزان دینی بودن جامعه	LP2
9	LP3	LP3	ظرفیت‌های فرهنگی روشنیه	LP3

N°	عنوان کامل	عنوان اختصاری	توصیف	نماد
10	LP4	LP4	ظرفیت‌های نهادی روشنیه	LP4
11	FS1	FS1	ظرفیت‌های محتوایی روشنیه	FS1
12	FS2	FS2	ظرفیت‌های ساختاری-سازمائی روشنیه	FS2
13	FS3	FS3	تفاوت‌پذیری و مشارکت‌گرایی سیاسی	FS3
14	FS4	FS4	ارزش‌گرایی نظام‌های سیاسی-مذهبی روشنیه	FS4
15	FS5	FS5	پذیرش اجتماعی نظام ایدئولوژیک در محدوده	FS5
16	SC1	SC1	وجود گروه‌های افراطی مذهبی در منطقه مورد مطالعه	SC1
17	SC2	SC2	تقابل شدید نظام‌های حامی جریان روشنگری مذهبی	SC2
18	SC3	SC3	تضاد الگوهای روشنگری و جریان‌های غالب مذهبی	SC3
19	ST	ST1	ظرفیت روحانیت شیعه در بسط روشنیه	ST1
20	ST2	ST2	ساسیت‌گذاری گذاری منطبق با جریان‌های روشنگرانه	ST3

مأخذ: Research Findings, 2020

در این راستا، عدد صفر به منزله بدون تأثیر، عدد یک به منزله تأثیر ضعیف، عدد دو به منزله تأثیر متوسط، عدد سه به معنی تأثیر زیاد و P به معنای اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم به صورت بالقوه می‌باشند. در نهایت، پس از امتیازدهی ماتریسی به صورت شکل (۵) بدست آمد که نشان از اثرگذاری-وابستگی متقابل عناصر و متغیرهای انتخابی پژوهش بر روی هم می‌باشند. پیروی این جدول، متغیرهایی همچون پذیرش اجتماعی نظام ایدئولوژیک در محدوده، وجود گروه‌های افراطی مذهبی در منطقه مورد مطالعه، ظرفیت‌های نهادی جریان سیاسی-مذهبی روشنیه، تقابل شدید نظام‌های حامی جریان روشنگری مذهبی، تضاد الگوهای روشنگری و جریان‌های غالب مذهبی، به روز نمودن قوانین سیاسی حاکمیتی، بروز جنبش‌های تجزیه‌طلبانه و هویت‌خواهانه تحت تأثیر جریان روشنیه، ظرفیت روحانیت شیعه در بسط جریان سیاسی روشنیه، دینی بودن جامعه میزبان و عواملی از این دست، مهمترین شاخص‌هایی بودند که در مطالعات میدانی و پرسش‌نامه‌ای دارای بیشترین امتیاز بوده‌اند. در این راستا، ماتریس اثرگذاری متقاطع به صورت شکل (۵) محاسبه شد.

	20: ST2	19: ST1	18: SC3	17: SC2	16: SC1	15: FS5	14: FS4	13: FS3	12: FS2	11: FS1	10: LP4	9: LP3	8: LP2	7: LP1	6: PS3	5: PS2	4: PS1	3: M3	2: M2	1: M1
1: M1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
2: M2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
3: M3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
4: PS1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
5: PS2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
6: PS3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
7: LP1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
8: LP2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
9: LP3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
10: LP4	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
11: FS1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
12: FS2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
13: FS3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
14: FS4	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
15: FS5	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
16: SC1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
17: SC2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
18: SC3	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
19: ST1	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0
20: ST2	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0	0

شکل ۵. ماتریس اثرگذاری-وابستگی متقاطع جریان سیاسی-مذهبی روشیه.

مأخذ: Research Findings, 2020

متناظر با این ماتریس، جدول (۵)، به دست می‌آید که با دو بار دقت محاسباتی ضریب تحقق‌پذیری و احتمال روی دادن مقادیر ارزش‌گذاری‌ها را سنجیده و به این صورت ضمن سنجش پایایی و روایی داده‌ها، میزان تحقق‌پذیری شاخص‌ها را نیز محاسبه نموده است. این امر مبین ضریب بالای تأثیرگذاری متغیرها و عوامل انتخاب شده بر یکدیگر است. این وضعیت نشان‌دهنده‌ی کارایی ابزار تحقیق و تأیید اطلاعات جمع‌آوری شده در سطح بسیار مطلوب می‌باشد و صحت اطلاعات بدست آمده را تأیید می‌کند. همچنین بر اساس یافته‌های جدول بایستی گفت که بر مبنای ۷۴۷۲ ارزش محاسبه شده در ماتریس اولیه اثرات متقاطع از سوی نخبگان، ۴۱۱۱ مورد با بالاترین حجم آماری دارای میزان اثرگذاری متوسط بوده است. همچنین، ۲۳۰۵ مورد دارای تأثیرگذاری زیاد، ۱۰۵۶ مورد کم تأثیر و ۹۷ مورد بی‌تأثیر ارزیابی شده‌اند، این در حالی است که میزان P (اثرگذاری مستقیم بالقوه) برابر با صفر بوده است.

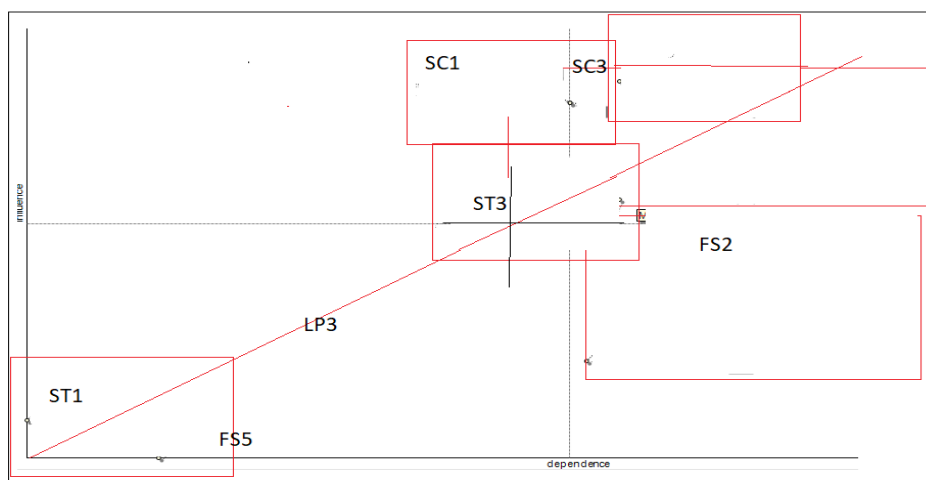
جدول ۵. ویژگی‌های ماتریس اولیه

اندازه ماتریس	۸۷ × ۸۷
تعداد تکرار داده‌ای	۲

تعداد صفرها	۹۷
تعداد یک‌ها	۱۰۵۶
تعداد دوها	۴۱۱۱
تعداد سه‌ها	۲۳۰۵
تعداد Pها	۰
جمع	۷۴۷۲
شاخص پُرشدگی	٪۹۸٫۷۱۸۴۶

مأخذ: Research Findings, 2020

در این میان، تفاوت‌پذیری و مشارکت‌گرایی سیاسی و زیر مجموعه‌های آن دارای کمترین ضریب اثرگذاری و اثرپذیری از دیگر متغیرها بوده‌اند. همچنین، عناصر وجود گروه‌های افراطی مذهبی در منطقه مورد مطالعه (SC1) با امتیاز ۲۲۲، ساسیت‌گذاری گذاری منطق با جریان‌های روشنگرانه (ST3) با امتیاز ۲۱۷ و تضاد الگوهای روشنگری و جریان‌های غالب مذهبی (SC3) با امتیاز ۲۱۰، با توجه به مقادیر ستونی محاسبه شده بیشترین میزان تأثیرپذیری از دیگر متغیرها را داشته‌اند.

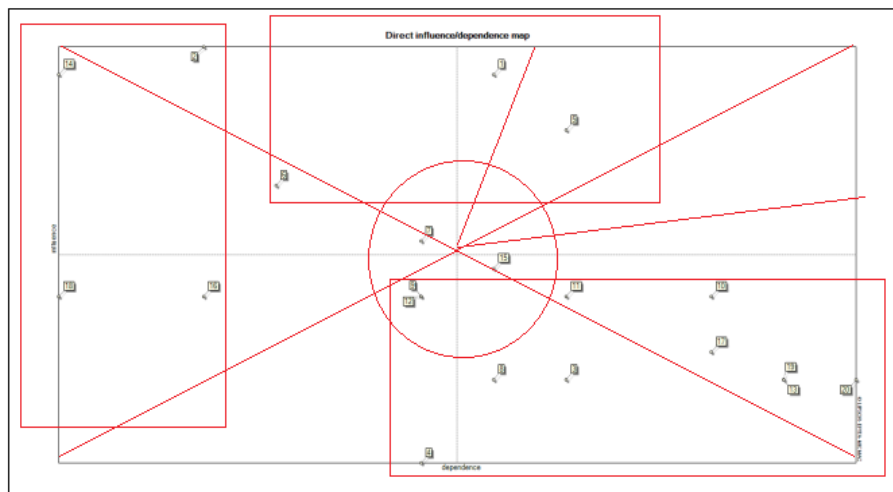


شکل ۵. پراکندگی متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری-وابستگی مستقیم در سیستم سیاسی-مذهبی روشنی.

مأخذ: Research Findings, 2020

با اعمال تمامی متغیرها در حالت مستقیم و غیرمستقیم، نمودار اثر-وابستگی موثر بر جریان روشنی هندوستان به صورت شکل (۶) می‌باشد. در این حالت در صورت تحقق سایر شرایط، پایداری و اثر-

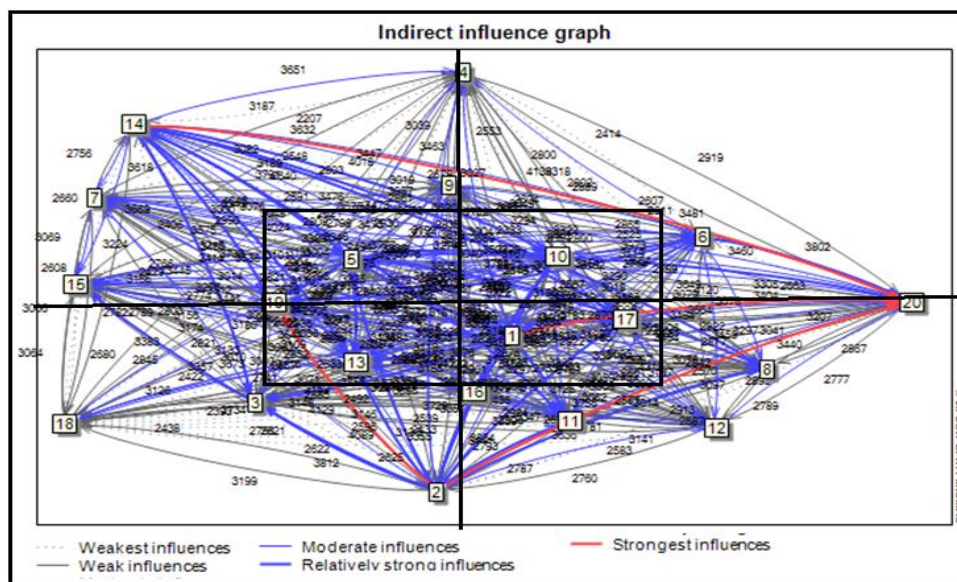
وابستگی این جریان سیاسی-مذهبی با تأکیدات بر آموزه‌های مذهب شیعه بیشتر می‌شود. در نتیجه پایدار سیستم روشنیه در حرکت به سمت شمال غربی نمود می‌باشد.



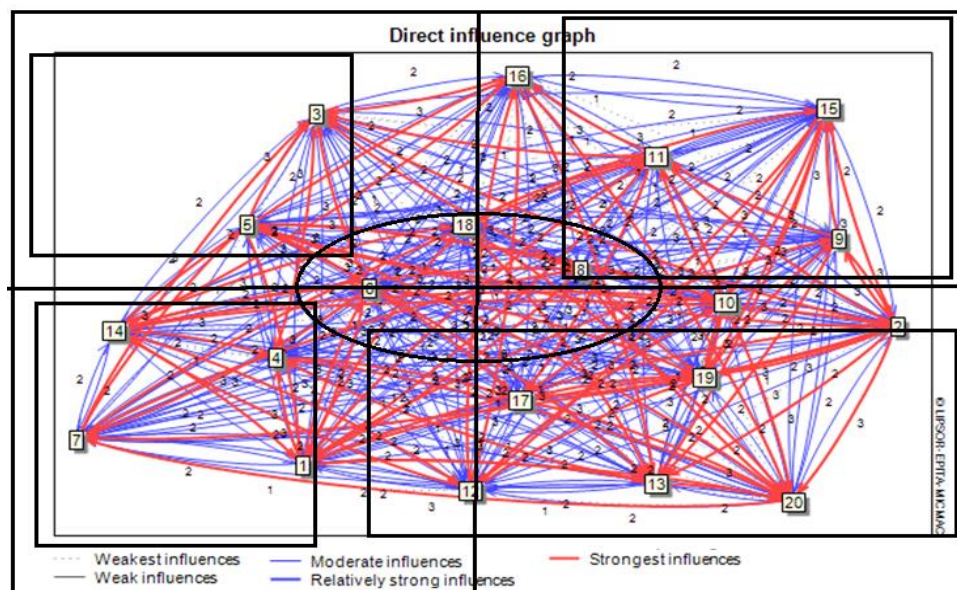
شکل ۶. پراکندگی متغیرها بر اساس میزان اثرگذاری-وابستگی مستقیم و غیر مستقیم در سیستم سیاسی-مذهبی روشنیه.

مأخذ: Research Findings, 2020

در ادامه، با توجه به شکل‌های (۵) و (۶) و به منظور درک بهتر اثرگذاری-وابستگی مستقیم در سیستم جریان سیاسی-مذهبی در چارچوب دو حالت ۱۰۰ درصدی مستقیم و غیرمستقیم، شکل‌های (۷) و (۸) قابل ارائه می‌باشد که با کنار هم گذاشتن آن‌ها، می‌توان دریافت که خطوط قرمز پررنگ نمایانگر اثرگذاری قوی متغیرها بر یکدیگر است. این امر مبین انتخاب متغیرها به نحو صحیح و امتیازدهی مناسب از سوی نخبگان انتخابی می‌باشد. بایستی اشاره نمود که این دو شکل در ارتباط با هم، دارای وضعیتی مکمل و تکمیل‌کننده می‌باشند. با توجه به مجموعه مباحثی که پیرامون متغیرهای به‌کارگرفته شده در پژوهش بیان شد، در ادامه با استفاده از نمودارهای اثرگذاری و وابستگی مستقیم به تحلیل وضعیت متغیرها با توجه به ماهیت دو وجهی و وضعیت پراکندگی آن‌ها در صفحه نمودار پرداخته شده است.



شکل ۷. پراکندگی متغیرها بر اساس سناریوی اول در سیستم سیاسی-مذهبی روشیه.



شکل ۸. پراکندگی متغیرها بر اساس سناریوی دوم در سیستم سیاسی-مذهبی روشیه.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

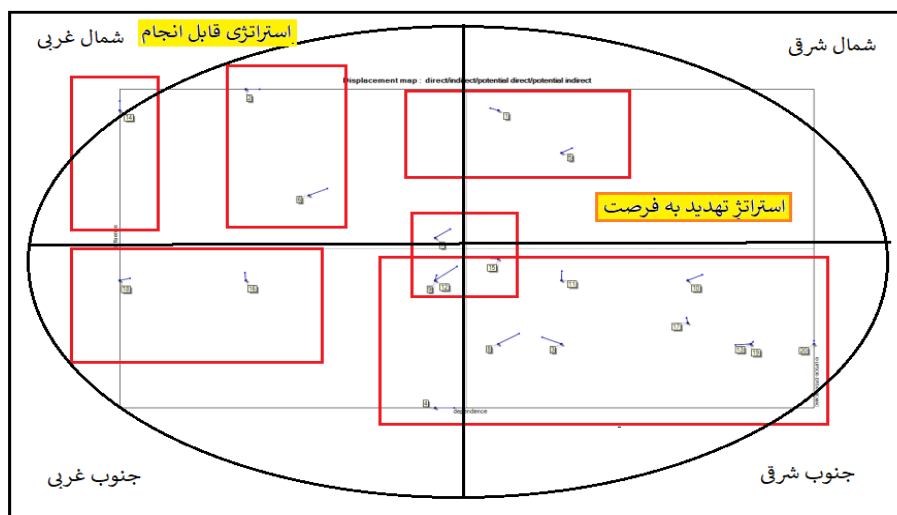
برآیند حیات سیاسی هر جامعه‌ای محصول چگونگی تعامل و تحول جریان‌های سیاسی آن (درونزا و برونزا) است. از این‌رو، فهم حیات سیاسی هر جامعه‌ای در گرو شناخت، درک و تحلیل جریان‌های سیاسی آن است. در شرایطی که به خاطر تحولات معرفتی و تکاملی جامعه‌شناسی سیاسی نظریه‌ها و روش‌های موجود بعضاً دچار بحران و نارسایی‌هایی جهت توضیح تحولات سیاسی و اجتماعی جوامع است، ارائه تحلیل‌های مناسب از جریان‌های سیاسی - مذهبی از جمله روشنی‌ها با رویکردهای نوین، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از ابهامات موجود در این عرصه باشد. در حقیقت حکمروایی در چارچوب آموزه‌های روشنگرانه چه در دوران گذشته و چه در جنبش‌های سیاسی معاصر، شکلی مردم‌تری از نظام‌های سیاسی را ارائه می‌داد که در آن بر خواست شهروندان و مطلوبیت در عرصه سلطه‌گری نظام‌های سیاسی، بیش از پیش توجه می‌گردید. چنین تأملی از نظام سیاسی در شبه‌قاره هند در دوران تاریخی گذشته مورد توجه حکومت‌هایی همچون گورکانیان قرار گرفته بود و پیوند مذهب و سیاست در چارچوب آموزه‌های اسلامی بنای خاصی از حاکمیت سیاسی را به وجود آورده بود که چندین قرن داوم آورد و توانست اولین حاکمیت‌های سیاسی مبتنی بر مذهب را در شبه‌قاره هند به وجود آورد. در واقع، حاکمیت مبتنی بر نظام‌های مذهبی - سیاسی همچون اسلام، اعتقاد جدایی دین و سیاست را رد کرده که در نتیجه آن نظام سیاسی و حاکم اسلامی با مشروعیت‌بخشی از سوی خدا، برای خود اختیارات قابل توجهی متصور شده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت جریان اسلامی نظیر روشنی‌ها بار دیگر در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۰، امکان تأثیرگذاری اساسی بر روندهای تصمیم‌گیری سیاسی - فضایی را در قالب نظام‌های ایدئولوژیک نظیر هندوستان، مصر، افغانستان، عراق و... به دست آورده‌اند. به طور خاص، رویکردهای مختلف در تبیین حاکمیت سیاسی - مذهبی جریان روشنی‌ها، بر این اصل اساسی استوار است که کنش‌گران در موقعیت‌های مختلف، مستقیماً به محرک‌های سیاسی پاسخ نمی‌دهند؛ بلکه این پاسخ به واسطه جهت‌گیری‌های میانجی صورت می‌گیرد که عبارت باشد از مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها، باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های سیاسی کنش‌گر و به عبارتی، فرهنگ درونی شده. جهت‌گیری‌های متفاوت و متنوع، رفتارهای متنوع را سبب می‌گردند. لذا، متغیرهایی همچون پذیرش اجتماعی نظام ایدئولوژیک در محدوده، وجود گروه‌های افراطی مذهبی در منطقه مورد مطالعه، ظرفیت‌های نهادی جریان سیاسی - مذهبی روشنی‌ها، تقابل شدید نظام‌های حامی جریان روشنگری مذهبی، تضاد الگوهای روشنگری و جریان‌های غالب

مذهبی، به روز نمودن قوانین سیاسی - حاکمیتی، بروز جنبش‌های تجزیه‌طلبانه و هویت‌خواهانه تحت تأثیر جریان روشنی، ظرفیت روحانیت شیعه در بسط جریان سیاسی روشنی، دینی بودن جامعه میزبان و عواملی از این دست، مهمترین شاخص‌هایی بودند که در مطالعات میدانی و پرسش‌نامه‌ای دارای بیشترین امتیاز بوده‌اند.

۷. پیشنهادهای پژوهش

متناسب با تحلیل‌های صورت گرفته، پیشنهادهایی به صورت ذیل، جهت بهبود وضع نظام‌های سیاسی - مذهبی مبتنی بر ایدئولوژی روشنی قابل بیان است:

- ارتقاء ارزش‌گرایی نظام‌های سیاسی - مذهبی روشنی؛
- توجه به هویت‌خواهی مذهبی؛
- رعایت اصول حاکمیت مذهبی - سیاسی؛
- به روز نمودن قوانین سیاسی - حاکمیتی با رویکرد جریان روشنی؛
- جدایی طلبی قومی در شبه قاره هند؛
- تدوین استراتژی‌های شمال غربی و شمال شرقی نمودار استراتژی‌ها در شکل (۹).



شکل ۹. استراتژی‌های توسعه جریان سیاسی - مذهبی روشنی در شبه قاره هند.

مأخذ: Research Findings, 2020

کتابنامه

1. Faraji Mullahi, A. Aliverdello, H. Amini, H. (2015). *Defensive land preparation from a passive defense perspective*. The Antiquarian Society of Iran, 13(45), 247-274.
2. Heli, F. R., Thompson, D. J., Helgason, H., Chasman, D. I., Finucane, H., Sulem, P., & Altmaier, E. (2017). *Genomic analyses identify hundreds of variants associated with age at menarche and support a role for puberty timing in cancer risk*. Nature genetics, 49(6), 834-841.
3. Heydari, A., Rahnama, MR., Shokouhi, M., & Kharazmi. O. (2019). *Analysis of Urban Environmental Sustainability in Mashhad Metropolis Using Natural Step Approach*. Journal of Geography and Regional Development, 16(1), 51-88. [In Persian].
4. Imam Khomeini Research Portal (2020). *Imam Khomeini's Thoughts*.
5. Kazeminia, Sh., & Tabrizi, N. (2015). *Evaluation of urban space safety with emphasis on passive defense indicators (Case study: Amol City)*. Urban Planning Studies Quarterly, 3(9), 11-26. [In Persian].
6. Lee, H. Maleki, K. Shafaeti, A. Heydarifar, MR. (2018). *Passive defence and sustainable urban development with an emphasis on the threatening users of the Tabriz metropolis from a war perspective*. Geography and Environmental Sustainability (Geographical Journal), 2(5), 1-24. [In Persian].
7. Parizi, R., & Kazemi, N. (2015) *Passive defense knowledge*. Iran, Tehran: Bustan Publications. [In Persian].
8. Quarol, M. (2018). *Does democracy preemt civil wars?* Journal of political economy, 21, 67-80.
9. Riggers, H., Eli, O., & Rayy, K. (2017). *Passive defense and regional development*. England, London: Routledge press.
10. Saeedinejad, A. (2018). *Politics in Imam Khomeini's thoughts*. Iran, Tehran: Imam Khomeini Press.
11. Turner, H. (2018). *Passive urban defense*, Oxford press. England.
12. Zhou, X. (2011). *Urban land use planning*. Urbana university of Illinois press.

Analysis of the Key Drivers Affecting the Formation of the Political-Religious Raushaniya Movement in the Indian Subcontinent with a Futuristic Approach

Hesamuddin Hojjatzadeh

PhD student of History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran

Mohammad Baghestani Koozegar ¹

Assistant Professor in History and Civilization of Islamic Nations, Institute of Islamic Sciences and Culture, Iran

Shahrbano Delbari

Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 04 April 2020

Accepted: 02 June 2020

Abstract

In the new millennium, the return to classical politicism and the existence of efficient political-religious parties is one of the most important indicators of social development on a national scale and a factor influencing the stability and prosperity of different nations in the field of international policy. Therefore, the aim of the present study is to analyze the key drivers affecting the formation of the political-religious Raushaniya movement in the Indian subcontinent with a futuristic approach. The used research method is descriptive-analytical, based on library studies, field surveys and software. The statistical population of the present study is a group of individuals and experts who have sufficient knowledge and experience about the formation of political-religious movement in the region of South Asia and the Indian subcontinent. Using the snowball method, 40 people were selected as a statistical sample to continue the studies, due to the impossibility of access to all. The results showed that the accuracy and validity of the research data in the form of filling index with a coefficient of nearly (98%) was confirmed. Also, the distribution of research variables indicates a significant and key contribution of elements with moderate impact (282) in the direct state and (4650) in the indirect state. Accordingly, feasible future patterns were presented in three groups of scenarios: high desirability (green status), acceptable (yellow status) and crisis (red status).

Keywords: Key drivers, political system, future research, political development.

¹ Corresponding author Email: M.Baghestani@isca.ac.ir

Theoretical Explanation of the Ontology of Regional Governments

Mahmood Mobarakshahi

PhD. student of political Geography, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Mohamad Reza Hafeznia ¹

Professor in political geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Ribaz Ghorbani Nejad

Assistant professor in political geography, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran.

Ebrahim Roomina

Assistant professor in political geography, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Received: 10 March 2020 Accepted: 14 September 2020

Abstract

The study of ethnic and claims of ethnicity is one of the topics of interest in the field of humanities studies. Meantime, political geography, as one of the dynamic disciplines in this field and because of its philosophical nature studies and surveys the political dimension of the space with a systematic approach, examines the issue of spatial minorities and the distribution of ethnic areas. This article examines the ontology of the regional governments in terms of nature and necessity of forming such structures attempts to answer this fundamental question that what factors justify the nature and necessity of the formation of regional governments? In the field of political geography, "Hartshorne" and "Gottman", by discussing the reason of state's existence, have emphasized the role of divergent and convergent forces in formation and sustaining the state. In this article, discussing and criticizing these theories, we will attempt to survey the effective factors in the ontology or present a theoretical model of the necessity and argument of regional governments that nowadays have emerged in some countries under the federal and autonomous models. The ontology of regional governments is capable to be clarified and survey within the framework of national and independent governments. The nature of such spatial structures would not be possible and lose its status without the existence of a state and an independent national government. This article is fundamental in terms of purpose and it is conducted in the descriptive-analytical method. Due to the nature of the subject, library and documentary methods have been used for data collecting. The results show that factors such as the right to self-determination and regional autonomy, the division of power in different spatial dimensions, identity and spatial perception, the flourishing of regional capabilities, regional identity-seeking, regional and local crisis relief of national territory and space management, establishing understanding and trust among heterogeneous structures, and establishing regional equilibrium, justifies the necessity and the nature of regional state formation.

Keywords: Ontology, Regional Governments, Ethnic Nationalism, Federalism, Autonomy.

¹ Corresponding author Email: hafezn_m@modares.ac.ir

Analysis of Key Drivers Affecting the Spatial Distribution of Infrastructure in Khorasan Razavi Province with an Approach of Future Studies, With an Emphasis on Passive Defense

Seyyed Hadi Azami

Associate Professor in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Akbar Heidari Tahekaboud¹

Assistant Professor in Geography and Urban Planning, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Hossein Rostami

Master of Geography, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 29 October 2019

Accepted: 5 September 2020

Abstract

Today, the spatial analysis of infrastructure in the light of security and defense considerations and using approaches such as futuristic studies and the Geographic Information System (GIS), has fundamental importance in the field of decision-making, appropriate planning in defense planning studies, recognizing the current situation and creating a favorable situation. Therefore, the aim of this study is to identify the effective drivers of spatial distribution of infrastructure in Khorasan Razavi province with emphasis in passive defense approach and the use of Spatial Futurology studies in the context of GIS. Descriptive-analytical, library-documentary studies and statistical surveys were used in the framework of model and software analysis (Mikmak and Scenario Wizard). The results showed that according to the total research indicators, vulnerable zones in Khorasan Razavi province are distinguishable in five areas in the form of zones with very high vulnerability (7.33%), high (16.52%), moderate (29.78), low (16.94%), and very low (29.4%). Also, according to the obtained results, the density and dispersion patterns of the infrastructures of the studied area have been concentrated and clustered and randomly correlated, respectively. Meanwhile, factors such as legal criteria-policy-making, infrastructure-institutional factors, etc., were identified as key drivers of the spatial distribution of the province's infrastructure, and accordingly, future models can be achieved in three groups of scenarios with desirability. High (green status), acceptable (yellow status) and crisis (red status) were presented. Finally, suggestions were made to increase the infrastructure of Khorasan Razavi province.

Keywords: Spatial Futurology, Passive Defense, Regional Infrastructure, Defense Planning, Khorasan Razavi.

¹ Corresponding author Email: heydariakbar@um.ac.ir

Pathology of Political Management of Space in Centralized Simple Systems Case Study: Islamic Republic of Iran

Mohammad Baqer Qalibaf¹

Associate Professor in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Abbas Ahmadi Kerch

Assistant Professor in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Yashar Zaki

Assistant Professor in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Ehsan Lashgari Tafreshi

Assistant Professor in Political Geography, Yazd University, Yazd, Iran

Morteza Razavi Nejad

PhD Student in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 27 January 2020

Acceptance: 20 October 2020

Abstract

The spatial distribution of political-executive power in countries has different patterns with its weaknesses and strengths. In Iran, a centralized simple model is used; This type of system caused the national unity and cohesion of the country in the first decade of the Islamic Revolution, but now, it seems has gradually become an effecting deterrent factor for the country's progress and development due to extensive changes and transformations. The main question of this research is what are the most important disadvantages that a centralized simple system has caused to the country? And what is the severity of these? Based on the finding of this study conducted in the descriptive-analytical method with the participation of 185 academic and executive elites of the country, 10 thematic axes were identified and prioritized as the most important disadvantages of a centralized simple system. These were assessed in a one-sample t-test. The main disadvantages of the centralized simple system in the country are, Neglecting the requirements of local characteristics (t:33.00); neglecting of legal and legislative capacities (t:24.00), inefficiency of administrative-bureaucratic system (t:24.00), spatial injustice and unbalanced development (t:23.00), incomplete participation of people in Local Government Office (t:23.00), non-segregation of activities and responsibilities (t:22.00), irresponsibility, lack of belonging sense and accountability of local officials (t:22.00), pressure on the central government (t:21.00), Lack of development of parties(t:16.00), Continuation of authoritarian and flattering political culture (t:14.00). It seems that the Islamic Republic of Iran has to pay enough attention to these disadvantages in order to progress and develop faster. It has to smooth the way for the excellence of society by changing the level of concentration in the context of a decentralized simple system.

Keywords: Centralized Simple System, pathology, Centralization, Administrative-bureaucratic system

¹ Corresponding author Email: mghalibaf@ut.ac.ir

The Effect of Spatial Identity on the Spatial Distribution of Votes Case Study: Miandoab, ShahinDej and Takab Constituencies

Morad Kaviani Rad ¹

Associate Professor in Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

Arash Soltani

PhD student in Political Geography, Kharazmi University, Tehran, Iran

Received: 10 October 2019

Accepted: 01 May 2020

Abstract

Humans are the source of meaning and identity for place with an attitude to their set of beliefs and actions, and make decisions for their habitat based on their spatial dependence. Voting as a politico-spatial act is a manifestation of these decisions that relate to the identity and spatial belonging of individuals. Our experience of elections on a national scale in the country shows that there is a correlation between the spatial sense of place of individuals and the bias in candidates' votes in the concept of Hometown votes in many constituencies. The present paper, which the required inputs (data and information) were collected using a library method, is of a descriptive-analytical nature and is based on the assumption that the spatial distribution of votes in the Miandoab, ShahinDej and Takab constituencies is a function of and voters' identity sense of place (Hometown votes). The Results showed that the spatial distribution of the vote is a function of the spatial identity of number of holders of voting rights in these constituencies. This mean, spatial identity has been effective in spatial distribution of votes and direction of the Hometown votes of the candidates of these constituencies (Miandoab, Shahin Dezh and Takab).

Keywords: Electoral Geography, Spatial Identity, Spatial Distribution of Votes, Miandoab, ShahinDej, Takab.

1 Corresponding author Email: kaviani75@yahoo.com

Meta-Analysis of Conducted Researches in the Field of Security in the Boundary Cities, In Sistan and Baluchestan Province

Mostafa Eastgaldi ¹

Assistant Professor in Geography and Urban Planning, University of Zabol, Zabol, Iran

Mohammad Ghanbari

PhD in Strategic Management, National Defense University, Tehran, Iran

Reza Pouya

M.A. of Food Science and Technology Engineering, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran

Mojtaba Rousta

PhD student in Geography and Urban Planning, Sistan and Baluchestan University, Zahedan, Iran

Received: 17 August 2019

Acceptance: 10 September 2020

Abstract

Today's, Meta-analysis has a prominent place in fields of study. The use of the results of various research findings for planning of a part of society or the whole of it is one of the most important factors that have made this type of study important. The issue of security is one of the important issues in our society, especially in boundary cities, that has received a great deal of research. In this regard, the preliminary investigation of order and security of boundary cities, reveals that researches conducted in the applied Research Office of Sistan and Baluchestan Disciplinary Command are very dispersed. The importance of this topic and the scattered researches in this area led the researcher to provide a regular formulation of these studies and to conduct a quantitative and qualitative analysis of the research in this field. Therefore, this study intends to provide the diagnostic study of the scientific status of the researches in the field of order and security of the boundary cities in applied Research Office of Sistan and Baluchestan Disciplinary Command and summarize and analyze the nature and quality of them in the 2008-2018. This meta-analytic study has been conducted to meet the needs using qualitative and quantitative methods. In this research, the observation and analysis unit of the research is any research document (research project, thesis, book and conference articles). The statistical unit of the study is consisted of 73 cases including 18 research projects, 8 theses, 5 books and 42 conference papers conducted in applied Research Office of Sistan and Baluchestan Disciplinary Command 2008-2018. CMA-2 and SPSS software were used to analyze the collected data. The results show that the most important challenge in this area is the most researches on "security" have been studied in general, without attempting to study the conceptual and theoretical implications of the various types of security. In addition, almost all of the meta-analysis research was based on quantitative research methods (especially survey).

Keyword: Meta-analysis, Order, Security, Boundary Cities, Applied Research Office of Sistan and Baluchestan Disciplinary Command, Sistan and Baluchestan Province.

1 Corresponding author Email: m.istgaldi62@gmail.com

Analysis of Turkmenistan's Hydropolitical Challenges to its Neighbors

Seyyed Hadi Zarghani ¹

Associate Professor in Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Maliheh Akhbari

M.Sc. Student of Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Neda Chareie

M.Sc. Student of Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Najmeh Mahmoudi

M.Sc. Student of Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Received: 30 April 2019

Accepted: 22 August 2020

Abstract

Countries that are inferior to their neighbors in terms of water supply (upstream) are often passive. In particular, if they are unable to obtain the favorable agreement their neighbors (in a shared basin), they will face challenges and conflicts with them. The opposite is also true; sometimes, upstream countries use this situation as a political tool to put pressure on the opponent and gain more points. This research, using a descriptive-analytical method and citing reliable sources, seeks to study and analyze Turkmenistan's hydropolitical bottlenecks in relation to its neighbors. The paper assumes that Turkmenistan's geographical location and hydropolitical situation in terms of water supply is such that the country will face major challenges with its neighbors. Findings show that Turkmenistan is in a downstream position towards most of its neighbors. This issue potentially (Iran) and actually (Afghanistan and the four Central Asian republics) will create grounds for a hydropolitical challenge for Turkmenistan in relation to its neighbors. While the impact of some variables such as climate change and drought persistence, increasing urbanization and lifestyle changes and consequently a sharp increase in water consumption and the need to produce some strategic agricultural products, will intensify the hydropolitical crisis between Turkmenistan and neighbors in the near future.

Keywords: Turkmenistan, Hydropolitics, Central Asia, Iran, Transboundary Rivers.

¹ Corresponding author Email: h-zarghani@um.ac.ir

Contents

- **Analysis of Turkmenistan's Hydropolitical Challenges to its Neighbors 1**
Seyyed Hadi Zarghani, Maliheh Akhbari, Neda Chareie, Najmeh Mahmoudi
- **Meta-analysis of research conducted in the field of security in the boundary cities, In Sistan and Baluchestan province..... 2**
Mostafa Eastgaldi, Mohammad Ghanbari, Reza Pouya, Mojtaba Rousta
- **The effect of spatial identity on the spatial distribution of votes Case study: Miandoab, ShahinDej and Takab constituencies..... 3**
Morad Kaviani Rad, Arash Soltani
- **Pathology of Political Management of Space in Centralized Simple Systems Case Study: Islamic Republic of Iran..... 4**
Mohammad Baqer Qalibaf, Abbas Ahmadi Kerch, Yashar Zaki, Ehsan Lashgari Tafreshi, Morteza Razavi Nejad
- **Analysis of Key Drivers Affecting the Spatial Distribution of Infrastructure in Khorasan Razavi Province with an Approach of Future Studies With an Emphasis on Passive Defense..... 5**
Seyyed Hadi Azami, Akbar Heidari Tahekaboud, Hossein Rostami
- **Theoretical explanation of the Ontology of Regional Governments 6**
Mahmood Mobarakshahi, Mohamad Reza Hafeznia, Ribaz ghorbani nejad, Ebrahim Romina
- **Analysis of the key drivers affecting the formation of the political-religious Raushaniya Movement in the Indian subcontinent with a futuristic approach 7**
Hesamuddin Hojjatzadeh, Mohammad Baghestani Koozegar, Shahrbanoo Delbari

EXTENDED ABSTRACTS

In the Name of Allah



Ferdowsi University of Mashhad

Research Political Geography

Vol. 4, No.2, Summer 2019,
Serial Number 14

License Holder

Ferdowsi University of Mashhad

General Director

Dr.H. Azami

Editor-in-Chief

Dr.M.B. Ghalibaf

Editorial Board

Mohammad Bagher Ghalibaf
University of Tehran

Zahra Ahmadypour
Tarbiat Modares University

Hadi Azami
Ferdowsi University of Mashhad

Javad Etaat
Shahid Beheshti University

Hadi Zarghani
Ferdowsi University of Mashhad

Mohsen Janparvar
Ferdowsi University of Mashhad

Mohsen Khalili
Ferdowsi University of Mashhad

Mousa Pourmousavi
University of Tehran

Internal Editor:

Dr. M. Janparvar

Assistant Editor

M.Eskandaran

Typesetting:

E.Tajvidi

Printing & Binding:

Ferdowsi University Press

Circulation: 50
Price: 20000 Rials
Subscription:
25 US\$ (USA)
20 US\$ (other)

Address:

Faculty of Letters & Humanities
Ferdowsi University Campus
Azadi Sq. Mashhad-Iran

Post code:

9177948883

Tel: (+98 513) 8806723

E-mail:

pg@ferdowsi.um.ac.ir

Internet Address:

<http://pg.um.ac.ir/index.php/pg/index>

RESEARCH POLITICAL GEOGRAPHY

QUARTERLY (Peer-reviewed Journal)

ISSN:2476-3136

- **Analysis of Turkmenistan's Hydropolitical Challenges to its Neighbors** 1
Seyyed Hadi Zarghani, Maliheh Akhbari, Neda Chareie, Najmeh Mahmoudi
- **Meta-analysis of research conducted in the field of security in the boundary cities, In Sistan and Baluchestan province**..... 2
Mostafa Eastgaldi, Mohammad Ghanbari, Reza Pouya, Mojtaba Roustaa
- **The effect of spatial identity on the spatial distribution of votes Case study: Miandoab, ShahinDej and Takab constituencies**..... 3
Morad Kaviani Rad, Arash Soltani
- **Pathology of Political Management of Space in Centralized Simple Systems Case Study: Islamic Republic of Iran**..... 4
Mohammad Baqer Qalibaf, Abbas Ahmadi Kerch, Yashar Zaki, Ehsan Lashgari Tafreshi, Morteza Razavi Nejad
- **Analysis of Key Drivers Affecting the Spatial Distribution of Infrastructure in Khorasan Razavi Province with an Approach of Future Studies With an Emphasis on Passive Defense**..... 5
Seyyed Hadi Azami, Akbar Heidari Tahekaboud, Hossein Rostami
- **Theoretical explanation of the Ontology of Regional Governments**..... 6
Mahmood Mobarakshahi, Mohamad Reza Hafeznia, Ribaz ghorbani nejad, Ebrahim Romina
- **Analysis of the key drivers affecting the formation of the political-religious Raushaniya Movement in the Indian subcontinent with a futuristic approach** 7
Hesamuddin Hojjatzadeh, Mohammad Baghestani Koozegar, Shahrbanoo Delbari



Vol 4, No. 2
Summer 2019
Serial Number 14

